



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مناسک حج

مطابق فتاویٰ

حضرت آیة اللہ العظمیٰ امام خمینی

پہرہ

مربع معظمت عقیدہ



دیرایش دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)

نویسنده:

حسامی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۲۱	پیشگفتار
۲۵	مقدمه
۲۷	حَجَّةُ الاسلام
۲۹	شرایط وجوب حَجَّةُ الاسلام
۲۹	اشاره
۲۹	استطاعت مالی
۳۹	استطاعت طریقی و بدنی و زمانی
۵۰	عمره و حج کودکان
۵۳	نیابت در حج
۵۳	اشاره
۵۶	شرایط منوب عنه
۶۶	حج استحبایی
۶۷	اقسام عمره
۶۷	اشاره
۶۹	فاصله بین دو عمره
۷۰	اقسام حج
۷۱	صورت حج افراد و عمره مفرده
۷۷	صورت اجمالی حج تمتع
۸۹	واجبات احرام

۱۰۰ بعضی از مستحبات احرام
۱۰۳ بعضی از مکروهات احرام
۱۰۵ احکام محرمات احرام
۱۰۵ اشاره
۱۰۵ محرمات مشترک بین مردان و زنان:
۱۲۸ محرمات مخصوص مردان
۱۴۱ محرمات مخصوص بانوان
۱۴۴ مسائل متفرقه احرام
۱۴۶ مستحبات ورود به حرم
۱۴۷ مستحبات ورود به مکه معظمه
۱۴۷ آداب ورود به مسجد الحرام
۱۵۳ طواف واجب و احکام آن
۱۵۳ اشاره
۱۵۴ واجبات طواف:
۲۰۱ آداب و مستحبات طواف
۲۰۵ نماز طواف
۲۰۵ اشاره
۲۱۶ مستحبات نماز طواف
۲۱۸ سعی صفا و مروه
۲۱۸ اشاره
۲۲۴ مستحبات سعی صفا و مروه
۲۲۹ تقصیر و بعض احکام آن
۲۳۵ مسائل متفرقه
۲۴۰ احرام حج تمتع

- ۲۴۰ اشاره
- ۲۴۴ مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
- ۲۴۶ وقوف به عرفات
- ۲۴۶ اشاره
- ۲۴۹ مستحبات وقوف به عرفات
- ۲۵۴ وقوف به مشعر الحرام
- ۲۵۴ اشاره
- ۲۶۰ مستحبات وقوف به مشعر الحرام
- ۲۶۴ واجبات منی
- ۲۶۴ رمی جمره عقبه
- ۲۶۴ اشاره
- ۲۶۷ واجبات رمی جمره
- ۲۷۱ مستحبات رمی جمرات
- ۲۷۲ دوم از واجبات منی- ذبح است
- ۲۷۲ اشاره
- ۲۸۶ مستحبات هدئی
- ۲۸۸ سوّم از واجبات منی تقصیر است
- ۲۸۸ اشاره
- ۲۹۴ مستحبات حلق
- ۲۹۵ واجبات بعد از اعمال منی
- ۲۹۵ اشاره
- ۳۰۴ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۳۰۵ بیتوته در منی
- ۳۱۱ رمی جمرات سه‌گانه

۳۱۸ مستحبات منی
۳۱۹ مستحبات دیگر مکه معظمه
۳۲۱ استحباب عمره مفرده
۳۲۱ طواف وداع
۳۲۳ مسائل متفرقه
۳۳۴ محصور و مصدود
۳۴۲ گزیده‌ای از سخنان امام خمینی قدس سره
۳۴۹ درباره مرکز

منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)

مشخصات کتاب

نام کتاب: منتخب مناسک حج (سال ۱۳۸۴)

نویسنده: حسامی

موضوع: احکام و مناسک

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: ۱۳۸۴

نوبت چاپ: ۲

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

از نیازهای مهم و جدی روحانیان محترم کاروان‌های حج، آگاهی یافتن از مسائل و فروع مناسک حج و اختلاف فتاوی مراجع عظام تقلید است و از آن جا که زائران و حجاج بیت‌الله الحرام، از مراجع مختلف تقلید می‌کنند، بر روحانی کاروان است که آراء فقهی مراجع معظم تقلید را فراگرفته، زائران را راهنمایی نماید تا آنان بتوانند اعمال حج را بدون اضطراب و دغدغه خاطر به جای آورند.

برای پاسخگویی به این نیاز اساسی، از سال ۱۳۷۰ ه. ش. تا کنون تلاش‌هایی بدین شرح صورت پذیرفته است:

* ابتدا مناسک مرحوم حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی قدس سره که کامل‌ترین مناسک منتشر شده است، با حواشی مرحوم آیه‌الله العظمی اراکی قدس سره به چاپ رسید.

* در مرحله دوم مناسک حضرت امام، با حواشی سه نفر از مراجع عظام تقلید ذیل:

آیه‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی قدس سره

آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی قدس سره

ص: ۱۴

آیه الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی قدس سره

با کوشش و تلاش فراوان تعدادی از عزیزان، تهیه و منتشر گردید.

* در مرحله سوم فتاوی حضرت آیه الله آقای محمد فاضل لنکرانی - دامت برکاته - بر مناسک افزوده شده و حواشی مراجع معظم به چهار نفر رسید.

* در مرحله چهارم بر آن شدیم تا فتاوی مراجع فعلی را نیز بر حواشی مناسک حضرت امام قدس سره بیفزاییم. که این مهم نیز با تلاش گروهی از روحانیان فاضل و ارجمند حوزه علمیه قم، که هم به حج مشرف شده بودند و هم ارتباط تنگاتنگ با بیوت مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - داشتند، به انجام رسید و اولین بار در سال ۱۳۷۵ چاپ و منتشر شد ولی از آنجا که مناسک مذکور به جهت برخورداری از فروع بسیار که برخی از آنها نیز چندان مورد نیاز عموم زائران نبود و وجود برخی از مسائل در قالب استفتاء که کار بازیابی مسائل را دشوار می کرد لذا بر آن شدیم تا با یک اقدام جدید مناسک حاضر را آماده و منتشر سازیم.

حال با توجه به مطالب فوق، نظر خوانندگان عزیز و محترم را به چند نکته مهم جلب می کنیم:

۱- متن این مناسک مطابق با فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی قدس سره می باشد که از مناسک محشی گرفته شده است.

۲- تمام استفتائات موجود در مناسک حضرت امام خمینی قدس سره توسط حضرت آیه الله حاج شیخ محمد حسن قدیری دام ظلّه به صورت مسأله در آمده که منتخبی از آنها در این مناسک، در جایگاه واقعی خود آورده

ص: ۱۵

شده است.

۳- در این مناسک حواشی حضرت آیه الله آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی دامت برکاته، نیز افزوده شد.

۴- برای آن که مسائل عمره و حج از نظم منطقی بهتر برخوردار باشد، برخی جایجائی‌ها در مسائلمصورت پذیرفته است.

۵- پس از آماده شدن این مناسک، نسخه‌ای از آن به دفاتر مراجع معظم تقلید تقدیم، و پس از ملاحظه و درج اصلاحاتی به این

دفتر مسترد گردید که از این جهت مسائل آورده شده مورد اطمینان مقلدان مراجع نیز خواهد بود.

۶- اسامی مراجع محترمی که حواشی آنان در این مرحله افزوده شده به ترتیب حروف الفبا، عبارتند از:

* حضرت آیه الله آقای حاج شیخ محمدتقی بهجت - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج شیخ جواد تبریزی - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج سید علی خامنه‌ای - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج سید علی سیستانی - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی - دامت برکاته -

* حضرت آیه الله آقای حاج شیخ حسین نوری همدانی - دامت برکاته -

علی رغم تلاشهای به عمل آمده شاید کار بدون نقص نباشد، موجب سپاس خواهد بود اگر نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را به

نشانی مرکز تحقیقات حج - واحد فقه، ارسال نمایید.

ص: ۱۶

در پایان از تمامی حضرات آیات، علمای اعلام، بیوت مراجع معظم و روحانیان فاضل و ارجمندی که در تمامی مراحل ذکر شده در فراهم آمدن این مجموعه ارزشمند ما را یاری دادند تشکر و قدردانی نموده، توفیق همگان را از خداوند قادر متعال مسألت داریم.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ص: ۱۷

مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن بشمار می‌رود. ترک حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. «(۱)» خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

. شیخ کلینی قدس سره به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که:

هر کس از دنیا رود و حجه الاسلام را بجا نیاورد بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی

۱- - آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیه الله بهجت: در صورت منافات با بقاء تصدیق به وحدانیت خالق یا بقاء تصدیق به نبوت.

آیه الله فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیه الله زنجانی: و انکار آن از کسی که در محیط اسلامی بزرگ شده اماره کفر است و بر اساس احادیث معتبر به همین جهت خداوند متعال ...

آیه الله مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

ص: ۱۸

از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کس در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

حَجَّةُ الْإِسْلَامِ

۱- حَجَّةُ الْإِسْلَامِ که حَجَّ واجب بر شخص مستطیع است بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نمی‌شود.

(م ۱)

۲- وجوب حَجَّ بر شخص مستطیع فوری «(۱)» است یعنی «(۲)» واجب است در سال اول استطاعت بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست «(۳)» و در صورت تأخیر واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین ...

(م ۲)

۳- بر مستطیع واجب است مقدمات انجام حَجَّ از قبیل تهیّه وسائل

۱- آیه‌الله سیستانی: در این فوریت دو وجه است: اول اینکه شرعی باشد و گویا مشهور هم همین باشد، دوم اینکه عقلی باشد از باب احتیاط تا مبدا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود، که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود، وجه اول احوط است و دوم اقوی. پس اگر آن را از سال اول استطاعت تأخیر انداخت بدون اینکه اطمینان داشته باشد که بعداً می‌تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجزی می‌شود و اگر اصلاً موفق نشود، مرتکب گناه بزرگی شده است.

۲- آیه‌الله زنجانی: یعنی واجب است در اولین سالی که می‌تواند، آن را بجا آورد.

۳- آیات عظام گلپایگانی، خوبی، صافی، تبریزی: بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیه‌الله بهجت: و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سالها بدون توسط توبه از گناهان کبیره مثل ترک حَجَّ است.

آیه‌الله فاضل: تأخیر آن معصیت است ولی کبیره بودن آن به طوری که مسقط عدالت باشد ثابت نیست.

ص: ۲۰

و اسباب سفر را «(۱)» به طوری که بتواند در همان سال به حج برسد «(۲)» فراهم کند و در صورتی که شخص کوتاهی کند «(۳)» و به حج در آن سال نرسد حج بر او مستقر می‌شود «(۴)» که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود. «(۵)»
(م ۳)

۱- آیه الله زنجانی: به طوری که در اولین سالی که می‌تواند به حج برسد، فراهم کند و در صورتی که شخص کوتاهی کند و در اثر آن به حج در آن سال نرسد حج بر ذمه او مستقر می‌شود که باید بعداً به حج برود هر چند استطاعت از بین برود بلی در صورتی که بدون اختیار انجام حج بر او حرجی شود، تأخیر حج تا رفع حرج جایز است و اگر از رفع حرج مأیوس باشد باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد، البته در هر دو صورت می‌تواند خودش در حال حرج بجا آورد.

۲- آیه الله مکارم: در صورت حصول استطاعت چنانچه راه منحصر به نام‌نویسی برای چند سال بعد باشد آن نیز واجب است.

۳- آیه الله بهجت: در صورت اعتماد و وثوق به اینکه با تأخیر نیز حج را حتماً درک خواهد کرد اظهار عدم وجوب خروج در اولین فرصت است، پس اگر اتفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر نشده است، و اما با عدم اعتماد مذکور پس مورد تأمل است و عدم حرمت تقویت احتمالی در موردی که دلیل خاص نباشد خالی از وجه نیست.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی حج مستقر می‌شود که معلوم شود اگر می‌رفت به حج می‌رسید.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: مگر اینکه حرجی باشد که در این صورت برخوردش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج بجا آورند.

آیه الله سیستانی: اگر تأخر بعثت اطمینان به درک حج در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد حج بر او مستقر نخواهد شد.

آیه الله فاضل: در صورتی حج بر او مستقر می‌شود که اگر می‌رفت به حج می‌رسید.

۵- آیه الله فاضل: اگر انجام حج برای او حرجی باشد حج از خودش ساقط است ولی باید خود او بعداً در صورت قدرت انجام دهد و یا بعد از فوتش از ترکه او حج نیابی ولو از میقات انجام دهند.

ص: ۲۱

شرایط و وجوب حجّه الاسلام

اشاره

با چند شرط حج واجب می‌شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

۱- بلوغ، ۲- عقل. پس بر کودک و دیوانه «(۱)» حج واجب نیست.

(ص ۲۰)

۳- استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه و وسعت وقت و کفایت آن. «(۲)»

استطاعت مالی

۴- استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است، «(۳)» و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید «(۴)» و شرط است که مخارج برگشتن «(۵)» را نیز داشته باشد. و امور دیگری

۱- آیه الله بهجت: که قاصر باشد زمان افاقه او از اداء واجب فعلی بر او.

۲- آیه الله زنجانی: و امنیت داشتن در سفر و این که تشرف به حج مستلزم هتک حیثیت او نبوده و همچنین زندگیش را مختل ننماید.

۳- آیه الله سیستانی: اگر به آن نیاز داشته باشد.

۴- آیه الله بهجت: و نیز اظهر وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلاً زاد و راحله را ندارد ولی می‌تواند بمناسبت موقعیت شغلی خود بدون استیجار که بعداً ذکر می‌شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوائج مناسب هر وقت را تحصیل نماید بدون خطر و با اطمینان به حصول، مثل خدمت کردن در کاروان به اعمالی که در غیر سفر، شغل او همانهاست.

۵- آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، بهجت، فاضل، سیستانی، صافی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد. اما اگر نخواسته باشد برگردد، یا خواسته باشد در جای دیگری غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آن جا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه بیشتر از هزینه بازگشت به وطن باشد که در این صورت اگر ناگزیر از سکونت در آنجا نباشد، هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

آیه الله بهجت: بنحویکه بواسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: داشتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود یا جایی که دورتر از وطن نباشد را داشته باشد ولی اگر قصد رفتن بجایی دورتر از وطن خود را داشته باشد داشتن هزینه بازگشت به وطن کفایت البتة مقصود جایی است که از نرفتن به آنجا بجرح نمی‌افتد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر تصمیم به بازگشت داشته باشد.

آیة الله خویی رحمه الله: داشتن مازاد بر مصارف و رفتن و برگشتن در تحقق استطاعت شرط نیست بلی اگر به علتی اداء حج بر مکلف مستلزم وقوع در حج باشد حج بر او واجب نیست.

آیة الله زنجانی: داشتن هزینه بازگشت در صورتی معتبر است که مکلف نیازی به برگشتن داشته باشد و اگر انجام حج باعث شود که حاجی ملزم به سکونت در جای دیگری غیر از وطن خود شود باید هزینه رفتن به آنجا را داشته باشد.

ص: ۲۲

در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می‌شود.

(م ۱۵)

۵- شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، ضروریات زندگی «(۱)» و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، «(۲)» مثل

۱- آیه الله بهجت: ضرورت شخصیه یا شائیه.

۲- آیه الله زنجانی: داشتن ضروریات زندگی در استطاعت معتبر نیست. بلی کسی که بعضی از ضروریات زندگی خود را ندارد و مالی به مقدار مخارج حج دارد که اگر آن را در راه حج هزینه کند برای تهیه لوازم زندگی به مشقت شدید می‌افتد یا آنها را با هتک حیثیت او همراه خواهد بود، مستطیع نمی‌باشد. البته در صورتی که تصمیم داشته باشد که اگر حج هم نرود، این مال را در تهیه لوازم زندگی مصرف نکند و همچنین در صورتی که اگر این مال را در سفر حج مصرف هم نکند، نمی‌تواند ضروریات زندگی را تهیه کند، مستطیع می‌باشد.

ص: ۲۳

خانه مسکونی «(۱)» و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب «(۲)» با شأن او باشد «(۳)» و چنانچه عین آنها را ندارد، «(۴)» پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

(م ۱۶)

۶- اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حَجَّه الاسلام کفایت نمی کند. «(۵)»

(م ۱۷)

۷- کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، «(۶)» اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع

۱- آیه الله مکارم: خواه ملکی باشد یا اجاره‌ای که با شئون او سازگار باشد.

۲- آیه الله بهجت: در حدی که کافی برای شخص و شأن او باشد.

۳- آیه الله سیستانی: ... و نداشتن آن موجب حرج باشد.

۴- آیه الله صافی: و نداشتن آن حرجی باشد.

۵- آیه الله خویی: چنانچه سبب حرج بشود حج واجب نیست. بلی اگر بنا بر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت، حج بر او واجب است.

آیه الله زنجانی: کسی که برای سفر حج باید لوازم زندگی خود را بفروشد و پس از بازگشت برای تهیه آن با مشکل روبه‌رو می شود مستطیع نمی باشد والا- با داشتن بقیه شرایط- مستطیع بوده به هر شکلی حج بجا آورد کافی است هر چند ضروریات اولیه زندگیش را خرج سفر حج کند.

۶- آیه الله زنجانی: کسی که تمام هزینه حج را ندارد، ولی از دیگری به مقدار مخارج حج یا مکمل آن طلبی دارد که وقت پرداخت آن است، چنانچه مدیون بتواند بدهی خود را بپردازد و طلبکار نیز بتواند بدون مشقت و هتک حیثیت به طلب خود برسد مستطیع بوده، حج بر او واجب می گردد و اگر انجام حج متوقف بر مطالبه قرض باشد، مطالبه نیز واجب می شود و اگر وقت طلب او نرسیده، چنانچه مدیون بخواهد بپردازد مستطیع است و آلا مستطیع نخواهد بود. در هر صورت اگر بتواند طلب خود را به مبلغ کمتری که برای حج لازم دارد بفروشد، چنانچه این کار برای او مشقت شدید نداشته باشد، مستطیع می باشد، هر چند در این فروش ضرر کند.

ص: ۲۴

شدن در حَرَج و مشقت، «(۱)» آن را بگیرد واجب است مطالبه کند «(۲)» و بگیرد و به حج برود، «(۳)» مگر مدیون نتواند بپردازد که در اینصورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود «(۴)» و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود، ولی اگر مدیون نمی‌خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود. «(۵)»

(م ۱۹)

- ۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: و نیز می‌تواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا با رجوع به حاکم غیر شرعی- در صورتی که استیفاء حق موقوف بر آن باشد، بنا بر اقوی- آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است.
- ۲- آیه الله سیستانی: مستطیع است و واجب است حج برود هر چند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و همچنین است اگر بدهکار دارا باشد و نپردازد ولی بتواند هر چند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاضا بردارد. بلی اگر استیفاء دین بر او حرجی باشد مستطیع نیست.
- ۳- آیه الله بهجت: اگر تحصیل آن متوقف بر مراجعه به دادگاه اگر چه حاکم جور باشد لازم است مراجعه نماید در صورتی که موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمل است و اقرب و وجوب مطالبه است با عقلائی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج.
- ۴- آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی، در این مسأله قائل شده‌اند که اگر بتواند دین را بفروشد و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت شدید نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.
- آیه الله سیستانی: اگر بتواند دین را بفروشد بنحوی که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.
- آیه الله فاضل: اگر بتواند دینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.
- ۵- آیه الله سیستانی: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد همچنانکه معمولاً چنین است.-
- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: و اگر شك داشته باشد که مدیون با مطالبه می‌پردازد یا نه، به جهت آنکه احتمال استطاعت می‌دهد، و تمکن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت.
- آیه الله صافی: حکم مسأله در صورتی است که فروش دین مؤجل به نقد ممکن نباشد و الاً فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.
- آیات عظام خوبی، تبریزی، بهجت: در صورتی که اگر مطالبه کند بدهکار خواهد پرداخت، باید مطالبه کند و به حج برود.
- آیه الله فاضل: مگر آنکه یقین داشته باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می‌شود، که در این صورت مطالبه لازم است.
- آیه الله مکارم: اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

ص: ۲۵

۸- اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمی‌شود، «(۱)» هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را اداء کند «(۲)» و اگر با آن حج بجا آورد از حجّه الاسلام کفایت نمی‌کند. «(۳)»
(م ۲۰)

۱- آیه الله زنجانی: هر گاه کسی به مقدار مخارج حج یا مکمل آن قرض کند چنانچه اگر حج برود در پرداخت بدهی خود به مشقت شدید نمی‌افتد مستطیع شده باید حج بجا آورد هر چند آن پول را برای خصوص حج قرض کرده باشد و حج او کفایت از حجّه الاسلام می‌کند.

۲- آیه الله خامنه‌ای: کسی که مخارج حج را ندارد، ولی می‌تواند به آسانی آن مبلغ را از دیگری وام بگیرد و بعداً اداء کند واجب نیست که با گرفتن وام خود را مستطیع کند، ولی اگر وام گرفت، حج بر او واجب می‌شود.

۳- آیات عظام خویی، فاضل: هر گاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به مقدار مخارج حج باشد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقت بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

آیه الله بهجت: قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آنکه مالی داشته باشد بالفعل که می‌تواند پس از حج با فروش و استبدال آن اداء دین کند که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عدم تمکن از فروش آن قبل از حج و اگر مالی که با آن اداء دین می‌نماید بعد از حج تحصیل می‌شود، پس در وجوب حج فعلاً تأمل است.

آیه الله تبریزی: هر گاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول بمقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را اداء کند ولی فعلاً نمی‌تواند آن را بفروشد یا در آن تصرف کند حج بر او واجب خواهد بود. بلکه در این صورت اگر قرض کرده بر او حرجی نباشد مستطیع است و باید حج برود و استطاعت متوقف بر قرض گرفتن نیست.

آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت اگر قرض کرد حج بر او واجب خواهد شد.

آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: در صورتی که مالی دارد که در دسترس او نیست و بعداً به واسطه آن به راحتی بتواند قرضی را که گرفته ادا کند، در این صورت با قرض گرفتن صدق استطاعت می‌کند و با وجود سایر شرایط، حج واجب است و حجّه الاسلام محسوب می‌شود.

ص: ۲۶

۹- اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهت استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند «(۱)» در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

(م ۲۴)

۱۰- شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد «(۲)» باید بفروشد و

۱- آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: تصرف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند.

آیه الله تبریزی: اگر ضرورت عرفی نداشته باشد بنا بر احتیاط واجب آن را حفظ کند.

آیه الله خامنه‌ای: پس از فرا رسیدن زمانی که صرف آن برای رسیدن به حج لازم است شخص مستطیع نمی‌تواند خود را از استطاعت بیندازد و پیش از فرا رسیدن این زمان نیز احتیاط واجب آن است که خود را از استطاعت خارج نسازد.

آیه الله زنجانی: مستطیع می‌باشد و اگر برای حج در سال بعد حفظ پول لازم باشد باید پول را حفظ کند بلی چنانچه ضرورتی پیش آمد می‌تواند مال را در آن صرف نماید پس اگر مصرف کرد از استطاعت می‌افتد.

آیه الله گلپایگانی: اگر اطمینان دارد که در سال‌های بعد از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند نمی‌تواند در مال خود تصرف نماید.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار اوست، به طوری که کسر شأن او نبوده، و بدون سختی و حرج، از داشتن خانه دیگر بی‌نیاز است، و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکی‌ای دارد که قیمت آن وافی به مخارج حج و یا متمیم آن باشد، واجب است خانه ملکی خود را فروخته و صرف مخارج حج کند، و همچنین است نسبت به دیگر چیزهایی که مورد نیاز بوده، و از غیر راه ملکیت رفع احتیاجش شده باشد.

ص: ۲۷

به حج برود اگر چه بواسطه مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی «(۱)» بفروشد مگر آنکه «(۲)» فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.

(م ۲۷)

۱۱- اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند را به او ببخشند برای اینکه حج بجا آورد «(۳)» باید قبول کند و حج بجا آورد، و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین اینکه حج بجا آوری یا نه. «(۴)» ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست. «(۵)»

(م ۳۴)

۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر باعث ضرر قابل توجه شود فروشش واجب نیست.

آیه الله بهجت: اگر حرجی یا ضرری نباشد.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اجحاف و ضرر بحدی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

آیه الله مکارم: بطوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

۳- آیه الله بهجت: واجب نیست قبول نماید و در صورت قبول، استطاعت بذلیه محقق است و استطاعت مالیه است در دو صورت بعد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: چنانچه مال، کافی برای مؤونه حج باشد، و یا به مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل می‌شود، حج بر او واجب، و کافی از حجه الاسلام است.

آیه الله نوری: مگر اینکه در قبول ذلت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.

۴- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: و اگر واهب بخشنده اختیار را به انسان بدهد و بگوید می‌خواهی با این مال حج برو و نمی‌خواهی به حج برو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

۵- آیه الله مکارم: بلکه قبول واجب است بشرط اینکه به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

آیه الله زنجانی: در هر سه صورت با داشتن سایر شرایط مستطیع است مگر آن که قبول بذل یا تحویل مال موهوب حرجی یا مستلزم هتک حیثیت او باشد و همچنین است در صورتی که مکمل هزینه حج را به او ببخشند و در هر حال پول قربانی مانند حج غیر بذلی جزء استطاعت نیست پس کسی که تمکن از قربانی ندارد روزه می‌گیرد. بلی اگر روزه گرفتن مشقت شدید یا خوف ضرر داشته باشد حج واجب نمی‌شود.

ص: ۲۸

۱۲- کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد (۱) و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج بجا آورد.

(م ۳۸)

۱۳- شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند. (۲)

(م ۳۹)

۱- آیه الله سیستانی: و اما اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدم بدارد، مگر اینکه برای او وثوق حاصل شود که در سالهای آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدم بدارد. آیه الله زنجانی: و بعد از آن در اولین سال ممکن برای خودش حج بجا آورد و اگر راه انجام حج خود منحصر به حفظ این اجرت باشد، نباید آن را در کار دیگری هزینه کند، مگر آن که نیاز مبرمی پیش بیاید و در این صورت اگر پول را در آن نیاز مصرف کرد از استطاعت می افتد.

آیات عظام خوبی، تبریزی، زنجانی، فاضل: اما اگر مقید به همان سال نباشد و برای او محرز است که می تواند حج نیابی را در سالهای بعد بجا آورد، حج خودش را مقدم کند و الا باید حج نیابی را مقدم بدارد. آیه الله بهجت: اما اگر حج نیابتی مقید به همان سال نباشد حج خود را مقدم بدارد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و یا عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد.

آیات عظام خوبی، سیستانی، تبریزی: داشتن مخارج عائله غیر واجب النفقه شرعی، شرط نیست مگر اینکه با ترک انفاق بر آنها خودش به حرج می افتد.

آیه الله بهجت: در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن احوط رعایت عسر و حرج است یعنی نه اقتضای فقط بر مقداری که بر او واجب شرعی است می کند و نه انتظار تمکن از هر چه عرفیت دارد می کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه اش عسر و حرج است.

آیه الله زنجانی: در استطاعت، شرط است که حج سبب اختلال در تأمین زندگی کسانی که عرفاً یا شرعاً واجب النفقه او هستند نباشد و لازم نیست که مخارج آنها بالفعل داشته باشد بلکه کافی است بتواند با کسب، آن را تأمین کند.

ص: ۲۹

۱۴- شرط است در استطاعت رجوع به کفایت، «(۱)» یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد بطوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، «(۲)» و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیّه داشته باشد،

۱- - آیه الله بهجت: اظهر اعتبار رجوع به کفایت است به این معنا که به سبب حج از غنا به فقر یا از فقر به اوسع از آن واقع نشود. آیه الله خویی: رجوع به کفایت در تحقق استطاعت دخیل نیست بلی اگر شخصی بداند که از رفتن به حج در آینده به حرج می‌افتد حج بر او واجب نیست.

آیه الله زنجانی: داشتن شغل مناسب از شرایط وجوب حج نیست. بلی رجوع به کفایت به این معنی در استطاعت شرط است که حج مستلزم اختلال در زندگی مکلف نباشد. پس چنانچه انجام حج موجب از دست دادن شغلی که تنها ممر زندگی مکلف است گردد، مستطیع نمی‌باشد.

۲- - آیه الله فاضل: و همچنین اگر از طریق زکات و یا خمس و یا استعطاء، امور خود را اداره کند، کافی است، و همچنین کسی که آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می‌شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می‌شوند چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرف شوند حج واجب است و از حجّه الاسلام کفایت می‌کند.

ص: ۳۰

کفایت نمی‌کند، «(۱)» بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه‌های علمیه دارند «(۲)» حج واجب نیست. «(۳)»

(م ۴۰)

استطاعت طریقی و بدنی و زمانی

۱۵- شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از

۱- آیه الله خامنه‌ای: اگر بعد از مراجعت زندگی آنها با شهریه اداره می‌شود کفایت می‌کند و حج واجب است. آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: کسی که از وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال اینها زندگی خود را اداره می‌کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجش با قبل از آن تفاوتی نکند.

آیه الله بهجت: عیناً موافق حاشیه قبلی بوده با این تفاوت که ایشان صراحت در وجوب حج دارند.

آیه الله زنجانی: نیاز به شهریه و وجوه شرعی مانع استطاعت نیست مگر در مورد کسانی که انجام حج آنها را مجبور به استفاده از وجوهات گرداند و این گونه ارتزاق مناسب شأن آنها نباشد.

۲- آیه الله بهجت: اگر زندگی آنها با وجوهات بر حسب عادت بدون مشقت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است.

۳- آیه الله مکارم: برای طلاب و مانند آنها حج واجب می‌شود.

آیه الله گلپایگانی: افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوهات شرعی و نذورات استفاده می‌کنند، مانند طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد.

آیه الله صافی: ولی رعایت احتیاط به اینکه به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید خوب است.

ص: ۳۱

جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی [\(۱\)](#) که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست [\(۲\)](#) و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است بطوری که نمی‌تواند به حج برسد نیز واجب نیست. [\(۳\)](#)

(م ۴۱)

۱۶- اگر با وجود شرایط استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او

۱- آیه الله خویی: بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج ناامید است یا بر او حرجی است واجب است نایب بگیرد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صحت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد در صورتی که حج بر او مستقر شده، و اگر حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است اگرچه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد.

آیه الله خویی: در این فرض گرفتن نایب واجب است و وجوب آن فوری است.

آیه الله سیستانی: اگر امید به تمکن از حج بدون حرج و مشقت بعد از آن هم نداشته باشد در این فرض گرفتن نایب واجب است، و وجوب آن فوری است.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط باید نایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر اینکه اطمینان به تمکن از مباشرت در سالهای بعد داشته باشد.

آیه الله بهجت: در صورت یأس از خوب شدن استنابه می‌کند بنحو فوری بنابر اظهر.

۳- آیه الله زنجانی: کسی که استطاعت مالی دارد حج بر عهده او واجب می‌شود پس اگر از جهات دیگر مانند توانایی بدنی و باز بودن راه مستطیع باشد، باید خودش حج بجا آورد.

و اگر از برخی از این جهات استطاعت نداشته باشد پس اگر احتمال می‌دهد که در آینده بتواند خودش حج بجا آورد- و لو با تحصیل استطاعت- فوریت حج از او ساقط می‌گردد ولی باید استطاعت از این جهات را تحصیل کند و تا ضرورتی پیش نیامده نمی‌تواند با مصرف مال خود را از رفتن به حج عاجز گرداند و اگر از تحصیل استطاعت مأیوس باشد باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد و اگر نگرفت در سال بعد و همین طور ... و این حج کفایت از حجه الاسلام او می‌کند هر چند عذر او برطرف گردد و در جمیع فروض اگر خودش حج را تحمل کرده حج بجا آورد مجزی است.

ص: ۳۲

مستقر می‌شود «(۱)» و باید بعداً به هر نحو می‌تواند به حج برود. «(۲)»

(م ۴۲)

۱۷- مستطیع باید خودش به حج برود، و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند، «(۳)» مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعداً بیان می‌شود.

(م ۴۳)

۱۸- کسی که خودش مستطیع است «(۴)» نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی بجا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی بجا آورد باطل است. «(۵)»

(م ۴۴)

۱- - آیه الله سیستانی: مگر این که جاهل به حصول استطاعت یا غافل از آن باشد، یا جاهل به وجوب حج یا غافل از آن باشد، و در این جهل و غفلت معذور باشد.

آیه الله فاضل: چنانچه تا پایان اعمال حج شرایط استطاعت باقی باشد، که در این صورت باید حج را انجام دهد مگر اینکه انجام حج حرجی باشد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت باید از ترکه او- ولو از میقات- نایب بگیرد، یا شخصی تبرعاً حج او را انجام دهد.

۲- - آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه در زمان استطاعت مالی، معتقد به عدم تحقق استطاعت بود و در این اعتقاد معذور بود حج بر او مستقر نیست ولی اگر احتمال استطاعت را مداد حج بر او مستقر است و چنانچه حرج نباشد باید به حج برود.

آیه الله بهجت: هر وقت قدرت پیدا نمود فوراً باید بجا آورد ولو استطاعت شرعی زائل شده باشد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳ مراجعه شود.

۳- - آیه الله زنجانی: مگر در مورد کسانی که در حاشیه مسأله ۱۵ بیان شد.

۴- - آیه الله زنجانی: مستطیع اگر حج نیابی بجا آورد باطل است، مگر در صورتی که انجام حجه الاسلام خود در آن سال بر او واجب نباشد به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۲ گذشت. و اگر مستطیع حج استحبابی انجام دهد باطل است مگر از باب خطا در تطبیق باشد یعنی حجی را که بالفعل شارع مقدس از او خواسته نیت کرده لکن به تخیل این که مستطیع نیست آن را بر حج مستحب تطبیق نموده باشد، در این صورت حج او صحیح و حجه الاسلام خواهد بود.

۵- - آیه الله فاضل: اگر حج نیابی انجام داده است، حج او صحیح است اگرچه معصیت کرده است و اگر با غفلت و عدم توجه به وجوب حج، حج مستحبی انجام داده است، حج او صحیح و کفایت از حجه الاسلام می‌کند، ولی اگر با توجه به حج واجب، نیت حج مستحبی کرده باشد، حج استحبابی صحیح است، ولی مرتکب فعل حرام شده است، حج هم بر او مستقر شده است.

آیه الله مکارم: حج نیابتی او صحیح است هر چند گناه کرده است. و حج استحبابی او حج وجوبی محسوب می‌شود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل.

آیه الله سیستانی: کسی که ذمه اش مشغول به حج واجب است و باید در همان سال بجا آورد چنانچه متوجه آن است جایز نیست در همان سال نیابت پذیرد ولی اگر حج نیابی انجام داد صحیح است و ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، اما اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است و در مورد حج استحبابی با علم به استطاعت نظر ایشان در دست نیست.

آیه الله بهجت: حج نایب، صحیح و ذمه منوب عنه بری می‌شود.

آیه الله خویی: در صورت تنجز و جوب حج بر نایب اجاره باطل است، مگر اینکه اجاره مطلق باشد که بتواند اول برای خودش حج بجا آورد و بعد از آن حج منوب عنه را و در فرض بطلان اجاره، اجیر مستحق اجرة المثل است مگر اینکه اجرة المثل بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر مستطیع حج استحبابی برای خودش انجام دهد، با اینکه می‌داند مستطیع است، گرچه حجش صحیح است ولی مجزی از حجة الاسلام نمی‌باشد.

آیه الله تبریزی: اگر حج نیابی بجا آورد، حجش صحیح است و ذمه منوب عنه بری می‌شود ولی در فرضی که واقعاً بر او حج واجب بوده ولو نسبت به آن جاهل باشد اجاره باطل است و نایب استحقاق اجرة المثل را دارد مگر بیشتر از اجرة المسمی باشد و اگر حج استحبابی برای خودش انجام دهد در صورت علم به استطاعت خود و عدم صحت حج استحبابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می‌باشد.

ص: ۳۳

۱۹- کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند، «(۱)»
و تا حج او را

۱- آیه الله زنجانی: و اگر استیجار حج میقاتی ممکن باشد و از بلد برای او نایب بگیرند، مازاد بر مخارج حج میقاتی از اصل ترکه برداشته نمی‌شود مگر نسبت به حج بلدی وصیت نافذی کرده باشد و در صورتی که در تصرف در ترکه خطر فوت استیجار حج یا تأخیر آن باشد ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند ...

ص: ۳۴

ندهند ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند «(۱)» و لازم است در همان سال فوت، حج را اداء نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است «(۲)» از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود، «(۳)» و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر

۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: کسی که مرده و حجه الاسلام بر عهده او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج نمی‌توانند در ترکه تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر از آن، بنابر احتیاط، بلی اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج شوند، می‌توانند تصرف کنند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حج باشد، بنابر احتیاط واجب تصرف در اموال میت جایز نیست.

آیه الله فاضل: بلی اگر ترکه بیشتر از مخارج حج باشد بهتر است تصرف نکنند.

آیه الله بهجت: ورثه پیش از استیجار برای حج می‌توانند در ترکه تصرف کنند در صورتی که قصد استیجار داشته باشند.

آیه الله سیستانی: برای ورثه جایز نیست تا زمانی که ذمه او به حج مشغول است به طوری در میراث تصرف نمایند که منافی با قضاء حج میت از میراث باشد.

آیه الله مکارم: مگر اینکه بنای قطعی بر ادای حج داشته باشد، در این صورت تصرف جایز است.

آیه الله خامنه‌ای: در خصوص اختیار ورثه نسبت به تصرف در ترکه و عدم آن، نظر ایشان یافت نشد.

۲- آیه الله سیستانی: احوط این است که فوراً برای فارغ شدن ذمه او اقدام نمایند هر چند با استیجار از ترکه، و اگر در همان سال، استیجار از میقات میسر نشد به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد، از میقات میسر می‌شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: مگر اینکه وصیت کرده باشد مخارج حج از ثلث پرداخت شود که در این صورت بروصایای مستحبه مقدم است و اگر ثلث وافی نبود کمبود آن از اصل ترکه میت اخراج می‌شود.

آیه الله سیستانی، آیه الله زنجانی: مگر این که وصیت کند از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.

آیه الله مکارم: مگر اینکه وصیت کند از ثلث خارج شود.

ص: ۳۵

بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند، «(۱)» و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی‌شود.

(م ۴۵)

۲۰- زنی که مهریه‌اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است «(۲)» اگر شوهرش تمکن از اداء آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد «(۳)» و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد مثل اینکه ممکن است مطالبه به نزاع «(۴)» و طلاق منجر شود که برای زن

۱- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، ولی مازاد بر اجرت متعارف را از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند.

آیه الله زنجانی: و اگر کسی که ترکه، در دست اوست اهمال کند و ترکه از بین برود ضامن است هر چند وصی یا وارث نباشد.

۲- آیه الله بهجت: در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست.

۳- آیه الله زنجانی: و در این صورت و همچنین در صورتی که گرفتن مهریه برای او مشقت شدید داشته باشد یا با هتک حیثیت او همراه باشد، مستطیع نیست و اگر ...

۴- آیه الله سیستانی: اگر به حدی باشد که برای زن تحملش مشکل باشد.

آیه الله گلپایگانی: مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بلکه اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختل شود حج بر او واجب نیست.

آیه الله مکارم: حتی اگر منجر به طلاق نشود ولی مشکلات مهمی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

آیه الله تبریزی: اگر مطالبه مهریه موجب ناراحتی‌هایی شود که زن در زندگی‌اش به حرج و مشقت بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیه الله خویی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.

ص: ۳۶

مفسده دارد، مستطیع نشده است.

(م ۴۷)

۲۱- اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزاتر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، «(۱)» چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد «(۲)» و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد با وجود سایر شرایط مستطیع است.

(م ۴۹)

۲۲- کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هرچند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات «(۳)» رسید استطاعت حج از آنجا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می شود و کفایت از حجه الاسلام می کند.

(م ۵۴)

۲۳- پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده‌اند و در

۱- آیه الله زنجانی: چنانچه تبدیل آن به منزل ارزان تر مستلزم حرج و هتک حیثیت او نباشد، مستطیع می باشد.

۲- آیه الله بهجت: اگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله خویی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

۳- آیه الله زنجانی: به میقات یا محلی قبل از آن.

ص: ۳۷

میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجه الاسلام بجا آورند «(۱)» هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

(م ۵۹)

۲۴- اگر کسی برای حجّ ثبت نام کرد و نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند چنانچه قبل از رسیدن نوبت از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد لکن باید قرض کند و به مکه برود، اگر قبلاً حجّ بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی‌تواند به حجّ برود مگر با قرض «(۲)» حجّ بر او واجب نشده است «(۳)» و حجّ او حجه الاسلام نیست. «(۴)»

(س ۶۵)

۱- آیه الله فاضل: مگر اینکه مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حجّ تمتّع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده‌اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حجه الاسلام می‌کند.

آیه الله زنجانی، آیه الله بهجت: باید حجه الاسلام بجا آورند، مگر آنکه مأموریت به گونه‌ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند.
۲- آیه الله سیستانی: مگر آنکه وقت پرداخت قرض آنقدر دور باشد که اصلاً عقلاء به آن توجه نکنند. که در این صورت اگر قرض کرد حجّ بر او واجب خواهد شد.

آیه الله بهجت: حکم قرض گرفتن در ذیل مسأله ۱۵ گذشت.

آیه الله خامنه‌ای: حکم قرض گرفتن در حاشیه مسأله ۸ گذشت.

۳- آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: ولی اگر قرض کرد چنانچه در پرداخت آن به مشقت شدید نمی‌افتد مستطیع است.

آیه الله خویی: ولی اگر قرض کرد و در وقت اداء می‌توانست آن را اداء کند مستطیع می‌شود و حجّ بر او واجب است.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: مگر در صورتی که از کسی طلب داشته باشد و یا مالی دارد که در دسترس او نیست و بعداً به راحتی می‌تواند به واسطه آن قرضی را که گرفته اداء کند، که در این صورت با قرض کردن صدق استطاعت می‌کند و اگر قرض کرد و سایر شرایط هم فراهم بود حجّ واجب می‌شود و حجه الاسلام می‌باشد.

آیه الله مکارم: مگر اینکه نوبت خود را که برای آن ثبت نام کرده در مقابل آن به وام دهنده واگذار کند.

ص: ۳۸

۲۵- شخص مستطیع با بخشش مال خود به دیگری مثل پدر و مادر یا صرف آن در کارهای خیر مثل فرستادن آنها به حج از استطاعت خارج نمی‌شود و باید حج خود را بجا آورد و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را بجا آورد بخشش جائز نیست، اگر چه صحیح است.

(س ۷۵)

۲۶- اگر در وقت ازدواج یک سفر حج به زوجه وعده داده شود چنانچه مجرد وعده بوده است «(۱)» لازم نیست ادای «(۲)» آن و اگر مهر قرار داده شده «(۳)» باید به آن عمل کند. «(۴)»

(س ۸۴)

۲۷- کسی که به علت کهولت سن و مرض قادر به انجام فریضه حج نباشد اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده و اقدام بر انجام حج نکرده حج بر او مستقر شده اگر در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر ندارد واجب است کسی را نایب بگیرد تا برای او حج بجا آورد «(۵)» و اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم نمی‌تواند به حج برود مستطیع

۱- آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب باید به آن وفا کند.

۲- آیه الله مکارم: ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

۳- آیه الله مکارم: یا شرط ضمن العقد بوده است.

آیه الله زنجانی: یا ضمن عقد لازمی تعهد کرده ...

۴- آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل: و نیز اگر شرط ضمن العقد باشد، وفاء واجب است.

آیه الله بهجت: تنها وعده سفر موجب استطاعت نمی‌شود ولی بر مرد لازم است که به وعده خود وفا کند اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است.

۵- تفصیل نظر آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۱۵ گذشت.

آیه الله بهجت: بر چنین شخصی واجب نیست به حج برود ولی نایب گرفتن بر او واجب است علی الأظهر.

ص: ۳۹

نیست و لازم نیست نایب بگیرد.

(س ۸۵)

۲۸- در سفر حج واجب برای زن اجازه شوهر شرط نیست و اگر زن مستطیعه شده باید حج واجب خود را بجا آورد ولو شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد. «(۱)»

(س ۸۷)

۲۹- اگر شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته چنانچه راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حج کند «(۲)» مگر آنکه تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در اینصورت مستطیع شده و باید برای خودش حج بجا آورد، «(۳)» و به مجرد وصیت «(۴)» و قبول فرزند،

۱- آیه الله مکارم: ولی بهتر جلب رضایت اوست.

آیه الله زنجانی: بلی اگر مخالفت با شوهر با مشقت شدید یا هتک حیثیت زن همراه باشد، رفتن به حج فعلاً واجب نیست.

۲- آیات عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی: باید برای خود حج بجا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

۳- آیه الله سیستانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج کند.

آیه الله خویی: در صورتیکه وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیابی را بجا آورد فتوای ایشان معلوم نیست.

آیه الله زنجانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج بجا آورد بلی در صورتی که پدر وصیت نکرده که خصوص این شخص برایش حج بجا آورد و همچنین وصیت نکرده که با این فیش برای او حج بجا آورده شود چنانچه مستطیع بتواند فیش را از ورثه بخرد و برای خودش حج بجا آورد، انجام حج برای او واجب می‌گردد و باید برای حج پدرشان نایب دیگری بگیرند.

آیه الله فاضل: در این صورت نیز باید برای پدرش حج به‌جا آورد، هرچند اگر حج را برای خودش انجام دهد، حج او صحیح است.

۴- آیه الله نوری: اگر در وصیت قید مباشرت شده و فرزند وصیت را قبول کرده نیابت واجب می‌شود و استیجار لازم نیست.

آیه الله مکارم: اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

آیه الله سیستانی: اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصیت را قبول کرده باشد، اجاره است و باید انجام دهد.

ص: ۴۰

نیابت واجب نمی‌شود مگر آنکه قبل از استطاعت اجیر شود.

(س ۸۸)

۳۰- پول‌هدی جزء استطاعت نیست [\(۱\)](#) و اگر شخص بجز برای هدی استطاعت را داراست مستطیع می‌باشد و باید حج بجا آورد.[\(۲\)](#)

(س ۸۹)

عمره و حج کودکان

۳۱- اگر غیر بالغ حج بجا آورد صحیح است هر چند از حجه الاسلام کفایت نمی‌کند.

(م ۴)

۳۲- مستحب است [\(۳\)](#) ولی طفل غیر ممیز [\(۴\)](#) محرم کند او را و لباس

۱- آیه الله خویی، آیه الله فاضل: چنین شخصی مستطیع نیست مگر با تمکن از جمیع مصارف حج و از جمله ثمن هدی.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: مستطیع نمی‌شود و پول هدی جزء استطاعت است.

آیه الله سیستانی: استطاعت حاصل است و به جای هدی روزه می‌گیرد.

آیه الله مکارم: زیرا بجای آن روزه می‌گیرد و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

آیه الله تبریزی: در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقت بدل هدی روزه بگیرد.

۲- آیه الله زنجانی: و به جای قربانی روزه می‌گیرد بلی در صورتی که روزه گرفتن برای او مشقت شدید یا خوف ضرر داشته

باشد، مستطیع نمی‌باشد.

۳- آیه الله زنجانی: انجام حج و عمره برای طفل ممیز مستحب است همچنان که مستحب است ولی شرعی یا کسی که از طرف او

مأذون در امر حج و عمره صبی است محرم کند طفل غیر ممیز را و ...

۴- آیه الله بهجت: صحیح است احرام ولی از طفل غیر ممیز و از مجنون، و متولی یت احرام طفل، ولی حاضر می‌شود و تمام

اعمال حج را آنچه را متمکن است طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با یت ولی و آنچه را متمکن نیست ولی از جانب او انجام

می‌دهد از آن جمله تلبیه احرام است که اگر متمکن باشد طفل و غیر عاقل انجام می‌دهد با یت ولی و گرنه ولی نایب می‌شود.

ص: ۴۱

احرام به او ببوشاند و نیت کند که این طفل را محرم می‌کنم برای حجّ یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتّع و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و الاّ خودش به عوض او بگوید.

(م ۸)

۳۳- بعد از آنکه طفل محرم شد یا او را محرم کردند باید ولیّ، او را از محرمات احرام باز دارد «(۱)» و اگر ممیز نیست خود ولیّ حفظ کند او را از محرمات.

(م ۱۰)

۳۴- بر ولیّ طفل لازم نیست او را محرم کند یا از طرف او حجّ انجام دهد ولی اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند «(۲)» و گرنه در بعضی‌صور طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

۳۵- بعد از اینکه طفل محرم شد اگر محرمات احرام را بجا آورد یا ولیّ؛ او را از آنها باز نداشت کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنا بر اقوی درصید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن «(۳)»

(م ۱۱)

۱- آیات عظام خویی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.

آیه الله زنجانی: در مورد کودکی که مستقلاً محرم شده، ولی وظیفه‌ای ندارد، اما در مورد کودکی که ولی او را محرم کرده است، ولی موظف است که با نهدی یا ممانعت عملی کودک را از محرمات احرام بازدارد و در این امر فرقی بین ممیز و غیر آن نیست.

۲- آیه الله مکارم: همان وظیفه‌ای که در مسأله بالا گفته شد.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: کفاره صید بر ولیّ طفل است، و اما در وجوب سایر کفارات بر ولیّ اشکال است اگرچه احوط این است که بر عهده ولیّ است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، تبریزی: ظاهراً کفارات دیگر در غیر صید نه بر ولیّ واجب است و نه در مال طفل، ولی کفاره صید بر ولیّ واجب است.

آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: کفاره صید غیر ممیز بر ولیّ اوست و در غیر آن بر نابالغ کفاره نیست نه در مال او و نه در مال ولیّش.

آیه الله بهجت: فداء صید مولیّ علیه بر ولیّ است که با مباشرت او عمل مولیّ علیه صحیح است و کفاره موجب هدی بر ولیّ است در آنچه عمد و خطاء کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و صبی عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولیّ که سبب است خالی از وجه نیست.

آیه الله زنجانی: در غیر صید کفاره ندارد و در صید بر عهده خود اوست، مگر آن که پدر کودک او را محرم کرده باشد، که در این صورت کفاره صید بر عهده پدر اوست.

ص: ۴۲

۳۶- قربانی حجّ بر عهده ولیّ طفل است. «(۱)»

(م ۱۲)

۳۷- تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که بجا آورد «(۲)» و اگر نمی‌تواند، ولیّ او به نیابت طفل بجا آورد.

«(۳)»

(م ۱۳)

۱- آیه الله تبریزی: قربانی بچه غیر ممیز بر ولیّ او است که او را به حج برده و چنانچه پول آن را نداشت و خود بچه مالی داشت از مال او قربانی تهیه می‌کند و گر نه ولیّ روزه می‌گیرد.

آیه الله سیستانی: پول قربانی بچه غیر ممیز بر ولیّ اوست.

آیه الله فاضل، زنجانی: و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد، و چنانچه خود ولیّ نیز حجّ تمتع انجام داده و فقط تمکن از یک قربانی دارد آن را برای طفل قربانی کند و برای خودش روزه بگیرد.

۲- آیه الله زنجانی: و اگر کودک نمی‌تواند، چنانچه عمل قابل نیابت باشد ولیّ به نیابت او بجا می‌آورد و اگر انجام عملی بر ولیّ مشقت دارد می‌تواند نایب بگیرد و در مورد طواف اگر کودک ممیز باشد خود طواف می‌کند و در طواف باید طهارت از حدث داشته، بدن و لباسش پاک باشد و اگر پسر است باید ختنه کرده باشد، ولیّ اگر ممیز نیست او را طواف می‌دهند و طواف کننده نیت می‌کند و در این صورت لازم نیست کودک با وضو و ختنه کرده بوده، بدن و لباسش پاک باشد.

۳- آیه الله تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد واجب است او را وضو دهد اگرچه بصورت وضو باشد.

آیه الله فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً طفل را وضو بدهد، و خودش هم وضو بگیرد.

آیه الله بهجت: در صورت تمکن، احوط آن است که در حال طواف هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولیّ با آن کیفیت رمی و نیت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیت می‌تواند انجام دهد ولیّ متصدی نیت می‌شود.

نیابت در حج

اشاره

۳۸- در نایب اموری شرط است:

۱- بلوغ، «(۱)» بنا بر احتیاط واجب. «(۲)» ۲- عقل. ۳- ایمان. ۴- وثوق و اطمینان «(۳)» به انجام دادن او، «(۴)» و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست

۱- آیه الله زنجانی: ممیز بودن نایب کافی است.

۲- آیه الله تبریزی: نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، البته در حجّه الاسلام و حجّه‌های واجب دیگر، هر چند آن بچه ممیز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

آیه الله سیستانی: بلوغ شرط است و بنا بر احتیاط بچه ممیز نمی‌تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.

آیه الله خوئی: در حج واجب بلوغ نایب شرط است ولی در حج مستحبی بعید نیست که نیابت غیر بالغ با اذن ولی صحیح باشد.

آیه الله بهجت: نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست، و اگر بچه ممیز باشد و قائل به مشروعیت عبادت صبی ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد.

آیه الله مکارم: بلکه بنا بر اقوی در حج واجب.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۳- آیه الله فاضل: این شرط در استنباه معتبر است نه در اصل نیابت.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: و اگر نایب ثقة باشد اخبار او کافیست.

آیه الله سیستانی: اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد.

۴- آیه الله خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این فرع را متعرض نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: وثوق به انجام نایب شرط واقعی صحت نیابت نیست، لکن برای امتثال واجب نمی‌توان به مجرد نایب گرفتن بدون داشتن حجت شرعی بر انجام دادن عمل اکتفا کرد.

ص: ۴۴

اطمینان بهصحت آن، و در صورت شك درصحت، «(۱)» حکم به صحت می‌شود «(۲)» و استنباه صحیح است هرچند قبل از عمل شك داشته باشد. «(۳)» ۵- معرفت نایب به افعال و احکام حج «(۴)» ولو با ارشاد کسی در حال عمل. ۶- ذمه نایب، مشغول به حج واجبی «(۵)» در آن سال نباشد.

۱- آیه الله بهجت: وقتی ذمه منوب عنه فارغ و بری می‌شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را بطور صحیح بجا آورده یا آنکه اماره معتبره باشد بر بجا آوردن.

۲- آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهیم که نایب به رعایت شرایط عمل توجه داشته و همچنین لایبالی نیست حکم به صحت عمل او می‌شود.

۳- آیه الله مکارم: احتیاط واجب عدم استنباه در این دو مورد است.

۴- آیه الله زنجانی: آنچه در نیابت معتبر است، این است که نایب عمل را به شکل صحیح انجام دهد، لذا اگر نایب به بعضی از مناسک حج معرفت نداشته باشد، ولی آن را احتیاطاً بجا آورد کافی است.

۵- آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: با اختلاف تعابیر: مگر در صورتی که جاهل به وجوب باشد یعنی نداند که حج بر خودش واجب است یا می‌دانسته ولی غافل است و فراموش کرده، که در این دو صورت نیابت وی عیبی ندارد. و این شرط شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب.

آیه الله بهجت: اضافه می‌فرماید: پس هرگاه در حالیکه حج بر خودش واجب بوده و از قبل دیگری و به نیابت او حج نماید اظهر آن است که حج او صحیح است و ذمه منوب عنه بری شده است ولی نایب اجرتی را که قرار داده شده مستحق نخواهد شد بلکه مستحق اجرة المثل خواهد بود اجرة المثل یعنی نرخ متعارف.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صحت حج غافل و جاهل اشکال است و احوط عدم اکتفاء به حج آن دو است.

آیه الله خویی: ذمه نایب مشغول به حج واجب منجز نباشد و این شرط صحت اجاره است.

آیه الله تبریزی: ذمه نایب مشغول به حج واجب نباشد و این شرط صحت اجاره است، پس اگر غافل از استطاعت بود اجاره او صحیح است.

آیه الله فاضل: این شرط معتبر نیست.

آیه الله مکارم: اگر ذمه او مشغول باشد نیابت او صحیح است هرچند گناه کرده است.

آیه الله زنجانی: در سال نیابت انجام حجة الاسلام خودش، بر او واجب نباشد و اگر غیر حجة الاسلام خودش حج دیگری بر او واجب بود، نیابت باطل نمی‌شود.

ص: ۴۵

۷- معذور «(۱)» در ترک بعضی افعال حج نباشد.

(م ۱۰۷)

۱- آیه الله فاضل: نیابت معذور فقط برای حج واجب صحیح نیست، ولی برای حج مستحبی و عمره مستحبی مانعی ندارد، هر چند بهتر است حج را برای خودش انجام دهد و ثواب آن را اهداء کند.

آیه الله گلپایگانی: بنابر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست.

آیه الله خویی: اجاره کردن معذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعاً حج نیابتی بجا آورد اجزاء آن از منوب عنه مشکل است ولی کسانی که جایز است در شب عید قبل از طلوع فجر به منی بروند و در شب رمی کنند و یا کسانی که ناچار به ارتکاب محرمات احرام هستند نیابتشان مانعی ندارد و ایشان نیابت معذور بعد از طاری را مجزی می‌دانند.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب نمی‌شود کسی را که از پیش عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرع او در نیابت نیز محل اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می‌شود حکم نایب همان حکم منوب عنه است که در بعضی موارد حج صحیح است و گاهی باطل است و استیجار و نیابت کسی که در انجام بعضی واجبات حج که ترک عمدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: بنابر احتیاط با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی‌توان معذور را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود اکتفا کردن به عملش مشکل است [بلی اگر در بجا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد مثل اینکه مضطر به تظلیل زیر سایه رفتن باشد اجیر گرفتن یا نایب گرفتن چنین شخص عیبی ندارد].

آیه الله مکارم: ولی عذرهایی که در خود حج پیش می‌آید مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: نیابت کسی که از ابتدا می‌داند از اتیان به حج اختیاری عاجز است در حج واجب اشکال دارد.

آیه الله صافی: نیابت کسی که از اتیان بعضی اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدی آن عمل از غیر معذور موجب بطلان حج یا عمره نباشند به اینکه ترک آن عمل یا فقط حرمت تکلیفی دارد و یا علاوه بر آن موجب کفاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشکال ندارد و حتی اگر می‌داند که اجیر بعضی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمداً بدون عذر ترک می‌کند استیجار او مانعی ندارد و مبرء ذمه منوب عنه می‌باشد بلی نسبت به استحقاق اجرت اگر موقع عقد اجاره، مستأجر اطلاع از معذور بودن اجیر در امور مذکوره نداشته باشد اجیر استحقاق اجرت ندارد ولو اینکه عمل او مبرء ذمه منوب عنه است.

آیه الله زنجانی: کافی است بتواند به شکل صحیح محرم شود و هنگام محرم شدن گمان داشته باشد که از انجام مناسک اختیاری معذور نیست، در این صورت اگر در طول اعمال برای او عذری پیش آید ضرری به نیابت او نمی‌زند و همچنین معذور بودن نسبت به محرمات احرام، نیابت را باطل نمی‌کند و در بطلان نیابت معذور فرقی نیست که عمل نایب تبرعی باشد یا بالاجاره، نیابت در حج واجب باشد یا مستحب.

شرایط منوب عنہ

۳۹- در منوب عنہ اموری شرط است:

۱- اسلام. «(۱)» ۲- در حج واجب شرط است که منوب عنہ فوت شده باشد یا اگر

۱- آیه الله فاضل: در منوب عنہ اسلام وایمان شرط است، پس حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

آیه الله بهجت: نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب محل تأمل است.

آیه الله زنجانی: در منوب عنہ علاوه بر اسلام اموری معتبر است:

- ۱- بلوغ. ۲- عقل مگر در مورد دیوانه‌ای که قبلاً حج بر عهده او مستقر شده است. ۳- منوب عنہ ناصبی نباشد بلی در صورتی که منوب عنہ پدر نایب باشد مسلمان بودن کافی است. ۴- در حجه الاسلام شرط است که منوب عنہ فوت شده باشد یا اگر زنده است استطاعت مالی پیدا کرده و به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۱۵ گذشت از برخی از جهات دیگر مانند توانایی بدنی یا باز بودن راه مستطیع نباشد. در حج کفاره‌ای نیابت صحیح نیست، و صحت نیابت در حجی که با نذر یا قسم یا شرط ضمن عقد و مانند آن واجب شده بستگی به کیفیت التزام آنها دارد.

ص: ۴۷

زنده است حج بر او مستقر شده «(۱)» و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست «(۲)» و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست «(۳)» و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود. «(۴)»

(م ۱۰۸)

۴۰- نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت

۱- آیه الله بهجت: در صورت استقرار حج با فرض یأس از زوال عذر، واجب است استنابه نماید و با- امید زوال عذر احوط جمع بین استنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عذر احوط اعاده با مباشرت است و با تبدیل امید زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید استنابه است و با استمرار عذر تا وقت وفات احوط برای غیر مأیوس قضاء از او با تکرار استنابه است. و اما صورت عدم استقرار حج پس با فرض یأس از زوال عذر اظهر وجوب فوری استنابه است و با امید زوال عذر احتیاط مستحب این است که فوراً استنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشرت می نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شد کتاب حج ص ۱۸-۱۹.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آنکه بقصد رجاء آورده شود.

آیه الله مکارم: نیابت از بچه و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

آیه الله فاضل: شرط هست ولی اگر حج قبل از جنون بر او مستقر شده عقل شرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش - ولو از میقات - برای او استنابه کنند.

آیه الله بهجت: در غیر صبی ممیز مشکل است.

۳- آیه الله بهجت: اگر چه نیابت زن از مرد مرجوح است.

۴- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلکه اگر منوب عنه مرد و زنده باشد که بخاطر عدم تمکن نمی تواند حجه الاسلام را بجای آورد احتیاط لزومی آن است که مردی را که تاکنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.

آیه الله بهجت: بلی نایب گرفتن ضروره مکروه است به خصوص در صورتی که نایب زن و منوب عنه مرد باشد، اگر چه با داشتن بعضی مرجحات دیگر از قبیل فقاها و تقوی و کمالات دیگر جانب رجحان تقویت می یابد و از مرجوحیت بیرون می آید.

ص: ۴۸

تعیین کند «(۱)» و لو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است. «(۲)»

(م ۱۰۹)

۴۱- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

(م ۱۱۱)

۴۲- نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید «(۳)» و احتیاط استجابی «(۴)» آن است که بقصد ما فی الذمه بجا آورد.

(م ۱۱۲)

۴۳- در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یکسال جایز نیست «(۵)» و در غیر واجب مانع ندارد.

(م ۱۱۵)

۴۴- کسی که حج بر او مستقر شده یعنی سال اول استطاعت، حج نرفته اگر بواسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و بنا بر احتیاط

۱- آیه الله بهجت: معتبر است در نیابت قصد آن و تعیین منوب عنه با تعدد، و در صورت اتحاد کافی است قصد نیابت واجبه مثلاً.
 ۲- آیه الله زنجانی: پس اگر قصد نیابت نکند برای خودش واقع می‌شود و اگر قصد نیابت کرد ولی منوب عنه را حتی به طور اجمال تعیین نکرد، احرامش باطل است.

۳- آیه الله زنجانی: و با امکان امثال تفصیلی قصد مافی الذمه مطابق احتیاط استجابی هم نیست.

۴- آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: این احتیاط استجابی در مناسک ایشان مذکور نیست.

۵- آیات عظام خویی، فاضل، تبریزی، سیستانی، بهجت، زنجانی: مگر اینکه به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد. مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند که در اینصورت می‌توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند.

ص: ۴۹

واجب [\(۱\)](#) باید فوراً نایب بگیرد [\(۲\)](#) و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است. [\(۳\)](#)

(م ۱۱۶)

۴۵- کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر

نیابت کند باطل است، [\(۴\)](#) چه عالم بحکم باشد یا نباشد. [\(۵\)](#)

(م ۱۱۸)

۴۶- کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب بجا نیاورده [\(۶\)](#) احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، [\(۷\)](#)

برای خودش عمره مفرده بجا آورد [\(۸\)](#) و این احتیاط واجب

۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلکه باید فوراً نایب بگیرد.

۲- آیه الله تبریزی: بلکه احتیاط واجب در صورت احتمال استمرار عذر این است که نایب بگیرد و چنانچه بعداً خوب شد بنا بر

احتیاط واجب آن را اعاده نماید.

۳- آیه الله بهجت: به مسأله ۳۹ مراجعه شود.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بلکه واجب است نایب بگیرد.

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب در این صورت هم این است که نایب بگیرد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳ و مسأله ۱۵ مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به حاشیه مسأله ۱۵ مراجعه شود.

۴- آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

۵- تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۳۸ گذشت.

۶- آیه الله بهجت: احتیاطاً عمره بجا آورد.

آیه الله زنجانی: احتیاط مستحب آن است که پیش از محرم شدن به عمره تمتع یا بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق برای

خودش عمره مفرده بجا آورد خصوصاً اگر استطاعت انجام عمره مفرده از بلد خود را داشته باشد.

۷- آیه الله فاضل: یا قبل از آن.

۸- آیه الله گلپایگانی: رجاء.

ص: ۵۰

نیست «(۱)» لکن خیلی مطلوب است.

(م ۱۲۱)

۴۷- کسی که خود مستطیع است «(۲)» اگر به نیابت دیگری محرم شود نیابت او صحیح نیست «(۳)» و احرام او باطل است «(۴)» و باید برگردد به میقات و از آنجا برای خودش محرم شود. «(۵)»

(م ۱۲۴)

۱- آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

۲- آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۳۸ مراجعه شود.

۳- آیه الله تبریزی: اجاره باطل می‌باشد، ولی حج صحیح است و ذمه منوب‌عنه بری می‌شود گرچه موظف بوده است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود.

آیه الله خوبی: در فرض تنجز و جوب حج بر خود نایب، اجاره باطل است ولی اگر حج نیابی را تمام کند مجزی از منوب‌عنه است گرچه وظیفه‌اش این بود که هر لحظه حج نیابی را رها کرده و به میقات برود و برای خودش حج بجا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می‌دهد، حج نیابی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیت رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیابی را تمام کند حج صحیح است و اگر استیجاری باشد اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است.

آیه الله فاضل: نیابت او صحیح است. همچنین احرام او صحیح است و بنابراین باید عمره تمتع را تمام کند و از احرام خارج شود و بعد به یکی از مواقیت خمس برود و برای خودش محرم شود. عمره تمتع و حج برای خودش به جا آورد و اگر دوباره معصیت کرد و محرم به حج نیابی شد، حج او صحیح است و از منوب‌عنه کفایت می‌کند.

۴- آیه الله نوری: مگر آنکه بنحو خطاء در تطبیق باشد، که در این صورت از خودش واقع می‌شود.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: نیابت معذور اشکال دارد.

۵- آیه الله زنجانی: تفصیل قسمت اول این مسأله در حاشیه مسأله ۱۸ گذشت و تفصیل قسمت دوم آن در ذیل مسأله ۷۷ و ۸۰ خواهد آمد.

ص: ۵۱

۴۸- نایب شدن معذور، «(۱)» صحیح نیست «(۲)» و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در اینصورت می‌تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت از میت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنہ واقع می‌شود، «(۳)» ولی پول را باید به صاحبش برگرداند «(۴)» و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد. «(۵)»

(س ۱۲۵)

۴۹- خدمه کاروانها که به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفاء به منی بروند «(۶)» با توجه به اینکه

۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط.

آیه الله سیستانی: اگر عذر بعداً پیش آمده است نایب گرفتن جایز است و همچنین در مواردی که تفصیل آن در حاشیه مسأله ۳۸ گذشت.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: در حج واجب.

آیه الله بهجت: اگر بدون توجه محرم شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود و اما قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنہ حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجاره قید مباشرت را بر می‌دارد.

۲- آیه الله زنجانی: مگر در عذری که پس از احرام پدید آید به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۳۸ گذشت.

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر منوب عنہ زنده است نیابت بدون اذن او مجزی نیست.

۴- آیه الله مکارم: مگر اینکه صاحبش راضی گردد.

۵- آیه الله زنجانی: و اگر منوب عنہ زنده است در حج الاسلام نیابت بدون اذن او مجزی نیست.

۶- آیه الله زنجانی: نیابت آن‌ها صحیح است، هر چند احتیاط مستحب مؤکد در این است که اگر می‌توانند، قبل از طلوع آفتاب به مشعر بازگردند.

ص: ۵۲

از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنها صحیح نیست [\(۱\)](#) و اگر قبل از استخدام اجیر شده‌اند باید حج را بجا آورند و وقوف اختیاری مشعر را درک نمایند.

(س ۱۲۶)

۵۰- عمره مفرده [\(۲\)](#) و طواف استحبایی را می‌توان به نیابت چند نفر انجام داد و در اعمال آن از جمله طواف نساء باید نیت همه بشود.

(س ۱۲۸)

۵۱- از کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند فقط زنها می‌توانند نایب باشند و نیابت در سایر ذوی‌الاعذار صحیح نیست. [\(۳\)](#)

(س ۱۳۸)

۱- آیه الله گلبایگانی: بنا بر احتیاط.

آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط با تمکن از استیجار غیر معذور نمی‌توانند اجیر شوند مستفاد از مناسک، ص ۴۰ مسأله ۱۱۰ و در جزوه پرسشهای جدید حج ص ۴، مسأله ۱۳ آمده است در صورتیکه بدانند به واجبات اختیاریه نمی‌توانند عمل کنند احتیاط در ترک نیابت است.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: نیابت آنان محل اشکال است مگر اینکه بتوانند برای درک مسمی وقوف اختیاری به مشعر برگردند. آیه الله فاضل: نیابت آنها در حج واجب در صورتی که از اول می‌دانسته‌اند که باید همراه زنها بروند و نمی‌توانند برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند، صحیح نیست، یعنی کفایت از حج واجب منوب عنه نمی‌کند.

آیه الله مکارم: نیابت آنها صحیح است.

آیه الله سیستانی: صحّت نیابت آنان بعید نیست.

۲- آیه الله زنجانی: عمره مفرده مستحبی.

۳- آیه الله مکارم: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

آیه الله سیستانی: چون وقوف رکنی را درک کرده‌اند نیابت آنها صحیح است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۳۸ گذشت.

آیه الله زنجانی: کسانی که اختیاراً می‌توانند شب عید در مشعر وقوف کرده به منی کوچ کنند مانند بانوان و کودکان ممیز، و همچنین خدمه‌ای که باید برای انجام کارهای لازم یا همراهی ضعیفان شبانه از مشعر کوچ کنند، می‌توانند نایب شده به وقوف شبانه اکتفا کنند و غیر آنها نمی‌توانند به وقوف شبانه اکتفا کنند مگر در صورتی که عذر آنها بعد از احرام پیش آمده باشد.

ص: ۵۳

۵۲- بر نائب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید خودش اعمال را انجام دهد و میزان وظیفه خود او است «(۱)» ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود. «(۲)»

(س ۱۴۸)

۵۳- کسی که حجّ نیابی انجام می‌دهد اگر در قربانی شخص ثالثی را

۱- آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: چنانچه منوب عنه حی باشد، و او را نائب کرده باشد باید بر طبق تقلید منوب عنه عمل کند و چنانچه منوب عنه مرده باشد، اگر وصیت کرده باشد به تقلید منوب عنه عمل کند. و در غیر این دو صورت مراعات تقلید منوب عنه لازم نیست. آیه الله تبریزی اضافه فرموده‌اند: احتیاط و لازم آن است که عمل بنا به تقلید وصی و ورثه هم صحیح باشد و اگر وصیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیه الله سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوب عنه یا مستأجر عمل کند، چه به صراحت ذکر شده باشد، و چه اطلاق منصرف به آن باشد باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

آیه الله بهجت: در نیابت از میت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجمله احتیاط می‌کند.

۲- آیه الله زنجانی: نایب اگر به کیفیت خاصی اجیر نشده باشد باید در مناسک حج و عمره وظیفه فتوایی منوب عنه و اگر اجیر شده باشد وظیفه فتوایی اجیر کننده را نیز رعایت کند و اگر مرجع تقلید خودش محرم شدن را بر او واجب بداند مانند کسی که قبل از یک ماه گذشته از مکه خارج شده باید فتوای مرجع تقلید خودش را نیز رعایت کند تا بدون احرام وارد مکه یا حرم نشود، و در هر حال پس از محرم شدن باید بر اساس فتوای مرجع تقلید خودش از محرّمات احرام اجتناب کند.

ص: ۵۴

وکیل کرد لازم نیست ذابح در نیت نام میت را ببرد بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است را انجام می‌دهد کافی است. «(۱)»

(س ۱۵۶)

۵۴- ناییبی که در وقت قبول نیابت معذور نبوده است و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نموده نیابت او محلّ اشکال است «(۲)» و کفایت او از منوب عنه اشکال دارد.

(س ۱۵۹)

۱- - آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: نایب باید نیت کند که برای حج نیابتی که انجام می‌دهد قربانی می‌کند و ذابح لازم نیست که نیت کند هر چند احوط و اولی این است که نیت کند آنچه را که بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

آیه الله زنجانی: اگر حاجی ذابحی را برای قربانی بفرستد باید خودش نیت کند که برای حج تمتع قربانی می‌کند و با قصد قربت از ذابح بخواهد که قربانی کند، خواه حجه الاسلام خودش باشد یا حج نیابی، و بر ذابح قصد مناسک حج و همچنین قصد قربت لازم نیست.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی، مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: ناییبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است لکن بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است مثل اینکه در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود بطلان اجاره در این صورت بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوب عنه می‌باشد.

آیه الله تبریزی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوب عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود ترازی کند. آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: عذر طاری اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذر بی نایب کفایت می‌کند و مضر به به صحت نیابت نیست مناسک س ۲۵. و مسأله اجرت در صورت صحت نیابت و اجزاء مستحق تمام اجرت است اگر شرطی بر خلاف نباشد.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۸ مراجعه شود.

ص: ۵۵

۵۵- معذور «(۱)» که در حج نمی‌تواند نائب شود «(۲)» به کسی گفته می‌شود که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد لکن چون مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حج نائب شود و برای ذبح نائب بگیرد.

(س ۱۶۲)

۵۶- کسی که قرائت نماز او صحیح نیست و به نیابت برای حج آمده است اگر از قرائت صحیح معذور است نیابت و احرام او باطل است «(۳)» و

۱- آیه الله گلبایگانی: بنا بر احتیاط.

آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: با علم و اطلاع از معذور بودن قبول نیابت خلاف احتیاط است.

۲- آیه الله سیستانی: اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هر چند مانند قرائت نماز طواف یا تلبیه باشد، بنا بر احتیاط

واجب نیابت او مجزی از منوب عنه نیست، ولی اگر از انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز ۱۱ و ۱۲ معذور است نیابت صحیح است و همچنین اگر در وقوف در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

آیه الله تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله مکارم: عذرهایی که در حج پیش می‌آید مانع صحت نیست.

۳- آیه الله گلبایگانی: اگر از قرائت صحیح معذور است نیابت او محل اشکال است لکن در باطل بودن احرام و عدم آن فتوای ایشان بدست نیامد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیه الله فاضل: احرام او صحیح است و باید اعمال را تمام کند، ولی در حج واجب نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

آیه الله صافی: به حاشیه شرط هفتم از مسأله ۳۸ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

ص: ۵۶

اگر معذور نیست نیابت و احرام اوصحیح است و باید قرائت خود را درست کند «(۱)» و خودش نماز صحیح بخواند.
(س ۱۶۳)

حَجَّ استنبابی

۵۷- مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، «(۲)» در صورت امکان حج بجا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد. «(۳)»
(م ۱۶۵)

۵۸- مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج بجا آورد تبرّعا، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین علیهم السلام، و نیز

۱- آیه الله فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

۲- آیه الله زنجانی: اگر استطاعت نداشتن شخص به جهت آن باشد که حج برای او با ضرر شدید یا هتک حیثیت یا ناامنی همراه است، انجام حج در هیچ یک از سه صورت مستحب نیست.

۳- آیه الله مکارم: ولی اگر انجام حج‌های مستحبی پی‌درپی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود بهتر است مجال را به آنها بدهند.

ص: ۵۷

طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است بشرط آنکه در مکه نباشند یا معذور باشند. «(۱)»
(م ۱۶۶)

اقسام عمره

اشاره

۵۹- عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود، و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می‌شود، «(۲)» هرچند برای حج مستطیع نباشد همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست،

۱- آیه الله فاضل، آیه الله زنجانی: استحباب و مشروعیت طواف مستحبی برای حاضر در مکه هرچند معذور باشد ثابت نشده است.

آیه الله زنجانی: و چون بر حسب روایات معتبر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همه ساله در موسم حج حضور دارند، انجام طواف مستحبی به نیابت از آن حضرت در موسم حج خالی از اشکال نیست و به جای آن بسیار مناسب است که طواف مستحبی انجام داده، ثواب آن را به محضر مبارک حضرت تقدیم نمایند.

۲- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.
آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: و اگر از اهالی مکه یا حوالی آن باشد.

ص: ۵۸

چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است «(۱)» بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود. «(۲)»

(م ۱۷۱)

۶۰- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود «(۳)» با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است. «(۴)»

(م ۱۷۲)

۱- آیه الله زنجانی: لکن اگر تنها استطاعت انجام عمره مفرده از مکان خود داشته باشند، احتیاطاً مستحب مؤکد در انجام عمره مفرده است و در صورتی که حج تمتع آنها مبدل به حج افراد شده- خواه حج تمتع واجب باشد یا مستحب- واجب است بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده انجام بدهند، در ذی حجه باشد یا محرم یا ماه‌های دیگر.

۲- آیه الله سیستانی: ولی اگر وظیفه آنها بدل به حج افراد شد واجب است در صورت تمکن بعد از آن عمره مفرده انجام دهند.

۳- آیه الله سیستانی: ورود به مکه بلکه در حرم بدون احرام جایز نیست.

آیه الله زنجانی: ورود به مکه یا حرم بدون احرام جایز نیست همچنان که بر کسی که قصد ورود به مکه یا حرم را دارد جایز نیست بدون احرام از مواقیت یا نزدیکی آنها عبور کند.

۴- آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، گلپایگانی، صافی: همچنین در مورد کسانی که در همان ماه عمره را بجا آورده و خارج شده‌اند و سپس در همان ماه داخل می‌شوند احرام و عمره مجدد واجب نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند. آیه الله سیستانی اضافه نموده‌اند: چنانچه عمره مفرده‌اش به نیابت از دیگران باشد بنا بر احتیاط واجب با احرام جدید وارد حرم یا مکه شود.

آیه الله بهجت: و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می‌تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکه شود و در غیر این صورت حکم آن خواهد آمد.

آیه الله زنجانی: و همچنین مریضی که احرام بستن و انجام مناسک برای او مشقت دارد و نیز کسانی که قبلاً حج یا عمره بجا آورده‌اند و از بیرون آمدنشان از احرام، سی روز نگذشته است، استثناء شده‌اند.

ص: ۵۹

فاصله بین دو عمره

۶۱- تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه بقصد رجاء بجا آورده شود. «(۱)»
(م ۱۷۳)

۱- - آیات عظام خوبی، سیستانی، فاضل، مکارم با اختلاف در تعبیر: فاصله یک ماه شرط نیست، بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد. مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوم در اول ماه شعبان واقع گردد. و تفصیل مسأله خواهد آمد.
آیه الله تبریزی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اگر به نیت یک شخص باشد احتیاط ترک نشود.
آیه الله خامنه‌ای: فاصله معینی بین دو عمره شرط نیست ولی بنا بر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد ولی آوردن عمره برای غیر خود هر نفر یک عمره جایز است.
آیه الله گلپایگانی، آیه الله زنجانی: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست. بلکه می‌توان در یک روز چندین عمره مفرده به جا آورد، خواه برای خود یا نیابت از دیگری.
آیه الله نوری: می‌تواند هر روز یک عمره به جا آورد.
آیه الله بهجت: فاصله بین دو عمره لازم نیست بنا بر اظهار اگر چه افضل در عمره ثانیه این است که در ماه دیگری غیر از ماه عمره سابقه باشد و یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد، بلکه احد الفصلین احوط است و چنانچه بخواهد، یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری به جا آورد فاصله یک ماه لازم نیست و همچنین است، اگر هر دو عمره برای دیگری باشد، همچنانکه فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده و بالعکس لازم نیست.
اما در فاصله بین عمره تمتع با عمره مفرده نظر آیات عظام چنین است:
آیه الله گلپایگانی: انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است و احوط ترک آن است اگر چه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است.
آیه الله صافی: در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف و همچنین یک عمره برای خود و یک عمره به نیابت از دیگری فاصله معتبر نیست.
آیه الله خوبی، آیه الله فاضل: کسی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از حج تمتع عمره مفرده به جا آورد و بین این دو عمره فاصله معتبر نیست.
آیه الله سیستانی: در اعتبار فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده اشکال است و احتیاط نباید ترک شود و اما انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود.
آیه الله تبریزی: در فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده احتیاط ترک نشود.

ص: ۶۰

اقسام حجّ

حجّ بر سه قسم است:

تمتّع، قران، افراد.

تمتّع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل «(۱)» که شانزده فرسخ است «(۲)» از مکه دور باشند. قران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود و این تفصیل در حجّه الاسلام است.

(ص ۹۶)

۱- آیه الله مکارم: یا بیشتر.

۲- آیه الله مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی: از مسجدالحرام ۱۶ فرسخ دور باشد.

آیه الله زنجانی: بیشتر از ۴۸ میل که بر خلاف مشهور حدود هشتاد کیلومتر است.

صورت حج افراد و عمره مفرده

۶۲- صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلائی متمتع می‌شود از این قرار است که: زن حائض «(۱)» یا کسی که بواسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را بجا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده برود به عرفات و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را بجا آورد

۱- - آیه الله زنجانی: زنی که هنگام احرام بستن می‌داند که بر اثر حیض یا نفاس نمی‌تواند قبل از خروج به عرفات اعمال عمره تمتع را بجا آورد و همچنین زنی که به حکم استصحاب بقاء حیض قدرت انجام طواف را ندارد، به حج افراد محرم می‌گردد، پس چنانچه قبل از گذشتن وقت پاک شد باید عدول به عمره تمتع کند و اگر پاک نشد حج افراد و عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجه الاسلام اوست. و زنی که فکر می‌کند که حیض یا نفاس مانع انجام عمره تمتع او نخواهد بود و همچنین اگر پاک باشد و شک داشته باشد که در آینده حیض می‌شود یا خیر، در این دو صورت به عمره تمتع محرم می‌گردد و چنانچه حیض یا نفاس عارض شد، می‌تواند تا آخر وقت صبر کند که اگر پاک شد اعمال عمره را بجا آورد والا سعی و تقصیر کرده احرام حج ببندد و طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و می‌تواند برای پاک شدن صبر نکند بلکه طواف را رها کرده، سعی و تقصیر کند پس اگر قبل از احرام حج پاک شد طواف و نماز را بجا می‌آورد والا آنها را قبل از طواف حج قضا می‌کند و این حج نیز مجزی از حجه الاسلام است و در هر صورت می‌تواند به نیت مافی الذمه محرم شود پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره و پس از آن حج تمتع بجا آورد والا اعمال حج افراد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجه الاسلام است. و حکم کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع بجا آورد در مناسک الحج مسأله ۱۰۲ و ۱۰۳ مذکور است. آیه الله فاضل: کسی که به علت ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع به جا آورد، می‌تواند قصد حج افراد کند، ولی کفایت از حجه الاسلام او نمی‌کند.

ص: ۶۲

مگر هدی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، پس در این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که سایر حجاج بجا می‌آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک (۱) فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

(م ۱۷۴)

۶۳- صورت عمره مفرده- که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج بجا آورد (۲)- آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیکتر به مسجد الحرام است محرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بینصفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر تراشد و طواف نساء بجا آورد و نماز طواف بخواند.

(م ۱۷۵)

۶۴- عمره مفرده با عمره تمتع که تفصیلاً خواهد آمد در صورت فرق ندارد مگر در سه چیز: (۳) اول: آنکه در عمره تمتع باید تقصیر کند، یعنی از مو یا ناخن خود

۱- - آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترک هستند و در ۶ جهت با هم فرق دارند.

آیه الله زنجانی: با چند فرق که در مناسک الحج مذکور است.

۲- - آیه الله سیستانی: در صورت تمکن.

آیه الله زنجانی: باید بعد از حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده بجا آورد، هر چند حج تمتع او استحبابی باشد و بهتر است آن را در اوایل محرم بجا آورد. و میقات آن خارج حرم است و بهتر است از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم محرم گردند.

۳- - آیات عظام فروق بیشتری را متذکر شده‌اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

ص: ۶۳

باید بگیرد، «(۱)» و سر تراشیدن «(۲)» جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است «(۳)» بین سر تراشیدن و تقصیر. دوّم: آنکه در عمره تمتّع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

سوّم: آنکه میقات عمره تمتّع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید. «(۴)» و میقات عمره مفرده ادنی‌الحلّ است «(۵)» و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود.

(م ۱۷۶)

۶۵- کیفیت أفعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و

۱- آیه الله سیستانی: احتیاط واجب این است که تنها به کوتاه کردن ناخن اکتفا نشود.

۲- آیه الله فاضل: حرام است و مجزی نیست.

آیه الله زنجانی: سر تراشیدن کفایت نمی‌کند و در عمره مفرده مردان بین تراشیدن سر و تقصیر مخیر هستند و تراشیدن سر افضل است.

۳- آیه الله بهجت: با افضلیت حلق

۴- آیه الله زنجانی: کسی که از مواقیت یا حوالی آن عبور می‌کند باید از مواقیت محرم گردد و کسی که از نقاط دیگر عبور می‌کند و کسی که در مکه است خارج حرم از هر کجا محرم شوند کافی است و در این جهت فرقی بین عمره تمتّع و عمره مفرده نیست.

۵- آیات عظام خویی، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی: احرام بستن برای عمره مفرده باید از همان مواقیت عمره تمتّع باشد و اگر مکلف در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد جایز است از حرم خارج شده و احرام ببندد و واجب نیست به یکی از مواقیت عمره تمتّع برود و بهتر است که احرامش از یکی از این سه محلّ باشد: حدیبیه، جعرانه، تنعیم.

آیه الله بهجت: اگر در حرم باشد، و میقات است در صورت مرور به آن.

آیه الله فاضل: برای کسی که از میقات یا محاذات آن عبور می‌کند و می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد، واجب است از میقات یا محاذات آن محرم شود، ولی کسی که از میقات یا محاذات آن عبور نمی‌کند کسانی که به جده می‌روند یا در مکه هستند و می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، می‌توانند به یکی از مواقیت خمسّه بروند و از آنجا محرم شوند یا از ادنی‌الحلّ محرم شوند و عمره مفرده انجام دهند.

ص: ۶۴

اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترک هستند، «(۱)» و کیفیت افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است.

(م ۱۷۷)

۶۶- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده «(۲)» فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورد. «(۳)»

(م ۱۷۹)

۶۷- کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

(م ۱۸۰)

۶۸- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی بجا آورد. «(۴)»

(م ۱۸۱)

۶۹- کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد اگر احرامش در

۱- - آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: در برخی از احکام بین حج تمتع و حج افراد تفاوت هست، مثلاً تقدیم اعمال مکه بر وقوفین در حج افراد اختیاراً جایز است برخلاف حج تمتع، و همچنین کسی که احرام حج تمتع می‌بندد تا طواف‌های حج تمتع را بجا نیاورده نمی‌تواند طواف مستحبی بجا آورد و این امر در حج افراد [آیه الله زنجانی: اشکال ندارد] مشروع است.

۲- - آیه الله زنجانی: بیش از شانزده.

۳- - آیه الله مکارم: این احتیاط واجب است.

آیه الله زنجانی: مخصوصاً کسی که استطاعت انجام عمره مفرده را از مکان خود داشته باشد.

۴- - آیه الله بهجت: در عمره مفرده تقدیم طواف نساء بر تقصیر در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

ص: ۶۵

ماه‌های حج بوده «(۱)» جایز است در صورتی که حج تمتع مستحبی باشد که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در اینصورت هدی بر او واجب می‌شود. «(۲)»

(م ۱۸۲)

۷۰- اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء بجا آورد و فرقی «(۳)» بین دو عمره مفرد از خود شخص و بین دو عمره مفردی که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد نیست. مقصود از ماه در این مسأله ماه هلالی است «(۴)» نه سی روز و اگر در بین ماه

۱- آیه‌الله تبریزی: تا وقت حج در مکه باقی ماند.

آیه‌الله سیستانی: اگر عمره مفرد را در ماه‌های حج انجام دهد و در مکه تا روز هشتم ذی‌الحجه بماند و قصد حج کند عمره او عمره تمتع به حساب می‌آید.

۲- آیه‌الله زنجانی: بر کسی که در ماه‌های حج عمره مفرد مستحبی بجا آورده و از مکه خارج نشده، جایز بلکه مستحب است که آن را عمره تمتع مستحبی قرار بدهد و بعد از آن حج تمتع بجا آورد و چنانچه انجام حج تمتع بر او واجب باشد باید عمره تمتع بجا آورد و عمره مفرد قبلی کفایت نمی‌کند.

۳- آیه‌الله بهجت: در این مسأله و دو مسأله بعدی به حاشیه مسأله ۶۱ مراجعه شود. و حکم اجرت هم از آن معلوم می‌شود. آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی، فاضل، صافی: در یک ماه قمری نمی‌تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.

آیه‌الله خامنه‌ای: نظر ایشان در خصوص این مسأله و دو مسأله بعد ذیل مسأله ۶۱ آمده است.

آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله زنجانی: فاصله بین دو عمره شرط نیست.

۴- آیه‌الله مکارم: بلکه میزان این است که در هر یک از ماه‌های قمری می‌توان یک عمره مفرد انجام داد.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: چنانکه گذشت در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد پس اگر یک عمره را در اواخر ماه انجام دهد عمره دیگر را در اول ماه بعد مانعی ندارد.

آیه‌الله فاضل: میزان عنوان ماه است.

ص: ۶۶

عمره بجا آورده احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کند.

(س ۱۸۶ و ۱۸۷)

۷۱- اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است باید برای طواف و نماز نائب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه از مکه رفته باشد باید برگردد و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نائب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

(س ۱۸۹)

۷۲- عمره مفرده قبل از عمره تمتع با فاصله شدن کمتر از یک ماه جایز است «(۱)» ولی عمره مفرده بعد از عمره تمتع با فاصله شدن کمتر از یک ماه به قصد رجاء انجام شود. «(۲)»

(س ۱۹۴)

۱- - آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و بر خودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد.

۲- - آیه‌الله بهجت: به حاشیه مسأله ۶۱ مراجعه شود.

آیه‌الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده انجام ندهد لکن بعد از اتمام حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.

آیه‌الله فاضل: در فرض مزبور فاصله و قصد رجاء لازم نیست اما بین عمره تمتع و حج تمتع نمی‌تواند عمره مفرده انجام دهد.

آیه‌الله گلپایگانی: قصد رجاء لازم نیست.

آیه‌الله خویی: بعد از فراغ از اعمال حج مانع ندارد و قصد رجاء لازم نیست.

آیه‌الله صافی: اگر هر دو را برای خود انجام می‌دهد در عمره مفرده قصد رجاء نماید.

آیه‌الله نوری: بین عمره تمتع و عمره مفرده فاصله لازم نیست چه قبل باشد چه بعد و فاصله ده روز بین دو عمره مفرده معتبر است.

آیه‌الله سیستانی: انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و اعمال حج، موجب بطلان عمره تمتع است ولی اگر بعد از اعمال حج و در ماه دیگر قمری غیر آنچه در آن برای عمره تمتع محرم شده بود انجام دهد اشکال ندارد و اگر در همان ماه باشد خالی از اشکال نیست.

آیه‌الله تبریزی: به ذیل مسأله ۶۱ مراجعه شود.

آیه‌الله زنجانی: کسی که عمره مفرده انجام داده بلافاصله می‌تواند احرام عمره تمتع ببندد و همچنین کسی که حج تمتع بجا آورده می‌تواند بعد از ایام تشریق عمره مفرده بجا آورد و انجام عمره مفرده در بین عمره و حج تمتع باعث بطلان عمره تمتع می‌شود و صحت آن عمره مفرده خالی از اشکال نیست و بنابر احتیاط باید از حرم خارج شود هر چند نباید از مکه خارج گردد لذا می‌تواند مثلاً به تنعیم برود و رجاء به عمره تمتع محرم شده اعمال آن را رجاء بجا آورد و کفایت می‌کند.

ص: ۶۷

صورت اجمالی حج تمتع

- ۷۳- حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع، و دیگری حج تمتع. و عمره تمتع مقدم است بر حج. و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:
- اول- احرام.
 - دوم- طواف کعبه.
 - سوم- نماز طواف.
 - چهارم- سعی بین کوه صفا و مروه.

ص: ۶۸

پنجم- تقصیر، یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن. «(۱)» و چون محرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او بواسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می‌شود. «(۲)» و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول- احرام بستن در مکه.

دوم- وقوف به عرفات.

سوم- وقوف به مشعر الحرام.

چهارم- انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.

پنجم- قربانی در منی.

ششم- تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم- طواف زیارت در مکه.

هشتم- دو رکعت نماز طواف.

نهم- سعی بینصفا و مروه.

دهم- طواف نساء.

یازدهم- دو رکعت نماز طواف نساء.

۱- آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن قناعت نکند.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بجز تراشیدن سر، و اما سر تراشیدن تفصیلی دارد که از این قرار است: هرگاه عمره تمتع در ماه شوال بجا آورده شود سر تراشیدن تا سی روز از عید فطر گذشته جایز است و اما بعد از آن احتیاط این است که سر تراشیده نشود و چنانچه تراشیده شد و از روی علم و عمد بود احتیاط این است که یک گوسفند کفاره داده شود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: ولی تراشیدن سر جایز نیست و اگر سر بترشد باید یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

ص: ۶۹

دوازدهم - ماندن در منی، شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.
سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند. [\(۱\)](#)

(ص ۹۹ و ۱۰۰)

۷۴- بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع که آن را میقات می‌نامند مختلف می‌شود به اختلاف راههایی که حجاج از آنها بطرف مکه می‌روند، و آن پنج محل است:

اول: مسجد شجره؛ که آن را ذوالحلیفه می‌نامند میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

دوم: وادی عقیق.

سوم: قرن المنازل.

چهارم: یلملم.

پنجم: جحفه.

(م ۲۰۰)

۷۵- احتیاط واجب [\(۲\)](#) آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود

۱- آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، تبریزی: بنا بر احتیاط.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله مکارم: بلکه همین اندازه که محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد کفایت می‌کند هر چند از داخل مسجد مستحب است.

آیه الله خویی: احرام از منطقه ذوالحلیفه، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می‌کنند کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.

آیه الله بهجت: جایز نیست در بیرون مسجد بطوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و اختیاریاً باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود.

آیه الله تبریزی: جایز است در بیرون مسجد بطوری که محاذی آن از طرف راست یا چپ باشد احرام بسته شود و احوط این است که در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود و احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

ص: ۷۰

نه خارج آن، «(۱)» هر چند نزدیک به آن باشد. «(۲)»

(م ۲۰۲)

۷۶- شخص جنب و حائض می‌توانند «(۳)» در حال عبور از مسجد محرم شوند، «(۴)» و نباید در مسجد توقف کنند.

(م ۲۰۳)

وادی عقیق که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

(ص ۱۱۱)

۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: احرام از پشت دیوار مسجد نیز صحیح است.

۲- آیه الله زنجانی: کسی که می‌خواهد محرم شود، باید در مسجد شجره نیت احرام حج یا عمره را انشاء کند، یعنی از قلب خود بگذراند که- مثلاً- «خود را محرم به عمره تمتع قرار می‌دهم» ولی مکان گفتن تلبیه واجب کلّ منطقه ذوالحلیفه است، پس اگر تلبیه واجب را در خارج مسجد هم بگوید، صحیح است.

۳- آیه الله تبریزی: شخص جنب و حائض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تلبیه در جحفه لزومی ندارد و نیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیه الله خویی: این مسأله و دو مسأله بعد مبنی بر لزوم احتیاط است و در مسأله قبل گفته شد که احتیاط واجب نیست و احرام در خارج مسجد مانع ندارد.

۴- آیه الله مکارم، آیه الله زنجانی: می‌توانند در خارج مسجد یا در حال عبور از مسجد محرم شوند.

آیه الله سیستانی: برای حائض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

آیه الله فاضل: اگر امکان نداشته باشد، یعنی مسجد دو درب نداشته باشد یا امکان عبور از مسجد به جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست.

ص: ۷۱

قرن المنازل و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.

(ص ۱۱۱)

یلملم که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.

(ص ۱۱۱)

جحفه و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند. «(۱)»

(ص ۱۱۱)

۷۷- کسی که بواسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر «(۲)» بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می‌توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات «(۳)» احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن «(۴)» نیست به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده از همانجا احرام ببندد، و احتیاط مستحب «(۵)» آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات

۱- - آیه الله سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هر چند بدون عذر.

۲- - آیه الله بهجت: عذری که مسوِّغ ترک باشد و لو ظاهراً، از قبیل مرض و جهل به موضوع بدون تقصیر، و ظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد و این در مسأله بعدی نافع است.

۳- - آیه الله سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هر چند عمدی باشد می‌تواند از جحفه محرم شود، گر چه گناه کرده است.

آیه الله مکارم: می‌تواند از همانجا محرم شود.

آیه الله زنجانی: واجب است از همان میقات احرام ببندد و اگر نمی‌تواند به همان میقات برگردد چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از میقات بعدی محرم شود والا- از همانجا که هست محرم می‌گردد مگر داخل حرم شده باشد که در صورت امکان باید برای احرام از حرم خارج گردد و در هر صورت اگر از یکی از مواقیت محرم شود کافی است.

۴- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند از میقات بعدی محرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

۵- - آیه الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب.-

آیه الله مکارم: اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود و هر چند به تنعیم رود.

آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

ص: ۷۲

برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد از حرم خارج شود «(۱)» و محرم گردد، و اگر نمی‌تواند بنحوی که گفته شد همانجا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

(م ۲۱۵)

۷۸- جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، «(۲)» و باید از همانجا محرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر «(۳)» آن است که به میقات یا

۱- آیه الله مکارم: هر چند به تنعیم رود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقداریکه ممکن است برود و إلا از ادنی الحل محرم شود و در صورت عدم تمکن از رفتن به ادنی الحل در مکه محرم شود.

آیه الله بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم بمقدار عدم فوت حج ترک نشود.

۲- آیه الله سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرم می‌شود مانند استظلال انعقاد نذر مورد اشکال است.

آیه الله فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند، محل اشکال است. بلی، اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود، می‌تواند نذر کند و معصیت هم نکرده است و احرام او صحیح است و احتیاط این است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و علی‌ای حال اگر استظلال کرد، باید کفاره آن را بدهد.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و در این صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند.

آیه الله فاضل: تجدید احرام لازم نیست.

ص: ۷۳

محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند. «(۱)»

(م ۲۱۷)

۷۹- جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاریاً، بلکه احتیاط «(۲)» واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

(م ۲۱۸)

۸۰- اگر از میقات بدون احرام «(۳)» عبور کرد واجب است در صورت

۱- آیه الله بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می‌تواند از راهی به مکه برود که بر- میقات نگذرد.

آیه الله زنجانی: اگر از یکی از مواقیت یا نزدیکی آن عبور می‌کند باید از همان میقات محرم شود و نذر کردن مجوز احرام قبل از میقات نیست و اگر از مواقیت و نزدیک آن عبور نمی‌کند از هر کجای حل محرم شود کافی است و نیازی به نذر نیست. هر چند با نذر احرام بستن از محل نذر شده بر او واجب می‌شود مشروط بر آن که مستلزم ارتکاب محرمات احرام- مانند استظلال- نباشد.

۲- آیه الله بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذو الحلیفه برای احرام از جحفه اختیاریاً.

آیه الله سیستانی: و احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد مگر با احرام، اگر چه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بلکه واجب است.

آیه الله فاضل: این احتیاط مستحب است.

آیه الله خوئی: تجاوز نمودن از میقات مسجد شجره و محاذات آن و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر مشکل است.

آیه الله زنجانی: گذشتن از مواقیت و محاذات نزدیک آن بدون احرام جایز نیست و گذشتن از محاذات بعید مانعی ندارد، پس چنانچه میقات دیگری سر راهش نباشد، هر کجا خارج حرم محرم شود کافی است.

۳- آیه الله فاضل: در حج تمتع بدون عذر.

آیه الله بهجت: در حال اختیار.

آیه الله زنجانی: اگر بدون عذر بی احرام از میقات گذشت باید اگر می‌تواند به آن میقات برگردد و از آنجا محرم شود هر چند میقات دیگری بعد از آن باشد، و در هر صورت اگر به میقات دیگری رفته محرم شود کافی است. و اگر نمی‌تواند چنانچه میقات دیگری سر راه اوست، از آنجا محرم می‌شود والا حج و عمره او باطل است و داخل شدن در حرم و مکه برایش جایز نیست.

ص: ۷۴

امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب «(۱)» برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

(م ۲۱۹)

۸۱- اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند «(۲)» و برای حج

۱- آیه الله سیستانی: و هرگاه بدون احرام از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنا بر اظهر برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگر چه گناهکار است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، گلپایگانی، تبریزی، بهجت، صافی: در صورت امکان باید برگردد. آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: جمعی فرموده‌اند: «واجب است از میقات محرم به حج افراد شود»، لکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و مُحَلَّ شُود و بعد اعمال حج را بجا آورد، و حج تمتع او صحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورده و حج افراد صحیح است.

آیه الله خویی: اگر به نیت مافی الذمه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است.

آیه الله خامنه‌ای: می‌تواند به نیت حج افراد محرم شود و نیز می‌تواند به قصد مافی الذمه داخل احرام شود، ولی در صورت اول، اگر زودتر از موعد مقرر پاک شود لازم است برای عمره تمتع، بار دیگر محرم شود. و اما در صورت دوم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد، با همان احرام می‌تواند عمره تمتع به جا آورد.

آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: بهتر است در موقع احرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام می‌دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

آیه الله تبریزی: می‌تواند به قصد مافی الذمه احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع بجا آورد و بعد حج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد بجا آورد و سپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر بقصد حج افراد احرام بست، و قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و سپس حج تمتع را انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می‌باشد.

ص: ۷۵

افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد «(۱)» در صورتی که برای حَجَّه الاسلام محرم شده احرام او باطل است و باید برای عمره تمتّع مجدداً محرم شود. «(۲)»

(م ۲۲۱)

۸۲- کسانی که با هواپیما به جدّه می‌روند «(۳)» نمی‌توانند از جدّه

۱- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: لازم است این حج افراد را عدول به عمره تمتّع کند، یعنی طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد و تقصیر کند و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را بجا آورد. و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتّع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتّع یا حج افراد را تمام نماید.

آیه الله سیستانی: عدول کند به عمره تمتّع و اعمال آن را انجام دهد و باید رعایت کند که پس از انجام سعی تلبیه نگوید. سایر آیات عظام متذکر مسأله کشف خلاف نشده‌اند. و در نیت افراد با حضرت امام رحمه الله موافق هستند.

۲- - آیه الله زنجانی: حکم این فرع در حاشیه مسأله ۶۲ گذشت.

۳- - آیه الله زنجانی: اگر از میقات یا نزدیکی آن عبور نمی‌کنند می‌توانند از جدّه بلکه هر کجای خارج حرم مانند حدیبیه محرم شوند. ولی نباید بدون احرام وارد مکه شوند پس برای محرم شدن نباید به مسجد تنعیم بروند.

ص: ۷۶

یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه «(۱)» بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین اینکه قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست «(۲)» و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند. «(۳)»

(م ۲۲۲)

۸۳- میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد «(۴)» و احرام از ادنی الحَلِّ صحیح است «(۵)» هر چند در مسجد نباشد بنابراین در صورت

۱- آیه الله بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن.

آیه الله سیستانی: می‌تواند از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

۲- آیات عظام گلپایگانی، فاضل، صافی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحَلِّ کفایت می‌کند، اگرچه با عبور از میقات بدون احرام گناه کرده است.

۳- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده است می‌تواند از ادنی الحَلِّ برای عمره مفرده محرم شود.

آیه الله سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می‌خواهد وارد حرم شود همان میقاتهای معروف است ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می‌تواند از ادنی الحَلِّ محرم شود.

آیه الله زنجانی: کسانی که در مکه هستند برای محرم شدن لازم نیست به مواقیت معروفه بروند، بلکه از هر نقطه خارج حرم محرم شوند صحیح است و ادنی الحَلِّ و حدیبیه و سایر حدود حرم خصوصیتی ندارد.

۴- آیه الله زنجانی: و احرام از هر نقطه خارج حرم صحیح است.

۵- آیه الله مکارم: ادنی الحَلِّ میقات عمره مفرده است.

ص: ۷۷

توسعه مسجد با صدق جحفه در اول و ادنی الحّل در ثانی احرام اشکال ندارد.

(س ۲۳۶)

۸۴- بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند در صورتی که از وقت احرام «(۱)» عمره تمتع یک ماه نگذشته «(۲)» است لازم نیست محرم شود و می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود.

(س ۲۴۱)

- ۱- آیه الله زنجانی: اگر از زمانی که آخرین واجب حج را انجام داده است سی روز نگذشته لازم نیست محرم شود.
- آیه الله فاضل: اگر در ماه قمری بعد وارد شود، عمره تمتع قبلی او باطل شده است و نمی‌تواند حج تمتع انجام دهد، مگر این که مجدداً به یکی از مواقیت خمسسه رفته و محرم به احرام عمره تمتع شود و سپس بعد از انجام عمره، حج تمتع به جا آورد.
- ۲- آیه الله خویی: در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده اگر برگردد لازم نیست محرم شود.
- آیه الله گلپایگانی: اگر قبل از گذشتن یک ماه سی روز از محل شدن قصد ورود داشته باشد، احرام جدید لازم نیست.
- آیات عظام مکارم، تبریزی، صافی، فاضل: در همان ماهی که محرم شده مراجعت کند لازم نیست محرم شود.
- آیه الله سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع را انجام داده است لازم نیست محرم شود.
- آیه الله بهجت: در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه شود اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اول ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه.

واجبات احرام

۱- نیت، ۲- تلبیه، ۳- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان. «(۱)»

(م ۲۵۱)

۸۵- در وقت احرام سه چیز واجب است:

اول- نیت، «(۲)»

یعنی انسان در حالی که می‌خواهد محرم شود به احرام

۱- آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مستحب مؤکد، برای احرام غسل کند و انشاء نیت احرام او پس از نماز- واجب یا مستحب- باشد و بسیار شایسته است که غسل نماز را ترک نکند.

۲- آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت: در نیت چند چیز معتبر است:

۱- قصد قربت، مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

آیه الله بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم.

۲- همزمان بودن با شروع در احرام.

۳- تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری، و تعیین این که حجش حجه الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج نذری است که به سبب نذر بر او واجب شده یا حجی است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هر یک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: حجه الاسلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلف مستطیع برای خود حج بجا آورد حجه الاسلام است مگر با علم و عمد قصد حج استجابی نماید.

آیه الله سیستانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیا حج است و یا عمره و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد، و در صورت نیابت باید آن را قصد کند و اگر برای خودش باشد کافی است که قصد انجام آن از غیر نماید و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد، و لزومی ندارد قصد کند حجی که انجام می‌دهد- مثلاً- حج نذری است، همچنان که برای اینکه حجی که انجام می‌دهد حجه الاسلام باشد، کفایت می‌کند که حجه الاسلام که بر او واجب شده بر عملش منطبق باشد و نیاز به قصد زایدی نیست.

آیه الله زنجانی: در نیت احرام- مانند هر امر عبادی- سه امر معتبر است الف: قصد عمل، ب: تعیین نوع احرام، پس باید در نیت احرام معین کند که احرام عمره است یا حج، تمتع است یا افراد، واجب است یا مستحب و اگر نیابی است قصد نیابت و تعیین منوب عنه نیز لازم است. ج: قصد قربت و خلوص. در نیت احرام رعایت چند امر دیگر نیز لازم است: ۱- وجود ارتکازی نیت کافی نیست بلکه لازم است چنین معنایی را از قلب خود بگذرانند که «خود را محرم می‌کنم- مثلاً- به عمره تمتع». ۲- در نیت عمره تمتع لازم است قصد انجام مجموع عمره و حج تمتع را داشته و عمره تمتع را به عنوان بخش اول این مجموعه بجا آورد. ۳- در احرام

عمره مفرده باید هنگام احرام تصمیم داشته باشد- ولو اجمالاً- که از ارتکاب عمل حرامی که باعث فساد عمره مفرده می شود/ جماع قبل از تمام شدن سعی پرهیز کند.

ص: ۸۰

عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست «(۱)» قصد کند ترک محرماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می‌شود، «(۲)» بلکه کسی که بقصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را گفت، محرم می‌شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند. پس کسی که می‌داند بعضی از محرمات را مرتکب می‌شود مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام اوصحیح «(۳)» است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک

-
- ۱- آیات عظام گلپایگانی، بهجت، صافی: لازم است قصد کند ترک کارهایی که بر محرم حرام است. آیه الله مکارم: نیت احرام این است که قصد می‌کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.
 - ۲- آیه الله خامنه‌ای: لکن باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می‌کند نداشته باشد.
 - ۳- آیه الله مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

ص: ۸۱

محرمات را.

(ص ۱۳۳-۱۳۲)

۸۶- عمره و حج و اجزاء (۱) آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت (۲) خداوند تعالی بجا آورد. (۳)

(م ۲۵۳)

۸۷- دوّم- تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن، و صورت آن بنا بر اصحّ آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». (۴)

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب (۵) آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را بصورتی که

۱- آیه الله نوری: و همچنین احرام.

۲- آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

۳- آیه الله نوری: و باید نیت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتع حج تمتع را انجام بدهد.

۴- آیه الله زنجانی: و نباید به این مقدار اکتفا کند بلکه باید پس از آن بگوید «ان الحمد والنعمه لك والملك، لا شريك لك» و گفتن لبیک پنجم واجب نیست و با گفتن تلبیه واجب محرم می شود و پس از آن باید از محرمات احرام اجتناب کند و همچنین واجب است حج یا عمره‌ای را که برای آن محرم شده به پایان برساند. پس اگر احرام عمره تمتع بسته باید آن را تکمیل کرده، پس از آن حج تمتع را به جا آورد.

۵- آیه الله بهجت: احتیاط واجب این است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: صورت تلبیه واجب که بوسیله آن احرام واقع می شود این است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» احتیاط در این است این جمله اضافه شود: «انَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» و بهتر است بعد از آن بگویند: لَبَّيْكَ.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب است که جمله دوّم را بگوید اما لبیک پنجم را نگوید، البته گفتن آن به قصد احتیاط مانعی ندارد و در هر حال ضرری به صحت لبیک وارد نمی کند.

آیه الله سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزء این احتیاط استجابی نیست.

ص: ۸۲

گفته شد گفت، بگوید:

«انَّ (۱) الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ».

و اگر بخواهد احتیاط (۲) بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ لَيْتِكَ انَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ، لَيْتِكَ لَيْتِكَ، تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ يَا كَرِيم».

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَيْتِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعًا لَيْتِكَ، لَيْتِكَ هِدِيهِ عُمْرَةً مُتَعَةٍ إِلَى الْحِجِّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

۱- آیه الله بهجت: وجوب کسر همزه انّ متجه است.

۲- آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: این احتیاط در مناسک ایشان نیست.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید.

ص: ۸۳

۸۸- معنی تلبیه چنین است: ترجمه

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

چنین است: «(۱)» اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را. و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

۸۹- اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند «(۲)» باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او بطور صحیح بگوید.

(م ۲۵۹)

۹۰- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید، «(۳)» و ترجمه‌اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب «(۴)» هم بگیرد.

(م ۲۶۲)

۱- آیه الله نوری: با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا، با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مر تو را، با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم تو را.

۲- آیه الله زنجانی: چنانچه وقت احرام وسعت دارد و می‌تواند آن را یاد بگیرد باید احرام را تا تنگی وقت به تأخیر بیندازد تا آن را یاد بگیرد یا لااقل با تلقین تلبیه را به طور صحیح ادا کند و اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید باید برای گفتن تلبیه نایب بگیرد و بنابر احتیاط مستحب خود نیز به بهترین شکلی که می‌تواند- ولو با تلقین دیگری- تلبیه بگوید. و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- آیه الله فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

۴- آیه الله بهجت: می‌تواند احتیاط کند به جمع بین این و استنباه اگرچه جواز اکتفاء به همان مقداریکه می‌تواند با ضم ترجمه عبارت صحیحه خالی از وجه نیست مثل اکتفا به ترجمه در صورت عدم توانائی به هیچ مقدار و نیز اکتفاء به استنباه عدم قدرت بر ترجمه هم، کما اینکه لال اکتفاء به تحریک لسان و اشاره به انگشت با عقد قلب می‌نماید و اگر ممکن نباشد استنباه می‌کند.

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: احوط این است نایب هم بگیرد.

آیه الله خامنه‌ای: باید به هر نحو که می‌تواند بگوید و بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.

آیه الله خویی: اگر کسی قدرت بر تصحیح تلبیه ولو با تلقین نداشته باشد می‌تواند به ملحون اکتفا کند گرچه احوط جمع بین ترجمه و استنباه نیز هست. و نیز اخرس گنگ و لال کافی است با اشاره تلبیه بگوید گرچه احوط استنباه نیز هست.

آیه الله سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیه الله نوری: نایب گرفتن لازم نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاءاً که از طرف او بطور صحیح بخواند.

ص: ۸۴

۹۱- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی «(۱)» است بگوید «لبیک اللهم لبیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

(م ۲۶۷)

۹۲- احتیاط واجب «(۲)» آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد

۱- آیه الله مکارم: بقصد رجاء.

۲- آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، مکارم: واجب است.

آیه الله خامنه‌ای: قطع تلبیه عمره تمتع در هنگام پیدا شدن خانه‌های مکه و قطع تلبیه حج از زوال روز عرفه واجب است.
 آیه الله زنجانی: در عمره تمتع بعد از مشاهده خانه‌های مکه دیگر تکرار تلبیه مستحب نیست و مراد از مکه در این مسأله، محدوده مکه زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و در احرام حج بعد از رسیدن ظهر روز عرفه دیگر تکرار تلبیه مستحب نیست.

ص: ۸۵

دروقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لیبیک راترک کند و دیگر لیبیک نگوید، و مراد از خانه‌های مکه «(۱)» خانه‌هایی است که در زمانی که عمره بجا می‌آورد جزء مکه باشد هرچند مکه بزرگ شود، «(۲)» و احتیاط واجب «(۳)» برای کسی که احرام حج بسته آن است که لیبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

(م ۲۶۸)

۹۳- سوّم- پوشیدن دو جامه احرام برای مردان «(۴)»

که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب «(۵)»

۱- آیه‌الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۲- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، بهجت: بلکه مراد خانه‌های قدیمی مکه است.

۳- آیات عظام خویی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، فاضل: باید قطع نماید.

آیه‌الله گلپایگانی، متعرض این مسأله نشده‌اند.

۴- آیه‌الله گلپایگانی: پوشیدن دو جامه احرام اختصاص به مردان ندارد و واجب است که زنها نیز دو جامه را بپوشند اگرچه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

آیه‌الله فاضل: دو جامه‌ای که باید محرم بپوشد، مخصوص مرد است. ولی زن قبل از نیت و تلبیه به احتیاط واجب نیت کند. همان لباسی که پوشیده لباس احرامش باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط در حال نیت و تلبیه دو لباس احرام را بپوشد. آیه‌الله صافی: احتیاط مستحب آنست که زنها نیز دو جامه احرام را در وقت محرم شدن بپوشند و در طواف و سعی نیز همراه داشته باشند.

آیه‌الله زنجانی: پوشیدن لباس احرام شرط صحت احرام نیست، ولی از آنجا که پوشیدن لباس‌های معمولی بر محرم حرام است، لذا چنانچه کسی در لباس‌های معمولی نیت احرام کرده، تلبیه بگوید، محرم می‌شود، ولی در صورت عدم عذر گناهکار است و باید یک گوسفند قربانی کند.

۵- آیه‌الله بهجت: واجب است پوشیدن دو جامه در حال احرام، و محل پوشیدن، از باب مقدمه قبل از نیت و تلبیه است و احتیاط در صورت تاخیر پوشیدن در اعاده نیت و تلبیه است.

آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

ص: ۸۶

آن است که «(۱)» این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط «(۲)» آن است که لبیک را دوباره بگوید.

(م ۲۶۹)

۹۴- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب «(۳)» آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند «(۴)» و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

(م ۲۷۳)

۹۵- شرط است «(۵)» در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأکول «(۶)» و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

(م ۲۷۴)

۹۶- دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد

۱- آیه الله نوری: لباسهای دوخته را بکند، و این دو جامه را.

۲- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله فاضل: احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است.

۳- آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

آیه الله فاضل: برای مردان که لباس احرام می‌پوشند واجب است که آن را با قصد قربت بپوشند و زنان نیز لازم است نیت کنند لباسی را که پوشیده‌اند لباس احرام آن‌ها باشد و در این نیت قصد قربت داشته باشند.

۴- آیه الله بهجت: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است. متذکر نیت کندن لباس مخیط نشده‌اند

آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن دو جامه احرام، واجب تعبدی است.

آیات عظام خویی، تبریزی و سیستانی: بعید نیست اعتبار قصد قربت در پوشیدن لباس احرام.

۵- آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس.

آیه الله زنجانی: پوشیدن لباس احرام بر محرم واجب نیست لکن لباسی که محرم می‌پوشد باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد، خواه مرد باشد یا زن و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۶- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب در غیر درندگان.

ص: ۸۷

است، «(۱)» ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد «(۲)» ولی حریر محض نباشد «(۳)» چنانچه گذشت.

(م ۲۷۷)

۹۷- احتیاط واجب «(۴)» آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه «(۵)» نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط «(۶)» مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

(م ۲۷۸)

۱- نظر آیات عظام گلپایگانی، فاضل و صافی در سؤم از واجبات احرام پوشیدن لباس گذشت.

۲- آیه‌الله مکارم: و به هر رنگ باشد.

۳- آیه‌الله بهجت: امّا زنان بنا بر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندند گرچه احتیاط در ترک آن است و همچنین است جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام.

آیه‌الله تبریزی، آیه‌الله سیستانی: زنان می‌توانند در لباسهای عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد احرام ببندند.

۴- آیه‌الله گلپایگانی: از مناسک فارسی، مطابق متن احتیاط وجوبی استفاده می‌شود ولیکن در مناسک عربی احتیاط استحبابی فرموده‌اند.

آیه‌الله صافی: اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

آیه‌الله مکارم: این حکم واجب است.

آیه‌الله سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

آیه‌الله زنجانی: بدن یا لباس محرم نباید نجس شود و اگر نجس شد باید بدون تأخیر تطهیر یا تبدیل شود.

۵- آیه‌الله فاضل: یا لباسی که زن محرم پوشیده.

۶- آیه‌الله بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنا بر اظهر.

آیه‌الله فاضل: احتیاط استحبابی است.

آیه‌الله سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

آیه‌الله خویی، آیه‌الله تبریزی: این احتیاط لازم نیست.

ص: ۸۸

۹۸- شخص محرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر. «(۱)»
(م ۲۸۵)

۹۹- گره زدن لباس احرام اشکال ندارد «(۲)» ولی احتیاط واجب «(۳)» آن است که آن را که لنگ قرار داده بگردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز «(۴)» است.
(م ۲۸۷)

۱- آیه الله فاضل: لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

آیه الله زنجانی: لکن همه آنها باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام، و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آنکه آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت، سیستانی: احوط این است که ازار لنگ خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً گره نزنند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

آیه الله زنجانی: گره زدن لباس احرام و بستن آن با دکمه و کش و سنجاق و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم و در هر حال به احرام او ضرر نمی‌زند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست، ولی گره زدن لباس احرام یا گذاشتن سنگ یا چیز دیگر در میان آن و بستن با نخ چنانچه برای بستن جلوی رداء معمول است اشکال ندارد و همچنین بستن با سنجاق مادامی که از صدق مسمای رداء خارج نشود.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر بدون گره باشد مانعی ندارد، بشرط آنکه دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان شود.

آیه الله نوری: چنانکه جایز است بعضی از لباس احرام را به بعضی دیگر با سوزن و غیر وصل کند.

بعضی از مستحبات احرام

۱۰۰- اول: آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید. دوّم: آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است «(۱)» و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید. «(۲)»

- ۱- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد رجاء بدل از غسل تیمم نماید.
 - ۲- - آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت نشد، غسل را اعاده می‌کند و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است غسل را اعاده می‌کند.
- آیه الله بهجت: در انتقاض غسل سابق بغیر نوم، تأمل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آنکه اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است.
- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر محدث به حدث اصغر غیر از خواب بشود بهتر است رجاء غسل را اعاده کند و غسل روز برای شب و غسل شب برای روز کفایت می‌کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب و غسل روز در آخر روز باشد.

ص: ۹۰

سوم: آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، «(۱)» و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا آخُذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَيَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِّبِنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تَسَلِّمْ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُمَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسَ بَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۱- - آیه الله فاضل، آیه الله بهجت: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضا محرم شود.

ص: ۹۱

چهارم: آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف- وقت برخاستن از خواب.

ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج- وقت رسیدن به سواره.

د- هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه- وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و- آخر شب. «(۱)» ز- اوقات سحر.

زن حائض و نفساء «(۲)» نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه‌های مکه را ببیند. و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

«(۳)»

(م ۳۰۲)

۱- آیه الله بهجت: آخر شب در مناسک ایشان نیامده است.

۲- آیه الله فاضل، آیه الله بهجت: زن حائض و نفساء و جنب.

۳- آیه الله بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

بعضی از مکروهات احرام

۱- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. «(۱)» ۲- احرام بستن در جامه راه راه. «(۲)» ۳- استعمال حنا «(۳)» پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۴- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید. «(۴)»

(م ۳۰۳)

محرّمات احرام به طور اجمال چنین است «(۵)»:

۱- استعمال عطریات، ۲- نگاه کردن در آینه، ۳- انگشتر به دست کردن، ۴- پوشیدن چیز دوخته، ۵- پوشیدن چیزی که تمام روی پا را

۱- آیه الله مکارم: ولی می تواند آنها را تبدیل به احرامی تمییز کند.

۲- آیه الله سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه دار و مانند آن.

آیه الله بهجت: این مورد در مناسک ایشان نیامده است.

۳- آیه الله مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگهای امروز نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیه الله بهجت: اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام.

۴- آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: بلکه احتیاط مستحب ترک آن است.

آیه الله فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می شود و همچنین کشتی گرفتن.

۵- در مناسک مراجع عظام تفاوت‌هایی در صورت محرّمات احرام دیده می شود که تفصیل آن در طی محرّمات احرام خواهد آمد.

ص: ۹۳

- بگیرد برای مردان، ۶- پوشانیدن مرد سرخود، ۷- سایه قرار دادن بالای سر خود برای مردان. ۸- پوشیدن زیور برای زنان. ۹- پوشانیدن زنصورت خود را. ۱۰- روغن مالیدن به بدن. ۱۱- ازاله مو از بدن. ۱۲- سرمه کشیدن.
- ۱۳- ناخن گرفتن. ۱۴- بیرون آوردن خون از بدن خود. ۱۵- کندن دندان.
- ۱۶- فسوق. ۱۷- جدال. ۱۸- کشتن جانوران ساکن در بدن. ۱۹- کندن درخت و گیاه حرم. ۲۰- شکار حیوانصحرایی. ۲۲- آمیزش و استفاده شهوانی. ۲۳- عقد کردن. ۲۴- استمنا.

احکام محرمات احرام

اشاره

آنچه از محرمات احرام گفته شد برخی فقط بر مردان محرم حرام است و برخی بر بانوان محرم حرام است و بخشی دیگر بر هر دو گروه حرام می‌باشد، که در ابتدا احکام محرمات مشترک بیان می‌شود و سپس احکام محرمات مخصوص مردان و در پایان احکام محرمات مخصوص بانوان.

محرمات مشترک بین مردان و زنان:

استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عنبر بلکه مطلق «(۱)» عطر هر قسم که باشد.
(م ۳۳۴)

۱- - آیه الله خویی، آیه الله بهجت: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از اینهاست.
آیه الله تبریزی: این حکم در غیر زعفران و عود و عنبر و مشک و ورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.
آیه الله سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آنها مورد استفاده واقع می‌شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوشی دارد نیز اجتناب کند.
آیه الله خامنه‌ای: و نیز استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنا بر احتیاط جایز نیست.
آیه الله زنجانی: بوییدن مطلق اشیاء خوشبو خواه از عطریات باشد یا گلها و سبزیجات خوشبو بلکه بوییدن میوه‌جات خوشبو بر محرم جایز نیست، لکن حرمت انواع دیگر استعمال عطریات مانند خوردن آنها مخصوص زعفران و مشک و عود و عنبر و ورس و عطریاتی است که در این سطح یا قوی‌تر از آنهاست و لذا هر گونه استفاده از عطریاتی که امروزه متداول است بر محرم حرام است.

ص: ۹۵

۱۰۱- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگرچه قبلا به آن عطر مالیده شده باشد.

«(۱)»

(م ۳۳۵)

۱۰۲- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران «(۲)» جایز نیست.

(م ۳۳۶)

۱۰۳- احتیاط «(۳)» آن است که از «دارچین» و «زنجبیل» و «هیل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است. «(۴)»

(م ۳۳۹)

۱۰۴- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها «(۵)» و بوئیدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط «(۶)» آن است که بوئیدن را ترک کند.

(م ۳۴۰)

۱- آیه الله مکارم: یا پراکندن در فضا بوسیله اسپری و مانند آن.

۲- آیه الله زنجانی: همچنان که گذشت فقط خوردن عطرهایی که در سطح زعفران یا قوی‌تر از آن است جایز نیست بنابراین خوردن گل‌ها و سبزیجات و میوه‌جات خوشبو مانعی ندارد لکن باید از رسیدن بوی خوش آنها به مشام ولو با گرفتن بینی جلوگیری کند و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: لازم است.

۴- آیه الله سیستانی: حرمت شامل آنها نیز می‌شود.

نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

۵- آیه الله زنجانی: مانع ندارد لکن به هر نحو که می‌تواند- ولو با گرفتن بینی- باید از رسیدن بوی آن به بینی اجتناب کند.

۶- آیه الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب از بوئیدن آنها اجتناب کند.

آیه الله بهجت: متعرض این احتیاط نشده است.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط از بوئیدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

آیه الله تبریزی: اولی این است که از بوئیدن آنها هنگام خوردن خودداری شود.

ص: ۹۶

۱۰۵- اقوی «(۱)» حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

(م ۳۴۱)

۱۰۶- کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است «(۲)» بنا بر احتیاط واجب. «(۳)»

(م ۳۴۳)

۱۰۷- اگر بوی خوش را مکرر «(۴)» استعمال کرد در وقت واحد بعید

۱- آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: بنا بر احوط بلکه اقوی.

آیه الله فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفاره ندارد.

۲- آیه الله زنجانی: کفاره خوردن غذای معطر یک گوسفند است و در سایر انواع استفاده از عطریات کفاره واجب نیست.

۳- آیه الله خامنه‌ای: در صورت عمد، یک گوسفند است.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: کفاره اش بنا بر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن، محل اشکال است هر چند احوط کفاره دادن است.

آیه الله سیستانی: هرگاه محرم عمداً مقداری از چیزهای خوشبو را بخورد، و یا چیزی را بپوشد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد در استفاده از بوی خوش کفاره واجب نیست، هر چند احوط کفاره دادن است.

آیه الله فاضل: در صورت علم و عمد.

آیات عظام: گلپایگانی، مکارم، صافی، بهجت: در صورت عمد ...

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت تکرار کفاره هم تکرار شود.

آیه الله خامنه‌ای: تکرر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند کفاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد.

آیه الله بهجت: با تخلل تکفیر کفاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیه الله تبریزی: چنانچه گذشت کفاره در غیر خوردن مبنی بر احتیاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیاط در تعدد کفاره است.

ص: ۹۷

نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط «(۱)» ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد. «(۲)»

(م ۳۴۵)

۱۰۸- صابون و بعضی شامپوها که بویی دارد اگر صدق بوی خوش می‌کند «(۳)» در حال احرام از آن اجتناب کنند «(۴)» و در غیر اینصورت استعمال آن مانع ندارد. «(۵)»

(س ۴۹۵)

۱۰۹- اگر محرم به علتی مثل عرق سوز شدن بدن احتیاج به مالیدن پماد پیدا کند نمی‌تواند «(۶)» پمادی که چربی دارد به بدن بمالد مگر در موارد

۱- آیه الله فاضل: بنابر اقوی کفاره را باید متعدد بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر در احرام واحد بود یک کفاره کافی است مگر در خوردن غذای معطر که چنانچه بعد از کفاره دادن، دوباره غذای معطر بخورد باید دوباره کفاره بدهد.

۲- آیه الله خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیه الله سیستانی: به حاشیه مسأله ۱۰۶ مراجعه شود.

۳- آیه الله زنجانی: اگر بوی خوش آن به مشامشان می‌رسد باید از آن اجتناب کنند.

۴- آیه الله بهجت، آیه الله خویی: بنابر احتیاط.

آیه الله خامنه‌ای: استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنابر احتیاط جایز نیست.

آیه الله سیستانی: احتیاط واجب اجتناب از استعمال آنهاست در صورتی که بوی خوش داشته باشند.

۵- آیه الله مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

۶- آیه الله سیستانی: اگر بوی خوش نداشته باشد برای معالجه اشکال ندارد و اگر داشته باشد در صورت ضرورت جایز است.

آیه الله مکارم: مالیدن انواع پمادها در ضرورت و معالجه مانعی ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: کفاره روغن مالی از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است بنا بر احتیاط در هر دو مورد.

ص: ۹۸

ضرورت «(۱)» ولی کفّاره ندارد ولو در غیر موارد ضرورت «(۲)» مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که کفّاره آن یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد «(۳)» و حتی در صورتی که چربی نداشته باشد. «(۴)»
(س ۵۰۰)

نگاه کردن در آینه. «(۵)»

۱۱۰- نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه کردن در آبصاف اشکال «(۶)» ندارد.
(م ۳۶۴)

۱- آیه الله زنجانی: و اگر مشکل او با استفاده از پمادهای غیر معطر برطرف می شود، پماد معطر نمالد و در هر حال، کفّاره روغن مالی- هر چند معطر نباشد- از روی علم و عمد یک گوسفند و از روی جهل اطعام یک فقیر است و چنانچه از روی غفلت باشد کفّاره ندارد و در ثبوت کفّاره بین ضرورت و غیر آن فرقی نیست.

۲- آیه الله مکارم: در غیر مورد ضرورت کفّاره آن احتیاطاً یک گوسفند است.

۳- آیه الله خامنه‌ای: اگر بوی خوش داشته باشد بنابر احتیاط مستحب کفّاره آن گوسفند است.

۴- آیه الله مکارم: در صورت چربی داشتن و بوی خوش در غیر موارد ضرورت احتیاط دو گوسفند است.

۵- آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت مانند راننده و امثال آن اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: در صورتی که برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خود باشد.

آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: نگاه کردن در آینه جهت زینت بر محرم حرام است.

آیه الله بهجت: در صورتی که برای عذری از قبیل مرض نباشد که صدق تزئین نمی کند. مناسک شیخ ص ۲۱

آیه الله زنجانی: نگاه کردن در آینه و همچنین در دیگر اجسامی که عکس انسان در آنها پیدا است در صورتی که همراه با قصد زینت یا در معرض تزئین محرم باشد جایز نیست لکن نگاه کردنی که هیچ ارتباطی با زینت ندارد مانعی ندارد.

۶- آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن به آب زلال یا اجسام صیقل داده شده که تصویر در آن پیدا است، در حکم نگاه کردن به آینه است و اگر برای زینت و آرایش باشد، حرام است.

آیه الله سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشند حکم آینه را دارند.

آیه الله مکارم: هر گاه برای تزئین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

ص: ۹۹

۱۱۱- عینک زدن اگر «(۱)» زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود «(۲)» جایز نیست. «(۳)»

(م ۳۶۵)

۱۱۲- اگر در اطاقی که ساکن است «(۴)» آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

(م ۳۶۷)

۱۱۳- نگاه کردن در دوربین عکاسی برای عکس گرفتن «(۵)» اگر معلوم نیست «(۶)» که در آینه نظر می‌شود اشکال ندارد. «(۷)»

(س ۴۹۸)

۱۱۴- احوط اجتناب «(۸)» از نگاه کردن محرم است در آینه حتّی در مواردی که نخواهد خود را ببیند بلکه برای دیدن ماشین و غیره یا مثلاً

۱- آیه الله بهجت: اگر بقصد زینت نباشد بنا بر اقوی عیبی ندارد.

۲- آیه الله فاضل: و به قصد زینت استفاده کند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می‌شود.

آیه الله سیستانی: در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت باشد، احوط پرهیز از آن است.

۴- آیه الله فاضل: یا در ماشینی که نشسته است.

۵- آیه الله زنجانی: اشکال ندارد.

۶- آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: نظر در آینه صدق نمی‌کند و اشکال ندارد.

آیات عظام سیستانی، خویی، تبریزی: بر فرض آینه بودن، و نظر کردن به آن چون غرض غیر زینت است، مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری اشکال ندارد.

۷- آیه الله بهجت: چون برای تزئین نیست اشکال ندارد.

۸- آیه الله خامنه‌ای: نگاه کردن محرم در آینه اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست.

آیه الله مکارم: تنها در موردی اشکال دارد که برای تزئین و اصلاح سر و وضع خودش در آینه نگاه کند.

آیه الله بهجت: نگاه کردن محرم در آینه اگر برای زینت باشد حرام است و گرنه حرام نیست.

ص: ۱۰۰

علاج دردی در آن نظر می‌کند. «(۱)»

(س ۴۹۷)

انگشتر به دست کردن.

۱۱۵- انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست، و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد. «(۲)»

(ص ۱۸۶)

۱۱۶- احتیاط واجب «(۳)» آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد «(۴)» بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک

است بلکه

۱- آیه‌الله نوری: در صورتی که ضرورتی نباشد.

آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصد زینت باشد و چه نباشد.

آیه‌الله فاضل: آن‌چه از محرمات احرام است آن است که انسان خود را در آینه ببیند، اما اگر بخواهد از طریق آینه اشیاء یا افراد

دیگر را ببیند اشکال ندارد.

آیه‌الله زنجانی: نگاه کردن در آینه در این موارد اشکال ندارد.

۲- آیه‌الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب، محرم باید از به دست کردن انگشتر و به کار بردن حنا اجتناب کند اگر اینها زینت

محسوب شوند گر چه قصد زینت نکند بلکه باید از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند.

آیه‌الله سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت به احتیاط واجب جایز نیست ولی برای امر دیگری مانند استحباب و یا نگهداری

آن اشکال ندارد.

آیه‌الله مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیه‌الله خامنه‌ای: مراجعه شود به حاشیه مسأله قبل.

آیه‌الله سیستانی: احتیاط واجب برای زن و مرد محرم ترک هر چیزی است که عرفاً زینت شمرده شود چه قصد زینت کردن داشته

باشد چه نداشته باشد و از این قبیل است حنا مالیدن به روش معمول ولی استعمال آن به نحوی که زینت نباشد در موارد علاج و

مانند آن اشکال ندارد.

آیه‌الله بهجت: حنا بستن اگر چه برای زینت باشد عیبی ندارد.

۴- آیه‌الله زنجانی: استفاده از لوازم آرایشی - حنا یا غیر آن - بر محرم جایز نیست هر چند قصد زینت نداشته باشد البته در سر مه

کشیدن تفصیلی است که در حاشیه مسأله ۱۲۲ خواهد آمد.

ص: ۱۰۱

حرمت «(۱)» آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

(م ۳۸۸)

۱۱۷- اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه بقصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است. «(۲)» روغن مالیدن به بدن. «(۳)»

۱۱۸- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالند عیبی ندارد. «(۴)»

(م ۳۹۷)

ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُحَلّ.

(ص ۱۸۰)

۱۱۹- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است. «(۵)»

(م ۴۰۱)

۱- آیه الله فاضل: حرمت محلّ اشکال است.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنابر احتیاط باید خودداری کند و در مناسک عربی، مطابق متن فرموده‌اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.

آیه الله مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۳- آیه الله زنجانی: روغن مالیدن به بدن خود

۴- آیه الله سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.

آیه الله زنجانی: لکن چنانچه بامالیدن روغن غیر معطر مشکل برطرف شود نباید روغن معطر استفاده کند.

۵- آیه الله سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

آیه الله زنجانی: لکن موهایی که هنگام وضو یا غسل واجب یا مستحب کننده می‌شود اشکال ندارد.

ص: ۱۰۲

۱۲۰- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، «(۱)» بلکه احتیاط «(۲)» آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد. «(۳)»

(م ۴۰۷)

۱۲۱- اگر دست بکشد به سر یاریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط «(۴)»

۱- آیه الله نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغلها یک گوسفند کفاره بدهد.

۲- آیه الله مکارم: این حکم واجب است.

۳- آیه الله سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر- به وسیله دیگری غیر از کندن موی آنرا ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر محرم سر دیگری را تراشید چه محرم باشد چه غیر محرم کفاره ندارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: کفاره ازاله مو از زیر بغل یک گوسفند است.

آیه الله بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفاره اش یک گوسفند است بنا بر اقوی و در کندن موی یک طرف سه مسکین را طعام بدهد.

آیه الله فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

آیه الله زنجانی: اگر موی هر دو زیر بغل خود را بکند باید یک گوسفند یا گاو یا شتر قربانی کند و در سایر موارد ازاله مو از زیر بغل کفاره واجب نیست.

۴- آیه الله بهجت: یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان به ساقط شدن غیر از ازاله غیر عمدیه است که فدیة ندارد، اگر چه هر دو جایز است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: باید یک مشت طعام بدهد.

آیه الله سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود و اگر بی جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد باید یک مشت طعام کفاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن بدهد، اگر چه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

آیه الله فاضل: در غیر وضو و غسل.

ص: ۱۰۳

آن است که یک کف طعام صدقه بدهد. «(۱)»

(م ۴۰۹)

سرمه کشیدن.

۱۲۲- سرمه کشیدن به سیاهی «(۲)» که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت «(۳)» نکند جایز نیست. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش «(۴)» داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.

(م ۳۵۹)

۱- آیه الله مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

آیه الله زنجانی: صدقه دادن واجب است و همچنین است حکم کسی که عضو دیگری از بدن خود را به سر یا صورت بکشد و موبریزد.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: سرمه سیاه بقصد زینت کردن حرام است قطعاً. و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد و از سرمه سیاه بدون قصد زینت و غیر سیاه با قصد زینت بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند. آیه الله خویی: و بنا بر احتیاط مستحب کفاره هم دارد ولی سرمه غیر سیاه بدون قصد زینت مانع ندارد و کفاره نیز ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: کشیدن سرمه به چشم در صورتی که زینت محسوب شود و همچنین خط بالای پلک‌ها که زنان برای زینت می‌کشند در حال احرام جایز نیست و فرقی میان رنگ سیاه و غیر آن نیست.

آیه الله مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

آیه الله سیستانی: سرمه سیاه و هر سرمه‌ای که زینت حساب شود اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و اما سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: کشیدن سرمه سیاه و سرمه معطر و هر سرمه‌ای که زینت محسوب شود بر محرم حرام است هر چند قصد زینت نداشته باشد بلی در صورت ضرورت، مانند مواردی که معالجه متوقف بر سرمه کشیدن باشد، مانعی ندارد.

۳- آیه الله خویی: اگر قصد زینت نکند بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب کند.

آیه الله بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد.

۴- آیه الله بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است اگر بقصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد.

نظر آیات عظام در قسم اول از محرّمات احرام گذشت.

ص: ۱۰۴

ناخن گرفتن. «(۱)»

۱۲۳- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد «(۲)» مگر آنکه موجب آزار شود، مثل آنکه بعض آنفتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار شود. «(۳)»

(م ۴۵۴)

۱۲۴- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

(م ۴۵۵)

۱۲۵- اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.

(م ۴۵۹)

بیرون آوردن خون از بدن خود. «(۴)»

۱۲۶- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست. «(۵)»

(م ۴۵۰)

۱۲۷- جایز نیست «(۶)» به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همینطور به مسواک «(۷)» نمودن خون از بن دندانها

۱- آیه الله زنجانی: ناخن گرفتن از خود

۲- آیه الله زنجانی: مگر آن که باقی ماندن ناخن بر او حرجی باشد.

۳- آیه الله بهجت: لکن محتمل است فدیة بعضی از ناخن آزار رساننده قبضه‌ای از طعام باشد نه مدّ.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و کفاره آن یک مدّ طعام است.

آیه الله تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

۴- آیه الله بهجت: به کاری که بداند موجب آن می‌شود، زیرا اخراج احتمالی خون محکوم به حرمت نیست.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب.

۵- آیه الله سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: لکن اگر این کار باعث نجس شدن بدن یا لباس محرم شود جایز نیست.

۶- آیه الله مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

۷- آیه الله تبریزی، آیه الله سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گرچه بداند خون خارج می‌شود و کفاره ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله بهجت: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط مستحب.

ص: ۱۰۵

بیرون آورد. «(۱)»

(م ۴۵۱)

۱۲۸- تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق «(۲)» نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت. «(۳)»

(م ۴۸۷)

کندن دندان. «(۴)»

۱۲۹- کندن دندان بنا بر احتیاط جایز نیست هر چند خون نیاید، «(۵)» و

۱- آیه‌الله گلپایگانی: در غیر مواردی که استثناء شده است، خارج کردن خون از بدن بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دارد.

آیه‌الله صافی: بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند کفاره دارد.

آیه‌الله زنجانی: اگر بتواند با احتیاط مسواک کند که خون بیرون نیاید نباید در مسواک زدن بی احتیاطی کند ولی اگر لثه‌های او طوری است که معمولاً با مسواک زدن خون از آن بیرون می‌آید، مسواک زدن معمولی جایز است هر چند خون بیاید. و در هر حال نباید از خمیر دندان معطر که بوی آن به مشامش می‌رسد استفاده کند.

۲- آیه‌الله بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می‌شود، چنانچه گذشت در ذیل چهاردهم از محرمات احرام.

آیه‌الله سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیه‌الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز.

آیه‌الله مکارم: مکروه است.

۳- آیه‌الله فاضل: و در هر صورت کفاره ندارد.

۴- آیه‌الله زنجانی: کندن دندان از خود.

۵- آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: بر محرم حرام است که دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: جمعی از فقهاء نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید، از محرمات احرام است و کفاره‌اش را یک گوسفند دانسته‌اند، ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد.

آیه‌الله بهجت: کندن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد.

آیه‌الله مکارم: این احتیاط و احتیاط بعد مستحب است.

ص: ۱۰۶

احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد. (۱)

(م ۴۶۸)

فسوق

۱۳۰- فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد (۲) بلکه فحش دادن و فخر (۳) به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند

۱- آیه الله خامنه‌ای: کشیدن دندان بدون خونریزی نه حرام است و نه کفاره دارد و در صورتی که کشیدن دندان ضرورت پیدا کند و منجر به خونریزی شود، بنا بر احتیاط واجب ممنوع است مگر در حال ناچاری و نیاز. آیه الله صافی: احتیاط مستحب است.

آیه الله زنجانی: اگر کندن دندان با خونریزی همراه باشد بر محرم جایز نیست ولی کفاره ندارد.

۲- آیه الله بهجت: اظهار مقید بودن دروغ گفتن و دشنام دادن و مفاخرت است به آنکه بر غیر محرم حرام باشند.

۳- آیت الله خویی: مراد از فسوق در آیه مبارکه *فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ* دروغ و دشنام است، و فخر کردن حرام هم ملحق به فسوق است.

آیه الله خویی: فخر در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران نباشد حرام نیست.

آیه الله تبریزی: فخر کردن بر دیگران اگر برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشته باشد این عمل فی نفسه حرام است.

آیه الله فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

آیه الله سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

ص: ۱۰۷

بهتر است.

(م ۳۷۲)

جدال و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است. «(۱)»

(ص ۱۷۳)

۱۳۱- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف «(۲)» آن مثل «نه» و «آری» دخالتی «(۳)» در جدال ندارد، بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

(م ۳۷۳)

۱۳۲- قَسَم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی «(۴)» جدال «(۵)» است، و اما قَسَم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

(م ۳۷۴)

۱- آیه الله زنجانی: و آن قسم خوردن به خداوند تبارک و تعالی است هر چند برای اثبات مطلب حقی باشد.

۲- آیه الله فاضل: در مرادف اشکال است و ظاهراً در جدال محرم خصوص لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه آری والله و بلی والله و نه والله ملحق به آن است.

آیه الله تبریزی: و احتیاط در این است که به غیر این دو کلمه نیز قسم نخورد و همچنین با الفاظی که مترادف آنهاست از هر لغتی که باشد.

ظاهر فرمایش آیه الله خویی این است که: کلمه لا و بلی دخالت در مطلب دارد.

۴- آیه الله زنجانی: یا سایر اسماء مخصوص الهی مانند رحمان ...

۵- آیه الله خویی، آیه الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بنابر احتیاط واجب می‌بایست از مطلق قسم خوردن به خداوند پرهیز شود، بلی در هنگام ضرورت برای ... آداب و احکام ص ۱۵۹.

آیه الله بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشد اظهر عدم الحاق است، و اگر به لفظ جلاله باشد ظاهر تحقق حرام به مجرد آن است.

آیه الله فاضل: ظاهراً لفظ «الله» بدون «لا» و «بلی» جدال محرم نیست، و مرادف «الله» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرم نمی‌باشد.

ص: ۱۰۸

کشتن «(۱)» جانورانی که در بدن «(۲)» ساکن می‌شوند «(۳)»

مثل شپش و کک «(۴)» و کنه که در بدن حیوان است. «(۵)»

(ص ۱۷۶)

کندن «(۶)» درخت یا گیاهی «(۷)» که در حرم روئیده باشد. «(۸)»

۱- آیه الله بهجت: بنا بر مشهور و موافق با احتیاط، و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست.

۲- آیه الله فاضل: انسان یا حیوان.

۳- آیه الله زنجانی: کشتن شپش مطلقاً و کشتن پشه و کک- و بنا بر احتیاط سایر جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند- در صورتی که آزار نرسانند، جایز نمی‌باشد، همچنان که بر محرم جایز نیست شپش را از بدن یا لباسش بیندازد و انداختن سایر حشرات از بدن و لباس مانعی ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

۴- کک: حشره‌ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای عقب او بلند است به آسانی می‌جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می‌مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می‌شود. «فرهنگ عمید».

۵- آیه الله سیستانی متعرض حکم کنه که در بدن حیوان است نشده‌اند و در مورد پشه و کک فرموده‌اند اگر ضرر از آنها متوجه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آنها را نکشد و اما راندن آنها جایز است.

آیات عظام خویی، تبریزی، گلپایگانی، صافی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آنهاست در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تا راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احوط ترک است.

۶- آیه الله مکارم، آیه الله سیستانی: این مسأله از محرّمات احرام نیست بلکه بر همه کس حرام است چنانچه خواهد آمد. آیه الله خامنه‌ای: و بریدن و مانند آنها.

آیات عظام سیستانی، نوری، فاضل: و بریدن آن.

آیه الله بهجت: و بریدن و نحو آنها.

۷- آیه الله سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

۸- آیه الله زنجانی: این امر از محرّمات احرام نیست و بر هر مکلفی حرام است، هر چند محرم نباشد.

ص: ۱۰۹

۱۳۳- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌تواند «(۱)» آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد. «(۲)»

(م ۴۷۳)

سلاح همراه برداشتن.

۱۳۴- سلاح در برداشتن بنا بر احوط «(۳)» مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد «(۴)» مگر برای ضرورت، و مکروه «(۵)» است سلاح

۱- آیه الله مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

آیه الله فاضل میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر می‌گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند.

۲- آیات عظام گلپایگانی، آیه الله صافی: و نیز قطع گیاهی که خود شخص غرس کرده و یا در ملک او پس از آن که ملک او شده روییده است، جایز است.

۳- آیات عظام گلپایگانی، سیستانی، فاضل، صافی: در برداشتن و پوشیدن سلاح حرام است.

آیه الله خوبی: برداشتن سلاح بر محرم حرام است. برداشتن اعم از پوشیدن و حمل کردن است.

آیه الله مکارم: بنا بر اقوی.

آیه الله بهجت: بر محرم حرام است سلاح برداشتن مگر بجهت ضرورت که در این صورت کفار هم ندارد، و منصوص پوشیدن است یا آنکه صدق کند سلاح بر اوست پس همراه داشتن سلاح حرمت ندارد علی الاظهر.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: حمل سلاح بر محرم حرام است و الحاق آلات تحفظ به سلاح احوط است و کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است، آیه الله تبریزی: ولی بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند مانعی ندارد هچند احوط ترک آن است.

آیه الله خامنه‌ای: حمل سلاح بر محرم حرام است مگر برای ضرورت.

۴- آیه الله سیستانی: ولی پوشیدن و حمل وسایل دفاع مانند زره و سپر اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: مسلح بودن بر محرم جایز نیست مگر برای ضرورت. و مکروه است ...

۵- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط واجب آن است که سلاح را حمل نکند.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط مستحب.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط حمل آن هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست. ولی بودن سلاح نزد محرم و حمل آن اگر بطوری باشد که او را مسلح ندانند اشکال ندارد، ولی احوط ترک آن است.

ص: ۱۱۰

را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر «(۱)» باشد و احوط ترک آن است.

(م ۴۸۰)

شکار حیوان صحرائی بر محرم حرام است.

۱۳۵- شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن. «(۲)»

(ص ۱۵۲)

۱۳۶- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند. «(۳)»

(م ۳۰۷)

۱۳۷- ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

(م ۳۰۸)

۱۳۸- پرندگان، جزء شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

(م ۳۰۹)

۱- آیه الله مکارم: خواه ظاهر باشد و یا نباشد.

۲- آیه الله سیستانی: حیوانی که در اصل وحشی باشد هر چند بالعرض اهلی شده باشد، و فرقی نمی‌کند که حلال گوشت باشد

یا حرام گوشت و علاوه بر شکار کردن، کشتن و مجروح ساختن بلکه هر گونه ایذا آن حرام است.

آیه الله زنجانی: و همچنین کمک به شکارچی و نگاه داشتن حیوان شکار شده و خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است.

۳- آیات عظام گلپایگانی، تبریزی، سیستانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند.

آیه الله مکارم: و زندگی در دریا کند بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیه الله فاضل: زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

ص: ۱۱۱

۱۳۹- احتیاط واجب آن است که زنبور «(۱)» را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته «(۲)» باشد.

(م ۳۱۰)

آمیزش یا هر گونه استفاده شهوانی.

۱۴۰- جماع کردن با زن و بوسیدن و دست‌بازی کردن، «(۳)» و نگاه «(۴)» به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن. «(۵)»

(ص ۱۵۴)

۱- آیه الله فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

۲- برخی از مراجع متعرض حکم کشتن زنبور نشده‌اند هر چند آیه الله خوبی، در کفارات، کفاره کشتن زنبور را ذکر کرده‌اند.

آیه الله زنجانی: کشتن زنبور اگر قصد اذیت او را نداشته باشد، بر محرم جایز نیست.

آیه الله سیستانی: همان گونه که شکار حیوانات صحرايي حرام است کشتن همه حیوانات حرام است به جز: ۱- حیوانات اهلی هر چند وحشی شده باشند. ۲- مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی. ۳- حیوانی که از آن بر خود می‌ترسد یا قصد زدن یا گزیدن انسان را دارد. ۴- پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند. ۵- مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است.

۳- آیه الله سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

۴- آیه الله بهجت: قید بودن شهوت برای نظر به اهل مسلم است.

آیه الله سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

۵- آیه الله سیستانی: محرم می‌تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب ترک استمتاع است مطلقاً.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: محرم می‌تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه از عیال خود لذت برد بنابر اظهر مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

آیه الله فاضل: مرد نسبت به زوجه خودش.

آیه الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی ندارد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک نماید.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: برای زنان همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند.

آیه الله خامنه‌ای: نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر، اگر از روی شهوت و التذاذ جنسی نباشد، جایز است.

آیه الله زنجانی: جماع کردن با زن و بوسیدن او از روی شهوت و ملاعبه او در صورتی که با قصد لذت یا خروج منی همراه باشد و همچنین نگاه کردن به او چنانچه با قصد لذت و خروج منی همراه باشد بر محرم حرام است، و احتیاط مستحب ترک مطلق استمتاع است.

آیه الله نوری: از زن.

ص: ۱۱۲

۱۴۱- اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود «(۱)» کفاره بر او واجب می‌شود و کفاره «(۲)» بنا بر احتیاط واجب یک

۱- آیه الله نوری، آیه الله فاضل: عمره او صحیح است.

۲- آیه الله گلپایگانی: و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهر تخییر بین سه چیز است مطلقاً.

آیه الله صافی: کفاره آن اگر متمکن است یک شتر و الایک گاو است.

آیه الله خویی، آیه الله نوری: بنا بر احتیاط واجبی یک شتر است برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر مُعسر باشد و نتواند گاو تهیه کند.

آیه الله سیستانی: کفاره اش بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است.

آیه الله تبریزی: کفاره اش یک گوسفند است و بنا بر احتیاط یک شتر و یا یک گاو.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله بهجت: کفاره اش یک شتر است.

آیه الله فاضل: کفاره اش یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگرچه بهتر آن است که شتر را کفاره دهد.

آیه الله زنجانی: در کفاره بین شتر و گاو و گوسفند مخیر است و شتر افضل از گاو و گاو افضل از گوسفند است و اگر قبل از اتمام سعی مرتکب شود، در این صورت نیز عمره او فاسد نمی‌شود و کفاره آن یک شتر است.

ص: ۱۱۳

شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

(م ۳۱۵)

۱۴۲- اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، «(۱)» و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعرالحرام بوده، حج او فاسد است بنا بر اقوی «(۲)» و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر «(۳)» است. «(۴)»

(م ۳۱۶)

۱- آیه الله نوری: و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند، و همچنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

آیه الله فاضل: ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتّع به عنوان عقوبت انجام دهند. و همچنین در سال بعد در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد. و اگر مجبور شده کفاره اش به عهده شوهر است.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله بهجت: در این صورت حج او فاسد است علی الاشهر.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج در سال آینده اعاده شود. آیه الله سیستانی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد باید حج را تمام کند و در سال آینده نیز اعاده نماید چه حج واجب باشد چه مستحب.

۳- آیه الله بهجت: کفاره این عمل در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می باشد.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره آن شتر است و متعزّض صورت عجز نشده‌اند.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: در صورت تمکن یک شتر و در صورت عجز یک گوسفند کفاره بدهد.

۴- آیه الله زنجانی: در هیچ یک از دو صورت حج او فاسد نمی‌شود، ولی سه امر بر او واجب می‌گردد: ۱- سال آینده حجی که از نظر نوع مانند حج امسال باشد بجا آورد هر چند حج اول او استحبابی باشد. ۲- یک شتر قربانی کند. ۳- از یکدیگر جدا شوند یعنی در یک مکان مانند اطاق و خیمه با یکدیگر تنها نباشند پس اگر از همان راه که به عرفات رفته‌اند باز گردند تا رسیدن به مکان معصیت و اگر از راه دیگری باز گردند تا انجام طواف نساء باید از یکدیگر جدا باشند و در سال بعد نیز اگر از همان مسیر سال گذشته به عرفات می‌روند پس از رسیدن به محلّ معصیت به دستور جدایی سال قبل عمل کنند و زن نیز در صورتی که محرم بوده و از روی علم و عمد و اختیار این عمل از او صادر شده باید سال بعد حج بجا آورده شتر قربانی کند، و اگر شوهرش او را مجبور کرده باید قربانی زن را نیز بپردازد، در این صورت حج سال بعد بر زن واجب نیست و در هر حال برای وجوب جدایی کافی است که این معصیت از یکی از آنها از روی علم و عمد و اختیار صادر شده باشد و اگر این عمل بعد از مشعر واقع شود فقط قربانی شتر و جدایی زن و مرد واجب است مگر آن که بعد از شوط چهارم طواف نساء باشد که کفاره ندارد.

ص: ۱۱۴

۱۴۳- اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر [\(۱\)](#) است، و

۱- آیه الله خویی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی از او خارج شود یک شتر باید کفاره بدهد و اگر منی از او خارج نشود بنا بر احتیاط یک شتر باید بدهد.

آیه الله تبریزی: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود یک شتر کفاره بدهد و اگر منی خارج نشود و یا از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله سیستانی: اگر مرد محرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد ولی اگر منی خارج نشود بعید نیست که یک گوسفند کفاره دادن کافی باشد و اگر مردی که محرم نیست همسر محرم خود را ببوسد به احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله بهجت: اگر او را از روی شهوت ببوسد بنا بر احتیاط یک شتر کفاره بدهد چه منی خارج شود و چه نشود.

آیه الله فاضل: اگر زنش را با شهوت ببوسد و منی خارج شود کفاره آن یک شتر است و اگر منی خارج نشود کفاره آن یک گوسفند است. و بوسیدن بدون شهوت کفاره ندارد، چون حرام نیست. و زن هم در این مسأله حکم مرد را دارد. آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: اگر محرم همسرش را با قصد لذت ببوسد کفاره آن یک شتر است مگر در صورتی که این عمل بعد از اتمام سعی در عمره یا حج تمتع رخ داده باشد که می‌تواند به ذبح گوسفند اکتفا کند و اگر بدون قصد لذت ببوسد کفاره ندارد مگر منی خارج شود که باید یک گوسفند قربانی کند و اگر غیر همسر را ببوسد، محرم باشد یا نامحرم، کفاره واجب نمی‌شود.

ص: ۱۱۵

اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند «(۱)» است. و احتیاط مستحب آن «(۲)» است که یک شتر کفاره بدهد.

(م ۳۱۹)

عقد کردن.

۱۴۴- عقد کردن زن از برای خود یا غیر، «(۳)» چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و محلّ باشد.

(ص ۱۶۱)

استمنا.

۱۴۵- استمنا یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن بدست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به

هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است، «(۴)» و

۱- - آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: اگر زوجه خود را ببوسد، حتی بدون شهوت، یک شتر کفاره دارد.

آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله نوری: در این صورت بنا بر احتیاط واجب یک شتر باید کفاره بدهد.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را ترک کند و اگر ببوسد یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد یک شتر است و اگر بدون شهوت باشد یک گوسفند و ظاهراً بوسیدن

غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد.

۲- - آیه الله بهجت: متعرض استحباب کفاره شتر نشده‌اند.

۳- - آیه الله زنجانی: ازدواج کردن و صیغه نکاح خواندن و شاهد عقد شدن بر محرم حرام است و اگر ازدواج کند یا صیغه نکاح

بخواند باطل است و چنانچه در حال احرام از روی عمد با علم به حرام بودن عقد با زنی ازدواج کند، به مجرد عقد آن زن بر او

حرام ابدی می‌شود.

۴- - آیه الله خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به حکم و عمد می‌باشد

و اگر استمنا با کاری است که او با خود انجام می‌دهد و پیش از مزدلفه است لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را

دوباره بجا آورد و اگر استمنا به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است که باز هم اینگونه عمل کند.

آیه الله زنجانی: اگر محرم با آلت خود بازی کرده منی از او خارج شود کفاره آن یک شتر و انجام حج در سال آینده است- هر

چند قصد او خروج منی نباشد- و اگر با همسر خود به قصد خروج منی ملاعبه نموده، منی از او خارج شود باید یک شتر قربانی

کند و انجام عملی که باعث خروج منی شود در غیر این دو صورت کفاره ندارد.

ص: ۱۱۶

احتیاط «(۱)» واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد «(۲)» به نحوی که در جماع گفته شد.

(م ۳۳۴)

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که با آلت خود بازی کند و منی بیرون بیاید کفاره آن یک شتر است و اگر این عمل قبل از موقوفین باشد سال دیگر باید اعاده حج نماید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گذشت. و اگر بدون بازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می‌شود و بنا بر اظهر حج و عمره اش فاسد نخواهد شد. هر چند رعایت احتیاط در اعاده آنها بهتر است.

آیه الله سیستانی: استمناء با عضو تناسلی چه با دست و غیر آن مطلقاً حرام است و حکم آن در حج حکم جماع است که گذشت و همچنین در عمره مفرده به احتیاط واجب و استمناء بوسیله بوسیدن زن و یا دست زدن و یا ملاحظه و نگاه حکمش در مسائل قبل گذشت. و استمناء بوسیله شنیدن صحبت زن و یا اوصاف و مشخصات او و یا بوسیله تصوّرات او در خیال و مانند آن بر محرم حرام است ولی موجب کفاره نیست.

آیه الله بهجت: و بدان که انزال منی با استمناء، بعضی او را مفسد حج دانسته‌اند مثل جماع کردن و این قول احوط است در استمناء به مثل عبث با آلت خود و مانند آنها از محرم بر غیر محرم پس ترک نشود احتیاط به قضاء حج.

۲- آیه الله فاضل: ظاهراً استمناء موجب بطلان نمی‌شود و حکم آن مثل جماع است که گذشت. و ظاهراً زن نیز همین حکم را دارد.

محرّمات مخصوص مردان

پوشیدن چیز دوخته [\(۱\)](#)

مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها برای مردان محرم، حرام است.

(ص ۱۶۶)

۱۴۶- چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالا پوش

می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست [\(۲\)](#) پوشیدن آنها. [\(۳\)](#)

(م ۳۴۶)

۱- آیه الله سیستانی: برای محرم جایز نیست که جامه دکمه‌دار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه‌ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دستها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیرشلواری و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار لنگ نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباسهای متعارف مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی بپرهیزد، هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد.

آیه الله خویی: پوشیدن پیراهن و قبا و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه‌دار با بستن دکمه آن و درع زره و هر جامه‌ای که آستین‌دار باشد که دست در آن برود بر محرم حرام است.

آیه الله زنجانی: دوخته بودن لباس از محرّمات احرام نیست ولی پوشیدن لباس‌های معمولی مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیر پوش و هر لباسی که مانند آن عرض بدن را می‌پوشاند بر مرد محرم جایز نیست و در این امر فرقی بین لباس دوخته و بافته و غیر آن نیست و پوشیدن حوله و لنگ و پتو و مانند آن مانعی ندارد و بنا بر احتیاط مستحب دوخته نباشد و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۲- آیه الله سیستانی: فرقی نیست در آنچه در حاشیه قبل گفته شد که لباس دوخته باشد یا بافتنی یا نمد مالی یا غیر آن.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط اجتناب از هر جامه دوخته بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می‌پوشند.

آیه الله مکارم: همچنین لباسهایی که قطعات آن را بهم می‌چسبانند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: و همچنین لباسهای دکمه‌دار گرچه مخیط نباشد، که پوشیدن آن حرام است ولی سایر استعمالات آن مانند

فرش قرار دادن یا به عنوان روانداز استفاده کردن مانعی ندارد.

ص: ۱۱۸

۱۴۷- احوط «(۱)» اجتناب از مطلق دوخته است هرچند کم باشد، مثل کمر بند «(۲)» دوخته و شب کلاه. «(۳)»

(م ۳۴۷)

۱۴۸- همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد

۱- آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن مخیط از غیر انواع لباس مانند کمر بند یا همیان حرام نیست، و کفاره ندارد. و نیز انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش، هرچند حاشیه‌های آن دوخته باشد، همچنین دوختن حاشیه پارچه احرام اشکال ندارد و نیز نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته و لباس‌های ممنوع یا به‌عنوان روانداز از آن استفاده کردن مانع ندارد.

آیه الله فاضل: ظاهراً حرمت و ثبوت کفاره مخصوص به پوشیدن لباس دوخته مانند پیراهن، قبا، شلوار و سایر لباس‌های متعارف است. اما پوشیدن و استفاده از دمپایی و کفش دوخته که تمام روی پا را نپوشاند و کمر بند و همیان و فتق‌بند و بند ساعت و سایر اشیاء دوخته که به آن لباس گفته نمی‌شود و همچنین حمل قمقمه دوخته اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

آیه الله خویی: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبیه دوخته است ولی انداختن پتوی حاشیه‌دار که طرفین آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: استفاده از این اشیاء برای محرم جایز است هرچند دوخته باشد: ۱- همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر می‌بندند. ۲- فتق بند. ۳- کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

۲- آیه الله مکارم: کمر بند دوخته اشکالی ندارد.

۳- آیه الله سیستانی: معلوم شد که معیار لباس دوخته نیست بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباس‌های متعارف هم حرام است و اما کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد گرچه کمر بند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته باشند.

آیه الله تبریزی: پوشیدن شب کلاه جایز نیست و کمر بند مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: پوشیدن کلاه و هرچه سر را می‌پوشاند و پوشیدن همیان و کمر بند و مانند آن جایز نیست مگر در صورت لزوم پس محرمی که برای حفظ پول یا نگه داشتن لباس احرامش باید از همیان یا کمر بند استفاده کند می‌تواند از اینها استفاده نماید هرچند دوخته باشد و کفاره هم ندارد، و از این حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

ص: ۱۱۹

هرچند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گرم باشد. [\(۱\)](#)

(م ۳۴۸)

۱۴۹- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد. [\(۲\)](#)

(م ۳۵۰)

۱۵۰- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است. [\(۳\)](#)

(م ۳۵۲)

۱۵۱- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است. [\(۴\)](#)

(م ۳۵۴)

۱۵۲- احتیاط آن است که محرم قمقمه آبی را که در محفظه دوخته نگهداشته می‌شود به دوش [\(۵\)](#) نیندازد، و دست گرفتن آن

۱- - آیه الله بهجت: درمناسک ایشان، قسمت اخیر آورده نشده است.

۲- - آیه الله بهجت: الا در صورتی که ازار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیة تأمل است.

آیات عظام خامنه‌ای، خوبی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیه الله زنجانی: اگر لنگ نیابد جایز است شلوار بپوشد و کفاره ندارد و در غیر این مورد پوشیدن لباس‌هایی که گفته شد کفاره دارد هرچند مضطر باشد.

۳- - نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۹۹ گذشت.

۴- - آیه الله بهجت: برای متعمد و یا مضطر، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل که چیزی بر آنها نیست.

آیه الله نوری: هر چند از روی اضطرار پوشیده باشد و با تعدد لباس یا تکرار در پوشیدن، کفاره نیز تکرار می‌شود.

آیه الله زنجانی: اگر مرد محرم پیراهن یا شلوار یا قبا یا زیرپوش و مانند آن یا جوراب یا عمامه و کلاه و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد هرچند دوخته نباشد همچنان که زن محرم نیز اگر دستکش بپوشد یا با نقاب و پوشیه و مانند آن تمام یا قسمتی از صورت خود را بپوشاند باید یک گوسفند قربانی کند.

۵- - آیه الله مکارم، آیه الله زنجانی: حمل کیفها و ساکهای دوخته هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: مانعی ندارد.

آیه الله بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

ص: ۱۲۰

مانع ندارد. «(۱)»

(س ۴۹۶)

پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد.

۱۵۳- پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می‌گیرد «(۲)» بر مردان محرم، حرام است. «(۳)»

(ص ۱۷۲)

پوشانیدن سر با هر چه آن را بپوشاند.

۱۵۴- بر مردان محرم پوشانیدن سر با هر چیزی که آن را بپوشاند حرام است و احتیاط واجب «(۴)» آن است که چیزی بر سر

نگذارند مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

(م ۴۱۱)

۱۵۵- جایز است «(۵)» بیعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دستها

۱- آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن همیان و کمر بند و دیگر دوخته‌های کوچک که به آن لباس گفته نمی‌شود اشکال ندارد.

۲- آیه الله خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند، مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند، لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن روی پا بیندازد، اشکال ندارد.

۳- آیه الله تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و احتیاط آنست که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: و مانند چکمه و جوراب است بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی‌الاحوط.

آیه الله زنجانی: و بنا بر احتیاط از پوشیدن کفشی که تمام پشت پا را می‌پوشاند نیز اجتناب نماید.

۴- آیه الله زنجانی: بلکه حرام است.

۵- آیه الله بهجت: احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست است در غیر موارد ضرورت عرفیه یا شرعیه. اگر چه جواز خالی از وجه نیست.

آیه الله زنجانی: جایز است به جهت آزار آفتاب.

ص: ۱۲۱

را روی سر بگذارد، لکن «(۱)» احتیاط در ترک آن است.

(م ۴۱۲)

۱۵۶- جایز نیست سر را زیر آب کند «(۲)» و در حکم سر است بعض «(۳)» سر، پس نباید بعض سر را هم پوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.

(م ۴۱۴)

۱۵۷- گوشها ظاهراً «(۴)» از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

(م ۴۱۵)

۱۵۸- دستمالی را که برای سردرد بسر می‌بندد عیب ندارد. «(۵)»

(م ۴۱۸)

۱۵۹- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

(م ۴۱۹)

۱- آیه الله نوری: از لکن احتیاط ... در مناسک ایشان نیامده است.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب برود.

آیه الله خامنه‌ای: فرو بردن سر در آب برای مرد و زن محرم جایز نیست، ولی کفاره ندارد.

آیه الله فاضل: محرم چه زن و چه مرد نبایستی سرش را در آب فرو ببرد.

۳- آیه الله خامنه‌ای: جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به بعض سر معلوم نیست.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

آیه الله خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: بنا بر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنا بر احتیاط.

آیه الله سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

۴- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله تبریزی: گوشها در این حکم ملحق به سر است.

آیه الله فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.

آیه الله نوری: گوشها از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشاند.

۵- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: گناه ندارد ولکن کفاره دارد.

آیه الله زنجانی: کفاره هم ندارد.

ص: ۱۲۲

۱۶۰- اگر سر را شست نباید «(۱)» با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر هم در حکم همه است.

(م ۴۲۲)

۱۶۱- در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، «(۲)» و اگر بدون التفات بپوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همینطور اگر از روی فراموشی بپوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، «(۳)» و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن. «(۴)»

(م ۴۲۳)

۱۶۲- اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره «(۵)» آن یک گوسفند

۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: خشک نمودن سر به وسیله حوله و دستمال مانع ندارد ولی بایدطوری خشک کند که سر پوشیده نشود.

آیه الله بهجت: مرد می‌تواند سر خود را با حوله خشک کند و زن صورتش را در صورتی که این کار بتدریج انجام گیرد.
 آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: هر چند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنا بر احتیاط واجب و اگر وقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.
 آیه الله خامنه‌ای: خشک کردن سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

آیه الله مکارم: خشک کردن مانع ندارد به شرط اینکه سر را با آن نپوشاند.

آیه الله زنجانی: خشک کردن سر با حوله و هر چیز غیر مستقری مانع ندارد.

۲- آیه الله زنجانی: مرد محرم می‌تواند موقعی که می‌خواهد بخوابد رو انداز را روی سر خود بکشد هر چند مکروه بوده و احتیاط استحبابی در ترک آن است.

۳- آیه الله زنجانی: و واجب است تلبیه بگوید و گفتن «لییک» کافی است.

۴- آیات عظام گلبایگانی، صافی، بهجت، متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیه الله نوری: از- مستحب است تلبیه... در مناسک ایشان نیامده است.

۵- آیات عظام خویی، تبریزی، فاضل، سیستانی، مکارم: بنا بر احتیاط واجب کفاره اش یک گوسفند است.

ص: ۱۲۳

است، «(۱)» و احتیاط «(۲)» واجب کفاره است برای پوشاندن بعض سر.

(م ۴۲۴)

۱۶۳- کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حجّ محرم شده و اعمال خود را انجام داده است ضرر به عمره و

حجّ او ندارد ولی چنانچه مرد آن را بر سر گذاشته است باید کفاره بدهد. «(۳)»

(س ۵۰۴)

۱۶۴- اگر محرم سر خود را با چیز دوخته پوشاند باید دو کفاره بدهد «(۴)» مگر در صورت جهل و نسیان.

(س ۵۲۶)

۱- آیه الله زنجانی: اگر مرد محرم عمداً با پوشیدن کلاه یا عمامه یا دستار و مانند آنها تمام یا مقداری از سر را بپوشاند باید یک

گوسفند کفاره بدهد و اگر با گذاشتن غیر لباس مانند بادبزن و حنا و بار سر را بپوشاند کفاره ندارد.

۲- آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

آیه الله خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کردن است و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً

بر آن صدق کند که سر را پوشانده است مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط کفاره بدهد.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفاره ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفاره ندارد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله فاضل: در صورتی که تمام سر را پوشانده باشد، اما اگر قسمتی از سر را پوشانده است کفاره ندارد

۴- آیه الله بهجت: احتیاطاً.

آیه الله مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفاره دارد ولی کلاه دوخته و مانند آن بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی: یک کفاره کافی است.

آیه الله خویی: حرمت لبس اینگونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفاره است.

ص: ۱۲۴

سایه قرار دادن بالای سر خود برای مردان. «(۱)»

۱۶۵- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص بحال منزل طی کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن «(۲)» زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع «(۳)»

۱- آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب سایه قرار دادن برای بدن نیز در حال سیر و پیمودن راه جایز نیست. بنابراین نشستن در ماشین و بیرون نگهداشتن سر از شیشه یا سقف آن خلاف احتیاط و جویی است.

آیه الله نوری: در حال سیر و راه پیمودن.

آیه الله زنجانی: مرد محرم نمی تواند با وسیله نقلیه مسقف مانند ماشین مسقف حرکت کند- هر چند شب یا هوا ابری باشد- همچنان که نمی تواند در حال حرکت با وسیله ای مانند چتر از تابش خورشید یا باریدن باران بر سر یا بدن خود جلوگیری کند، ولی اگر در حال حرکت در سایه ماشینی که از کنار او می گذرد قرار گیرد یا سایه صندلی ها یا دیوارهای ماشینی که خود بر آن سوار است بر وی بیفتد، اشکال ندارد.

۲- آیه الله زنجانی: می تواند زیر سایه دیوار و خانه و خیمه برود ولی نمی تواند با وسیله نقلیه مسقف یا با چتر و مانند آن به جایی مثلاً جمرات و قربانگاه برود.

۳- آیه الله سیستانی: اما پس از پیاده شدن و جایی را منزل خود قرار دادن، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به این جا و آنجا برود، مانند اینکه در مکه منزل کند و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجد الحرام برود، و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه بوسیله چتر و چه سوار شدن ماشین سقف دار خیلی مشکل است، و احتیاط نباید ترک شود.

آیه الله بهجت: احتیاط واجب ترک سایه انداختن است در وقت تردد برای حوائج غیر خانه و خیمه و نحو آنها، چه در مکه و چه در عرفات و منی.

آیه الله تبریزی، آیه الله خامنه‌ای: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط نمی تواند در حال حرکت برای خود سایه بان درست کند مثل آنکه چتر بردارد و یا سوار ماشین سقف دار شود.

آیه الله نوری: حرمت سایه بر سر قرار دادن اختصاص به سایه ای دارد که با شخص حرکت می کند مثل چتر و ماشین مسقف و هواپیما و اما سایه ثابت مثل پل و تونل هر قدر طولانی باشد جواز عبور از زیر آنها بدون اشکال است.

ص: ۱۲۵

ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود (۱)» گرچه احتیاط مستحب (۲)» ترک است در حال راه رفتن.

(م ۴۳۸)

۱۶۶- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب (۳)» خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن بنظر بعید (۴)» نیست، بنابراین بعید نیست

۱- آیه الله نوری: اشکال ندارد.

۲- آیه الله خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنا بر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند.

۳- آیه الله بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهر مجموع روایات و مقتضای اصل اختصاص ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است.

آیه الله نوری: جایز است بنا بر این نشستن محرم در هواپیمایی که در شب حرکت می‌کند و همچنین ماشین و کشتی جائز است.

۴- آیه الله سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد. و اگر بارانی باشد کفاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست.

آیه الله مکارم: جایز است مگر در شبهای سرد و بارانی که باید کفاره بدهد و در روزهای کاملاً ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

آیه الله خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است پس اگر هیچکدام از آنها نباشد به نحوی که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. و در فرض شک در این که آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه، استظلال جایز است.

آیه الله خامنه‌ای: ولی احتیاط به ترک تظلیل درشبهای بارانی و سرد ترک نشود مگر اینکه این احتیاط موجب حرج شود.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیه الله زنجانی: در حرمت تظلیل و کفاره آن فرقی بین شب و روز نیست، بلی اگر حرکت با ماشین مسقف موجب تحفظ از تابش آفتاب یا بارش باران هم نباشد هرچند جایز نیست لکن کفاره ندارد.

ص: ۱۲۶

جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

(م ۴۴۴)

۱۶۷- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

(م ۴۴۷)

۱۶۸- کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنا بر احتیاط «(۱)»

واجب.

(م ۴۴۸)

۱۶۹- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد. «(۲)»

(م ۴۴۹)

۱۷۰- شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن. «(۳)»

(م ۴۸۳)

۱۷۱- در شب استظلال «(۴)» نیست بنا بر این جایز است محرم در شب با

۱- آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی، زنجانی، بهجت، گلپایگانی، خامنه‌ای، صافی: کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: بنا بر اقوی.

آیه الله نوری: کفاره آن یک گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار و بدون عذر.

۲- آیه الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب این است که برای هر روزی یک کفاره بدهد.

۳- تفصیل این مسأله در مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

۴- تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

آیه الله زنجانی: به قبل از مسأله ۱۶۵ مراجعه شود.

ص: ۱۲۷

ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری «(۱)» در روز جایز نیست مگر ابر بطوری تیره «(۲)» باشد که استظلال‌لصدق نکند.
(م ۴۸۵)

۱۷۲- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت «(۳)» مثل پل و غیره نیست «(۴)» و فرقی بین اجبار و اختیار نیست «(۵)» ولی بر عبور از زیر پلهایی که در جاده‌ها هست صادق نیست.
(م ۴۸۸)

۱۷۳- مکه منزل است و محرم می‌تواند «(۶)» به محض وصول به مکه

۱- آیه الله بهجت، اگر طوری باشد که تظلیل صادق نباشد اشکال ندارد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی، در جواب استظلال در روز ابری فرموده‌اند: استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست. آیه الله مکارم: تیره بودن ابرها لازم نیست، منظور نبودن سایه است. آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست. آیه الله بهجت، متعرض این حکم نشده‌اند.

آیه الله سیستانی: اگر ابر تیره باشد که اشعه آفتاب رابه کلی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

۳- آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، تبریزی: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد.

آیه الله گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونلهایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند، نرود.

آیه الله خامنه‌ای: عبور از زیر سایه بان ثابت مانند پل و تونل اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: عبور از زیر سایبان ثابت اشکال ندارد ولی در هوای آفتابی یا بارانی اگر مشقت ندارد نباید از تونل‌های طولانی عبور کند.

۴- آیه الله فاضل، آیه الله نوری: فرق هست و حرمت استظلال، سایه ثابت را شامل نمی‌شود.

آیه الله مکارم: پلها اشکال ندارد.

۵- آیه الله سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

۶- آیه الله زنجانی: رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد، ولی مرد محرم نمی‌تواند ماشین مسقف سوار شود یا در سایه چتر و مانند آن حرکت کند و فرقی بین مکه و عرفات و منی و غیر آنها نیست.

ص: ۱۲۸

استظلال نماید. «(۱)»

(۵۲۰)

۱۷۴- بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند می‌تواند «(۲)» برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود. «(۳)»

(م ۴۹۰)

۱۷۵- کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می‌توانند استظلال نمایند. «(۴)»

(س ۵۰۸)

۱۷۶- میقات عمره مفرده (تنعیم) در خود مکه واقع است بنابراین کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می‌تواند در اتوبوس سقف‌دار سوار شود و در خود مکه به مسجدالحرام یا منزل یا جای دیگر

۱- - آیه الله سیستانی، آیه الله تبریزی: چنانکه در مسأله ۱۶۵ گذشت بعد از رسیدن به مکه هم بنا بر احتیاط نمی‌تواند در حال حرکت برای خود سایبان درست کند مثل اینکه چتر بردارد یا سوار ماشین مسقف شود بلی رفتن زیر سایه ثابت مانعی ندارد. آیه الله خویی: به حاشیه مسأله ۱۶۵ مراجعه شود.

۲- - آیه الله نوری: چون مکه منزل است همین قدر که محرم به مکه رسید می‌تواند در زیر سایه قرار بگیرد و در روز هم با ماشین مسقف حرکت کند و لازم نیست که منتظر رسیدن به منزل و اتخاذ منزل در مکه باشد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

۳- - تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

۴- - به مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: در مکه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

ص: ۱۲۹

برود و در اینصورت استظلال مانع ندارد. «(۱)»

(س ۵۱۰)

۱۷۷- حرمت استظلال مخصوص به سایه بر سر قرار دادن است و اگر سایه فقط بر شانه بیفتد مانع ندارد. «(۲)»

(م ۵۱۶)

۱۷۸- زیر چتر حرکت کردن در عرفات مثل مکه و منی اشکال ندارد. «(۳)»

(س ۵۱۸)

۱۷۹- در مکه، رفتن در تونل‌هایی که احداث شده و سفر کردن از داخل آنها مانع ندارد مگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر

سقف برود که در اینصورت اشکال دارد. «(۴)»

(س ۵۱۹)

۱- - آیه الله خویی: بنا بر احتیاط استظلال نکند تا دخول مکه متیقن سابق.

آیه الله تبریزی: احتیاط لازم ترک استظلال در تنعیم و در حرکت از آنجا تا مسجد الحرام یا محل اقامت است.

آیه الله سیستانی: حکم به جواز استظلال در مفروض سؤال بسیار مشکل است و احتیاط ترک نشود.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

آیه الله بهجت: به احتیاط واجب تظلیل جایز نیست.

۲- - آیه الله فاضل: گذشت که بنا بر احتیاط واجب برای بدن نیز نباید سایبان قرار دهد.

آیه الله تبریزی، آیه الله زنجانی: صدق می‌کند.

۳- - تفصیل نظر آیات عظام در مسأله ۱۶۵ و ۱۶۶ گذشت.

آیه الله زنجانی: اشکال دارد.

۴- - آیات عظام صافی، فاضل، خامنه‌ای: اشکال ندارد.

آیه الله مکارم: در این صورت هم مانعی ندارد.

نظرات آیات عظام در مسأله ۱۷۳ گذشت.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۱۷۲ رجوع شود.

ص: ۱۳۰

محرّمات مخصوص بانوان

پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت. «(۱)» ۱۸۰- اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب «(۲)» آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست. «(۳)»

(م ۳۹۱)

۱۸۱- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد. «(۴)»

(م ۳۹۲)

۱۸۲- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید «(۵)» به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

(م ۳۹۳)

۱- آیه الله زنجانی: حرمت پوشیدن زیور اگر زینت حساب شود اختصاص به بانوان ندارد.

۲- آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، بهجت، صافی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است.

آیه الله سیستانی: اگر زیور به قصد زینت باشد حرام است و اگر به قصد زینت هم نباشد ولی عرفاً زینت حساب می شود احتیاط واجب در ترک است.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب.

۳- آیه الله زنجانی: پوشیدن زیوری که زینت محسوب شود بر مرد محرم حرام است و فقط دست کردن انگشتر زینتی اگر به قصد زینت نباشد اشکال ندارد، و در مورد بانوان حرمت پوشیدن زیور اختصاص به گوشواره و گردنبند دارد و این دو نیز در دو مورد مستثنی است. ۱- عادت به پوشیدن آنها داشته باشد. ۲- آنها را قبل از احرام پوشیده باشد و پوشیدن سایر زیورآلات بر بانوان مکروه است و در هر حال اگر زیوری را پوشید، نباید آن را به مرد نشان دهد.

۴- آیه الله فاضل: اگر قصد زینت به آنها نداشته باشد.

آیه الله مکارم: ولی آن را پوشاند.

۵- آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای شوهرش و مردانی که با او محرّمند ظاهر نسازد و نشان ندهد.

ص: ۱۳۱

پوشانیدن «(۱)» زنصورت خود را.

۱۸۳- پوشانیدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزنی روی خود را بپوشاند.

(م ۴۲۸)

۱۸۴- بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند. «(۲)»

(م ۴۲۹)

۱۸۵- اگر دستهای خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد. «(۳)»

(م ۴۳۰)

۱- آیه الله بهجت: در غیر حال ضرورت مانند تحفظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن.

آیه الله زنجانی، آیه الله نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیر متعارف مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزنی روی خود را بپوشاند.

۲- آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می‌گیرد خلاف احتیاط است و همچنین جایز نیست بنا بر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دستمال، هر چند همه صورت را نپوشاند، ولی تمیز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: بعضی رو در حکم تمام است. و بنا بر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست. و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیه الله خامنه‌ای: بر زنان حرام است پوشاندن صورت به آنگونه که به طور معمول برای حفظ حجاب یا ناشناخته ماندن می‌پوشاند و نیز پوشاندن فقط قسمت‌هایی از صورت که برای این منظورها پوشانده می‌شود شامل گونه‌ها و بین و دهان و چانه حرام است. و اما پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن بطوری که پوشاندن صورت بر آن صدق نکند مانع ندارد، چه در نماز و چه در غیر آن.

آیه الله مکارم: پوشانیدن بعضی صورت به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط.

آیه الله نوری: با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام چون چانه جزء صورت محسوب می‌شود باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد چون زیر چانه جزء صورت نیست.

۳- آیه الله بهجت: دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

ص: ۱۳۲

۱۸۶- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد. «(۱)»

(م ۴۳۱)

۱۸۷- بنا بر احتیاط «(۲)» زن نباید صورت خود را با حوله پاک کند.

(س ۵۰۶)

۱۸۸- زنها در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه سعی کنند که صورتشان پوشیده نشود «(۳)» و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

(س ۵۰۷)

۱۸۹- در مورد حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام «(۴)»

۱- آیه الله نوری: زن محرم نمی‌تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند چنانکه مرد محرم نمی‌تواند سر خود را با آن پاک یا خشک کند.

آیه الله زنجانی: بلکه موقعی که می‌خواهد بخوابد می‌تواند روانداز را روی صورتش بکشد، هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

۲- آیه الله خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: جایز نیست، مگر در حال ضرورت.

آیه الله مکارم، آیه الله زنجانی: پاک کردن صورت با حوله مانعی ندارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به نحوی که صورت پوشیده نمی‌شود خشک کند.

آیه الله بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

۳- آیه الله بهجت: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

آیه الله سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می‌پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

آیه الله مکارم، آیه الله زنجانی: این مقدار مانعی ندارد.

۴- آیه الله خامنه‌ای: تفصیل مسأله حرمت پوشیدن رو، ذیل مسأله ۱۸۴ گذشت.

ص: ۱۳۳

زیرچانه صورت محسوب نمی‌شود لکن پوشیدن مقنعه‌ای که چانه را می‌پوشاند اشکال دارد. «(۱)»
(س ۵۰۵)

مسائل متفرقه احرام

۱۹۰- کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده «(۲)» از احرام خارج شده و گرنه در احرام باقی است.
«(۳)»

(م ۴۸۹)

۱۹۱- در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود یا غیره بکند اشکال ندارد.
(س ۵۲۷)

۱۹۲- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند «(۴)» هیچیک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند. «(۵)»
(م ۱۳۲۷)

۱۹۳- مصرف کفارات: فقراء و مساکین هستند. «(۶)»

(م ۱۳۲۹)

۱- آیه الله مکارم: اشکال ندارد.-

آیه الله بهجت: جزء صورت است که نباید پوشانده شود و بعضی صورت نیز در حکم تمام آن است ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد.

۲- آیه الله زنجانی: یا اگر وظیفه او انجام اعمال عمره مفرده است، آن اعمال را انجام داده.

۳- آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی: اگر حج خود را باطل کند احرامش باطل می‌شود.

آیه الله مکارم: یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.

آیه الله فاضل: و باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود و تا اعمال تمام نشده، محرمات احرام را رعایت کند.

۴- آیه الله زنجانی: در حیوان کفاره نیز واجب است.

۵- آیه الله بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفاره نیز مراعات شود.

۶- آیه الله سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر اینکه مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

آیه الله گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: باید مؤمن باشند.

آیه الله فاضل: مصرف کفاره فقیر مؤمن است.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که کفارہ غیر سادات به سادات داده نشود.

مستحبات ورود به حرم

(۱)

۱۹۴- اول: همینکه حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

دوم: از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

سوم: وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأُذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحِجِّ يَا تُؤَكِّرُ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمُنْرَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمِ

۱- آیه الله مکارم: بقصد رجاء انجام دهد.

ص: ۱۳۵

بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَ آمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»
 چهارم: وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.
 (م ۵۲۸)

مستحبات ورود به مکه معظمه

۱۹۵- برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید. و هنگامیکه وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.
 (م ۵۲۹)

آداب ورود به مسجد الحرام

۱۹۶- مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید «(۱)» و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.
 و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

۱- - آیه الله سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست.

ص: ۱۳۶

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مَلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُؤَارِهِ، وَ

ص: ۱۳۷

جَعَلْنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلْنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَأْتِي حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِي، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخِدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِدْقٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولَ كَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فُكَّ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكَي، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَتَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا وَمُبَارَكًا وَهُدًى

ص: ۱۳۸

لِّلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَابْنُ بَلَدِكَ، وَابْنُ بَيْتِكَ، جِئْتُ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ، وَأَسْأَلُكَ طَاعَتَكَ، وَأَسْأَلُكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ لَكَ مَسْأَلَةً لِّمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند بسوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجر الاسود افتاد متوجه بسوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَ

ص: ۱۳۹

تَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ، وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ، وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَيِّئَاتِي، وَاعْفُ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

(م ۵۳۰)

ص: ۱۴۱

طواف واجب و احکام آن

اشاره

کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

(ص ۲۱۶)

۱۹۷- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن بنحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

(م ۵۳۱)

۱۹۸- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد. [\(۱\)](#)

(م ۵۳۲)

۱- - آیه الله بهجت: و وجوب ذبح یک شتر مطلقا حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: عمره تمتع او باطل می‌شود، ولی احرام او باقی می‌ماند که برای خروج از احرام باید اعمال عمره مفرده را تمام کند.

آیه الله زنجانی: چه عالم به اصل وجوب طواف باشد و چه جاهل به آن ولی کسی که به خاطر جهل به احکام فرعی طواف، آن را به صورت باطل انجام داده و طواف صحیح را ترک کرده، در بعضی صورت‌ها عمره‌اش باطل نمی‌شود و تفصیل آن در ضمن مسائل طواف خواهد آمد. و کسی که عمره تمتع او باطل می‌شود باید حج افراد و پس از آن، عمره مفرده به‌جا آورد، هرچند عمره تمتع او مستحبی باشد و اگر در ترک طواف معذور نبوده، کفایت از حجه الاسلام نمی‌کند.

ص: ۱۴۲

۱۹۹- شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.
(م ۵۳۸)

واجبات طواف:

واجبات طواف:

۱- نیت، ۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر، ۳- طهارت بدن و لباس، ۴- ختنه برای مردان، ۵- ستر عورت، ۶- شروع طواف از حجر الاسود، ۷- ختم نمودن آن به حجرالاسود، ۸- قرار گرفتن خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده. ۹- داخل کردن حجراسماعیل در طواف. ۱۰- بودن طواف بین خانه کعبه و مقام ابراهیم. ۱۱- خروج طواف کننده از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب است. ۱۲- هفت دور طواف نه کمتر و نه زیادت. «(۱)» واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول- چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول- نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد. «(۲)»

(ص ۲۱۸)

۱- آیه الله زنجانی: رعایت امور دیگری نیز در طواف واجب معتبر است. ۱- موالات بین اجزای طواف. ۲- اختیاری بودن طواف. ۳- ترتیب بین اجزای طواف. ۴- حفظ کردن عدد اشواط. ۵- اجتناب زنان از زدن نقاب. و چون طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است باید خود را بپوشاند اما این امر جزء واجبات طواف نیست.

۲- نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیت در بحث نیت در احرام گذشت.

آیه الله مکارم: برای عمره تمتع یا حج و غیر آن.

آیه الله فاضل: و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم برای عمره تمتع از حجة الإسلام یا حج استحبابی.

ص: ۱۴۳

۲۰۰- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همانطور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور بجا آورد با نیت بجا آورده. «(۱)»
(م ۵۳۹)

دوم- آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد. «(۲)»
(ص ۲۱۹)

۲۰۱- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب «(۳)» که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.
(م ۵۴۵)

۲۰۲- طواف- یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن- مستحب است و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب «(۴)» است. و در این طواف طهارت شرط نیست.
(م ۵۴۷)

- ۱- آیه الله زنجانی: در نیت طواف رعایت سه امر معتبر است: قصد طواف، تعیین نوع طواف، قصد قربت و خلوص و کافی است این امور به صورت اجمالی در نیت او باشد.
- ۲- آیه الله نوری: و اگر وضو ممکن نیست تیمم کند.
- ۳- آیه الله مکارم: یعنی در طواف عمره و حج مستحب، طهارت لازم است.
- ۴- آیه الله زنجانی، آیه الله مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.

ص: ۱۴۴

۲۰۳- اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند. «(۱)»
(م ۵۴۹)

۱- آیه الله فاضل: اگر در بین طواف واجب حدث عارض شود مسأله چهار صورت دارد:

اول: حدث قبل از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل می‌شود که باید بعد از تحصیل طهارت آن را از سر بگیرد، خواه محدث شدن اختیاری باشد یا بدون اختیار.

دوم: پس از رسیدن به نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم باشد، که در این صورت بنا بر احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف دیگر کند و نماز آن را نیز بخواند، خواه حدث با اختیار باشد یا بدون اختیار. سوم: بعد از تمام شدن دور چهارم اختیاریاً خود را محدث کند، که در این صورت نیز مثل صورت دوم احتیاط کند.

چهارم: پس از تمام شدن دور چهارم بی‌اختیار محدث شود، در این صورت پس از تحصیل طهارت، طواف را از آنجایی که محدث شده تمام کند، و صحیح است. و در این مسأله فرقی بین حدث اصغر و اکبر نیست.

آیه الله خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دوره چهارم، حدث اصغر عارض شود واجب است قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم و قبل از پایان این دور عارض شود، باید طواف را قطع و بعد از طهارت اگر موالات عرفیه باقی است طواف را تکمیل کند و اگر موالات به هم خورده طواف کاملی را به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد و در هر دو صورت می‌تواند طواف اول را رها کند و از نو طواف دیگری انجام دهد و حکم عروض حدث پس از پایان دور چهارم نیز همین است، گرچه در این صورت اگر موالات عرفیه به هم خورده باشد، احتیاط در اتمام طواف و اعاده آن است.

آیه الله خویی: اگر حدث بعد از تمامی دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد. و اگر حدث بعد از نصف و پیش از تمامی دور چهارم طواف، یا بعد از تمامی دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده سپس اعاده‌اش نماید. و بجای این احتیاط اگر این کار را بکند کافی است که پس از قطع طواف و طهارت، یک طواف کامل بقصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل جدید بجا آورد.

آیه الله تبریزی: اگر حدث قبل از رسیدن به نصف و از روی اختیار باشد طواف را از سر می‌گیرد و در غیر این صورت احتیاط واجب این است که وضو گرفته و طواف را تکمیل کند و پس از نماز طواف آن را اعاده نماید و کافیست یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.

آیه الله بهجت: آنکه حدث بعد از تجاوز از نصف از روی سهو و غفلت باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همانجا که قطع نموده ادامه می‌دهد و در صورتی که بعد از تجاوز از نصف و از روی عمد باشد حکم به ادامه طواف بعد از قطع آن مورد تأمل است.

آیه الله سیستانی: اگر بدون اختیار پس از تمام شدن شوط چهارم محدث شود، باید طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند. و اگر از روی اختیار باشد احتیاط واجب این است که طوافش را قطع نماید و بعد از تحصیل طهارت از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و به اتمام برساند، و سپس طواف را اعاده نماید.

آیه الله زنجانی: اگر در بین طواف حدث عارض شد چنانچه حدث اختیاری باشد طواف باطل می‌شود و باید پس از طهارت آن را از سر گرفت و چنانچه غیر اختیاری باشد سه صورت دارد: اول: قبل از رسیدن به نیمه شوط چهارم، در این صورت باید بعد از تحصیل طهارت طواف را از سر گرفت. دوم: پس از پایان شوط چهارم، در این صورت باید بعد از طهارت طواف قبلی را از جایی که محدث شده تکمیل کند. سوم: پس از رسیدن به نصف طواف و قبل از اتمام شوط چهارم، در این صورت باید بعد از طهارت طواف قبل را تکمیل کرده مجدداً یک طواف کامل بجا آورد. و در این تفصیل فرقی بین حدث اصغر و حدث اکبر نیست و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

ص: ۱۴۵

۲۰۴- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، «(۱)» حدث

۱- آیه الله بهجت: اگر پیش از تمام شدن نصف طواف حدث عارض شود طواف را قطع کند، پس از تحصیل طهارت آن را اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: پس اگر به سه شوط و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از سر بگیرد. و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار شوط نرسیده احتیاط به اتمام و اعاده طواف با نمازهای آن ترک نشود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت اعاده شود.

آیه الله خامنه‌ای: اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم و قبل از پایان این دور عارض شود باز هم باید طواف را قطع و بعد از طهارت اعاده کند لکن به نیت مافی الذمه.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را دوباره انجام دهد.

ص: ۱۴۶

عارض شود احتیاط واجب «(۱)» آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است. «(۲)»

(م ۵۵۰)

۲۰۵- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، «(۳)» واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل. «(۴)»

(م ۵۵۲)

۱- آیه الله مکارم: وظیفه او فقط اعاده است و اتمام طواف سابق لازم نیست.

۲- نظری که از آیه الله سیستانی در این دو مسأله نقل شد اختصاص به حدث اصغر ندارد.

آیه الله زنجانی: تفصیل این مسأله در حاشیه مسأله قبل گذشت.

۳- آیه الله مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود.

آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط باید صبر کند تا عذر او برطرف شود و اگر از زوال عذر مأیوس شد با تیمم طواف کند

بلی قبل از یأس از زوال عذر می تواند رجاء با تیمم طواف نماید پس اگر تا آخر عذر او ادامه داشت به آن طواف اکتفا کند.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در غسل غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد،

وگرنه باید یک تیمم دیگر بجای وضو بجا آورد. و جنب متیمم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد.

آیه الله فاضل: و وقت طواف تنگ شود

ص: ۱۴۷

۲۰۶- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

(م ۵۵۶)

سوم: طهارت بدن و لباس است از نجاست. «(۱)»

(ص ۲۵۵)

۲۰۷- احتیاط واجب «(۲)» آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده- مثل خون کمتر از درهم «(۳)» و جامه‌ای که با آن نتوان «(۴)» نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر «(۵)» نجس- اجتناب کند.

(م ۵۶۲)

۱- آیه‌الله زنجانی: رعایت این امر در طواف مستحب لازم نیست.

آیه‌الله خامنه‌ای: بدن و لباس طواف کننده باید از خون و نیز از سایر نجاسات بنابر احتیاط پاک باشد.

۲- آیه‌الله فاضل: ظاهر آن است که ...

آیه‌الله خامنه‌ای: خونی که در نماز معفو است در طواف هم معفو است و در چیزهایی از قبیل جوراب و عرقچین و نیز دستمال و انگشتر طهارت شرط نیست.

آیه‌الله زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- آیه‌الله زنجانی: خون کمتر از درهم در صورتی معفو است که از دماء ثلاثه نباشد والا مانع نماز و طواف واجب است.

۴- آیات عظام خویی، بهجت، تبریزی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند [یعنی ساتر نباشد مانند مثالهای مذکور در متن] اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیه‌الله مکارم: نجس بودن این لباسهای کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

آیه‌الله سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

۵- آیه‌الله فاضل: طهارت در انگشتر و مانند آن که عرفاً به آن لباس نمی‌گویند شرط نیست، و همین‌طور بودن چیز نجس همراه انسان در صورت جهل به مسأله در طواف مانعی ندارد.

ص: ۱۴۸

۲۰۸- در خون قروح و جروح «(۱)» اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند. «(۲)»

(م ۵۶۳)

۲۰۹- در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

(م ۵۶۴)

۲۱۰- اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طواف صحیح است.

(م ۵۶۶)

۲۱۱- اگر در بین طواف نجاستی ببیند یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف او صحیح است. «(۳)»

(م ۵۶۸)

۱- آیه الله سیستانی: اگر تطهیر آن حرجی باشد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.

آیات عظام خویی، بهجت، تبریزی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: بر کسی که در بدنش زخم یا جراحت یا دملی است که خوب نشده است لازم نیست برای طواف و نماز، آن زخم یا دمل و قسمت‌هایی از بدن و لباس را که معمولاً از آن خون نجس می‌شود تطهیر کند، و اگر خوب شده باید بدن و لباس را تطهیر کند مگر این کار برای او ضرر داشته یا حرجی باشد، و از این حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بجا آورد.

آیه الله مکارم: خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید، و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد. و اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را بجا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً

برگردد و طواف را از همانجا تمام کند و طواف او صحیح است.

ص: ۱۴۹

۲۱۲- اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط «(۱)» واجب اعاده است، و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

«(۲)»

(م ۵۷۱)

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اقوی اعاده طواف است.

آیه الله مکارم: در فرض فراموشی اعاده ندارد.

آیه الله خامنه‌ای: طوافش صحیح است، ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده، باید آن را دوباره بخواند، و احتیاط آن است که در این صورت طواف را نیز بار دیگر به جا آورد.

آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی: بنابر اظهر طوافش صحیح است و اگر در اثناء یادش بیاید، حکم علم به نجاست در اثناء را دارد.

آیه الله بهجت: صحّت طواف خالی از وجه نیست. در فرضی که بعد از طواف یادش بیاید و مسأله بیاد آوردن بین نماز را متعرض نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبابی اعاده کند. و اگر در بین طواف یادش بیاید آنچه انجام داده صحیح است و باید پس از طهارت طوافش را تکمیل کند و بنابر احتیاط مؤکد استحبابی در این صورت نیز طواف را اعاده نماید و اگر بعد از نماز یادش آمد، اعاده نماز واجب است.

۲- آیه الله فاضل: اگر نجس بودن بدن یا لباس را فراموش کند و در بین طواف یا پس از آن یادش آمد طواف صحیح است ولی مستحب است آن را اعاده کند. بلی اگر بعد از نماز طواف یادش آمد فقط نماز را اعاده کند.

آیه الله خامنه‌ای: اگر بدون رها کردن طواف، تطهیر ممکن نباشد، باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.

ص: ۱۵۰

چهارم- ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط «(۱)» واجب آن است که درباره بچه‌های نابالغ نیز مراعات شود. «(۲)»

(ص ۲۲۸)

پنجم- ستر عورت «(۳)» است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، «(۴)» و معتبر است در آن اباحه، «(۵)» پس با ساتر غصبی طواف

۱- آیه الله سیستانی: اگر ممیز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیه الله گلپایگانی: واجب است.

آیه الله فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده، صحیح نیست و از غیر ممیز بنا بر احتیاط صحیح نیست، هر چند احرام آن‌ها صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد، و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

۲- آیه الله زنجانی: اگر کودک پسر ممیز باشد، ختنه معتبر است و اگر نباشد مطابق احتیاط استحبابی است.

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

آیه الله خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

۴- آیه الله مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

۵- آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب-

آیه الله بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحت آن تأمل و احتیاط است خصوصاً در ساتر.

ص: ۱۵۱

صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط «(۱)» واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند. «(۲)»

(ص ۲۲۹)

قسم دوم- چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است: اول- آنکه ابتداء کند به حجر الاسود.

(ص ۲۳۰)

۲۱۳- آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع به طواف کرد «(۳)» و ختم کرد به حجرالاسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش.

(م ۵۷۶)

۲۱۴- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجر الأسود» بدون دقتها یصاحبان و سوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند «(۴)» تا هفت دور تمام شود.

۱- آیات عظام فاضل، سیستانی، خوئی، تبریزی: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر جامه احرام، کفش و یا لباسهای دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

آیه الله نوری: بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز صحیح نیست.

۲- آیه الله نوری: از قبیل نبودن از اجزاء میتة و از اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و از حریر نبودن و طلا بافت نبودن را بنمایند.

۳- آیه الله فاضل: آنچه که برای صحت طواف لازم است آن است که شروع و ختم طواف عرفاً از مقابل حجر و محاذی آن باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنا از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر نیت کند و در پایان، کمی پس از حجر ختم کند.

۴- آیه الله مکارم: یعنی توقف لازم نیست.

آیه الله زنجانی: یعنی توقف لازم نیست، هر چند اگر توقف کند اشکال ندارد مخصوصاً اگر برای استراحت باشد.

ص: ۱۵۲

دوم- ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود و این حاصل می‌شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم «(۱)» شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

(ص ۲۳۱)

سوم- آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود. «(۲)»

(ص ۲۳۲)

۲۱۵- لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً بشانه چپ قرار دهد، «(۳)» بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف

۱- آیه الله بهجت: و این از حیث مطاف کافی است، و از حیث طائف در ابتداء کافی است محاذات معظم بدن شخص، و تمام بدن محاذات آن احوط است، و همچنین در ختم محاذات معظم بدن یا تمام بدن با بعضی از حجر با رعایت وصول به موضع ابتدا موافق احتیاط است.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: و در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه محسوب دارد.

آیه الله خامنه‌ای: و مانعی ندارد که از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود، با این نیت که طواف او از مقابل حجر الاسود باشد هم اکنون در مقابل حجر الاسود از کنار کعبه تا آخر صحن مسجدالحرام خط تیره‌ای کشیده شده است که افراد می‌توانند هنگام رسیدن به آن خط طواف را آغاز و به همان جا ختم کنند.

۲- آیه الله زنجانی: یعنی باید از حجر الاسود به سمت در خانه حرکت کند نه به سوی رکن یمانی و قرار گرفتن خانه در سمت شانه چپ لازم نیست بلی اگر بر خلاف جهت به طرف رکن یمانی طواف نمود کافی نیست.

۳- آیه الله زنجانی: در حال طواف لازم نیست روی طواف کننده به طرف جلو و شانه چپ او به سمت خانه کعبه باشد بنابراین می‌تواند در حالی که رویش به سوی کعبه است طواف کند بلکه اگر در حال طواف عقب عقب برود یا گاهی پشت او به کعبه شود طوافش صحیح است ولی باید در هر حال از حجر الاسود به سمت در خانه طواف کند پس اگر ناتوانی را که با تخت روان طواف می‌دهند از طرف حجر الاسود به سمت در خانه طواف بدهند کافی است هر چند شانه راستش به طرف خانه کعبه باشد و اگر او را به سمت رکن یمانی طواف دهند کافی نیست هر چند شانه چپش رو به کعبه باشد.

ص: ۱۵۳

چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد. «(۱)»
(م ۵۸۰)

۲۱۶- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود. «(۲)»

(م ۵۸۱)

چهارم- داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

(ص ۲۳۳)

۱- - آیه‌الله خویی، آیه‌الله تبریزی: خانه خدا در جمیع احوال طواف باید در طرف چپ قرار گیرد، پس اگر مقداری این چنین نبود آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود. آیه‌الله تبریزی در ادامه می‌فرمایند: و میزان در قرار دادن کعبه در طرف چپ صدق عرفی است، و بهتر این است که دقت شود بخصوص در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه خدا که در این جاها باید مواظب بود که به چپ یا راست منحرف نگردد.

آیه‌الله سیستانی: خانه باید در همه حالات طواف در طرف چپ باشد پس اگر رو به آن کند برای بوسیدن و مانند آن یا فشار جمعیت او را ناچار به پشت کردن یا رو کردن به آن کند آن مقدار از طواف شمرده نمی‌شود ولی معیار صدق عرفی است و لازم نیست در دو دهانه حجر اسماعیل و در نبشهای خانه بدن را منحرف سازد.

آیه‌الله مکارم: بهتر است بجای اینگونه کارهای غیر متعارف مانند همه مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

۲- - نظر آیات عظام در این مسأله، در مسأله قبل گذشت.

ص: ۱۵۴

پنجم- بودن طواف است «(۱)» بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

(ص ۲۳۴)

۲۱۷- مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه «(۲)» طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً

بیست و شش ذراع و نصف است) «(۳)» پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد. «(۴)»

(م ۵۹۲)

۱- آیه الله مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است و برای کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند در طبقه پایین طواف کنند طواف در طبقه بالا مانعی ندارد.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

آیه الله نوری: اقوی این است که در طواف همین قدر که «طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات اینکه طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام است لازم نیست و مستحب است.

آیه الله خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

۲- آیه الله زنجانی: یعنی در همه اطراف مقدار محلی که می‌توان در آن طواف کرد، همین مقدار است، بنابراین در سمت دیوار حجر محل طواف تنگ نمی‌شود و این مقدار از بیرون دیوار حجر محاسبه می‌گردد نه از خانه کعبه. و کسی که نمی‌تواند در محدوده طواف کند یا این امر برای او مشقت شدید دارد، نایب می‌گیرد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد یا مشقت شدید دارد، می‌تواند در فاصله دورتر طواف کند و در هر حال اگر رعایت محدوده طواف- ولو با تأخیر- برای نوع حجاج موجب مشقت شدید باشد طواف در فاصله دورتر از کعبه صحیح است حتی برای کسانی که می‌توانند در محدوده طواف نمایند.

۳- آیه الله بهجت: از خانه تا سنگ مخصوص است نه بناء، و موضع معروف به شاذروان داخل بیت است از جمیع جوانب علی الاحوط.

۴- آیه الله خویی: و لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت بیست و شش ذراع و نیم نیز کافی باشد، خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است، و از این مسأله حکم مسأله بعد هم معلوم می‌شود.

آیه الله تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت ازدحام جمعیت تا جایی که جمعیت طواف کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند، طواف در آن حد صحیح و مجزی است، ومع ذلك اولی رعایت حد است با امکان.

آیه الله سیستانی: ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم- هر چند که کراهت دارد- طواف جایز باشد، خصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود، و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله خامنه‌ای: اقوی عدم وجوب است، و برای مطاف حدی وجود ندارد و تا هر جای مسجدالحرام که طواف در آن طواف کعبه

صدق کند طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد فیما بین کعبه و مقام ابراهیم انجام دهد. و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می‌شود.

آیه الله بهجت: لکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسافت - بیست و شش ذراع و نیم - نیز کافی باشد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. و از اینجا حکم مسأله بعدی معلوم می‌شود.

آیه الله مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین جا حکم مسأله بعد روشن می‌شود.

ص: ۱۵۵

۲۱۸- چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود «(۱)»

-
- ۱- آیه الله فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسماعیل علیه السلام مقدار محل طواف ضیق نمی‌شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطاف را دارد لکن رعایت احتیاط یعنی طواف در مقدار شش ذراع و نیم نیکو است.
- آیه الله گلپایگانی، آیه الله زنجانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.
- آیه الله صافی: در طرف حجر بنا بر احتیاط در فاصله ۶/۵ ذراع طواف کنند.

ص: ۱۵۶

زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود و چنانچه گفته‌اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود. [\(۱\)](#)

(م ۵۹۵)

ششم- خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

(ص ۲۳۶)

۲۱۹- در اطراف دیوار خانه یک پیش‌آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد. [\(۲\)](#)

(م ۵۹۷)

۲۲۰- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن [\(۳\)](#) در آنجایی که شاذروان است جایز است، [\(۴\)](#) و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب [\(۵\)](#) در ترک آن است.

(م ۵۹۹)

۲۲۱- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام

۱- آیه الله مکارم: مانند مسأله سابق است.

۲- آیه الله زنجانی: به این معنی که اگر از روی شاذروان طواف کند آن مقدار از طوافش باطل است.

۳- آیه الله زنجانی: بلکه طواف کردن کعبه در حال بوسیدن آن.

۴- آیه الله بهجت: احوط آن است که در اثناء طواف دست خود را دراز نکنند از طرف شاذروان به دیوارخانه به جهت استلام ارکان یا غیر آن و همچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد.

۵- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط مستحب آن است که در حال طواف، دیوار بیت را مسح نکند و بر روی دیوار حجر اسماعیل دست نگذارد.

آیه الله نوری، آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

ص: ۱۵۷

جایز است، «(۱)» و بطواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب «(۲)» در ترک است.

(م ۶۰۰)

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

(م ۲۳۷)

۲۲۲- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد و یا بیشتر بجا آورد طوافش باطل «(۳)» است

اگرچه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را

اعاده کند. «(۴)»

(م ۶۰۱)

۲۲۳- اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است بخیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافش

صحیح است.

(م ۶۰۵)

۱- آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

۲- نظر آیات عظام غیر از آیه الله خوئی، آیه الله سیستانی و آیه الله تبریزی و آیه الله مکارم که موافق متن هستند در این مسأله

مثل مسأله قبل است.

آیه الله خامنه‌ای، این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

۳- آیه الله گلپایگانی: بنا بر احتیاط در هر حال طوافش باطل است.

آیه الله خوئی: اعاده لازم نیست.

۴- آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل: در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند اعاده

طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

سایر آیات عظام متعرض این مسأله نشده‌اند. و اما نظر آیه الله مکارم موافق متن است.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد.

ص: ۱۵۸

۲۲۴- در طواف واجب، قرآن جایز نیست «(۱)» یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب «(۲)» مکروه است.

(م ۶۱۱)

۲۲۵- جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است «(۳)» بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط «(۴)» قطع

۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می شود.

آیه الله زنجانی: یعنی جایز نیست بعد از طواف واجب بلافاصله طواف دیگری- واجب یا غیر واجب- انجام دهد، بدون آن که بین دو طواف نماز فاصله شود و این کار طواف را باطل می کند بلی اعاده احتیاطی طواف از قرآن خارج است و مبطل طواف نیست.

۲- آیه الله بهجت، حکم قرآن در طواف مستحب را متعرض نشده اند.

۳- آیه الله بهجت: احوط عدم قطع طواف واجب است یعنی ترک بقیه آن بنحویکه موالات عرفیه فوت شود بدون عذر و بمجرد خواهش نفس.

آیه الله خویی: قطع طواف و سعی جایز نیست.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب قطع نکند.

آیه الله سیستانی: قطع طواف واجب برای کاری ضروری بلکه بنا بر اظهر قطع آن مطلقاً گرچه برای کاری یا ضرورتی نباشد جایز است.

آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

آیه الله زنجانی: قطع عمدی طواف واجب در غیر موارد خاصه جایز نیست و مراد از قطع در این مسأله و مسائل بعدی این است که طواف کننده با فاصله زیاد انداختن یا انجام فعل کثیر و مانند اینها موالات عرفیه بین اشواط طواف را از بین ببرد، موارد خاصه عبارتند از: استراحت، وضو و غسل، آب کشیدن بدن و لباس، تنگی وقت نماز واجب یا نماز وتر، نماز جماعت یا رسیدن به نماز اول وقت، برآوردن احتیاج دیگری، بیماری، عیادت بیمار و هر کاری که مطلوب شارع مقدس بوده و وقت آن می گذرد مانند تطهیر مسجد، تشییع جنازه مؤمن. در تمام مواردی که طواف را رها می کند اگر موالات از بین نرفته باید آن را تکمیل کند و اگر از بین رفته به وظیفه قطع طواف که در مسائل آینده می آید رفتار نماید.

۴- آیه الله خامنه‌ای: قطع طواف مانع ندارد اگرچه احتیاط مستحب قطع نکردن طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه بهم بخورد.

آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که قطع نکند.

آیه الله تبریزی، موافق متن هستند.

سایر آیات عظام متعرض این حکم نشده اند.

ص: ۱۵۹

نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند بطوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بهم بخورد.

(م ۶۱۵)

۲۲۶- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط «(۱)» آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

آیه الله بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط بجا آورده باشد.

آیه الله تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

آیه الله سیستانی: اگر طواف کننده در طواف واجب بی دلیل طواف خود را قطع کرد به این معنی که از مطاف خارج شود و مشغول به کاری شود که عرفاً صدق کند طوافش را قطع کرده است پس اگر قبل از تمام نمودن شوط چهارم باشد، طواف باطل است و باید آن را دوباره انجام دهد، و اگر بعد از آن باشد، اگر فوت موالات شود، از سر می گیرد.

آیه الله زنجانی: اگر در غیر مواردی که در حاشیه مسأله قبل ذکر شد طواف را قطع کرد باید طواف را از سر بگیرد و احتیاط مستحب در آن است که اگر قطع طواف بعد از نیمه شوط چهارم بود، قبل از اعاده، طواف قبلی را تکمیل کرده نماز آن را بخواند.

ص: ۱۶۰

کند، «(۱)» و این در صورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد.

(م ۶۱۶)

۲۲۷- اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است.

(م ۶۱۷)

۲۲۸- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد «(۲)» مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار «(۳)» پس اگر بعد از تمام شدن

چهار

۱- آیه الله فاضل: اعاده مستحب است.

۲- آیه الله زنجانی: قطع طواف واجب به جهت عذر چند صورت دارد: ۱- قطع طواف به خاطر حدث اصغر یا اکبر- جنابت و حیض- حکم آن در مسأله ۲۰۳ گذشت. ۲- قطع طواف به خاطر عروض بیماری در اثناء طواف: اگر قبل از نصف / ۳ / ۵ شوط قطع کرده، باید خودش و اگر نمی‌تواند نایبش آن را از سر بگیرد، و اگر بعد از اتمام شوط چهارم قطع کرده باید بدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و کافی است والا طوافش باطل می‌شود و باید آن را از سر بگیرد و اگر فیما بین نیمه و پایان شوط چهارم بود باید هم بدون تأخیر برای تکمیل آن نایب بگیرد و همچنین خودش- و اگر نمی‌تواند نایبش- یک طواف کامل بجا آورد. ۳- قطع طواف برای استراحت یا تطهیر بدن و لباس یا مسجد یا تنگی وقت نماز واجب یا رسیدن به نماز اول وقت یا شرکت در نماز جماعت، در تمام این موارد پس از رفع عذر طواف قبلی را- هر چند کمتر از نصف باشد- تکمیل می‌کند. ۴- قطع طواف به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد و تشکیل صفوف جماعت، حکم آن در حاشیه مسأله ۲۴۳ خواهد آمد.

در تمام صورت‌های چهار گانه اگر به جهت ندانستن حکم، طواف را از سر بگیرد طوافش صحیح است برخی صورت‌های دیگر برای قطع طواف هست که باید به مناسک ایشان مراجعه شود.

۳- آیه الله خامنه‌ای: اگر در اثناء طواف حدث اصغر از او سرزند در صورتی که پیش از رسیدن به نیمه شوط چهارم یعنی نرسیده به محاذی رکن سوم کعبه باشد طواف را رها کند و پس از وضو گرفتن طواف را از اول اعاده نماید و اگر فیما بین نیمه شوط چهارم و آخر شوط چهارم باشد طواف را رها کند و پس از وضو گرفتن یک طواف کامل به قصد مافی‌الذمه انجام دهد، و اگر پس از اتمام شوط چهارم باشد طواف را رها کند و پس از وضو سه شوط دیگر انجام دهد و در هر صورت می‌تواند آن طواف را رها نموده و از نو طواف کند، و حکم حدث اکبر ذیل مسأله ۲۰۳ گذشت.

ص: ۱۶۱

دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده «(۱)» طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض «(۲)» آن است که تمام کند و اعاده نماید. «(۳)»
(م ۶۱۸)

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: پس اگر به نصف نرسیده اعاده کند و اگر در فاصله بین ۳/۵ و چهار بوده احتیاط به اتمام و اعاده طواف است.

آیه الله فاضل: اگر از نصف تجاوز نکرده عذر پیدا شد طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و دور چهارم را تمام نکرده است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید.

۲- آیه الله صانعی: و حدث.

۳- نظر آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسأله ۲۰۲ و ۲۰۳ گذشت و راجع به حیض به مناسک محشی رجوع شود. و اما در مورد مرض:

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در این فرض اگر ناچار به قطع طواف شد و از مطاف خارج گردید چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را بجا آورده و طواف را اعاده نماید.

آیه الله سیستانی، نظر ایشان مطابق با متن است ولی اضافه فرموده اند: این در طواف واجب بود و اما در طواف مستحبی از هر جا که قطع کند مادامی که موالات عرفی فوت نشده است می تواند برگردد و تمام نماید و همچنین در مورد عذر علاوه بر مرض قضای حاجتی برای خود یا برادر دینی ذکر فرموده اند.

آیه الله بهجت: هرگاه طواف کننده به علت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و چنانچه بعد از آن بوده اگر قادر بر اتمام نباشد احوط آن است که صبر کند تا وقت آن طواف تنگ شود اگر قادر نشد او را دوش می گیرند و طواف می دهند و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می گیرند در اتمام.

ص: ۱۶۲

۲۲۹- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، «(۱)» و احتیاط آن است که اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند والا اعاده کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود. «(۲)»

(م ۶۲۱)

۲۳۰- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیاده‌تر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه اعتناء نکند «(۳)» و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست «(۴)» و احتیاط ترک نشود. «(۵)»

(م ۶۲۲)

۱- - آیه الله بهجت: اگر موالات عرفیه بهم نخورد و اگر بهم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن.

۲- - آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله زنجانی: اتمام طواف قبلی در هر صورت کافی است- هر چند قبل از نصف باشد یا از مطاف خارج شده باشد- و رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- - آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت عدد اشواط، التفات داشته است، در هیچ یک از دو صورت اعتنا به شکش نکند و الا در صورت استمرار شک طوافش باطل است.

۴- - آیه الله فاضل: این اشکال در صورت عدم انصراف از طواف است اما اگر شک بعد از انصراف و دخول در نماز طواف باشد اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم طواف محکوم به صحت است و لازم نیست اعتنا کند.

۵- - آیه الله بهجت: هر گاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورت دوم طواف باطل است مگر اینکه بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط واجب نیست.

آیه الله سیستانی: اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید مثلاً پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک نماید.

ص: ۱۶۳

۲۳۱- اگر بعد از طواف شك کند كه صحيح بجا آورده آن را يا نه، مثلاً احتمال بدهد كه از طرف راست طواف کرده يا محدث بوده يا از داخل حجر اسماعيل عليه السلام طواف کرده «(۱)» اعتنا نکند، و طوافش صحيح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده يا مشغول کارهای ديگر نشده باشد، در صورتی كه هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زياده و نقيصه.
(م ۶۲۳)

۲۳۲- اگر در آخر دور كه به حجر الاسود ختم شد شك کند «(۲)» كه هفت دور زده يا هشت دور يا زيادتر، اعتناء به شك نکند و طوافش صحيح است.
(م ۶۲۴)

۲۳۳- اگر قبل از رسيدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شك کند كه آنچه را دور می‌زند دور هفتم است يا هشتم طواف باطل است. «(۳)»
(م ۶۲۵)

۱- - آیه الله زنجانی: اگر احتمال بدهد هنگام طواف نسبت به رعایت شرایط طواف توجه داشته اعتنا نکند و همچنین است حکم مسأله بعد.

۲- - آیه الله بهجت: حکم شك بعد از تمام شدن طواف در مسأله ۲۳۰ گذشت.

۳- - آیه الله بهجت: احوط بطلان طواف است.

آیه الله فاضل، آیه الله مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحيح است.

آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی: ظاهر این است كه طواف باطل است و احتیاط مستحب این است كه به قصد رجاء تمام و پس از نماز طواف آن را اعاده نماید.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.

آیه الله زنجانی: شك در اشواط طواف در صورتی طواف را باطل می‌کند كه استمرار داشته و در اثناء يا بعد از آن به اطمینان مبدل نشود و از اینجا حکم مسأله بعد نیز معلوم می‌گردد.

ص: ۱۶۴

۲۳۴- اگر در آخر دور یا اثناء آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. «(۱)»

(م ۶۲۶)

۲۳۵- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

(م ۶۲۷)

۲۳۶- شخص کثیر الشک در عدد دورها «(۲)» اعتناء به شکش نکند «(۳)» و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

(م ۶۲۸)

۱- آیه الله بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آنکه فی الجمله احوط است. و احوط از آن بنا بر اقل بگذارد و اتمام و بعد از آن اعاده طواف نماید.

آیه الله سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده کند ولی اگر در این صورت بنابر ۶ گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد مثل اینکه شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

۲- آیه الله زنجانی: بنابر اقل گذاشته طواف را تمام کند و سپس دوباره اعاده نماید البته می تواند به شمارش دیگری اکتفا کند هر چند از گفته او اطمینان پیدا نکند. ولی اگر به حدّ و سواس برسد، اعتنا نکند.

۳- آیه الله مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

آیه الله خویی: کثیرالشک در طواف تا به حدّ و سواس نرسد باید به شکش اعتناء کند.

آیه الله بهجت: کثیر الشک در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد.

آیه الله سیستانی: کثیرالشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند.

ص: ۱۶۵

۲۳۷- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است. «(۱)»

(م ۶۳۳)

۲۳۸- واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمن و یسار نگاه کند و صفح‌ه‌صورت را

برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، «(۲)» و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند. «(۳)»

(م ۶۳۵)

۲۳۹- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، «(۴)» ولی نباید

آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشست «(۵)» احتیاط آن است

۱- آیه الله زنجانی: هر چند شانه چپ آنها رو به کعبه نباشد.

۲- آیه الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر رانگاه کند.

آیه الله بهجت: متعرض نگاه کردن به عقب نشده‌اند.

۳- آیه الله زنجانی: بلکه می‌تواند رو به کعبه یا در حال بوسیدن کعبه طواف نماید همچنان که اگر در همان مسیر طواف

کنندگان عقب عقب طواف کند، طوافش صحیح است.

۴- آیه الله زنجانی: و در این حکم فرقی نیست بین این که قبل از نصف طواف باشد یا بعد از آن، از مطاف خارج شده باشد یا

نه، استراحت باعث فوت موالات گردد یا خیر.

۵- آیه الله بهجت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی‌کند حکم آن در مسأله ۲۲۸ و ۲۲۹ گذشت، و با فرض تحقق عذر از

ادامه، قبل از اكمال شوط چهارم، در حدی که موالات عرفیه بهم نخورد مانعی ندارد و اگر بهم بخورد احتیاط مراعات شود به

اکمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد.

آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیه الله فاضل: که موالات عرفیه بهم خورد.

آیه الله مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

ص: ۱۶۶

که اتمام کند و اعاده نماید. «(۱)»

(م ۶۳۶)

۲۴۰- هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی اختیار بردند، «(۲)» همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. «(۳)»

(م ۶۳۹)

۲۴۱- اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم «(۴)» است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه

۱- آیه الله خامنه‌ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می‌توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

۲- آیه الله زنجانی: باید از محل اشکال تا هفت شوط را تکمیل نماید و اگر بعد از طواف متوجه شده باید یک شوط کامل طواف کند تا طوافش کامل شود و در هر صورت اگر به جهت ندانستن مسأله طواف جدیدی بجا آورد، صحیح است.

۳- آیه الله خامنه‌ای و آیه الله مکارم: سابقاً گفته شد، از اول نیت می‌کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هر چند او را ببرند، بنابراین اعاده لازم نیست.

آیه الله بهجت: اگر بتواند برگردد و از همانجا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنه بدون نیت دور میزند تا به محلی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: اگر به طور کلی از حالت اختیار خارج نشود، یعنی بتواند بایستد یا از مطاف خارج شود، طوافش صحیح است و اگر به طور کلی از اختیار خارج شود، اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سر بگیرد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: ولی چنانکه سابقاً گفته شد، مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

۴- آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، مکارم: مانند مسأله سابق است.

ص: ۱۶۷

ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید «(۱)» ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود «(۲)» بلکه در اینصورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

(م ۶۴۰)

۲۴۲- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت «(۳)» پشت به «(۴)» خانه شود و قسمتی از طواف به اینصورت انجام گیرد «(۵)» یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا بجایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید. «(۶)»

(م ۶۴۱)

۱- آیه الله فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفا کند، و طواف در این فرض صحیح است.

۲- آیه الله زنجانی: بلکه همین مقدار که درباره او گفته شود: «این شخص طواف می‌کند» کافی است و چنانچه درباره او گفته شود «او طواف نمی‌کند بلکه او را طواف می‌دهند» باید این مقدار از طواف را به تفصیلی که در متن مسأله بعد گفته شده اعاده کند.

۳- آیه الله زنجانی: مقداری از طواف را پشت به خانه شود به طواف او ضرری نمی‌رسد و اگر فشار جمعیت شخص را جلو براند به طوری که نتوانیم درباره او بگوییم: «این شخص طواف می‌کند» باید به تفصیلی که در این مسأله آمده است، رفتار کند.

۴- آیه الله مکارم: در مورد فشار جمعیت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

۵- آیه الله نوری: باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

۶- آیه الله سیستانی: چنانچه فشار جمعیت به حدی باشد که به طور کلی حالت اختیار را از او سلب نماید باید آن قسمت را اعاده نماید و همان گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند و نمی‌تواند بدون قصد طواف برود تا جایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیه الله فاضل: همان گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

ص: ۱۶۸

۲۴۳- اگر در اثناء طواف یا سعی نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد «(۱)» اگر بعد از شوط چهارم «(۲)» طواف یا سعی قطع شده، «(۳)» از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، «(۴)» و اگر قبل از

۱- آیه الله زنجانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند، پس از آن طواف و سعی را از همان جا که رها کرده تکمیل می کند هر چند قبل از نصف باشد و اگر شرکت نکند ولی تشکیل صفوف جماعت مانع ادامه طواف او شود اگر بعد از پایان شوط چهارم است طواف قبلی را اتمام می کند مگر بیش از زمان نایب گرفتن افراد بیمار فاصله شود که در این صورت طواف را اعاده می کند و اگر قبل از نیمه شوط چهارم بوده طواف را اعاده می کند مگر به مقدار استراحت افراد ضعیف فاصله شود که باید آن را تکمیل کند و در بین سه و نیم و چهار شوط طواف قبلی را اتمام و سپس اعاده می کند و این تفصیل حکم تمام مواردی است که به جهت موانع خارجی مانند نظافت مسجد طواف واجب قطع می گردد.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است.

۳- آیه الله خامنه‌ای: اگر در حین طواف واجب برای نماز یومیه، طواف را قطع کند در صورتی که اقلانیمی از طواف یعنی سه شوط و نیم را انجام داده است باید از همان جا که قطع شده طواف را ادامه دهد و اگر کمتر از سه شوط و نیم طواف کرده است، اگر فاصله طویل شود، احتیاط آن است که طواف را از سر بگیرد و اگر فاصله طویل نشده، بعید نیست که این احتیاط واجب نباشد، اگرچه به هر حال مستحسن است و در احکام مذکوره فرقی میان نماز جماعت و فرادا و سعه وقت یا ضیق آن نیست.

آیه الله بهجت: در طواف اگر موالات عرفیه بهم نخورد اشکالی ندارد و اگر بهم بخورد و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اكمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر که مورد سؤال است مانعی ندارد.

۴- آیه الله تبریزی: حکم قطع طواف در صورتی که در اثناء طواف نماز جماعت اقامه شود گذشت، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و اگر بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار بوده احتیاط این است که طواف را تمام کند و نماز آنرا بخواند و طواف و نماز را اعاده نماید و اگر قبل از نصف بوده، طواف را اعاده کند.

ص: ۱۶۹

شوط چهارم طواف بوده «(۱)» و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، «(۲)» هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است. (س ۶۴۶)

۱- آیه الله سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همانجا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است و اگر شرکت نکند پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد وفوت موالات عرفی نشده باشد از همانجا که قطع شده است ادامه دهد و اگر موالات فوت شده است از سر بگیرد و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد در هر حال اتمام آن کافی است و در سعی اگر موالات از بین برود به احتیاط واجب باید سعی را تمام و اعاده کند. آیه الله فاضل: در تمام صور می تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهد احتیاط کند، اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده باشد و فاصله زیاد شده، باید طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم طواف قطع شده و فاصله زیاد شده است، باید طواف را تمام کند و بعد از نماز آن دو مرتبه نماز و طواف آن را اعاده کند و اگر بعد از دور چهارم قطع شده طواف را تمام کند.

آیه الله نوری: طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز از همانجا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

۲- آیه الله فاضل: اگر طواف قبل از سه دور و نیم قطع شده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، اما اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن دور چهارم بوده و فاصله هم شده احتیاطاً باید طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند و سعی را اگر بعد از دور چهارم قطع شده تمام کند. ولی اگر قبل از دور چهارم قطع شده و فاصله هم زیاد شده بنا بر احتیاط لازم اعاده کند.

ص: ۱۷۰

۲۴۴- کسانی که در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آنرا رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند «(۱)» طواف آنها اشکال دارد «(۲)» و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند و اگر قبل از شوط چهارم بوده با فرض به هم خوردن موالات عرفیه در طواف اول ولو به وسیله طواف دوم مجدداً طواف را اعاده کند و کفایت می‌کند و چنانچه در سعی آن را رها کند و از نو شروع کند در هر صورت احتیاط در اتمام و اعاده است.

(س ۶۵۷)

۲۴۵- اگر مأمورین نظافت مسجدالحرام با دست به دست دادن و توسعه آن شخص را از مطاف خارج کنند، به همین مقدار ضرورت

۱- آیه الله زنجانی: اگر از روی جهل به مسأله باشد، طوافشان صحیح است والا باید بعد از پایان طواف جدید و نماز آن، یک طواف کامل بجا آورند و در این تفصیل فرقی نیست که در اثناء طواف جدید متوجه حکم مسأله شوند یا بعد از آن، بلی در صورتی که طواف را از سر گرفته‌اند و هنوز موالات طواف قبلی از بین نرفته است باید طواف اول را تکمیل کنند. حکم سعی نیز مانند طواف است.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: طواف آنها اشکال ندارد و اگر بعد از دور چهارم بوده، طواف قبل را اتمام کند.

آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله مکارم: اشکال ندارد.

آیه الله فاضل: اشکال ندارد و صحیح است.

آیه الله تبریزی: در هر دو صورت اگر یک طواف کامل به نیت وظیفه فعلیه اعم از تمام و اتمام بجا آورد کافی است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.

آیه الله سیستانی: تفصیل آن در مسأله ۲۲۶ گذشت.

ص: ۱۷۱

حاصل نمی‌شود و اگر امکان دارد که در حدّ طواف کند باید صبر کند و در حدّ طواف نماید و در اینصورت طواف در خارج حدّ صحیح نیست. «(۱)»

(س ۶۶۶)

۲۴۶- کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده است اگر پول او از در آمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است بدون تخمیس حکم غصب را دارد که اگر با همان پول احرامی تهیّه یا قربانی کند طواف با آن احرامی و قربانی مزبور صحیح نیست. «(۲)»

(س ۶۶۷)

۱- - آیه الله خامنه‌ای، آیه الله مکارم: طواف حدّ معینی ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلکه طواف صحیح است.

آیه الله فاضل: افرادی که به طریق مذکور عمل کرده‌اند طواف و نماز را باید اعاده کرده و مستحب است که سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر کیفیت مذکور در طواف نساء واقع شده زن بر آنها حلال نشده است.

آیه الله بهجت: می‌تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها از آنها قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیه الله سیستانی: بعید نیست که در بیشتر از مقدار ذکر شده [فاصله بین مقام ابراهیم و کعبه] هر چند کراهت دارد، طواف جایز باشد.

آیه الله زنجانی: پس اگر موالات طواف قبلی از بین نرفته آن را تکمیل می‌کند و گرنه به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۴۳ ذکر شد باید عمل نماید.

۲- - آیه الله سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد اشکال ندارد. آیه الله نوری: و باید خودش آنها را انجام بدهد و اگر چون مراجعت کرده قدرت ندارد باید برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

آیات عظام خویی، تبریزی، صافی، بهجت: ولکن اگر همانطور که متعارف است به ذمه خریداری کرده باشد، حجّش صحیح است. آیه الله فاضل: ولی در همین فرض چنانچه بداند پول از در آمد همان سال است و در همان سال خرج می‌شود، خمس واجب نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد.

آیه الله زنجانی: کسی که به مقداری از اموالش خمس تعلق گرفته، تا خمس آن را نداده نباید در آن اموال تصرف کند. و همچنین اگر مال متعلق خمس، با اموال دیگری مشتهب شود و همه آنها محل ابتلاء او باشد، و در هر دو صورت اگر آن را در راه حج صرف کرد یا لباس احرام یا قربانی خرید، معصیت کرده، لکن معامله و اعمال بعدی او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب مؤکد در آن است که در فرض عدم عذر به طواف و نماز و سعی در آن اکتفا نکند.

ص: ۱۷۲

۲۴۷- اگر با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شود و طواف و نماز بجا آورد چنانچه از روی علم و عمد نبوده اصل عمره و حجّ او صحیح است ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد «(۱)» باید طواف و نماز را اعاده کند. «(۲)» (س ۶۶۸)

۲۴۸- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد «(۳)» لازم نیست خمس بدهد و طواف با آن صحیح است هر چند

۱- آیه الله زنجانی: در این صورت نیز مانند بقیه صورت‌هایی که معذور نمی‌باشد. احتیاط مستحب مؤکد در اعاده طواف و نماز و سعی است.

۲- - مراجعه به مسأله قبل شود.

آیه الله صافی: اگر با عین پول خمس نداده باشد، حکم مطابق با متن است و اگر به صورت کلی خریده و بعد پول را داده اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است.

آیه الله فاضل: و مستحب است سعی و تقصیر را اعاده کند.

۳- آیه الله زنجانی: چنانچه سابقه تعلق خمس نداشته و همچنین با اموال متعلق خمس مشتبه نشده باشد، لازم نیست خمس آن را بدهد.

ص: ۱۷۳

احتیاط مطلوب است. «(۱)»

(س ۶۶۹)

۲۴۹- یا وضع فعلی که غالباً در مطاف و نزدیک مقام ازدحام است اگر می‌توانند ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند باید

«(۲)» در حد آن طواف کنند «(۳)» و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد. «(۴)»

(س ۶۵۸)

۲۵۰- اگر قبل از حجر الاسود طواف را شروع کند طوافش باطل است. «(۵)»

(س ۶۸۰)

۱- آیه الله تبریزی: اگر احتمال می‌دهد از ربی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیه الله سیستانی: اگر احتمال می‌دهد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید بنحو کلی فی‌الذمه صحیح است.

آیه الله خوئی: صور مسأله مختلف است و احتیاط به مصالحه با حاکم شرع ترک نشود.

۲- آیه الله نوری: در مطاف رعایت حد معینی لازم نیست همینقدر که صدق طواف دور خانه کعبه بکند کافی است هر چند هر قدر بخانه خدا نزدیکتر انجام بگیرد اولی است.

آیه الله مکارم: طواف حد معینی ندارد.

آیه الله فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، انجام طواف در خارج از حد با رعایت الأقرب فالأقرب مانعی ندارد و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به حاشیه مسأله ۲۱۷ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: و اگر نمی‌توانند یا مشقت شدید دارد، برای طواف در محدوده مقام نایب می‌گیرند و اگر نمی‌توانند نایب بگیرند یا مشقت شدید دارد، می‌توانند در فاصله دورتر طواف کنند و در هر حال اگر طواف در محدوده مقام- ولو با تأخیر- برای نوع حجاج مشقت شدید داشته باشد طواف در فاصله دورتر مانع ندارد حتی برای کسانی که می‌توانند در محدوده طواف کنند و در صورت ازدحام می‌توان نماز طواف واجب را با فاصله از مقام خواند لکن باید پشت مقام بایستد به طوری که از نظر عرفی رو به مقام و کعبه باشد.

۴- آیه الله بهجت: برای مسأله نماز به مسأله ۲۸۰ و قبل از آن مراجعه شود.

۵- آیه الله بهجت: اگر کمبود طواف یعنی از موضع شروع تا حجر الاسود را جبران کند طوافش- صحیح است.

ص: ۱۷۴

۲۵۱- قطع طواف بدون عذر مانع ندارد «(۱)» ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سر گرفت «(۲)» و بعد از فوت موالات قبل از شوط چهارم طواف را اعاده کند و بعد از شوط چهارم احتیاط در اتمام و اعاده است. «(۳)»
(س ۶۸۴)

۲۵۲- چنانچه شخصی در اثناء طواف به خاطر بوسیدن و لمس بیت‌الله الحرام از مسیر خود منحرف شود اگر ملتفت «(۴)» بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کرده و بعداً شك عارض شده حکم بهصحت نماید و در غیر اینصورت «(۵)» اکتفا به طواف مزبور محل اشکال «(۶)»

۱- آیه الله خویی: قطع طواف جایز نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به مسأله ۲۵۵ مراجعه کنید.

۲- به مسأله ۲۲۴ و ۲۲۵ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: قبل از فوات موالات نیز می‌تواند آن را از سر بگیرد و فرقی نیست که دور دوم را رها کند یا غیر آن را. آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: از سر گرفتن آن مانعی ندارد.

۳- آیه الله زنجانی: حکم قطع طواف واجب در حاشیه مسأله ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۸ گذشت.

۴- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله خویی: احتمال التفات کافی است.

۵- آیه الله زنجانی: در غیر این صورت نیز طوافش صحیح است.

۶- آیه الله مکارم: هر گاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت زیاد راه برود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که توجه به حکم و بنابر اتیان طواف صحیح داشته است. طواف صحیح است.

ص: ۱۷۵

است.

(س ۶۹۶)

۲۵۳- اگر در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت به جلو رانده شود و بعد به جای این که همان مقدار را جبران کند شوط دیگری بجا آورد و طواف را تمام کند «(۱)» طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند. «(۲)»

(س ۶۹۷)

۲۵۴- اگر طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد «(۳)» می‌تواند در ماه‌های غیر حج هم انجام دهد. «(۴)»

(س ۷۱۰)

۱- آیه الله زنجانی: باید یک شوط دیگر بجا آورد تا طوافش کامل گردد.

۲- آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

آیه الله فاضل: اگر آن شوط را رها کرده و از نو یک شوط دیگر به جا آورده صحیح است.

۳- آیه الله زنجانی: اما در عمره تمتع کسی که بعد از گذشتن زمان تدارک متوجه فراموشی یا بطلان طواف شده، عمره تمتعش مبدل به حج افراد می‌گردد و باید بعد از آن عمره مفرده بجا آورد و اما در حج تمتع کسی که بعد از گذشتن ذی حجه متوجه شده چنانچه در مکه باشد باید اعمال مکه را قضا کند و اگر در وطن متوجه شده حجتش صحیح است و قضای اعمال مکه واجب نیست، ولی باید طوافش را به جا آورد و اگر مشقت دارد می‌تواند نایب بگیرد. و اگر بین راه متوجه شده بنا بر احتیاط آن اعمال را قضا کند و اگر مشقت شدید دارد نایب بگیرد.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود مانعی ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حجتش باطل است.

آیه الله سیستانی: اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضی از شروط باشد پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهد و اگر بعد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کند جایز است و در صورتی که طواف حج باشد و در ماه ذیحجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد و گرنه هر وقت قضا کند کافی است. و چنانچه بطلان حج ناشی از جهل به حکم باشد یا مثلاً بفهمد که در اعضای وضویش حاجب بوده با گذشت عمره تمتع عمره اش باطل می‌شود و نیز اگر در حج باشد با گذشت وقت حج حجتش باطل می‌شود.

آیه الله فاضل: اگر بطلان طواف عمره تمتع در اثر فراموشی بعضی از شروط یا از جهت جهل به برخی شرایط و خصوصیات باشد و در وقت متوجه شود، باید آن را تدارک کند و نماز آن را اعاده کند و اگر بعد از تقصیر متوجه شود از احرام خارج شده و فقط طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر بعد از محرم شدن به احرام حج و قبل از طواف حج متوجه شود، باید طواف و نماز آن را اعاده کند و مستحب است که قبل از طواف حج آن را انجام دهد و اگر بعد از اعمال حج و در ماه ذی حجه متوجه شد همان وقت طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر نشد هر وقت که توانست و اگر خودش نمی‌تواند نایب بگیرد تا نایب او طواف و نماز او را انجام دهد و عمره و حج او صحیح است.

آیه الله زنجانی: می‌تواند به شمارش دیگری اعتماد کند هر چند برایش اطمینان پیدا نشود.

ص: ۱۷۶

۲۵۵- اگر در عدد اشواط طواف وسعی و عدد سنگ‌های رمی به دیگری اعتماد کند چنانچه اطمینان به عدد پیدا نماید «(۱)» مانع ندارد.

(س ۷۱۲)

۲۵۶- محرم می‌تواند قبل از انجام طواف واجب خود هم (چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء) همین طوافها را برای معذور نیابت کند. «(۲)»

(س ۷۱۵)

۲۵۷- اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال را بجا آورد و بعداً خون دید «(۳)» چنانچه از روز دهم تجاوز نکرده محکوم به حیض است «(۴)» که در

۱- - آیه الله سیستانی: و در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: یا آن شخص ثقه باشد.

۲- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در طواف عمره احوط آن است که بعد از اداء مناسک خود طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

آیه الله تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوب عنه انجام دهد.

۳- - آیه الله زنجانی: چنانچه در هنگام اعمال در باطن هم پاک بود، اعمال انجام شده صحیح است هرچند از روز دهم تجاوز نکرده باشد و به طور کلی اگر در بین روزهایی که زن خون می‌بیند مدتی پاک شود، به طوری که در باطن هم خون نباشد در این مدت حائض نیست.

۴- - آیه الله فاضل: اگر در طواف حج واقع شده باید طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و اگر در عمره تمتع بوده اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و مستحب است که سعی را اعاده کند و اگر در عمره تمتع بوده اگر فرصت دارد طواف و نماز آن را اعاده کند و احتیاط مستحب این است که سعی و تقصیر را نیز دو مرتبه به جا آورد و اگر فرصت نداشته باشد، حج تمتع او بدل به افراد می‌شود و اگر حج واجب بوده، بعد از حج افراد باید یک عمره مفرده به جا آورد و الا انجام عمره مفرده واجب نیست.

آیه الله تبریزی: اگر آن لك صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتداء حیض قطع شد باید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر اینصورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

آیه الله خویی: اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده.

آیه الله سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید اعمالش را تدارک نماید.

ص: ۱۷۷

وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت محلّ اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود. «(۱)»

(س ۷۱۹)

۲۵۸- هر گاه زنی ولو به جهت خوردن قرص نظم عادت ماهانه‌اش بر هم خورد چنانچه خون سه روز استمرار داشته باشد «(۲)» ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد حکم حیض دارد و گرنه

۱- آیه الله مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

۲- آیه الله زنجانی: لازم نیست سه روز اول حیض پشت سر هم باشد، ولی باید این سه روز در یک دهه واقع شود. پس اگر دو روز خون ببیند و هفت روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، هر دو خون حیض است ولی اگر بعد از دو روز خون دیدن، هشت روز پاک باشد خون دیده شده حیض نمی‌باشد مگر پاک بودن وی به جهت مانعی همچون قرص خوردن باشد که لازم نیست سه روز اول در یک دهه واقع شود بلکه اگر به جهت مانعی مجموع خون دیده شده سه روز هم نباشد خونی که در ایام عادت می‌بیند حیض است.

ص: ۱۷۸

باید به وظایف مستحاضه عمل کند. «(۱)»

(۷۲۰)

۲۵۹- مستحاضه کثیره باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه غسل کند، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز

خون قطع باشد. «(۲)»

(س ۷۲۵)

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی‌بیند هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادتهای خود را بجا آورد.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست، و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود مثل اینکه در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیه الله بهجت: زنی که در حال استحاضه است به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد.

آیه الله مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنا بر احتیاط.

آیه الله خوبی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل.

آیه الله سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نرزد باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیه الله فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهند و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد و اگر غسل برای او حرجی است، یعنی مستلزم مشقتی است که عادتاً قابل تحمل نیست، به جای غسل تیمم کند و وضو بگیرد. مستحاضه قلیله برای طواف یک وضو و برای نماز آن هم یک وضو باید بگیرد.

آیه الله زنجانی: مستحاضه کثیره باید برای هر نماز و هر طواف جداگانه علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد، و در مورد نماز طواف، چنانچه آن را بدون فاصله قابل توجهی از طواف بجا آورده باشد لازم نیست برای آن مجدداً اعمال مستحاضه را بجا آورد، والا باید برای نماز طواف هم اعمال مستحاضه را تکرار کند، مگر در صورتی که اطمینان داشته باشد که پس از طواف تا پایان نماز آن، از وی خون بیرون نیامده است.

ص: ۱۷۹

۲۶۰- اگر برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند چنانچه در ایام عادت لک کمرنگ ببیند «(۱)» این خون حکم استحاضه را دارد «(۲)» و باید به وظیفه مستحاضه عمل کند.
(س ۷۳۶)

۲۶۱- در مواردی که طواف و نماز یا سعی باید اعاده شود لازم

- ۱- آیه الله نوری: اگر در موقع اعمال خون نبینند که پاک می‌باشند و اعمالشان صحیح است ولی اگر در ایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند این خون خون استحاضه حساب می‌شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند.
 - ۲- آیه الله بهجت: مگر آنکه علم پیدا کند در باطن خون است.
- آیه الله زنجانی: این خون حیض به حساب می‌آید و به طور کلی خونی که زن در ایام عادت می‌بیند هر چند نشانه‌های حیض را نداشته باشد و به جهت مانعی - چون قرص - کمتر از سه روز باشد، حیض به شمار می‌رود.

ص: ۱۸۰

نیست «(۱)» با لباس احرام باشد. «(۲)»

(س ۷۵۱)

۲۶۲- هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره از طواف و سعی را انجام دهد، جهلاً یا عمدآ، طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مجزی است. «(۳)»

(س ۷۵۲)

۲۶۳- حجاب زن در طواف با حجاب زن در نماز فرق می‌کند، «(۴)» و

۱- آیه الله سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرمات احرام اجتناب کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احوط آنست که طواف و سعی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر طواف را از روی جهل ترک کرده و یا آنها را باطل انجام داده تا محل تدارک آن باقی است باقی در احرام می‌باشد و لباس دوخته را باید دریاورد و بعد از گذشت زمان تدارک حجبش باطل است و بعید نیست احرامش هم باطل باشد.

۲- آیه الله زنجانی: در صورتی که تقصیر یا حلق او محکوم به صحت باشد اجتناب از پوشیدن لباس‌های معمولی و دیگر محرمات احرام واجب نیست و در هر حال اگر در لباس‌های معمولی طواف یا سعی را بجا آورد ضرری به اعمالش نمی‌زند.

۳- آیه الله مکارم: در صورت عمد خلاف احتیاط است گناه کرده و یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.

آیه الله تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته‌ای که پوشیده است باشد طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.

آیه الله بهجت: ولی پوشیدن لباس مخیط در حال احرام کفاره دارد برای متعمد و یا مضطر، بخلاف ناسی و ساهی و جاهل.

آیه الله نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۴- آیه الله خویی: فرق نمی‌کند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم بنا بر احتیاط واجب است ولکن باید به نحوی باشد که ساتر از صورت زن فاصله داشته باشد.

آیه الله فاضل: فرقی ندارد.

آیه الله مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.

آیه الله سیستانی: فی الجملة فرق می‌کند گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر محل باشد.

آیه الله نوری: فرق می‌کند چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

ص: ۱۸۱

فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط. «(۱)»

(س ۷۵۴)

۲۶۴- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، چنانچه عمدی باشد، طواف صحیح نیست «(۲)» علی الاحوط و در غیر مورد عمد صحیح است مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

(س ۷۵۵)

۲۶۵- اکل و شرب در حال طواف مانع ندارد.

(س ۷۵۷)

۲۶۶- اگر در عمره یا حج طواف را تمام کند و بگوید دلچسب

- ۱- آیه الله زنجانی: داشتن ساتر- بر مرد و زن- بنا بر احتیاط مستحب در صحت طواف معتبر است بلی چون معمولاً طواف کننده در معرض دید ناظر محترم است تکلیفاً پوشاندن عورت بر مردها و تمام اندام- بجز وجه و کفین- بر بانوان واجب است.
 - ۲- آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، سیستانی: طواف صحیح است هر چند گناه کرده است.
- آیه الله خویی: در فرض جهل به حکم طواف صحیح است.
- آیه الله زنجانی: طواف مطلقاً صحیح است هر چند در فرض عدم عذر گناهکار است، بلی رعایت این احتیاط بسیار مناسب است.

ص: ۱۸۲

نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بجا می‌آورد، عمل او صحیح است، «(۱)» هر چند داخل در قرآن حرام شده است.

(س ۷۵۶)

۲۶۷- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود و انجام یک عمل چندین بار به عنوان احتیاط و رجاء با اینکه عمل نقصی هم ندارد وسوسه است بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

(س ۷۶۳)

۲۶۸- اگر در طواف مستحبی زن بداند که به بدن مرد نگاه می‌کند «(۲)» یا احیاناً در بین فشار مردان قرار می‌گیرد، چنانچه اختیاراً نگاه به نامحرم نکند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف صحیح است.

(س ۷۶۶)

۱- آیات عظام خوبی، گلپایگانی، صافی، تبریزی، زنجانی: اعاده طواف به عنوان احتیاطقرآن نیست.

آیه الله بهجت: چون جنبه احتیاطی دارد اشکالی ندارد و طواف احتیاطی طواف دیگر نیست تا قرآن حاصل شود.

نسبت به نظر سایر آیات عظام مراجعه شود به مسأله ۲۲۴

آیه الله سیستانی: صحت عمل مورد اشکال است از جهت فاصله بین طواف و نماز مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲- آیه الله زنجانی: چنانچه نگاه او بدون تلذذ و خوف وقوع در حرام باشد، اشکال ندارد و همچنین زنی که در طواف مستحب

احیاناً در بین فشار مردان قرار می‌گیرد، می‌تواند طواف کند مگر بداند این تماس موجب تحریک او یا مردان می‌شود و چنانچه استثناء بداند این امر در طواف واجب پیش می‌آید باید طواف را به تأخیر بیندازد.

ص: ۱۸۳

۲۶۹- احوط ترک طواف «(۱)» مستحبی است «(۲)» برای محرم قبل از اعمال عمره تمتع یا عمره مفرده و پس از محرم شدن به حج قبل از رفتن به عرفات ولی به عمره و حج ضرر نمی‌زند.

(س ۷۶۸)

۲۷۰- شخص نمی‌تواند هر شوط از طواف مستحب را به نیت یک نفر بجا آورد ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

«(۳)»

(س ۷۶۹)

۲۷۱- جایز نیست طواف مستحبی را خارج از محدوده طواف واجب بجا آورد مگر در مورد ضرورت. «(۴)»

(س ۷۷۰)

۱- - آیه الله سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اقوی جواز و احوط ترک آن است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود بنا بر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیه الله بهجت: اشکالی ندارد.

[در عمره تمتع و عمره مفرده نظر آیات عظام نامبرده در مناسک مطابق متن است ولیکن در آراء المراجع ص ۳۲۳ در جواب استفتاء آیه الله خویی چنین فرموده‌اند: طواف مستحبی در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده جایز است. و در ادامه از آقای لطفی چنین نقل شده: به نظر آیه الله العظمی خویی احوط ترک طواف مستحبی است در اثناء عمره تمتع و عمره مفرده قبل از تقصیر، ولی در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.]

۲- - آیه الله زنجانی: در عمره و حج تمتع کسی که طواف واجبش - ولو طواف نساء - را انجام نداده نمی‌تواند طواف مستحبی بجا آورد.

۳- - آیه الله مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند.

آیه الله سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

۴- - مراجعه شود به پنجم از واجبات طواف -.

آیه الله زنجانی: طواف مستحب از این جهت حکم طواف واجب را دارد که در مسأله ۲۱۷ گذشت.

ص: ۱۸۴

۲۷۲- احوط آن است که حاجی بعد از برگشتن از منی تا اعمال واجب را انجام نداده طواف مستحبی نکند. «(۱)»
(س ۷۷۱)

آداب و مستحبات طواف

«(۲)»

۲۷۳- در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى حِدَادِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرُشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَجْبَةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.»

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي»

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در

۱- آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۲۶۹ مراجعه شود.

۲- آیه الله مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۸۵

خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَفِيرُكَ مَسِيرُكَ بِبَابِكَ، فَتَصِدُّقٌ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعِظْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجْرِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَّفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

ص: ۱۸۶

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلَيْنَا إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار [\(۱\)](#) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ وَالرَّاحَةُ، وَالْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»

۱- - مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

ص: ۱۸۷

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قِنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي»

۲۷۴- برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید

«(۱)»:

«أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِي بِالمُؤَافَاةِ».

(م ۷۷۲)

۱- آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

ص: ۱۸۸

نماز طواف

اشاره

۲۷۵- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

(م ۷۷۳)

۲۷۶- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سجده، «(۱)» و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو الله احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

(م ۷۷۴)

۲۷۷- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

(م ۷۷۵)

۲۷۸- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، «(۲)» و باید

۱- آیه الله سیستمی: قرائت سوره‌های سجده در نماز جایز است ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل می‌شود مگر اینکه سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

آیه الله زنجانی: قرائت سوره سجده در نماز مانعی ندارد و فقط آیه سجده را نباید بخواند لذا می‌تواند کل سوره به استثناء آیه سجده را بخواند و نماز را تمام کند و چنانچه آیه سجده را در نماز خواند باید سجده کند و اگر عمداً آیه را خوانده و سجده کرد، نمازش باطل می‌شود.

۲- آیه الله بهجت: بعد از استقرار آن به تروی علی الاحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ در افعال چه ظنّ به وجود باشد یا عدم به مصحح باشد یا مبطل به رکن باشد یا غیر آن در محل شک و یا نسیان باشد یا خارج از محل پس لوازم آن از تدارک یا بطلان یا عدم تدارک را مترتب می‌کند اگر چه احتیاط در اعاده است فی الجمله در صورت تعلق ظنّ به فعل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً.

ص: ۱۸۹

اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در «(۱)» رکعات، و در ظن در افعال «(۲)» احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیّه مساوی است.

(م ۷۷۶)

۲۷۹- احوط آن «(۳)» است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

(م ۷۷۷)

۲۸۰- واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود.

۱- آیه الله مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: ظن در افعال معتبر است.

آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

۳- آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده.

آیه الله خوئی اضافه نموده‌اند که فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است و اگر عمداً تدارک نشود حج باطل می‌شود.

آیه الله فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً عمداً اخلال به فوریت کند. ظاهراً طواف باطل می‌شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

آیه الله سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد.

آیه الله نوری: احتیاط واجب آن است که بعد از انجام طواف مبادرت کند به خواندن نماز آن.

آیه الله زنجانی: رعایت موالات بین طواف و نماز آن واجب است یعنی باید بعد از طواف بدون تأخیر به خواندن نماز آن اقدام کند به گونه‌ای که نماز عرفاً از توابع طواف محسوب شود و اگر بدون عذر نماز را به تأخیر انداخت باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر نماز طواف اول را نخوانده قبل از اعاده احتیاطاً نماز آن را بخواند.

ص: ۱۹۰

و احتیاط «(۱)» واجب آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، «(۲)» و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت با سایرین کند.

(م ۷۷۸)

۲۸۱- اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد بطوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند بواسطه دوری زیاد، «(۳)» در یکی از

۱- آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: بنابر احتیاط واجب در هنگام نماز باید مقام ابراهیم پیش روی او قرار گیرد.

آیه‌الله تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است

آیه‌الله سیستانی، آیه‌الله فاضل: اظهر آن است

آیه‌الله خویی: بلکه واجب است.

آیه‌الله مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد.

آیه‌الله خامنه‌ای: واجب است این نماز پشت مقام نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد.

۲- آیه‌الله زنجانی: واجب است این نماز «پشت مقام ابراهیم علیه السلام» خوانده شود و باید نزدیک مقام باشد به طوری که عرفاً بگویند «نزد مقام» نماز خوانده است.

۳- آیه‌الله خامنه‌ای: کافی است در هر نقطه‌ای که خلف صدق کند گرچه از مقام دور باشد بلکه در این صورت صحت نماز در هر جای مسجدالحرام بعید نیست.

آیه‌الله نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم الأقرب فالأقرب هر چه نزدیکتر باشد بهتر است را مراعات کند.

آیه‌الله زنجانی: در مواقع ازدحام طواف کنندگان، لازم نیست نماز را نزد مقام بخواند هر چند بتواند با وسیله‌ای چون محافظت دیگران نزدیک مقام نماز بخواند، بنابراین می‌تواند تا جایی که مزاحمت برای طواف کنندگان نباشد عقب برود اما باید پشت مقام بایستد به طوری که عرفاً رو به مقام و کعبه باشد و نماز در قسمت‌های راست و چپ مقام صحیح نیست. از همین جا حکم مسأله بعد روشن می‌شود.

ص: ۱۹۱

دو جانب بجا «(۱)» آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

(م ۷۷۹)

۲۸۲- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را بجا آورد باید «(۲)»

۱- آیه الله خویی: در صورت عدم تمکن از نماز نزدیک مقام می‌تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد.

آیه الله تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکن از نزدیکی مقام، با مراعات الاقرب فالاقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجا آورد.

آیه الله بهجت: در صورت عدم تمکن و بعد مفرط در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیه الله سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکش چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد. و اگر نتواند آن دو را بجا آورد هر کدام که ممکن است انجام دهد، و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنا بر احتیاط مستحب رعایت کند هر چه به مقام نزدیکتر باشد، و اگر پس از آن تا زمانی که وقت سعی تنگ شود توانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند احتیاط مستحب اعاده آن است.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر ممکن نشد، نماز خواندن در هر جای مسجد الحرام زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که خلف مقام بر آن صدق کند کافی است و باید رعایت الأقرب فالأقرب را بنماید.

آیه الله بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشد مراعات می‌کند الاقرب فالاقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را با رعایت احتیاط در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف، و احد جانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده پس از تمکن از نماز در پشت سر اگر چه در آخر وقت امکان باشد. و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است.

ص: ۱۹۲

ملاحظه نزدیکتر را بکند از میان دو جانب و پشت «(۱)» مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک‌تر از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام بعید نیست جایز بودن اکتفاء به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیکتری، و احوط «(۲)» اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت «(۳)» تنگ نشده برای سعی.

(م ۷۸۰)

۲۸۳- جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آن را می‌تواند عمداً ترک «(۴)» کند.

(م ۷۸۱)

۱- آیه الله فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

آیه الله خامنه‌ای: نماز خواندن در دو طرف راست یا چپ مقام در صورت تمکن از خلف گرچه دور باشد کافی نیست.
آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

۲- آیه الله فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیه الله گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجاء بخواند.

۳- آیه الله صانعی: یعنی احتیاط در مبادرت نماز طواف بعد از طواف از بین نرفته که در مسأله ۷۷۷ بیان شد.

آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: اعاده لازم نیست.

۴- آیه الله بهجت: مورد تأمل است.

آیه الله مکارم: ترک آن مشکل است.

آیه الله خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیه الله سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: سزاوار نیست ترک کنند.

ص: ۱۹۳

۲۸۴- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۲۸۰ بیعد ذکر شده عمل نماید. «(۱)»

(م ۷۸۲)

۲۸۵- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بینصفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا «(۲)» تمام کند.

(م ۷۸۳)

۲۸۶- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

(م ۷۸۴)

۲۸۷- اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا «(۳)» یادش آمد نماز را بجا آورد اگرچه در

۱- - آیه الله زنجانی: این در صورتی است که در مکه یا حوالی آن یادش بیاید و اگر بعد از دور شدن یادش آمد می‌تواند همانجا نماز بخواند و بهتر است کسی را نایب کند که پشت مقام نماز بخواند و از آن بهتر آن است که خودش برگردد و پشت مقام نماز بخواند و از این حکم مسأله ۲۸۷ نیز روشن می‌شود.

۲- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی راه، و در کمتر از نصف همه آن را مجدداً بجا آورد. آیه الله بهجت: سعی را اعاده نماید.

۳- - آیه الله فاضل: اگر در منی باشد مخیر است بین خواندن نماز در منی و استنابه و الا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جواز گرفتن نایب هم بعید نیست.

آیه الله سیستانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجای آورد و اگر برگشتن برای او مشقت دارد نماز را در همان موضعی که یادش آمده انجام دهد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیه الله خامنه‌ای: اگر از مکه دور نشده و برگشتن و انجام نماز در محلش بر او مشکل نیست باید برگردد به مسجد الحرام و در محلش بجا آورد و اگر از مکه دور شده در همانجایی که یادش آمد بجا آورد.

ص: ۱۹۴

شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم «(۱)» نیست اگرچه آسان باشد.

(م ۷۸۵)

۲۸۸- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را بطور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند «(۲)» اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است، و همچنین حج نیز باطل است، پس علاوه بر آنکه بنابراین قول از حجه الاسلام برائت ذمه پیدا نمی‌کند ممکن «(۳)» است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود. «(۴)»

(م ۷۸۸)

۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم بجا آورد.

آیه الله بهجت: و احوط آن است برگردد به حرام اگر دشوار نباشد و آنها را بجا آورد و بعضی در صورت تعذر برگشتن به مقام استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین احوط جمع است میان قضاء آنها در هر جا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد.

آیه الله فاضل: برگشتن مطابق احتیاط است ولی واجب نیست.

آیه الله مکارم: منظور برگشتن به حرم خارج از مسجد الحرام است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد.

۲- آیه الله تبریزی: اگر با فرض تمکن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر این که جاهل قاصر یا معتقد به صحت قرائت باشد و در فرض تعمد حجّش باطل می‌شود.

آیه الله خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمد حجّش باطل می‌شود.

۳- آیه الله بهجت، از اینجا تا آخر مسأله را متعرض نشده‌اند.

۴- آیه الله مکارم: البته دقت‌های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

آیه الله زنجانی: محرمی که قرائتش غلط است و می‌تواند آن را تصحیح کند باید طوافش را به تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح کند والا طواف و اعمال بعدی او باطل است بلی اگر بدون اطلاع از لزوم تأخیر طواف، طواف کرده باشد یا لزوم تأخیر را فراموش کرده باشد در هر دو صورت طوافش صحیح است ولی باید نماز طواف و سعی و تقصیر را تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح کند.

بلی اگر به جهت ندانستن مسأله بدون تصحیح قرائت، بقیه اعمال را انجام دهد، اعمال او صحیح است، ولی باید- به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۸۴ گذشت- نماز طواف را اعاده کند.

ص: ۱۹۵

۲۸۹- اگر شخصی نتوانست «(۱)» قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است «(۲)» که در مقام ابراهیم به شخص عادل‌ی اقتدا کند، لکن «(۳)» اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست. «(۴)»
(م ۷۸۹)

۱- آیه الله زنجانی: اگر شخصی نتوانست ولو با تأخیر طواف.

۲- آیه الله زنجانی: این احتیاط استحبابی است.

۳- آیه الله بهجت: و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت عمل به وظیفه یومیه کافی است.

۴- آیه الله خامنه‌ای: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است بطور فردی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز بهتر و مطابق با احتیاط است.

آیه الله سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یاد گرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنا به یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اما سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیه الله مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

ص: ۱۹۶

۲۹۰- کسی که نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، باید نماز را اعاده کند. «(۱)»

(س ۷۹۳)

۲۹۱- در موقعی که شخص طواف می‌کند جمعیت زیاد باشد و در اثر ازدحام نتواند بعد از طواف نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای بغیر از دور خواندن نماز ندارد با فرض ضرورت «(۲)» نمازش صحیح است. «(۳)»

(س ۷۹۷)

۲۹۲- نیابت کسی که قرائتش درست نیست صحیح نیست «(۴)» هر چند تبرّعی باشد مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی‌الاعذار محسوب نباشد که در اینصورت می‌تواند نیابت را قبول نماید ولی باید قرائت خود را درست کند.

(س ۸۱۰)

۲۹۳- اگر افرادی که قرائتشان درست نیست نایب شوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام دهند «(۵)» در صورت امکان باید قرائت خود را درست

۱- آیه الله مکارم: و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

آیه الله فاضل: ولی اعاده اعمال بعد لازم نیست.

۲- آیه الله بهجت: و گذشت رعایت احتیاط در ذیل مسأله ۲۸۱

۳- آیه الله زنجانی: حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۲۸۱ گذشت.

۴- آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله گلپایگانی: نیابت چنین شخصی خلاف احتیاط است.

آیه الله بهجت: اکتفاء به عملش مشکل است.

آیه الله فاضل: در حج واجب.

۵- آیه الله بهجت: کسی که قرائتش درست نبوده و یا از جهات دیگر معذور بوده و بدون توجه به این عذر به نیابت از دیگری محرم شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتع متوجه نقص کار خود شده احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

ص: ۱۹۷

کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند. بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند «(۱)» احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند. «(۲)»

(س ۸۰۲)

۲۹۴- احتیاط در ترک نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بین طواف و نماز و مبادرت به نماز طواف است. «(۳)»

(س ۸۰۷)

۲۹۵- اگر در موقع نماز طواف زن و مرد در کنار یکدیگر قرار گیرند یا زن جلوتر از مرد باشد برای نماز ضرر ندارد. «(۴)»

(س ۸۰۸)

۱- آیه الله گلبایگانی، آیه الله صافی: بنا بر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را بجا آورد و لکن صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که حج را به نیت نیابی تمام کند.

آیه الله فاضل: در فرض سؤال، اعمال آنها صحیح است و از احرام خارج شده‌اند، ولی کفایت از عمل واجب منوب عنه نمی‌کند. آیه الله مکارم: ولی می‌تواند برای خودش حج بجا آورد، اگر وقت وسعت دارد حج تمتع و گرنه حج افراد بجا آورد و چنانچه حجه الاسلام بجا نیاورده حج واجب او محسوب می‌شود ولی پول نیابت را باید برگرداند.

آیه الله سیستانی: احرام صحیح است و باید حج را به نیت منوب عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.

۳- آیه الله خامنه‌ای: واجب است میان طواف و نماز طواف فاصله نیفتد و صدق فاصله امر عرفی است و بعید نیست به اندازه خواندن نماز یومیه یا نافله مختصر اشکالی نداشته باشد.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد اگر محل به فوریت عرفیه نباشد.

آیه الله زنجانی: چنانچه نماز یا عبادت مستحبی، متابعت عرفی بین طواف و نماز را به هم بزند، انجام آن بدون عذر جایز نیست و باعث بطلان طواف می‌شود.

۴- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله خوئی: ولی باید رعایت عدم تقدّم زن بر مرد بشود پس اگر مرد ولو به مقدار کمی از زن جلوتر باشد نماز هر دو صحیح است و همچنین اگر بین آنان فاصله باشد ولو به مقدار یک وجب.

آیه الله فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

آیه الله بهجت: مجرد تنه زدن مسقط تکلیف نیست بلی در صورت تعدّر به تفصیلی که در مناسک گفته شده عمل کنند.

آیه الله زنجانی: و این امر اختصاص به نماز طواف ندارد بلکه در مطلق نمازهایی که در مسجد الحرام و اطراف آن خوانده می‌شود تساوی یا تقدم بانوان اشکال ندارد بلکه کراهتی هم در آن نیست.

ص: ۱۹۸

۲۹۶- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند. «(۱)» ۲۹۷- کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می‌تواند «(۲)» عمره مستحبی بجا آورد. «(۳)»

(س ۸۱۲)

۲۹۸- اگر طواف عمره را بجا آورد و بدون نماز و سعی تقصیر کرده «(۴)» باید نماز و سعی را بجا آورد و با فرض جهل «(۵)» یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است. «(۶)»

(س ۸۱۳)

۱- آیه‌الله زنجانی: و همچنین است در صورت مزاحمت با واجب اهم دیگر.

۲- آیه‌الله زنجانی: می‌تواند برای خودش.

آیه‌الله فاضل: برای خودش یا به نیابت از دیگری.

۳- آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: و بنا بر احتیاط برای نماز نایب هم بگیرد.

آیه‌الله بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند اگر چه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

۴- آیه‌الله زنجانی: باید طواف و نماز و اعمال بعدی را بجا آورد و از محرمات احرام اجتناب نماید و در فرض جهل یا نسیان اعاده سعی و تقصیر و اجتناب از محرمات احرام لازم نیست.

۵- آیه‌الله بهجت، احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند. و در صورتی که جهل به حکم نبوده تقصیر قبلی کفاره ندارد.

۶- آیه‌الله سیستانی: اگر فاصله زیاد شده است به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرد باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتع در صورت جهل بلکه در صورت نسیان نیز بنا بر احتیاط و در فرض نسیان سعی در عمره تمتع به احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد.

آیه‌الله گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیه‌الله خویی، آیه‌الله تبریزی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیه‌الله مکارم: و احتیاطاً تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیه‌الله فاضل: و مستحب است تقصیر را اعاده کند.

ص: ۱۹۹

۲۹۹- حدّ پشت مقام «(۱)» و مقدار صدق آن عرفی است و تحدید به مقدار معینی نشده است.

(س ۸۱۹)

۳۰۰- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد بهصحت «(۲)» آن بقیه اعمال را انجام دهد فقط نماز را باید اعاده کند.

(س ۸۱۵)

۳۰۱- صحت نماز در اقتداء نماز طواف به نماز یومیّه محلّ اشکال است. «(۳)»

(س ۸۱۸)

مستحبات نماز طواف

«(۴)»

۳۰۲- در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای

۱- آیه الله زنجانی: حد پشت مقام و نزد مقام.

۲- آیه الله زنجانی: یا با غفلت از آن.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: معذور، نماز طواف را به کسی که نماز طواف می خواند اقتدا کند والا می تواند به نماز یومیّه به رجاء مطلوبیت اقتدا نماید.

آیه الله زنجانی: بلکه محکوم به بطلان است.

آیه الله خامنه‌ای: مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

۴- آیه الله مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص: ۲۰۰

الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید «(۱)»:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقَبَّلَ عَمَلِي، وَ تَشْكُرَ سِعْيِي، وَ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَ طَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَى حُدُودَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ، وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»

و در بعضی از روایات است که حضرت تصادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَ رِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ،

۱- آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: دعای اول و دوم در مناسک ایشان موجود نیست و در دعای آخر نیز تفاوت در عبارت وجود دارد.

ص: ۲۰۱

فَاغْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُتَّوِّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الدَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

سعی صفا و مروه

اشاره

۳۰۳- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بینصفا و مروه که دو کوه معروفند.

(م ۸۲۵)

۳۰۴- مراد از سعی آن است که از کوهصفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

(م ۸۲۶)

۳۰۵- واجب است سعی بینصفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

(م ۸۲۷)

۳۰۶- واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، «(۱)» و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید «(۲)» باید اعاده کند، و اگر

۱- آیه الله خامنه‌ای: از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی:

آیه الله مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند بعید نیست، کفایت کند.

ص: ۲۰۲

در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند. «(۱)»

(م ۸۲۸)

۳۰۷- در سعی مابینصفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار «(۲)» و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

(م ۸۳۰)

۳۰۸- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، «(۳)» پس اگر از راه غیر متعارف بهصفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

(م ۸۳۴)

۳۰۹- اگر بینصفا و مروه را دو طبقه یا چند «(۴)» طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند «(۵)»

گرچه احوط «(۶)» سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

(م ۸۳۵)

۳۱۰- واجب است در وقت رفتن بطرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود

یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، «(۷)» لکن نگاه کردن به چپ و

۱- آیه الله زنجانی: و اگر بعد از تقصیر فهمید باید تقصیر را نیز اعاده کند.

۲- آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: لکن در حال اختیار باید خودش آن وسیله را راه ببرد.

۳- آیه الله زنجانی: واجب نیست سعی از راه متعارف باشد پس اگر از راهی که معمولاً به طرف صفامی روند به طرف مروه برود سعیش باطل نمی شود لکن سعی کننده در حال سعی کردن باید بین دو کوه باشد و چنانچه در مقداری از سعی از بین دو کوه خارج شود، آن مقدار از سعیش باطل است.

۴- آیه الله بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به اینکه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می شود، کفایت می کند.

آیه الله فاضل: جایز نیست.

آیه الله مکارم: طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست و سعی در آنجا اشکال دارد.

۵- آیه الله زنجانی: ولی سعی در طبقه دوم که فعلاً وجود دارد، صحیح نمی باشد.

۶- آیه الله خامنه‌ای، این احتیاط در مناسک ایشان نیست.

آیه الله سیستانی، این احتیاط در مناسک ایشان و ملحق آن مذکور نیست.

۷- آیه الله زنجانی: لازم نیست سعی به صورت متعارف باشد بنابراین می تواند در همان مسیر به پهلو حرکت کند یا عقب عقب برود، هر چند سعی بر خلاف متعارف خلاف احتیاط استجابی است.

ص: ۲۰۳

راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. «(۱)»

(م ۸۳۷)

۳۱۱- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی «(۲)» و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی. «(۳)»

(م ۸۳۸)

۳۱۲- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

(م ۸۳۹)

۳۱۳- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض. «(۴)»

(م ۸۴۰)

۱- - آیه الله مکارم: مثلاً اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد.

۲- - آیه الله خامنه‌ای، از اینجا تا آخر این مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: هر چند رفع خستگی به مقداری طول بکشد که موالات عرفیه سعی به هم بخورد.

۳- - آیه الله خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود، و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنا بر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه بهم نخورد.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.

آیه الله بهجت، متعرض موالات عرفیه نشده‌اند. و فرموده‌اند: گرچه احوط این است که بین آن دو بدون عذر ننشیند.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد.

۴- - آیه الله مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هر چند گناه کرده است.

آیه الله خویی: اگر تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده نماید.

آیه الله تبریزی: تأخیر تکلیفاً جائز است ولی باید طواف و نماز را اعاده نمود.

آیه الله زنجانی: بلکه تا بین الطلوعین روز بعد نیز به تأخیر بیندازد اما کسی که کمی قبل از طلوع فجر طواف کرده می‌تواند سعی را تا اوایل روز به تأخیر بیندازد و در هر حال اگر بدون عذر سعی را به فردا به تأخیر انداخت، بنا بر احتیاط طواف و نماز آن را قبل از انجام سعی اعاده کند.

ص: ۲۰۴

۳۱۴- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است بتفصیلی که در طواف گذشت.

(م ۸۴۳)

۳۱۵- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر سعی اوصحیح است، و بهتر آن است که زائد را رها

کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. «(۱)»

(م ۸۴۴)

۳۱۶- با تمام کردن سعی حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام.

(م ۸۴۷)

۳۱۷- اگر شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر «(۲)» اعتناء نکند، «(۳)»

۱- - آیه الله سیستانی: اگر زائد یک شوط یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله خویی، آیه الله بهجت: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

آیه الله زنجانی: اگر زائد کمتر از یک شوط باشد سعی را رها می‌کند و این سعی بی‌اشکال صحیح است و اگر زائد یک شوط یا

بیشتر بود بهتر بلکه احتیاط استحبابی آن است که زائد را به هفت شوط برساند.

۲- - آیه الله زنجانی: اگر بعد از تقصیر شك در صحت سعی نماید در صورتی که احتمال بدهد هنگام سعی متوجه رعایت شرایط

آن بوده اعتنا به شكش نکند و همین طور است حکم صورتی که بعد از فراغ شدن و انصراف از سعی شك کند، و در این امر

فرقی نیست که شك وی از جهت تعداد اشواط باشد یا از جهات دیگر، شك او در زیاده باشد یا نقیصه یا در هر دو جهت.

۳- - آیه الله فاضل: چه شك در زیاده کند و چه شك در نقیصه، و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شك در زیاده کند.

ص: ۲۰۵

و اگر شك کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بناگذاری بر اتمام و اعتناء نکردن به شك خالی از اشکال نیست «(۱)» احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شك در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در اینصورت وجوب اتمام بعید نیست، «(۲)» و اگر شك در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده اعتناء نکند.

(م ۸۵۰)

۳۱۸- اگر در مروءه شك کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر مثل اینکه شك کند بین هفت و نه اعتناء نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروءه شك کند که این دور هفت است یا کمتر «(۳)» ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شك بین یک

۱- آیات عظام نوری، بهجت، مکارم: اعتناء به شك نکند و عملش صحیح است.

آیه‌الله خوبی، آیه‌الله تبریزی: اظهار این است که باید به این شك اعتناء شود. و شك در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند. آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی شك در عدد آن کند به آن شك اعتناء نکند و سعیش صحیح است، لکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده احتیاط آن است که دوباره سعی کند. آیه‌الله سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شك او قبل از بهم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است.

۲- آیه‌الله مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده به این شك اعتناء نکند.

۳- آیه‌الله زنجانی: چنانچه در اثناء سعی یا بعد از آن شك او به اطمینان مبدل نگردد، سعی او باطل است.

ص: ۲۰۶

و سه یا دو و چهار و هکذا.

(م ۸۵۲)

۳۱۹- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بینصفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی «(۱)» را اعاده کند اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

(س ۸۵۴)

۳۲۰- سعی در طبقه فوقانی «(۲)» اگر محرز نیست که بینصفا و مروه است، جایز نیست. «(۳)»

(س ۸۵۶)

۳۲۱- اگر در اثنای سعی مثلاً برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داد، چنانچه سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده «(۴)» یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است. «(۵)»

(س ۸۶۰)

۳۲۲- محلّ سعی مسجد نیست و زنهایی که عادت ماهانه دارند و

۱- آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله بهجت: سعی صحیح است.

آیه الله سیستانی: اگر جاهل قاصر بوده سعیش صحیح است و اگر مقصر بوده صحتش اشکال دارد.

۲- آیه الله زنجانی: سعی در طبقه فوقانی، کافی نیست.

۳- آیه الله مکارم: طبقه فوقانی میان دو کوه نیست.

۴- آیه الله زنجانی: در صورتی که سعی وی بین دو کوه بوده است یا اگر ...

۵- آیه الله زنجانی: بلکه اگر اشتباهاً جلوتر از محل قطع شده سعی را شروع کرده باشد سعی او صحیح است و اگر بعد از آن، سعی را شروع کرده، اگر شوط ششم یا هفتم بوده از محل قطع تا پایان سعی را باید اعاده کند و اگر اشواط دیگر بوده دوشوط از سعیش ناقص مانده و باید دوشوط/از مروه تا مروه بجا آورد.

ص: ۲۰۷

برای طواف نائب می‌گیرند سعی را باید خودشان بجا آورند و با مراعات ترتیب بین طواف و نماز و سعی.

(س ۸۶۲)

۳۲۳- اگر در حال سعی عقب عقب به طرف مروه یا صفا رفته «(۱)» باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. «(۲)»

(س ۸۷۵)

۳۲۴- در سعی لازم نیست حتماً پا به سنگ‌های سیاه در صفا و مروه برسد بلکه همین که سعی در بین دو کوه باشد و احراز شود کافی است و لازم نیست بالا برود. «(۳)»

(س ۸۶۸)

مستحبات سعی صفا و مروه

۳۲۵- مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته و مقداری آب بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»

۱- آیه الله زنجانی: سعی او صحیح است، هر چند احتیاط استجابی در آن است که از آن محل تامقداری از سعیش که ناقص مانده تدارک کند.

۲- آیه الله سیستانی: مگر اینکه جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیه الله مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اشکال ندارد.

۳- آیه الله بهجت: واجب است که ابتدا کند از جزء اول صفا به آنکه پاشنه پا را بچسباند در غیر سوار و محمول؛ به جزء اول مسافت.

آیه الله مکارم: سر بالائی صفا و مروه جزء آن دو کوه است بنابراین مسیر فعلی چرخ سوارها اشکال ندارد.

ص: ۲۰۸

پس از آن بنزد حجر الأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است بسوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را بخاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»

هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْزَلْنَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

سه مرتبه.

پس بگوید:

ص: ۲۰۹

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

صد مرتبه.

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ»

صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ»

صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعِيدَهُ، وَنَصَرَ عَيْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحِيدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَحِيدَهُ وَحِيدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْأَلُ تَوْدِيعَ اللَّهِ الرَّحْمَانَ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا تَضَيِّعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ،

ص: ۲۱۰

فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ، ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذَابَكَ، وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يُجُورُ، ارْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پائین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پائین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا قَرِيبُ

ص: ۲۱۱

یا بَعِيدُ، ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدِي، وَبِكَ حَوْلِي وَفُوتِي، فَتَقَبَّلْ عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيْنَ الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ

ص: ۲۱۲

الْعَفْوُ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ، الْعَفْوُ»
 و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ الْيَتِيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».
 (م ۸۸۷)

تقصیر و بعض احکام آن

۳۲۶- واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، «(۱)» و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است. «(۲)»
 (م ۸۸۸)

۳۲۷- تقصیر نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد

۱- آیه الله بهجت: این قید را ندارند.

آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیه الله مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

آیه الله زنجانی: و بنابر احتیاط مؤکد استجابی برای تقصیر، کوتاه کردن مو را انتخاب کند.

۲- آیه الله فاضل: و کندن مو هم کفایت نمی‌کند اگرچه حرمتش محرز نباشد.

آیات عظام خامنه‌ای، بهجت، زنجانی، سیستانی: و چنانچه از روی عمد و علم بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

ص: ۲۱۳

غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند «(۱)» موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

(م ۸۸۹)

۳۲۸- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره‌اش صحیح است و مستحب است فدیة یک گوسفند، «(۲)» و احتیاط آن است که فدیة بدهد.

(م ۸۹۰)

۳۲۹- در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجاءاً «(۳)» بجا آورد.

(م ۸۹۲)

۳۳۰- بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد حلال می‌شود بر او بغیر از تراشیدن «(۴)» سر هرچه حرام شده بود بر او بواسطه احرام، حتی نزدیکی

۱- آیه الله زنجانی: باطل می‌شود و اگر تا آخر وقت آن را جبران نکند عمره‌اش تبدیل به حج افرادی گردد و باید بعد از انجام حج و گذشتن ایام تشریق عمره مفرده نیز بجا آورد، هر چند عمره تمتع استحبایی باشد.

۲- آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت: بنابر احتیاط یک گوسفند بدهد.

آیات عظام گلپایگانی، نوری، فاضل، صافی: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند فدیة بدهد.

آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبایی یک قربانی شتر یا گاو یا گوسفند ذبح کند و تقصیر فراموش شده قضا ندارد.

۳- آیه الله فاضل: در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهند احتیاط کنند محلّ انجام آن قبل از تقصیر است.

آیه الله مکارم: ضرورتی ندارد طواف نساء را بقصد رجاء بجا آورد.

۴- آیه الله سیستانی: سر تراشیدن نیز حلال می‌شود. اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب این است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد.

آیه الله فاضل: تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج تمتع مانعی ندارد.

آیه الله بهجت: ظاهر عدم حرمت احرامی آن است و حرمت به جهت منافات با وجوب توفیر محلّ تأمل است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: تراشیدن سر بین عمره و حج جائز نیست و بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله مکارم: ترک تراشیدن سر احتیاط است.

آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مؤکد استحبایی سر نترشد.

ص: ۲۱۴

با همسر.

(م ۸۹۳)

۳۳۱- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است «(۱)» و احوط «(۲)» در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است. «(۳)»

(م ۸۹۴)

۳۳۲- اگر در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرده و طواف نساء را انجام داده باشد باید اول تقصیر را در هر جا هست ولو در ایران خودش بجا آورد و سپس طواف نساء «(۴)» را اعاده کند و اگر خودش

۱- آیه الله زنجانی: بلکه نباید برای تقصیر موی زیر بغل و مانند آن را کوتاه کند و به طور کلی کوتاه کردن غیر از موی سر و ریش و شارب کفایت نمی کند بلکه حرام است.

۲- آیه الله فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

آیه الله خامنه‌ای، این احتیاط را متعرض نشده‌اند.

۳- به مسأله ۳۲۶ تقصیر مراجعه شود.

آیه الله بهجت، آیه الله سیستانی: متعرض موی زیر بغل نشده‌اند.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنا بر احتیاط واجب.

۴- آیه الله بهجت: اکنون که قبل از تقصیر متذکر شده است تقصیر می کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می نماید بنا بر احوط، و مقدم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است.

آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

ص: ۲۱۵

نمی‌تواند برود «(۱)» نائب بگیرد.

(س ۸۹۴)

۳۳۳- هرگاه غیر مؤمن برای مؤمن تقصیر نماید اشکال ندارد.

(س ۸۹۹)

۳۳۴- در عمره تمتع حلق به جای تقصیر کفایت نمی‌کند. «(۲)»

(س ۹۰۳)

۳۳۵- اگر بعد از انجام اعمال عمره تقصیر را در منزل انجام دهد مانعی ندارد.

(س ۹۰۴)

۳۳۶- خدمه کاروانهای حج اگر عمره مفرده بجا آورده باشند «(۳)» هر

۱- آیه الله زنجانی: و اگر رفتن به مکه برایش حرجی باشد می‌تواند نایب بگیرد و تا تقصیر نکرده باید از محرمات احرام اجتناب کند بنابراین تا طواف نساء را خودش یا نایبش انجام نداده، زن بر وی حرام است.

۲- آیه الله مکارم: این کار اگر عمداً باشد و در ماه ذی‌القعدة به بعد باشد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دارد و در غیر عمد کفاره نیست.

آیه الله سیستانی: و در صورت علم و عمد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیه الله خویی: در صورت علم و عمد یک گوسفند کفاره دارد بلکه بنا بر احتیاط در غیر صورت علم و عمد نیز کفاره دارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و یک گوسفند کفاره دارد و بنا بر احتیاط در صورت جهل و نسیان نیز کفاره دارد.

آیه الله خامنه‌ای: کفایت نمی‌کند و اگر این کار را از روی علم و عمد کرده باشد عمل حرام انجام داده و باید یک گوسفند قربانی کند.

آیه الله زنجانی: به مسأله ۳۲۶ و حاشیه آن مراجعه شود.

۳- آیه الله زنجانی: می‌توانند از مکه خارج شوند ولی در برگشت اگر یک ماه از طواف نساء عمره مفرده گذشته است بدون احرام نمی‌توانند وارد حرم یا مکه شوند و اگر عمره تمتع بجا آورده‌اند نباید از مکه و حوالی آن خارج شوند مگر در صورت حاجت که محرم به احرام حج شده بیرون می‌روند آری اگر محرم شدن بر آنها حرجی باشد می‌توانند بدون احرام خارج گردند.

ص: ۲۱۶

دفعه که از مکه خارج می‌شوند و به جده می‌روند و بر می‌گردند لازم نیست محرم شوند «(۱)» ولی اگر عمره تمتع بجا آورده‌اند بنا بر احتیاط «(۲)» نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج. «(۳)»
(م ۹۱۰)

- ۱- آیات عظام سیستانی، خوبی، فاضل، تبریزی: مگر اینکه ماه هلالی دیگر وارد مکه شوند که باید دو مرتبه محرم بشوند. آیه الله سیستانی اضافه نموده‌اند: اگر عمره‌اش به نیابت از دیگری باشد بنا بر احتیاط واجب با احرام جدید وارد حرم یا مکه شود.
 - ۲- آیه الله بهجت: در صورتی که اعمال حج تفویض نشود خروج از مکه مانعی ندارد می‌توانند مانند حطاب و حشاش بدون احرام بروند و برگردند.
 - ۳- آیه الله مکارم: حرام است خارج شوند مگر اینکه مطمئن باشند که بموقع برمی‌گردند و حج خود را انجام می‌دهند و همچنین در صورت حاجت.
- آیه الله خامنه‌ای: جائز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکه حج او فوت نمی‌شود، بعد از انجام عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه بیرون رود. اگر چه احتیاط مستحب آن است که فقط در موارد ضرورت و نیاز، خارج شود.
- آیه الله سیستانی: اگر مکلف اعمال عمره تمتع را بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب نباید از مکه بیرون برود مگر برای حج، مگر آنکه بیرون رفتنش جهت انجام کاری باشد، اگر چه آن کار غیر ضروری باشد و ترس از اینکه اعمال حجش فوت گردد نداشته باشد، که در این صورت اگر بدانند که می‌توانند به مکه برگردد و از آنجا احرام حج ببندد، اظهار جواز بیرون رفتنش از مکه بدون احرام است.
- آیه الله فاضل: اگر یقین یا اطمینان دارد که خروج از مکه لطمه به حج او وارد نمی‌کند مانعی ندارد که حتی بدون احرام هم از مکه خارج بشود و برای احرام از مکه و مناسک به مکه برگردد لکن احتیاط استحبابی بر خلاف آن است. بله اگر از مکه خارج شد و در ماه بعد به مکه بازگشت باید مجدداً عمره تمتع انجام دهد و الا حج تمتع او صحیح نیست.

ص: ۲۱۷

۳۳۷- بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر ممانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد، «(۱)» و از «(۲)» ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الاحوط. «(۳)»
(س ۹۱۲)

- ۱- آیه الله فاضل: سر تراشیدن نیز مانعی ندارد.
- آیه الله زنجانی: سر تراشیدن نیز ظاهراً جایز است و کفاره هم ندارد هرچند احتیاط استحبابی مؤکد در آن است که از سر تراشیدن و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است اجتناب کند و از اینجا حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.
- ۲- آیه الله بهجت، به ذیل مسأله ۳۳۰ مراجعه شود.
- ۳- آیه الله سیستانی: بنا بر اظهر سر تراشیدن حلال است، اگر چه احوط ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر.
- آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: حکم ماشین کردنی که مانند تراشیدن است ذکر نشده است.

مسائل متفرقه

۳۳۸- کفاره برای سر تراشیدن بین عمره تمتع و حج تمتع ثابت نیست «(۱)» اگر چه جایز نیست.

(س ۹۱۳)

۳۳۹- اگر زنی حیض باشد و نداند که حیض است و اعمال عمره را بجا آورد چنانچه در وسعت وقت است «(۲)» باید طواف و نماز را «(۲)» اعاده کند

۱- آیه الله گلپایگانی: باید یک گوسفند کفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد. ولی در مجمع المسائل می‌فرماید:

در صورت علم به مسأله یک گوسفند کفاره دارد و در صورت جهل و نسیان کفاره ندارد.

آیه الله صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

آیه الله مکارم: کفاره آن یک گوسفند است بنا بر احتیاط.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود تراشیدن سر تا سی روز بعد از عید فطر جایز است و اما بعد از آن بنا بر احتیاط نباید تراشیده شود و در صورت تراشیدن اگر از روی علم و عمد باشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دارد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر، و احتیاط مستحب آن است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد.

آیه الله بهجت: به مسأله ۳۳۰ مراجعه شود.

۲- آیه الله زنجانی: باید پس از پاکی طواف عمره و نماز آن را اعاده کند و اگر وقت ندارد باید محرم به احرام حج تمتع شده قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند و این در صورتی است که در وقت احرام عمره فکر می‌کرده برای انجام طواف عمره و نماز آن پاک است والا محرم به احرام عمره تمتع نشده است پس باید از حرم خارج شده محرم به حج افراد گردد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و مجزی از حجه الاسلام است.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او مبدل به افراد می‌شود.

آیه الله فاضل: مستحب است سعی و تقصیر را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: و سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.

ص: ۲۱۹

ولی اگر وقت ندارد در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه اشکال است و احتیاط را مراعات کند. «(۱)»

(س ۹۱۴)

۳۴۰- تراشیدن ریش بین عمره تمتع و حج تمتع حکم تراشیدن آن در غیر این موارد را دارد و حکم تراشیدن سر ندارد.

(س ۹۱۵)

۳۴۱- در اینکه غار حرا و غار ثور جزء مکه است یا خارج آن باید از

۱- آیه الله فاضل: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا آورد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتع اعاده نماید، و اگر وقت ندارد حتی برای سعی و تقصیر، حج افراد انجام داده، و عمره مفرده را بعد از حج بجا می آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آنکه مسماى وقوف اختیاری عرفات را درک کند اگر حیض او بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منی طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین اینکه حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا آورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا آورد.

آیه الله مکارم: اشکالی نیست، حج او مبدل به حج افراد می شود و عمره مفرده بعد از حج بجا آورد.

آیه الله سیستانی: اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حائض بوده است حجش مبدل به افراد می شود و پس از فراغ از حج اگر می تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض سؤال باید پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکه، قبل از اینکه طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیه الله بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز بجا آورد و چون تقصیر از جهت جهالت به موضوع طهارت بوده کفاره ندارد.

ص: ۲۲۰

اهل محلّ تحقیق شود. «(۱)»

(س ۹۱۶)

۳۴۲- کسی که نایب دیگری است و به ناچار باید بعد از عمره تمتّع و قبل از حجّ از مکه خارج شود، ضرر به حجّ و نیابت او نمی‌زند ولی در صورت امکان باید محرم شود به احرام حجّ و از مکه خارج شود علی‌الاحوط. «(۲)»

(س ۹۱۷)

۳۴۳- اگر شخصی که احرام عمره بسته است بواسطه عذری دیر وقت وارد مکه شد بطوری که اگر می‌خواست عمره بجا بیاورد «(۳)» وقت وقوف به عرفات می‌گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از بجا آوردن آن عمره مفرده بجا آورد و حج اوصحیح و

۱- - آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب نباید خارج شود این احتیاط شامل غار حرا نیز می‌شود.

آیه الله تبریزی، آیه الله مکارم: رفتن به غار حرا و امثال آن از مناطق نزدیک ضرری ندارد خواه جزء مکه باشد یا نه.

آیه الله خویی: خارج شدن به اطراف و توابع مکه مانع ندارد.

آیه الله فاضل: با توجه به توسعه شهر مکه رفتن به اطراف آن تا جایی که صدق کند از مکه است مانعی ندارد.

آیه الله زنجانی: پس اگر در عرف اهل مکه از محلات مکه یا توابع نزدیک آن محسوب می‌شود، می‌تواند بین عمره و حج تمتع به آن اماکن برود.

۲- - آیه الله مکارم: اگر احرام برای آنها موجب عسر و حرج است لازم نیست.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: به حاشیه مسأله ۳۳۶ مراجعه شود.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله بهجت: به مسأله ۳۳۶ مراجعه شود. و همچنین در سه مسأله بعد.

آیه الله زنجانی: بلکه اگر مشقت شدید نداشته باشد باید با احرام حج خارج شود، در هر صورت این شخص از ذوی‌الاعذار است که فقط در صورتی که در هنگام احرام گمان داشته باشد که چنین مشکلی برایش پیش نمی‌آید نیابتش صحیح است.

۳- - آیه الله زنجانی: می‌داند یا خوف دارد که نتواند خود را قبل از غروب روز نهم به عرفات برساند باید عدول کند به حج افراد

...

ص: ۲۲۱

کافی از حجة الاسلام است.

(م ۹۲۱)

۳۴۴- اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد بواسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف بجا آورد و اگر می‌خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد بدستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند. «(۱)»

(م ۹۲۲)

۳۴۵- اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام بواسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد «(۲)» باید در مکه احرام حج افراد ببندد و بدستور سابق عمل کند. «(۳)»

(م ۹۲۳)

۱- - به مسأله ۸۱ مراجعه شود.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: چنانچه حیض قبل از بستن احرام یا هنگام احرام بستن بود به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند و اگر بعد از احرام بود مخیر است بین اینکه به دستور مسأله قبل عمل کند و بین اینکه سعی و تقصیر کند و برای حج احرام ببندد و پس از برگشتن از منی قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیه الله سیستانی: در فرض مسأله اگر در حال احرام حائض بوده است حجتش بدل به افراد می‌شود و در صورت تمکن باید بعد از حج عمره مفرده انجام دهد و اگر بعد از احرام حائض شده است احتیاط مستحب این است که عدول کند ولی می‌تواند به احرام خود باقی باشد و سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از اعمال منی قبل از طواف حج طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۶۲ مراجعه شود.

۲- - آیه الله زنجانی: باید احرام حج افراد ببندد و برای محرم شدن در صورت امکان باید از حرم خارج شود. و این حج کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

۳- - آیه الله بهجت: اگر ممکن نباشد غیر مکه والا احتیاط در رعایت احتمالات در محل احرام او است.

آیه الله سیستانی، آیه الله فاضل: کسی که وظیفه اش حج تمتع است، اگر قبل از احرام عمره بفهمد که وقت او برای اتمام عمره قبل از زوال روز عرفه تنگ است نمی‌تواند عدول به حج افراد یا قران نماید، بلکه اگر حج در ذمه اش مستقر بوده باید حج تمتع خود را در سالهای آینده انجام دهد.

ص: ۲۲۳

احرام حج تمتع

اشاره

۳۴۶- واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

(م ۹۳۷)

۳۴۷- کیفیت احرام بستن و لَبِیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد. «(۱)»

(م ۹۴۰)

۳۴۸- تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفاره داشت کفاره دارد به همان ترتیب.

(م ۹۴۱)

۳۴۹- وقت احرام مومع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد می‌تواند تأخیر بیندازد «(۲)» و از آن

وقت نمی‌تواند عقب بیندازد. «(۳)»

(م ۹۴۲)

۳۵۰- احتیاط واجب «(۴)» آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و

۱- آیه الله زنجانی: بدون تفاوت مگر در نیت و مکان و زمان احرام.

۲- آیه الله زنجانی: بنابراین تأخیر احرام حج تا وقتی که بتواند مقداری قبل از غروب وقوف عرفات رادرك کند، جایز است.

۳- آیه الله سیستانی: کسی که می‌تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند جایز نیست احرام را از وقت مذکور تأخیر بیندازد.

۴- آیه الله مکارم: بلکه واجب است.

آیه الله خویی: بلکه جایز نیست و این حکم در اثنای عمره تمتع هم هست.

آیه الله خامنه‌ای، آیه الله نوری: کسی که از عمره تمتع خارج شد اگر اطمینان داشته باشد که می‌تواند به مکه برگردد و برای

اعمال حج محرم شود می‌تواند از مکه خارج شود و اگر بدون این اطمینان نیز خارج شد ولی برگشت و احرام بست و حج بجا آورد

عملش صحیح است.

آیه الله بهجت: خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست برای کسیکه اگر خارج شود فوت می‌شود حج در آن سال، و اگر بعد

از عمره بدون احرام بستن برای حج از مکه و حرم و میقات خارج شد و عود نمود در غیر ماه احرام اولی پس محتاج به احرام عمره

است و عمره ثانیه را عمره تمتع قرار می‌دهد و احتیاج اولی به طواف نساء موافق احتیاط است و اگر عود کرد قبل از فصل ماه مانعی

از اکتفاء بهمان عمره برای حج تمتع نیست و حکم فصل بین دو عمره و احرام برای دخول مکه در مسأله ۶۰ و ۶۱ و ۸۴ گذشت.

آیه الله تبریزی: بلکه جایز نیست و بنابر احتیاط این حکم در اثناء عمره تمتع هم هست.

ص: ۲۲۴

مخیل گردید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد «(۱)» احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد. «(۲)»
(م ۹۴۳)

- ۱- آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: خروج از مکه برای کسی که مطمئن است می تواند به مکه برگردد و اعمال حج تمتع را انجام دهد مانعی ندارد به شرط آن که خروج از مکه و ورود به آن در همان ماهی باشد که عمره تمتع را انجام داده است.
آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: واجب است محرم شود به احرام حج ...
- آیه الله سیستانی: اگر حاجتی هر چند غیر ضروری پیش آمد اگر خوف فوت اعمال حج نباشد می تواند خارج شود و در این صورت اگر بداند که می تواند برگردد و محرم شود برای حج مانعی ندارد که بدون احرام خارج شود و اگر نمی داند، باید احرام حج را ببندد و برود و در این صورت لازم نیست به مکه بازگردد بلکه می تواند از همانجا به عرفات برود.
- ۲- آیه الله مکارم: برای خدمه کاروانها نیز جایز است برای انجام کارهای لازم به جده و مانند آن بروند و اگر محرم شدن موجب مشقت است می توانند آن را ترک کنند.
- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و اگر با احرام بودن برای شخص حرجی باشد بدون احرام نیز می تواند خارج شود.

ص: ۲۲۵

۳۵۱- اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام بست و حج بجا آورد عملش صحیح است. «(۱)»
(م ۹۴۴)

۳۵۲- مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است. «(۲)»
(م ۹۴۵)

۳۵۳- محل احرام حج، شهر مکه است «(۳)» هر موضع که باشد گرچه در

۱- آیه الله فاضل: مگر آنکه در ماه بعد وارد مکه شود، که در این صورت باید مجدداً عمره تمتع بجا آورد و بعد محرم به احرام حج تمتع بشود و عمره اول فاسد شده است، و اگر مجدداً محرم نشود حج تمتع او نیز باطل می‌شود.
آیه الله سیستانی: اگر در ماه بعد وارد شود و دوباره نخواهد بیرون برود و در ماه بعد از آن وارد شود باید با عمره تمتع وارد شود و اگر باز هم بخواهد خارج شود و در ماه بعد وارد شود باید با عمره مفرده وارد شود مانند این که در ماه شوال عمره تمتع انجام داده و خارج شده و در ماه ذیقعد وارد شده و باز هم می‌خواهد خارج شود و ماه ذیحجه وارد شود در این صورت عمره ماه ذیقعد او باید عمره مفرده باشد.

آیه الله مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد چیزی بر او نیست ولی اگر در ماه بعد برگردد و از میقات هم گذشته باشد مثلاً در ذی‌القعد به مدینه رفت و در ذی‌الحجه برگشت باید دوباره محرم شود و عمره بجا آورد و همان عمره تمتع او حساب می‌شود و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء بجا آورد.

آیه الله خویی: اگر از میقاتها گذشت و در ماهی که عمره را انجام داده بوده برگشته باشد، اعاده عمره لازم است، ولی اگر قبل از گذشت ماهی که عمره را انجام داده باشد اعاده عمره لازم نیست.

آیه الله زنجانی: لکن اگر بدون عذر از مکه و حوالی آن خارج شد عمره اش باطل می‌شود.
۲- آیه الله صافی: و پیش از روز ترویبه نیز احرام بستن جایز است و احتیاط آنست که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد چنانکه احتیاط آنستکه اگر محرم شده پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود.

آیه الله زنجانی: احتیاط استجابی در آن است که احرام را از روز ترویبه به تأخیر نیندازد.

۳- آیه الله خویی: طبق استفتایی که که در اواخر از ایشان شده بود احتیاط واجب این است که از مکه قدیمه برای حج احرام ببندد.

آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط احرام حج باید از مکه قدیم باشد.

آیه الله بهجت: مکلف می‌تواند از هر جای مکه قدیم بنا بر احتیاط برای حج احرام ببندد.

آیه الله سیستانی: و احوط و اولی احرام بستن از مکه قدیم است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است، اگرچه اظهر جواز احرام بستن از قسمت‌های جدید شهر است، مگر قسمت‌هایی که بیرون حرم باشد.

آیه الله مکارم: ولی از بیرون حرم مانند مناطقی که بعد از مسجد تنعیم است و اکنون جزء مکه شده خالی از اشکال نیست.

آیه الله صافی: و بنا بر احتیاط لازم تا می‌تواند از مکه قدیم محرم شود.

ص: ۲۲۶

محلله‌های تازه‌ساز، ولی مستحب است «(۱)» در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.

(م ۹۴۶)

۳۵۴- اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب «(۲)» است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد بواسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست محرم شود. «(۳)»

(م ۹۴۷)

۱- آیه الله مکارم: مستحب است در مسجدالحرام احرام ببندد.

آیه الله خامنه‌ای: افضل احرام از مسجدالحرام است.

آیه الله نوری، آیه الله فاضل: در مسجد یا در مقام ابراهیم.

۲- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد واجب است از همان جا که هست محرم شود.

آیه الله مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی قبل از رمی جمرات و ذبح ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجش صحیح است.

۳- آیه الله زنجانی: و همچنین است اگر برگشتن به مکه برایش مشقت داشته باشد البته این در صورتی است که به عرفات نرسیده باشد اما اگر در عرفات یادش بیاید می‌تواند از همان جا محرم شود و باید قبل یا بعد از تلبیه بگوید: «اللهم علی کتابک و سنه نبیک» و احتیاط مستحب در این صورت نیز این است که اگر می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا محرم شود.

ص: ۲۲۷

۳۵۵- اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است. «(۱)»
(م ۹۴۹)

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

«(۲)»

۳۵۶- اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:
«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي»
و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ، وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».
پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ،

۱- آیه الله سیستانی: اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا زمان فوت وقوف اختیاری عرفات حجش باطل است و اگر به مقدار رکن درک کند حجش صحیح است گرچه گناه کرده است.

آیه الله زنجانی: اگر از روی علم و عمد احرام حج را ترک کند تا زمانی که نتواند وقوف اختیاری عرفات- ولو کمی قبل از غروب- را درک کند حجش باطل می شود.

۲- آیه الله مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص: ۲۲۸

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ»

و مستحب است «(۱)» شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت «(۲)» آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه «(۳)» است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ مَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَيْدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِخْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

(م ۹۵۵)

۱- آیه الله مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در حال حاضر ممکن نیست یا مشکل است بنابراین نباید اصراری بر آن داشته باشد و دردسر برای خود و دیگران ایجاد کند هرگاه تبتش انجام آن باشد خداوند به فضل خود به او ثواب می دهد.

۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت: بلکه احوط.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام.

ص: ۲۲۹

وقوف به عرفات

اشاره

۳۵۷- واجب است وقوف به عرفات- که محلی است معروف و محدود است بحدود معروفه- بقصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

(م ۹۵۶)

۳۵۸- مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

(م ۹۵۷)

۳۵۹- به احتیاط واجب «(۱)» لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم «(۲)» تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، «(۳)» پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

(م ۹۵۹)

۱- آیه الله تبریزی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب است، و اظهار این است که می‌تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیه الله خویی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول ...

آیه الله بهجت: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنا بر احتیاط از اول زوال تا غروب است.

آیه الله سیستانی: واجب بودن وقوف از اول ظهر مبنی بر احتیاط است و اظهار این است که جایز است آنرا از اول ظهر به مقدار انجام یک غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سرهم به تأخیر اندازد.

۲- آیه الله زنجانی: تأخیر وقوف از اول زوال به مقدار ادای نماز ظهر و عصر بلا اشکال جایز است بلکه تأخیر آن تا قبل از غروب / زوال حمره مشرقیه به مقدار مسمای عرفی وقوف جایز می‌باشد هر چند خلاف احتیاط استجابی است.

۳- آیه الله سیستانی: تا غروب آفتاب.

ص: ۲۳۰

۳۶۰- بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب [\(۱\)](#) است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج اوصحیح است اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

(م ۹۶۱)

۳۶۱- آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هرچند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه [\(۲\)](#) پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

(م ۹۶۲)

۳۶۲- اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود [\(۳\)](#) و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی، [\(۴\)](#) لکن احتیاط در کفاره است به

۱- آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: گذشت که مسمای وقوف کافی است لکن بعد از حضور در عرفات نمی‌تواند بدون عذر قبل از غروب از عرفات کوچ کند و اگر کوچ کرد باید کفاره بدهد ولی حجتش باطل نمی‌شود.

۲- آیه الله مکارم: بهتر است به این مقدار قناعت نکند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بقدری که عرفاً بگویند در عرفات توقف کرده است.

۳- آیه الله زنجانی: و دیگر برنگردد باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌توان هیجده روز روزه بگیرد و اگر به خاطر پشیمانی یا برای کاری برگردد کفاره ندارد هرچند بعد از برگشتن در وقوفش قصد قربت نکند.

۴- آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی: در صورتی که پشیمان شده و برگردد چیزی بر او نیست.

آیه الله سیستانی: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب آفتاب از روی عمد و با دانستن حکم آن حرام است، ولی حج را باطل نمی‌کند، و در صورتی که دو باره برگردد به عرفات چیزی بر او واجب نیست.

آیه الله نوری: احوط کفاره یک شتر است.

آیه الله بهجت: احوط ثبوت کفاره است در صورت برگشتن نیز.

ص: ۲۳۱

یک شتر، و همچنین «(۱)» اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست. «(۲)»

(م ۹۶۴)

۳۶۳- حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی مشخص شده است چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

«(۳)»

(س ۹۷۱)

۳۶۴- در وقت وقوف به عرفات کراهت دارد که از جبل الرحمه بالا رود. «(۴)»

(س ۹۷۲)

۳۶۵- وقوف اضطراری عرفه در شب عید است «(۵)» و شب تا طلوع فجر است. «(۶)»

(س ۹۷۶)

۱- آیه الله خامنه‌ای: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است ولی حج را باطل نمی‌کند و در صورت مراجعت کفاره ندارد.

۲- آیه الله نوری: احوط کفاره یک شتر است.

۳- آیه الله سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است، مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود.

آیه الله مکارم: معمولاً مورد قبول اهل محل است بنابر این تابلوها یا علاماتی که گذارده‌اند معتبر است.

۴- آیه الله سیستانی: جبل الرحمه جزء موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.

آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مستحب در ساعات وقوف روی جبل الرحمه وقوف ننماید و کراهت آن ثابت نیست.

۵- آیه الله زنجانی: و شب از زوال حمزه مشرقیه تا طلوع فجر است.

۶- آیات عظام نوری، سیستانی، فاضل: و درک مقداری از آن کفایت می‌کند چنانچه گذشت.

آیه الله مکارم: درک مقداری از آن هرچند کم باشد کافی است.

آیه الله خویی: و شب تا طلوع آفتاب است.

آیه الله زنجانی: و شب در این مسأله از زوال حمزه مشرقیه تا طلوع فجر است.

مستحبات و قوف به عرفات

«(۱)»

۳۶۶- در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- ۱- با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر «(۲)» باشد.
- ۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
- ۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
- ۵- وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است. «(۳)» ۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
- ۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه: سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را

۱- آیه‌الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء انجام دهد.

۲- آیه‌الله نوری: هنگام ظهر.

۳- آیه‌الله سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

آیه‌الله زنجانی: کراهت ثابت نیست.

ص: ۲۳۳

نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي، وَ لَا تَخْدَعْ عَنِّي، وَ لَا تَسِدْ تَدْرِجِي، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَ يَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ، الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ الَّتِي إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتْنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُكَ يَدُكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرِضُ بِكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرِيتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ، وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ، وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ، وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ»

۸- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ

ص: ۲۳۴

شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَصِيْلَاتِي وَنُسِيْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَ لَكَ بَرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ، وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي وَبَصِيرَتِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَقْعِدِي وَمَقَامِي وَمِدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»

صد مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

صد مرتبه

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

صد مرتبه

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

صد مرتبه.

پس از اول سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ

ص: ۲۳۵

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

پس سوره

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»

و سوره

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»

را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ، الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ، وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ

ص: ۲۳۶

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَزُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ»

و هفتاد مرتبه

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰- آنکه نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ»

ص: ۲۳۷

سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَلِنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْبِلْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفِدِكَ عَلَيْكَ، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهَ وَ الرَّحْمَهَ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَهَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِي».

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْنِنِي مِنَ النَّارِ».

(م ۹۷۷)

وقوف به مشعر الحرام

اشاره

۳۶۷- بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود

ص: ۲۳۸

معینی دارد.

(م ۹۷۸)

۳۶۸- احتیاط واجب «(۱)» آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام بسر برد «(۲)» و نیت کند اطاعت خدا را در این بسر بردن شب. «(۳)»

(م ۹۷۹)

۳۶۹- چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب «(۴)»، و چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص از

۱- آیه الله خامنه‌ای: وقت وقوف از طلوع فجر عید قربان است تا طلوع شمس و احتیاط آن است که از وقت رسیدن به مشعر در شب قصد وقوف کند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هر چند وجوب بیتوته ثابت نشده است. آیه الله بهجت: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند.

آیه الله سیستانی: واجب است پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا صبح در مشعر الحرام بماند و پس از آن تا طلوع آفتاب نیز باید بماند گرچه کوچ کردن به طرف وادی محسّر قبل از طلوع آفتاب به اندکی جایز است و جایز نیست از آن تجاوز کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: واجب است بیتوته در مشعر و احتیاط آنست که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند هر چند مختصر و کم باشد.

آیه الله زنجانی: بیتوته شب دهم در مشعر الحرام واجب نیست، بلی کسی که قبل از طلوع فجر وارد مشعر می شود بنا بر احتیاط مستحب مؤکد قصد کند تا طلوع فجر در آنجا می ماند قربۀ الی الله.

۲- آیه الله مکارم: و مقداری ذکر خدا بگوید.

۳- آیه الله سیستانی: معتبر در عبادات قصد تذلل و کرنش در پیشگاه حق است.

آیه الله فاضل: نیت این ماندن که یک احتیاط و جویی است غیر از نیت ماندنی است که به عنوان واجب فتوایی در مسأله بعد می آید. بنا بر این دو نیت جداگانه باید صورت پذیرد.

۴- آیه الله سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب است و وقوف بین الطلوعین.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۳۷۱ مراجعه شود.

ص: ۲۳۹

ریاء و خودنمایی و قوف کند، «(۱)» وَاَلَّا حَجَّ او در صورت رياء کردن با عمد و علم باطل خواهد شد «(۲)».

(م ۹۸۰)

۳۷۰- اقوی جواز کوچ کردن «(۳)» بلکه استحباب آن است «(۴)» کمی قبل از طلوع آفتاب به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر «(۵)» او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

(م ۹۸۱)

۱- آیه الله بهجت: از اینجا تا آخر مسأله، از مناسک ایشان استفاده نمی‌شود.

آیه الله زنجانی: وقوفی که خالص برای خدا نباشد خواه به قصد ریا باشد یا قصد حرام یا جایز دیگر، باطل است.

۲- آیه الله مکارم: ترک عمدی و قوف در مشعر مابین الطوعین به تنهایی موجب بطلان حج نمی‌شود ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۳- آیه الله خویی: ماندن تا طلوع آفتاب واجب است و در صورت کوچ قبل از طلوع آفتاب گناه کرده و کفاره ندارد.

آیه الله بهجت: اشهر و احوط و جوب ماندن است تا طلوع آفتاب پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب بیرون رود و از وادی محسّر تجاوز کند گناه کار است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته‌اند.

آیه الله زنجانی: چون حاجی وارد مشعر الحرام شد نباید قبل از آن که هوا به قدری روشن شود که عابر جلوی پای خود را ببیند بلکه بنا بر احتیاط قبل از طلوع خورشید، از آنجا کوچ کند. و اگر بدون عذر کوچ کرد و دیگر برنگشت چنانچه قبل از نیمه شب رفته، باید یک شتر قربانی کند و اگر بعد از آن و قبل از طلوع فجر رفته، یک گوسفند کفاره دارد و چنانچه بعد از طلوع فجر کوچ کرد یا جاهل و ناسی بود یا قبل از طلوع خورشید بازگشت، کفاره ندارد.

۴- آیه الله مکارم: ماندن تا طلوع آفتاب در سرزمین مشعر واجب است و اگر قبل از آن عمداً کوچ کند- حج او باطل نیست ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفاره بدهد.

۵- آیه الله گلپایگانی: احوط دادن یک گوسفند است ولی اقوی واجب نبودن آن است.

آیه الله سیستانی: اگر چه از روی عمد باشد کفاره واجب نیست اگر چه گناه کار است.

ص: ۲۴۰

۳۷۱- واجب است از طلوعصبح تا کمی قبل «(۱)» از طلوع آفتاب «(۲)» (بطوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است «(۳)» اگرچه بقدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می‌آید «(۴)» حج او باطل خواهد شد.

(م ۹۸۲)

۳۷۲- جایز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی مثل زنها و بچه‌ها و بیماران

و

۱- آیات عظام گلپایگانی، خویی، مکارم، تبریزی، صافی: وقوف در مزدلفه واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان.

آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط ماندن تا طلوع آفتاب روز عید واجب است.

آیه الله سیستانی: بلکه واجب قسمتی از شب است تا طلوع آفتاب و رکن وقوف فی الجمله از آن است پس اگر مقداری از شب را درک کند و قبل از طلوع فجر با علم و عمد کوچ کند حجش صحیح است ولی گوسفندی را باید کفاره بدهد و اگر جاهل باشد کفاره ندارد و اگر فقط بخشی از بین الطلوعین بماند و کوچ کند- هر چند عمداً- باز هم حجش صحیح است و کفاره ندارد گرچه گناه کرده است.

۲- آیه الله زنجانی: مقدار واجب وقوف اختیاری مشعر مسمای بین الطلوعین است و مقدار رکن آن مسمای وقوف بین غروب/ زوال حمزه مشرقیه روز نهم تا طلوع خورشید روز عید است پس کسی که تمام این مقدار را ترک کند- به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۲۷۳ خواهد آمد- حجش باطل می‌شود و اگر مقداری از شب عید را با قصد قربت در مشعر وقوف نموده رکن وقوف را درک کرده پس چنانچه وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند حجش باطل نمی‌شود هر چند از روی علم و عمد باشد و علاوه بر اصل وقوف، گفتن ذکر خداوند متعال نیز از واجبات مشعر است و ذکر قلبی کافی نیست و لازم نیست که ذکر را به عنوان ذکر مشعر الحرام بگوید و به هر صورت نماز، دعا، دعای تهلیل، تسیح و ... ذکر خداوند را به زبان آورد کافی است و ترک ذکر، وقوف را باطل نمی‌کند.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به مقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقّف کرده است.

۴- نظر آیات عظام هم در آنجا خواهد آمد.

آیه الله مکارم: اگر شب را در مشعر باشد حج او صحیح است.

ص: ۲۴۱

پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، «(۱)» و احتیاط «(۲)» واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند. «(۳)»

(م ۹۸۳)

۱- آیه الله بهجت: کسی که شب را در مشعر به روز آورده بقصد وقوف با قصد قربت بنا بر احتیاط متقدم ۳۶۸ و دشوار باشد براو ماندن بعد از طلوع فجر جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود بسوی منی مثل زنها و مردهای پیر و بیماران و کسانی که کار ضروری دارند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: کسانی که ناچارند همراه معذورین باشند اگر بتوانند ولو یک لحظه قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند باید برگردند و در فرض عجز اگر بتوانند قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند باید برگردند.

آیه الله فاضل: بلی لازم است همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شد. در صورت امکان برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

۲- آیه الله مکارم: این احتیاط مستحب است.

آیه الله سیستانی: جایز است به توقف قسمتی از شب عید در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به طرف منی اکتفا کنند.

سایر آیات عظام نظرشان این است: همین که مقداری از شب را در مشعر ماندند می‌توانند تا قبل از طلوع فجر از آنجا بروند.

۳- آیه الله زنجانی: چند دسته‌اند که می‌توانند مقداری از شب عید را در مشعر وقوف کرده به منی کوچ کنند- ولو قبل از نیمه شب: ۱ و ۲- بانوان و کودکان، هر چند وقوف بین الطلوعین برای آنها مشقت نداشته باشد. ۳- افراد ضعیف مانند کهنسالان؛ در صورتی که وقوف بین الطلوعین بر آنها مشقت- هر چند شدید نباشد- داشته باشد. ۴- کسانی که می‌ترسند در وقوف بین الطلوعین خطری به آنها متوجه شود. ۵- کسانی که وقوف بین الطلوعین بر آنها حرجی است. ۶- بدهکاری که قدرت ادای بدهی ندارد و می‌ترسد با طلبکار مواجه شود. ۷- همراهان گروه‌های پیشین مانند همراهان بانوان به شرط آن که همراهی آنها ضروری باشد. ۸- چوپان و هیزم کش و مانند آن. ۹- مأمورین تدارکات حجاج که موظفند برای تأمین احتیاجات حجاج زودتر به منی بروند هر چند احتیاط استجبایی مؤکد آن است که این گروه‌ها قبل از نیمه شب از مشعر کوچ نکنند.

ص: ۲۴۲

۳۷۳- کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در صورتی که صاحب عذر باشد «(۱)» اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگرچه کم باشد حج او صحیح است. «(۲)»

(م ۹۸۵)

۳۷۴- از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول- شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم- بین طلوع صبح و طلوع آفتاب. «(۳)» سوم- از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است. «(۴)»

(م ۹۸۶)

۳۷۵- خدمه‌ای که نایب شده‌اند و با زنها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند وقوف رکنی

۱- آیه الله فاضل: اگر وقوف در عرفات را درک کرده باشد.

۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم، زنجانی، سیستانی: حج او صحیح نیست مگر اینکه وقوف اختیاری یا لااقل اضطراری عرفات را نیز درک کرده باشد که حج او صحیح است.

۳- آیه الله سیستانی: قسمتی از شب تا طلوع آفتاب.

آیه الله فاضل: برای افراد عادی یعنی افرادی که عذری برای ترک وقوفین ندارند.

۴- آیه الله سیستانی: و گذشت که قسم اول اختیاری است.

آیه الله زنجانی: گذشت که وقوف لیلی برای بانوان و کودکان وقوف اختیاری است و اگر حج آنها نیابی باشد، ضرری به نیابتشان نمی‌زند.

ص: ۲۴۳

مشعر را درک می‌کنند «(۱)» چنانچه از ذوی‌الاعذار نبوده‌اند «(۲)» که نیابت آنها «(۳)» صحیح است در فرض مرقوم حجشان نیابتاً صحیح است. «(۴)» هر چند مرتکب حرام شده‌اند. «(۵)»
(س ۹۹۲)

مستحبات و قوف به مشعر الحرام

«(۶)»

۳۷۶- بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:
«اللَّهُمَّ ارْحَمْ» «(۷)» تَوَقُّفِي، وَزِدْهُ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي،
وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي». و در راه رفتن میانه‌روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه بتأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و

- ۱- آیه الله زنجانی: و همچنین اگر نتوانند قبل از طلوع آفتاب به مشعر برگردند و در هر دو صورت حج و نیابتشان صحیح بوده، مرتکب معصیت نیز نشده‌اند.
- ۲- آیه الله بهجت: و عذر طاری است.
- ۳- آیه الله صانعی: در زمان استنابه.
- ۴- آیه الله نوری: با فرض ترک عمدی، نیابت محلّ اشکال است.
- آیه الله مکارم: اگر لازم بوده است با زنها به منی بروند گناهی نکرده‌اند.
- ۵- مراجعه شود به شرط هفتم نایب.
- آیه الله سیستانی: نیابت آنها بهر حال صحیح است.
- ۶- آیه الله مکارم: این مستحبات را به قصد رجاء بجاء بیاورند.
- ۷- آیه الله نوری: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَزِدْ فِي عَمَلِي».
- آیه الله بهجت: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَزِدْ فِي عَمَلِي».

ص: ۲۴۴

میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، «(۱)» و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه، نزول نماید، و اگر حاجی صروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد «(۲)» و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنَزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و این دعا را نیز بخواند:

۱- آیه الله مکارم: یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه می گوید و برای عشا فقط اقامه.

۲- آیه الله مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالاً منظور از آن با پای برهنه قدم گذاشتن در سرزمین مشعر است.

آیه الله زنجانی: واژه «مشعر» گاه به معنای سرزمین مزدلفه به کار می رود و گاه به معنای کوهی که در آن سرزمین قرار دارد و نام دیگر آن «قرح» است، منظور از مشعر در این حکم، همین کوه است یعنی اگر حاجی صروره باشد مستحب است در این کوه قدم بگذارد.

ص: ۲۴۵

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكَّرَبْتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَيْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا، أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است «(۱)» و مستحب است وقتی که از مزدلفه بسوی منی رفته و به وادی محسر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

(م ۹۹۵)

۱- آیه الله مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی کند بهتر است بیشتر جمع آوری کند.

ص: ۲۴۷

واجبات منی

رمی جمره عقبه

اشاره

۳۷۷- شرط است «(۱)» در سنگی که می‌خواهد بیندازد به آن (حصی) یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آنقدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل (شن) کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه بغیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست، و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

(م ۹۹۶)

۳۷۸- شرط است که سنگها از حرم باشد، «(۲)» و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد «(۳)» می‌تواند بردارد مگر مسجد الحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنابر احوط «(۴)» و مستحب

۱- آیه الله سیستانی: و مستحب است ریگها رنگین و نقطه‌دار و سست و باندازه سر انگشت باشند.

آیه الله بهجت: باید صدق اسم سنگ و سنگ ریزه بر آنها بکند.

۲- آیه الله زنجانی: کافی است که سنگها از حرم برداشته شود، هرچند در اصل خلقت در حرم آفریده نشده باشد و بدانیم از خارج حرم آورده شده است.

۳- آیه الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب نسبت به حکم وضعی.

آیه الله زنجانی: باید استفاده از سنگها مباح باشد و اگر مباح نباشد در فرض عدم عذر، معصیت کرده و اکتفا به آن خلاف احتیاط استجابی مؤکد است مانند برداشتن سنگهایی که جزء مسجد الحرام یا مسجد خیف یا سایر مساجد است.

۴- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: بنابر احتیاط باید بکر باشد.

ص: ۲۴۸

است از مشعر بردارد.

(م ۹۹۷)

۳۷۹- شرط است که سنگها بکر «(۱)» باشند، یعنی آنها را خودش یا کس «(۲)» دیگری به وجه صحیح «(۳)» نینداخته باشد اگرچه در سالهای قبل.

(م ۹۹۸)

۳۸۰- شرط است که مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست. «(۴)»

(م ۹۹۹)

۳۸۱- وقت انداختن سنگ «(۵)» از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب

۱- - آیه الله سیستانی: این احتیاط را در حکم وضعی ذکر فرموده‌اند ولی برداشتن سنگ از مساجد اگر جزء آنها باشد مطلقاً جایز نیست.

آیه الله زنجانی: اگر از پای جمرات ریگ‌ها را بردارد کافی نیست و چنانچه از جاهای دیگر حرم بردارد کافی است هر چند بکر نباشد و بنابر احتیاط مستحب از سنگ‌هایی که قبلاً در رمی جمرات به کار رفته استفاده نکند.

۲- - آیات عظام گلپایگانی، مکارم، صافی: خودش یا کس دیگری از آن برای رمی استفاده نکرده باشد

۳- - آیه الله خویی، آیه الله مکارم: باید قبلاً در رمی استعمال نشده باشد.

۴- - آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر اعتقاد داشت سنگها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیه الله سیستانی: مشکل است اکتفا به آن مگر آنکه نداند غصبی است یا فراموش کرده باشد و خود غاصب نباشد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

آیه الله زنجانی: تصرف در سنگ غصبی جایز نیست و رمی با آن در صورت عدم عذر بنا بر احتیاط استحبابی اکید کافی نیست.

۵- - آیه الله بهجت: وقت رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد یا ترک کرد عمداً علی الاحوط، تا روز سیزدهم، در روزی که متذکر شود بجا آورد با تقدیم قضاء بر اداء، و احتیاط در رعایت طلوع آفتاب است در قضاء ایضاً با عدم عذر مسوِّغ رمی در شب در اداء مانند خوف و مرض، و اگر متذکر نشد یا متذکر شد بعد از انقضاء ایام تشریق یا ترک کرد عمداً تا آنوقت علی الاحوط، در سال آینده خود یا نایب او، با ترتب نیابت بر عدم حج در سال آینده یا عدم امکان مباشرت، بجا آورند.

آیه الله فاضل: برای غیر معذورین.

ص: ۲۴۹

آن «(۱)» و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم «(۲)» می‌تواند بجا آورد، و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً «(۳)» در سال دیگر خودش یا نایبش بیندازد.
(م ۱۰۰۰)

۱- آیه الله زنجانی: بلی گروه‌هایی که در حاشیه مسأله ۳۹۱ می‌آید می‌توانند در شب عید جمره عقبه را رمی کنند و کسی که رمی روز عید را فراموش کرده باید تا روز سیزدهم هر وقت متوجه شد قبل از رمی آن روز، رمی روز عید را قضا کند و بنا بر احتیاط بین رمی ادا و قضا به مقدار ۱۱۲ همان روز فاصله بیندازد و اگر تا روز سیزدهم متذکر نشد چنانچه در مکه یادش آمده بنا بر احتیاط تا ذی حجه منقضی نشده قضا کند و در عید قربان سال بعد نیز اگر خودش به حج می‌رود خودش والا نایبش مجدداً قضا کند و اگر بعد از خروج از مکه متوجه شده قضای آن واجب نیست هر چند مطابق احتیاط استحبابی است و همچنین است حکم کسی که بر اثر ندانستن مسأله رمی روز عید را ترک کرده است.

۲- آیه الله فاضل: ... تا روز سیزدهم می‌تواند به نیت قضا بجا آورد و واجب است قضا را قبل از رمی آن روز انجام دهد.
آیات عظام خوبی، گلپایگانی، صافی: یا مسأله را نمی‌دانست.

آیه الله خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش انجام دهند و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضای آن را بجا آورند.

۳- آیه الله خامنه‌ای: اگر از مکه بیرون نرفته احتیاط واجب آن است که به منی رفته رمی نماید و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضا کند و اگر از مکه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کند.
آیه الله گلپایگانی: در سال بعد خودش یا نایبش باید رمی نماید.

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش و یا نایبش بجا آورد، و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد بلکه سال دیگر خودش یا نایبش بنا بر احتیاط رمی می‌کنند.
آیه الله سیستانی: اگر در روز عید رمی نکرد از روی جهل یا فراموشی یا هر عذر دیگر هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند در منی باشد و یا در مکه حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، ولی در شب رمی نکند و اگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کنند.

آیه الله مکارم: اگر بتواند باید خودش در سال آینده در همان موقع قضا کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

ص: ۲۵۰

واجبات رمی جمره

۳۸۲- واجب است در انداختن سنگها چند امر:

- اول- نیت، با قصد خالص «(۱)» بدون ریاء و نمایش دادن عمل بغیر که موجب بطلان می شود.
- دوم- آنکه آنها را بیندازد، «(۲)» پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.
- سوم- آنکه به انداختن، «(۳)» به جمره برسد. «(۴)» پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و بواسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ بجایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً. «(۵)»

- ۱- آیه الله فاضل: به این صورت نیت کند: هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع برای وجوب آن می اندازم با قصد خالص.
- ۲- آیه الله بهجت: بلکه پراندن آنها به سمت خاص.
- ۳- آیه الله فاضل: انداختن خودش.
- ۴- آیه الله خامنه‌ای، این توضیح را متعرض نشده‌اند.
- آیه الله مکارم: باید توجه داشت که منظور از جمره همان حوضچه‌ای است که در اطراف ستون‌ها قرار دارد و ستون‌ها به عنوان نشانه است، بنابراین هرگاه سنگ را به داخل حوضچه‌ها پرتاب کنند کافی است، هرچند به ستون‌ها نخورد.
- ۵- آیه الله نوری: کافی نیست ظاهراً مگر آنکه، در حال عبور با چیز دیگر ملاقات کند.
- آیات عظام گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی: اگر سنگریزه در راه به چیز بسیار سفتی مانند سنگ بخورد و در اثر آن جسته و به جمره برسد کافی نخواهد بود.
- آیه الله بهجت: ظاهر این است که اگر سنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سپس به جمره برسد کافی باشد با بقاء صدق رمی در ابتداء و انتهای آن.
- آیه الله فاضل: محل اشکال است.
- آیه الله زنجانی: و همچنین اگر پرتاب کرد ولی به جمره برخورد نکرد کافی نیست.

ص: ۲۵۱

چهارم- عدد سنگ ریزه‌ها باید هفت باشد.

پنجم- باید بتدریج یکی یکی عقب هم بیندازد «(۱)» و در اینصورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست «(۲)» اگرچه باهم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

(م ۱۰۰۱)

۳۸۳- اگر شك کند که سنگ را دیگری در رمی به کار برده یا نه، جایز است با آن رمی کند. «(۳)»

(م ۱۰۰۲)

۳۸۴- اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده‌اند اعتناء نکند. «(۴)»

(م ۱۰۰۳)

۳۸۵- اگر شك کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است باید چندان بیندازد تا علم بعدد پیدا کند، و همچنین اگر شك کند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه باید بیندازد تا علم برسیدن پیدا کند.

(م ۱۰۰۵)

۳۸۶- اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید باید دو مرتبه بیندازد اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتهاً به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید

۱- آیه الله زنجانی: به گونه‌ای که موالات عرفیه به هم نخورد، به تفصیلی که در مناسک مذکور است.

۲- آیه الله فاضل، آیه الله زنجانی: یعنی مجموعاً یک رمی حساب می‌شود.

آیه الله مکارم: و همه یکی حساب می‌شود.

۳- آیه الله سیستانی: مگر این که در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است و احتمال بدهد که سنگ مورد نظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

آیه الله زنجانی: گذشت که بکر بودن شرط نیست.

۴- آیه الله زنجانی: گذشت که اگر یقین هم داشته باشد که از خارج حرم آورده‌اند مانعی ندارد.

ص: ۲۵۲

اعاده کند اگرچه در سال دیگر بوسیله نایش. «(۱)»

(م ۱۰۰۶)

۳۸۷- اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد «(۲)» شك کند در عدد سنگها، اگر شك در نقیصه کند «(۳)» احتیاط آن است «(۴)» که برگردد و نقیصه را تمام کند، و در شك در زیاده اعتنا نکند.

(م ۱۰۱۰)

۳۸۸- اگر بعد از فارغ شدن «(۵)» شك کند در اینکه درست انداخته یا نه، بنا بر صحت بگذارد، «(۶)» بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شك کند باید اعاده کند، «(۷)» ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته

۱- آیه الله سیستانی: اگر پس از خروج از مکه متوجه شود اعاده لازم نیست گرچه احوط است.

آیه الله زنجانی: لکن اگر اطمینان پیدا کند که هفت سنگ زده، یا به حدی بزند که اگر متعارف مردم این مقدار می‌زدند اطمینان پیدا می‌کردند، کافی است. و در هر حال اگر پس از خروج از مکه متوجه شد که رمی را ترک کرده، قضای رمی واجب نیست.

۲- آیه الله فاضل: در حالی که هنوز ذبح یا حلق را انجام نداده.

۳- آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام رمی به حفظ عدد سنگها توجه داشته یا بعد از گذشتن روز عید شك کرده، در این دو صورت اعتنا به شكش نکند.

۴- آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند.

سایر آیات عظام قائلند: اگر شك در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند.

آیه الله بهجت: اشکال ندارد.

۵- آیه الله فاضل: از رمی.

۶- آیه الله زنجانی: در تمام فروض این مسأله چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی به رعایت شرایط آن توجه داشته اعتنا به شكش نکند.

۷- آیه الله سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند، مطلقاً.

آیه الله فاضل: برای این استثناء وجهی به نظر نمی‌رسد.

آیه الله بهجت: گذشت در مسأله ۳۸۶

آیه الله خویی: اگر شك کند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنا بر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزند مگر آنکه شك وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس از فرارسیدن شب باشد.

ص: ۲۵۳

باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد اعتناء نکند.

(م ۱۰۱۲)

۳۸۹- در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث [\(۱\)](#) یا خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست. [\(۲\)](#)

(م ۱۰۱۴)

۳۹۰- مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.

[\(۳\)](#)

(م ۱۰۱۶)

۳۹۱- کسانی که عذر دارند از اینکه روزی می‌کنند می‌توانند شب عمل کنند، [\(۴\)](#)

۱- آیه الله زنجانی: رعایت طهارت از حدث مطابق احتیاط استحبابی است.

۲- آیه الله بهجت: خلاف احتیاط است.

۳- آیه الله بهجت: و اگر ممکن است مریض سنگ را بدست گیرد که دیگری بیندازد او را، و جمع کند بین این کار و استنابه علی الاحوط.

آیه الله زنجانی: مریضی که بدون مشقت شدید می‌تواند ولو با وسایل نقلیه به جمرات برود و خودش رمی کند باید خودش رمی کند والا نایب می‌گیرد و حضور در هنگام رمی واجب نیست.

۴- آیه الله بهجت: یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضائی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب.

آیه الله سیستانی: کسانی که شب از ماندن در مشعر معذور بودند مانند زنان و بیماران می‌توانند همان شب عید رمی کنند و اما پرستاران و همراهان آنها باید روز رمی کنند مگر اینکه آنها نیاز به همراهی در طول روز داشته باشند به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مستغنی نشوند و اما رمی در شب بعد کافی نیست و معذور باید نایب بگیرد مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذورند به جهت ترس یا بیماری یا غیر آن.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: شب قبل از آن روز.

آیه الله زنجانی: چند دسته‌اند که می‌توانند جمره عقبه را شب عید رمی کنند:

- ۱- بانوان. ۲- کودکان. ۳- ضعفایی که در رمی در روز بر آنها مشقت دارد. این گروه می‌توانند شبانه از مشعر کوچ کنند لکن در صورتی می‌توانند شب قبل رمی کنند که رمی در روز بر آنها حرجی باشد. ۴- کسی که از خطر رمی در روز بر خود می‌ترسد. ۵- بدهکاری که نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد و می‌ترسد با طلبکار مواجه شود. ۶- کسانی که باید همراه گروه‌های سابق از مشعر کوچ کنند. ۷- کسانی که باید تمام روز به تدارکات حجاج اشتغال داشته باشند و به این جهت نمی‌توانند در روز رمی کنند. ۸- کسانی که از رمی در روز عاجزند یا رمی در روز بر آنها مشقت شدید دارد. این چند گروه می‌توانند شب قبل رمی کنند و نمی‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند یا رمی را به شب بعد به تأخیر بیندازند.

ص: ۲۵۴

هر وقت شب که باشد. «(۱)»

(م ۱۰۱۸)

مستحبات رمی جمرات

«(۲)»

۳۹۲- در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال رمی.

۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَخْصِبْنِي لِي وَأَرْفَعْنِي فِي عَمَلِي»

۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

۱- آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: و فرقی نیست در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر که شب قبل رمی کنند یا شب بعد و تا وقتی خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند.

آیه‌الله مکارم: زنان و پیران می‌توانند در شب رمی کنند، همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرق نمی‌کند در شب قبل یا شب بعد.

آیه‌الله بهجت: و همچنین زنها و لو عذر نداشته باشند می‌توانند در شب رمی کنند و این مخصوص شب دهم است.

۲- آیه‌الله مکارم: این مستحبات را بقصد رجاء بجا آورد.

ص: ۲۵۵

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ اذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّدِي قَلْبًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا»

۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

(م ۱۰۱۹)

دوم از واجبات منی - ذبح است

اشاره

۳۹۳- واجب است بر کسی که حج تمتع بجای می آورد ذبح یک هدی، یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

(م ۱۰۲۰)

۳۹۴- در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول- آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنجسال نباشد و

ص: ۲۵۶

داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنابر احتیاط «(۱)» واجب کمتر از دو سال نباشد «(۲)» و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد، «(۳)» و در میش به احتیاط «(۴)» واجب کمتر از یکسال نباشد «(۵)» و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم- باید صحیح باشد «(۶)» پس حیوان مریض «(۷)» کافی نیست حتی مثل کچلی بنابر احتیاط.

سوم- باید خیلی پیر نباشد. «(۸)»

۱- آیه الله فاضل: اگر گاو داخل در سال دوم شده باشد کفایت می‌کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نباشد و همچنین است اگر قربانی بز باشد و اگر میش باشد کمتر از یک سال هم کفایت می‌کند ولی احتیاط مستحب است که کمتر از یکسال نباشد.

۲- آیه الله زنجانی: گاو و بز یک ساله کافی است و بنابر احتیاط مستحب دو ساله باشند.

۳- آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: بنابر احتیاط واجب.

۴- آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: گوسفند بایستی هفت ماهش تمام و وارد ماه هشتم باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یک سالش تمام و در سال دوم داخل شده باشد.

۵- آیه الله زنجانی: میش شش ماهه کافی است و بنابر احتیاط مستحب یک ساله باشد.

۶- آیه الله زنجانی: ذبح حیوانی که مبتلا به مرضی است که گوشتش را فاسد کرده کافی نیست و مجرد کچلی حیوان مانعی ندارد.

۷- آیه الله گلپایگانی، متعرض این حکم نشده‌اند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط اولی این است که مریض نباشد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که مریض نباشد.

آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب باید صحیح باشد.

۸- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احوط اولی آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: بنابر احتیاط واجب.

آیه الله خامنه‌ای: پیر نبودن قربانی شرط نیست.

آیه الله زنجانی: به طوری که استخوانش پوک شده باشد.

ص: ۲۵۷

چهارم «(۱)»- باید تام الاجزاء باشد، و ناقص کافی نیست. «(۲)» پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنابر اقوی کافی نیست، «(۳)» و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست «(۴)» و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم- باید لاغر نباشد، «(۵)» و اگر در گُرده او پیه باشد «(۶)» کافی است، و احتیاط «(۷)» آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم- باید «حَصَی» نباشد، «(۸)» یعنی باید خصیتین آن را بیرون

۱- آیات عظام خوبی، تبریزی، سیستانی: باید تام‌الاعضاء باشد پس کافی نیست کور هر چند یک چشم باشد و لنگ و گوش بریده و آن که شاخ داخلش شکسته است و مانند آن.

۲- آیه الله زنجانی: باید تام الاجزاء و سالم باشد پس ناقص و معیوب کافی نیست و تفصیل موارد آن در مناسک مذکور است.

۳- آیه الله خامنه‌ای، آیه الله بهجت: باید تام الاجزاء باشد پس کور و یک چشمی و لنگ و گوش بریده حتی اگر قلبی از گوش را بریده باشند و آنکه از شاخ اندرونی آن چیزی ناقص است مجزی نیست.

۴- آیه الله مکارم: لنگی مختصر عیب ندارد.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۵- آیه الله بهجت: باید لاغر نباشد و مشهور کفایت بودن پیه در گردهای اوست و احوط آنستکه علاوه براین او را در عرف لاغر نگویند.

۶- آیه الله مکارم، آیه الله زنجانی: بر کلیه آن مقداری چربی باشد کافی است.

۷- آیه الله سیستانی: معتبر است که قربانی عرفاً لاغر نباشد.

آیه الله خویی: باید عرفاً لاغر نباشد و پیه داشتن در گرده ملاک نیست.

۸- آیه الله فاضل، آیه الله تبریزی: بنابر احوط قربانی نباید اخته باشد.

ص: ۲۵۸

نیاورده باشند.

هفتم- باید بیضه آن را نکوبیده باشند «(۱)» به احتیاط «(۲)» واجب.

هشتم- باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگرچه خلاف احتیاط است. «(۳)»

۱- آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مستحب بیضه او را نتابیده و نکوبیده و نمالیده باشند.

۲- آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: احوط و اولی آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیه الله گلپایگانی: جایز است کشتن حیوانی که بیضه آن را کوبیده باشند.

آیه الله خامنه‌ای: کوبیده نبودن بیضه شرط نیست مگر اینکه به حدّ اخته شدن برسد.

آیه الله مکارم: اشکالی ندارد.

آیه الله بهجت: اظهر اجزاء موجوء است.

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: احوط و اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دم نداشته باشد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

آیه الله خامنه‌ای: فقدان اعضایی که در همه اصناف این حیوان وجود دارد و نقص محسوب می‌شود، مانع اجزاء است مانند بیضه و گوش و در غیر آنها مانند شاخ و دم اگر در این صنف از حیوان معمولاً وجود دارد، فقدان آن نقص محسوب می‌شود و مانع است و الا نه.

آیه الله مکارم: اگر در اصل خلقت بی دم باشد اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: باکی نیست اگر گوش او شکافته یا سوراخ باشد اگر چه احوط ترک این دو و ترک حیوانی که شاخ یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و همچنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که او را موجوء و مرضوض الخصیتین گویند اگرچه اظهر اجزاء موجوء است.

آیه الله زنجانی: ذبح حیوانی که در اصل خلقت گوش ندارد و همچنین حیوانی که دم نداشته و عرفاً ناقص به حساب می‌آید کافی نیست ولی اگر در اصل خلقت شاخ نداشته باشد اشکال ندارد.

ص: ۲۵۹

نهم - در اصل خلقت بی بیضه نباشد. «(۱)»

(م ۱۰۲۳)

۳۹۵- يك گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است «(۲)» که رسول خدا صلی الله علیه و آله صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

(م ۱۰۲۹)

۳۹۶- احتیاط واجب «(۳)» آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد. «(۴)»

(م ۱۰۳۲)

۳۹۷- اگر بواسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن در روز عید ذبح نکرد احتیاط واجب آن است که «(۵)» در ایام «تشریق» ذبح کند، و اگر نشد در

۱- - آیه الله مکارم: بنابر احتیاط.

آیه الله سیستانی، آیه الله بهجت: متعرض این فرع نشده‌اند.

۲- - آیه الله زنجانی: و در روایت است که در حج قران رسول خدا صلی الله علیه و آله ...

۳- - آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بنابر احتیاط اختیاراتاً جایز نیست ذبح هدی را از روز عید تأخیر بیندازد اگرچه اقوی جواز آن است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که ذبح در روز عید قربان باشد.

آیه الله بهجت: واجب است ذبح هدی در روز عید، و اما بعد از عید پس مجزیست در بقیه ذی الحجه اگر چه خلاف احتیاط است تکلیفاً تأخیر از آن بدون عذر خصوصاً تأخیر از ایام تشریق سه گانه.

آیه الله سیستانی: این احتیاط مستحب است و می تواند در روزهای تشریق هم قربانی کند.

۴- - آیه الله زنجانی: اختیاراتاً می تواند ذبح را تا روز دوازدهم به تأخیر بیندازد و در صورت عذر ذبح تا آخر ذی حجه مجزی است ولی باید ترتیب بین اعمال روز عید و همچنین بین حلق یا تقصیر و اعمال مکه رعایت شود. البته لزوم ترتیب بین رمی و ذبح و حلق یا تقصیر مخصوص عالم عامد است. و از این جا حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.

۵- - آیه الله بهجت: حکم آن در مسأله قبل بیان شد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلکه بدون تردید لازم است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: این احتیاط واجب نیست اگرچه مطلوب است و لکن اگر در غیر ایام نحر روز عید و سه روز بعد از آن بود بنابر احتیاط قصد ادا و قضا نکند، بلکه بقصد ما فی الذمه ذبح کند.

آیه الله سیستانی: اقوی آن است که می تواند در روزهای تشریق قربانی کند.

آیه الله مکارم: تا روز سیزدهم در هر حال جایز است ذبح کند.

ص: ۲۶۰

بقیه ماه ذی‌الحجه، و در تأخیر عمدی «(۱)» نیز همین حکم است. «(۲)»

(م ۱۰۳۳)

۳۹۸- احتیاط «(۳)» آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند. و یک قسمت را صدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند، و لکن هیچ‌یک از این احتیاطها واجب «(۴)»

۱- آیه الله خویی: اگر از روی علم و عمد ترک کرده و طواف بجا آورده باشد ظاهراً طوافش باطل و اعاده آن بعد از تدارک ذبح واجب است.

آیه الله خامنه‌ای: تأخیر عمدی را متعرض نشده‌اند.

۲- آیه الله سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حش باطل است و نیز بنا بر احتیاط واجب اگر جاهل مقصر باشد و اگر معذور باشد بنا بر احتیاط واجب باید بین روزه گرفتن و ذبح در مکه تا آخر ذی‌حجه جمع نماید.

۳- آیه الله فاضل: مستحب است که ...

۴- آیه الله مکارم: تقسیم ذبیحه به سه قسمت واجب نیست ولی واجب است که قسمتی از آن را به فقراء بدهند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن بدهد و اینکه هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد و در هدیه فقر شرط نیست.

آیه الله بهجت: احوط آنستکه قدری از ذبیحه بخورد و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند و لازم نیست بنا بر اظهر که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و نیز در خصوص سهم صدقه احوط آنستکه بر مؤمنین بوده باشد و اگر به اختیار خود به غیر مؤمن بدهد احوط ضمان اوست یعنی قیمت قدری از آن را بعنوان صدقه به فقیر می‌دهد و همین احتیاط در سهم هدیه به مثل اتلاف و بیع جاریست و عمل به احتیاط به مثل توسط فقیر یا استیکال او ممکن است، و در صورت عدم امکان، این تکلیف ساقط است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: این احتیاط واجب است ولی نسبت به صدقه انسان می‌تواند از فقیر مؤمن و نسبت به هدیه از مؤمن دیگری ولو از شهر خودش و کالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید و در صورتی که در منی متمکن از تقسیم نیست اخذ و کالت مزبور لازم است و اگر این عمل را با فرض تمکن انجام ندهد بنا بر احتیاط واجب ضامن است.

آیه الله سیستانی: در دو قسم اول با متن موافق هستند و اما در قسم سوم می‌فرمایند: بنا بر احتیاط واجب آن را به فقیرای مسلمانان صدقه دهد. و اگر صدقه دادن ممکن نباشد یا موجب مشقت و زحمت زیادی شود وجوب آن ساقط می‌شود و رساندن آن به خود فقیر لازم نیست بلکه کفایت می‌کند به وکیل او داده شود اگر چه وکیل خود قربانی کننده باشد آنگاه وکیل بر حسب اجازه موکل در آن تصرف می‌کند به هدیه دادن یا فروش یا اعراض از آن و یا غیر اینها.

آیه الله زنجانی: ولی واجب است حداقل یک‌سوم قربانی را به فقیر حرم- هر چند زائر باشد- صدقه بدهد.

ص: ۲۶۱

نیست، و اگر صدقه را به فقرا کفار بدهد یا آنکه تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست، «(۱)» لکن احتیاط خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.

(م ۱۰۴۰)

۳۹۹- جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند. «(۲)»

(م ۱۰۴۱)

۱- آیه الله سیستانی: بلکه به احتیاط واجب ضامن حصه فقراست مگر این که قربانی ارزش مالی خود را به دلیل فراوانی بیش از حد از دست بدهد.

۲- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: باید نیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند هر چند احوط و اولی نیت نمودن اوست.

آیه الله گلپایگانی: علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند.

آیه الله مکارم: نیت را حاجی می کند.

آیه الله صافی: و احوط آن است که علاوه بر نایب خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیل او را که از طرف او برای ذبح نایب می گیرد می فرستد نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد.

آیه الله زنجانی: در ذبح قربانی و کفارات مباشرت معتبر نیست پس حاجی می تواند از کسی بخواهد برایش ذبح کند بلکه می تواند دیگری را نایب خود قرار دهد و در صورت اول هنگام ذبح باید خود حاجی قصد داشته باشد که «برای حج تمتع قربانی می کنم قربان الی الله» و لازم نیست که ذابح نیت انجام قربانی برای حج یا قصد قربت داشته باشد بلکه همین که قربانی او را ذبح می کند کافی است هر چند به نیت او نباشد یا اصلاً کسی را نیت نکند و چون کار ذابح نیابت نیست بلا اشکال ایمان در او معتبر نیست و حکم صورت دوم در مناسک مذکور است. و از این جا حکم مسأله بعد نیز روشن می شود.

ص: ۲۶۲

۴۰۰- احتیاط واجب «(۱)» آن است که ذابح مؤمن باشد، «(۲)» بلکه خالی از قوت نیست، و همینطور در ذبح کفارات.

(م ۱۰۴۲)

۴۰۱- ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

(م ۱۰۴۴)

۴۰۲- اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر

۱- آیات عظام خامنه‌ای، نوری، فاضل: در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد و اما اگر از او خصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: این احتیاط واجب نیست.

۲- آیه الله بهجت: ایمان شرط نیست ولی شرائط دیگر را باید دارا باشد.

آیه الله مکارم: تمام مسلمانان که ذبیحه آنان پاک و حلال است می‌توانند ذبح کنند.

آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی: اگر مسلمان باشد کفایت می‌کند و شیعه بودن ذابح لزومی ندارد.

ص: ۲۶۳

شرایط را اعتناء نکند. «(۱)»

(م ۱۰۴۶)

۴۰۳- اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

(م ۱۰۵۱)

۴۰۴- مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را. «(۲)»

(م ۱۰۵۲)

۴۰۵- باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره «(۳)» بجا آورد و قبل از آن نمی‌تواند. «(۴)»

(م ۱۰۶۷)

۴۰۶- هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

(م ۱۰۶۸)

۴۰۷- احتیاط واجب «(۵)» آن است که پی در پی بجا آورد.

(م ۱۰۶۹)

۱- آیه الله سیستانی: و همچنین اگر شك در این باشد که محل ذبح منی بوده یا جای دیگر.

آیات عظام فاضل، خوبی، زنجانی: در صورتی که احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده.

آیه الله بهجت، متعرض نشده‌اند.

۲- آیه الله فاضل: و قدرت اقتراض یا فروش زاید از مؤونه سفر را هم که در مسائل آینده گفته می‌شود نداشته باشد.

آیه الله زنجانی: هر چند بتواند با کسب یا قرض آن را تحصیل کند.

۳- آیه الله زنجانی: بلکه باید بعد از محرم شدن به احرام حج روزه بگیرد.

۴- آیه الله فاضل: یعنی تا زمانی که محرم به احرام عمره تمتع نشده نمی‌تواند این سه روز را بگیرد اما بعد از احرام عمره تمتع

اگر چه محل هم باشد این سه روز روزه را باید در ماه ذی‌الحجه بگیرد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر

نگیرد.

۵- آیه الله بهجت: اظهر عدم وجوب توالی است.

آیات عظام گلپایگانی، فاضل، مکارم، سیستانی، صافی: بنا بر احتیاط مستحب

آیه الله خوبی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که هفت روز پی در پی باشد.

آیه الله زنجانی: سه روز روزه و همچنین هفت روز روزه باید پی در پی باشد مگر در مواردی که ذکر شده است.

ص: ۲۶۴

۴۰۸- تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست. «(۱)» و فروش یا هبه سهم فقیر «(۲)» قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است، «(۳)» بنابراین، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند صحیح نیست.

(م ۱۰۷۷)

۴۰۹- گفته می‌شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی مُحَسَّر ساخته شده «(۴)» و در اینصورت هر چند در صورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است. «(۵)»

۱- نظر آیات عظام در ۳۹۸ گذشت.

۲- آیه الله فاضل: توسط فقیر یا وکیل او.

۳- آیات عظام خویی، تبریزی، بهجت: جایز است قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

آیه الله سیستانی: جایز است قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی پس از ذبح و قبض طبق خواسته او تصرف کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: نسبت به صدقه و اهداء، انسان می‌تواند از فقراء و مؤمنین آشنا در شهر خود وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید.

آیه الله زنجانی: جایز است از فقیری که در حرم است - خواه اهل حرم باشد یا نباشد - وکالت بگیرد که بعد از ذبح ثلث ذبیحه را از طرف او قبض نموده و آن را رها نماید یا به مبلغ معینی از او بخرد.

۴- آیه الله خامنه‌ای: لزوم تأخیر تا آخر ذی‌الحجه برای قربانی در منی را متعرض نشده‌اند.

۵- آیه الله فاضل: می‌توانند در روز عید در مذبح فعلی ولو خارج از منی باشد قربانی کنند و بقیه اعمال را انجام دهند.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: پس اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد اگرچه تا آخر ذی‌الحجه، حلق یا تقصیر نماید و محل شود و ذبح را تأخیر بیندازد و همچنین طواف و نماز طواف و سعی را تأخیر بیندازد و الا جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفاء کند، لازم به تذکر است اگر در روز عید متمکن از ذبح در منی نبود و احتمال بقاء عذر تا آخر ذی‌حجه را بدهد می‌تواند در مسلخ‌های جدید ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد اعاده نماید.

آیه الله تبریزی: وجایی که مشکوک است که منی باشد، میت و ذبح و تقصیر در حال اختیار هم مجزی است. و اگر در وادی محسر هم میسور نبود در هر کجای حرکت که باشد ذبح مجزیست و احتیاط واجب این است که حتی المقدور به منی نزدیک باشد آیه الله بهجت: اگر به علت تغییر محل، ذبح در منی ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن ولو تا آخر ماه ذی‌حجه موجب عسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از منی اشکال ندارد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت تمکن از ذبح در ایام تشریق لازم است ذبح را تأخیر نماید بلکه لزوم تأخیر تا آخر ذیحجه بعید نیست ولی حلق را روز عید انجام دهد و با این عمل از احرام مخیط خارج می‌شود و باقی اعمال را به ترتیب بجا آورد. و اگر بکلی ذبح در منی ممکن نبود ذبح در وادی محسر کافی است.

آیه الله سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آنکه بداند که نمی‌تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و نیز اگر

ذبح در منی و وادی محسر قرار روز سیزدهم ذی حجه ممکن یا میسر نبود در هر کجای حرم که باشد ذبح نماید.
آیه الله مکارم: بدون شک تمام مذابح فعلی خارج از منی است و بنابراین می‌تواند در آنجا ذبح کند یا در وطن خود.

ص: ۲۶۵

(م ۱۰۷۸)

۴۱۰- کسی که اجیر در حج است می‌تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجتی که موکلش از طرف موکل خود «(۱)» انجام می‌دهد را می‌نماید. «(۲)»

(م ۱۰۷۹)

۱- آیه الله زنجانی: منوب عنه خود.

۲- به مسأله ۳۹۹ ذبح مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: وکیل باید نیت کند آن قربانی که بر موکلش واجب است.

آیه الله مکارم: نیت قربانی را نایب اصلی می‌کند.

ص: ۲۶۶

۴۱۱- اگر جمعی از حجاج پول روی هم بگذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند بخرد و در وقت ذبح هر گوسفند را برای یک نفر «(۱)» قصد کند و قربانی نماید، چنانچه صاحبان پول راضی باشند مانع ندارد «(۲)» هر چند بین گوسفندان تفاوت قیمت باشد و همه به یک اندازه پول داده باشند.

(س ۱۰۸۲)

۴۱۲- ذبح بدون گرفتن و کالت از طرف دیگری کافی نیست «(۳)» هر چند مطمئن باشد که وقتی بفهمد راضی و خوشحال می‌شود.

(س ۱۰۸۸)

۴۱۳- ذبح باید با آهن باشد «(۴)» و اگر شک داشته باشد که چاقو از آهن است یا فلز دیگر صحیح نیست. «(۵)»

(س ۱۰۹۴)

۱- آیه الله زنجانی: برای یک نفر مشخص.

۲- آیه الله فاضل: لکن بهتر است که و کالت بگیرد در مقابل وجه مورد توافق یک گوسفند به نیابت از او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح نایب هم بگیرد.

۳- آیه الله بهجت: چنانچه احراز رضایت کرد و شاهد حال هم دال بر رضایت بود به طوریکه اگر او بفهمد راضی است کفایت می‌کند.

آیه الله خامنه‌ای: این ذبح محل اشکال است و احتیاط واجب اکتفا نکردن به ذبح نایب است بدون اذن قبلی از منوب‌عنه.

آیه الله زنجانی: اذن کافی است و و کالت لازم نیست.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد ولی رضایت قلبی کافی نیست.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح و کالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد.

۴- آیه الله زنجانی: ذبح با کاردی که در تیزی از چاقوی آهنی کمتر نیست مجزی است.

۵- آیه الله مکارم: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

آیه الله خامنه‌ای: وسیله ذبح باید آهن باشد و استیل فولاد همراه با مواد ضد زنگ در حقیقت همان آهن است و ذبح با آن مانع ندارد.

آیه الله فاضل: ذبح با کارد استیل مانعی ندارد.

آیه الله خویی: ذبح به آن مانعی ندارد.

آیه الله تبریزی: مانعی ندارد، بلی اگر در محل ذبح آهن باشد احتیاط مستحب آن است که با آن ذبح کند.

آیه الله بهجت: اگر در تیزی و حدت مثل آهن باشد تا انتهای ذبح، بعید نیست حکم آهن را داشته باشد به الغاء خصوصیت.

آیه الله صافی: اگر محرز نباشد که استیل آهن است صحیح نیست.

آیه الله سیستانی: خالی از اشکال نیست.

آیه الله نوری: ذبح با کاردهای استیل که در برندگی مثل آهن است نیز جایز است.

ص: ۲۶۷

۴۱۴- محرم می‌تواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید. «(۱)»

(س ۱۰۹۸)

۴۱۵- اگر قربانی را از پول غیر مخمس تهیه کند کفایت نمی‌کند. «(۲)»

(س ۱۱۰۰)

۱- آیه الله زنجانی: و اگر ذبح باعث نجس شدن لباس یا بدنش شود تا خودش حلق یا تقصیر نکرده در صورت امکان جایز نیست برای دیگری ذبح نماید، هر چند صحیح است.

۲- به مسأله ۲۴۶ مراجعه شود.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است قربانی صحیح است.

آیه الله مکارم: کفایت می‌کند.

آیه الله بهجت: اگر معامله به ذمه باشد ظاهراً کافی است.

آیه الله سیستانی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است قربانی صحیح است ولی ضامن خمس است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر به ثمن در ذمه باشد اشکال ندارد.

آیه الله زنجانی: ظاهراً کفایت می‌کند ولی خلاف احتیاط استحبابی مؤکد است مخصوصاً اگر معامله با شخص پول غیر مخمس انجام گرفته باشد.

ص: ۲۶۸

۴۱۶- اگر کسی را وکیل در قربانی نمود چنانچه وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند وکیل نمی‌تواند به دیگری وکالت بدهد.

(س ۱۱۰۵)

۴۱۷- محرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر یا تبدیل کند «(۱)» و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد. «(۲)»

(س ۱۱۰۷)

۴۱۸- بنا بر احتیاط واجب «(۳)» باید تخم‌های گوسفند قربانی تابیده نشده باشد. «(۴)»

(س ۱۱۱۱)

مستحبات هدی

۴۱۹- مستحبات هدی چند چیز است «(۵)»:

۱- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۱- - آیه الله بهجت: بنا بر احوط.

آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.

۲- - آیه الله صافی: احتیاط مستحب تعویض یا تطهیر آن است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط لباس را تطهیر کند.

۳- - آیه الله زنجانی: در حاشیه مسأله ۳۹۴ گذشت که رعایت این احتیاط مستحب است.

۴- - آیه الله خامنه‌ای: اگر به حدّ اخته شدن برسد مجزی نیست.

آیه الله خویی: مسأله در مورد کوبیده نبودن و تابیده و مالیده نبودن مبتنی بر احتیاط استحبابی است بلی باید خصی یعنی اخته نباشد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: به مسأله شرایط هدی مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب است.

آیه الله بهجت: به مسأله ۳۹۳، شرط هفتم مراجعه شود.

۵- - آیه الله مکارم: به قصد رجاء و امید ثواب بجا آورد.

ص: ۲۶۹

۲- قربانی بسیار فربه باشد.

۳- در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ أَنْصِي لَاتِي وَنُسْكِ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ امْرُتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۵- اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

(م ۱۱۱۹)

ص: ۲۷۰

سوم از واجبات منی تقصیر است

اشاره

۴۲۰- هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن «(۱)» یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:
 اول- زنها که باید از مو یا ناخن «(۲)» خود قدری بگیرند، و کافی نیست ظاهراً «(۳)» برای آنها سر تراشیدن.
 دوم- کسی که سال اول حج او باشد، «(۴)» که باید سر «(۵)» بتراشد به احتیاط واجب. «(۶)»
 (م ۱۱۲۰)

- ۱- آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن کافی نیست بنابر احتیاط واجب و اگر خواست ناخن بگیرد باید بعد از کوتاه کردن مو باشد.
- آیه الله زنجانی: بنابر احتیاط مستحب مؤکد برای تقصیر کوتاه کردن مو را اختیار کند و همچنین است حکم تقصیر بانوان.
- ۲- آیه الله فاضل: و سر تراشیدن برای آنها کافی نیست.
- آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست.
- ۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: سر تراشیدن برای آنها جایز نیست.
- ۴- آیه الله زنجانی: مردی که برای خودش حجه الاسلام بجا می‌آورد باید سرش را بتراشد، هر چند حج اول او نباشد، و می‌تواند با ماشینی که مانند تیغ از ته می‌چیند، سرش را بتراشد و همچنین بر دو دسته دیگر حلق واجب است:
 - ۱- مردانی که موهای خود را با ماده‌ای مانند صمغ یا شیره چسبانده‌اند.
 - ۲- مردانی که موهای خود را پیچیده و بافته‌اند.
- ۵- آیه الله بهجت: سر تراشیدن در این مورد دوّم و نیز سوم و چهارم مستحبّ مؤکد است.
- آیه الله نوری: مخیر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو یا چیدن ناخن می‌باشد.
- ۶- آیات عظام خویی، فاضل، تبریزی: احتیاط مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هر چند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست.
- آیه الله مکارم: چنین کسی نیز مخیر است و سر تراشیدن متعین نیست.

ص: ۲۷۱

۴۲۱- احتیاط آن است کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراشد. «(۱)»

(م ۱۱۲۲)

۴۲۲- در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو و با هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، «(۲)» و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

(م ۱۱۲۳)

۴۲۳- جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد، و همچنین در تقصیر و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند. «(۳)»

(م ۱۱۲۵)

۴۲۴- محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و جایز نیست اختیاراً در غیر آنجا. «(۴)»

(م ۱۱۳۰)

۴۲۵- احتیاط «(۵)» آن است که در روز عید باشد اگرچه بعید نیست جواز

۱- آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل: باید سر را تماماً بتراشد.

آیات عظام خویی، تبریزی، زنجانی: بلکه باید تمامش را بتراشد.

۲- آیه الله مکارم: کفایت ناخن گرفتن به تنهایی مشکل است.

آیه الله زنجانی، آیه الله سیستانی: رجوع شود به مسأله ۴۲۰

۳- آیه الله سیستانی: در رابطه با نیت سلمانی مطلبی در دست نیست.

آیه الله خویی، متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: از آن جا که عمل سلمانی از باب نیابت نیست وجهی برای نیت کردن او وجود ندارد.

۴- آیه الله زنجانی: باید موی حاجی در منی ریخته شود بلکه بنا بر احتیاط، باید حلق و تقصیر نیز در منی انجام شود.

۵- آیه الله نوری: این احتیاط ترک نشود.

آیه الله خامنه‌ای: این احتیاط واجب است.

آیه الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که از روز عید تأخیر نشود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد، و اگر روز عید نکرد تا آخر ذیحجه وقت دارد.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است و اختیاراً تأخیر حلق و تقصیر تا آخر ذی حجه تا زمانی که بتواند اعمال مکه را در ذی حجه را بجا آورد مانعی ندارد.

ص: ۲۷۲

تأخیر تا آخر ایام تشریق. «(۱)»

(م ۱۱۳۱)

۴۲۶- اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند، و موی خود را بفرستد «(۲)» به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود. «(۳)»

(م ۱۱۳۳)

۴۲۷- اگر قربانی بدلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنا بر احتیاط نمی‌تواند «(۴)» حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب

۱- آیه الله سیستانی: آخر وقت آن را ذکر نفرموده‌اند.

۲- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: مستحب است موی خود را بفرستد.

۳- آیه الله مکارم: یا غیر خیمه خود.

۴- آیه الله خامنه‌ای: تأخیر حلق یا تقصیر از روز عید بر کسی که ذبح را تأخیر انداخته واجب نیست بلکه احتیاط واجب آن است که حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و لکن طواف حج قبل از ذبح محل اشکال است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: می‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود ولی اعمال مکه باید بعد از قربانی و حلق انجام شود.

آیه الله خوئی، آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب باید در این صورت در روز عید حلق یا تقصیر نماید و از احرام خارج می‌شود ولی اعمال مکه را بعد از ذبح انجام دهد.

آیه الله نوری: بلکه باید روز عید حلق کند و تأخیر نیندازد.

آیه الله زنجانی: بلکه نباید حلق کند و رعایت ترتیب بین اعمال روز عید و بین حلق و تقصیر و اعمال مکه لازم است.

ص: ۲۷۳

بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الاحوط. «(۱)»

(م ۱۱۴۲)

۴۲۸- تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هر چند عمدی باشد «(۲)» و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند. «(۳)»

(م ۱۱۴۳)

۱- آیه الله نوری: به حسب جمع بین روایات، ترتیب مستحب است ولی چون شهرت بر وجوب قائم شده احوط رعایت ترتیب است در صورت امکان و عند الضرورة خلاف ترتیب مانعی ندارد و در فرض سؤال اگر ذبح را تأخیر انداخت، تأخیر حلق جایز نیست.

آیه الله مکارم: و اگر رعایت این احتیاط واجب را نکند عمل او باطل نیست.

آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط، قربانی باید در روز عید باشد و چنانچه قربانی در روز عید ممکن نباشد می‌تواند بعد از رمی حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و مُحَلَّ شُود و قربانی را تأخیر بیندازد.

آیه الله صانعی: المستحب در قربانی و حلق.

آیه الله سیستانی: اگر قربانی را در منی تهیه کرد جایز است تقصیر یا حلق.

۲- آیه الله زنجانی: رجوع شود به مسأله ۴۲۵ و حاشیه آن.

۳- آیه الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصیر باید در روز عید باشد و اگر تأخیر انداخت انجام آن در شب یازدهم یا بعد از آن کافی است.

آیه الله سیستانی: حلق در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عید تأخیر نشود ولی بعد از عید در شب هم کافی است.

آیه الله مکارم: احتیاط در ترک حلق در شب است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عید ترک نمود، روز یازدهم باید حلق کند. معظم له متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده‌اند.

آیه الله خویی، آیه الله بهجت: احتیاط واجب این است که در روز انجام شود، و آیات عظام متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده‌اند.

آیه الله تبریزی: احتیاط واجب در عدم تأخیر عمدی است. چنانکه گذشت بنا بر احتیاط حلق باید در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.

آیه الله زنجانی: حلق و تقصیر در شب عید جایز نیست مگر برای خائف و زنی که از حیض شدن می‌ترسد و انجام آن در شب‌های بعد مانعی ندارد.

ص: ۲۷۴

۴۲۹- کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن «(۱)» می‌باشد بنا بر احتیاط، جایز نیست «(۲)» بواسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هرچند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد. «(۳)»

(م ۱۱۴۵)

۴۳۰- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد «(۴)» ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر. «(۵)»

(م ۱۱۴۶)

۴۳۱- گفته می‌شود که مسلخ جدید در منی نیست اگر پس از قربانی همانجا حلق یا تقصیر کنند چنانچه منی نبوده یا محرز نیست منی بودن آن

۱- - آیه‌الله نوری: مخیر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و یا چیدن ناخن که در مسأله ۴۲۰ ذکر شد می‌باشد.

۲- - آیه‌الله زنجانی: بلکه بنا بر اقوی جایز نیست.

۳- - به مسأله ۴۱۹ مراجعه شود.

آیه‌الله سیستانی: اگر با ماشین ته زن بتراشند کافی است گرچه احتیاط مستحب تراشیدن با تیغ است.

آیه‌الله مکارم: کوتاه کردن کافی است.

۴- - آیه‌الله زنجانی: هرچند اگر حلق یا تقصیر کند صحیح است مخصوصاً اگر حرمت آن را ندارند.

۵- - آیه‌الله بهجت: و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود هر چند با فعلی که بر غیر حرام است انجام گیرد.

آیه‌الله سیستانی: و مجزی نیز نمی‌باشد.

ص: ۲۷۵

باید حلق و تقصیر اعاده شود. «(۱)»

(س ۱۱۴۹)

۴۳۲- اگر در مواردی که حاجی باید حلق کند بجای حلق تقصیر نماید چنانچه جاهل به مسأله بوده کفارہ ندارد و در فرض علم احوط است «(۲)» و در فرض مسأله بنا بر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکّه را بجا آورده اعاده نماید. «(۳)»

(م ۱۱۵۲)

۴۳۳- کسی که در سال دوم حجّ است «(۴)» می‌تواند تقصیر کند هر چند حجّ او نیابی از کسی باشد که هنوز به حج نرفته است.

(م ۱۱۵۳)

۱- آیه الله فاضل: مگر اینکه از روی جهل قصور و یا غفلت و نسیان در غیر منی حلق کرده باشد، هر چند که در صورت امکان و عدم عسر و حرج بهتر است به منی برگردد و تقصیر کند و اعمال مترتبه را اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر جهلاً یا نسیاناً در غیر منی حلق یا تقصیر کرده صحت آن بعید نیست اگر چه احوط و اولی حلق و تقصیر در منی و اعاده اعمال مترتبه است.

آیه الله زنجانی: بنا بر احتیاط باید حلق و تقصیر در منی انجام گیرد و چنانچه پس از کوچ کردن از منی متوجه شده که خارج منی حلق و تقصیر کرده می‌تواند هر جا که هست حلق یا تقصیر کند و لازم نیست برای حلق و تقصیر به منی برگردد ولی باید موی خود را به منی بفرستد.

آیه الله مکارم: این حکم در صورتی است که عمدتاً باشد ولی در صورت جهل یا نسیان عمل او صحیح است، اما چنانچه می‌تواند به منی برگردد و سر خود را بترشد یا کوتاه کند.

۲- آیه الله زنجانی: در فرض علم باید کفارہ بدهد و در هر حال باید حلق کرده اعمال مکّه را بجا آورد.

۳- آیه الله بهجت: به ذیل مسأله ۴۲۰ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: به حاشیه مسأله ۴۲۰ مراجعه شود.

آیه الله مکارم: چنانچه گذشت حلق واجب نیست.

آیه الله تبریزی: به مسأله مناسک محشّی مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: در فرض جهل اعاده واجب نیست گرچه احوط است.

۴- آیه الله زنجانی: مردی که حجی غیر از حجّه الاسلام خود را بجا می‌آورد بین حلق و تقصیر مخیر است هر چند حجّه الاسلام نیابی باشد یا اولین سال حج خودش باشد.

ص: ۲۷۶

۴۳۴- اگر مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و قبل از اینکه حلق تمام شود بقیه را کوتاه کند و سپس بتراشد این کار جایز نیست (۱) و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است. (۲)

(م ۱۱۵۵)

۴۳۵- کسی که قبلاً حج بجا آورده است ضروره نیست (۳) و می‌تواند تقصیر نماید هر چند زمانی که حج اول را بجا آورده بالغ نبوده باشد. (۴)

(م ۱۱۵۹)

مستحبات حلق

۴۳۶- در حلق چند چیز مستحب است:

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد. (۵)

(م ۱۱۷۱)

۱- آیه الله فاضل: بلی می‌تواند به قصد تقصیر مقداری از موی سر خود را بچیند، و در این فرض لازم نیست بقیه سر را حلق کند.

۲- مراجعه شود به مسأله ۴۲۰

آیه الله سیستانی، آیه الله زنجانی: اگر با ماشین ته زن بزند کفایت از حلق می‌کند.

آیه الله مکارم: کوتاه کردن کافی است.

آیه الله بهجت: اگر ضروره است در فرض مذکور باید تقصیر کند.

آیه الله خویی: ماشین کردن تقصیر حساب می‌شود و مجزی است.

۳- آیه الله زنجانی: ضروره کسی است که برای خودش حجه الاسلام بجا می‌آورد هر چند سال اول حج او نباشد و بر مرد ضروره حلق واجب است.

۴- آیه الله مکارم: حلق برای ضروره واجب نیست.

۵- آیه الله بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند ... و احوط آنستکه از اطراف سروریش و شارب مو بگیرد و ناخنهارا بگیرد.

ص: ۲۷۷

واجبات بعد از اعمال منی

اشاره

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

(ص ۴۴۱)

۴۳۷- جایز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج، و جایز است «(۱)» تأخیر

بیندازد تا «(۲)» روز یازدهم و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی الحجه به این معنی که روز آخر ذی الحجه هم اگر آمد

واعمال را بجا آورد مانع ندارد. «(۳)»

(م ۱۱۷۲)

۴۳۸- اعمالی که در مکه واجب است بجا بیاورد:

اول- طواف حج است که آن را طواف زیارت می‌گویند.

دوم- نماز طواف است.

سوم- سعی بینصفا و مروه است.

چهارم- طواف نساء است.

پنجم- نماز طواف نساء است.

(م ۱۱۷۳)

۴۳۹- کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی

گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف

۱- آیه الله سیستانی: و بنابر احتیاط مستحب از روز یازدهم تأخیر نینتند.

۲- آیه الله بهجت: در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است احوط عدم تأخیر است اگرچه جواز تأخیر تا بعد از ایام تشریق

بلکه تا تمام ذی حجه بعید نیست، و محلّ خلاف جواز تکلیفی است نه وضعی.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر چه احوط آنست که تأخیر نیاندازد.

ص: ۲۷۸

نساء بجا آورد.

۴۴۰- جایز نیست «(۱)» طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی بجا آورد در حال اختیار. «(۲)»

(م ۱۱۷۵)

۴۴۱- چند طایفه‌اند که برای آنها جایز است «(۳)» طواف حج و نماز و سعی و طواف «(۴)» نساء و نماز آن را بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند

۱- آیه الله سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی مقدم‌بدارد اکتفا به آنها مورد اشکال است اگر چه خالی از وجه نمی‌باشد.

۲- آیه الله بهجت، آیه الله زنجانی: و چنانچه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده و یک گوسفند کفاره بدهد چنانچه گذشت.

۳- آیه الله بهجت: اظهر جواز تقدیم برای صاحب عذر است و احوط آنستکه تقدیم کند و بعد از آن اگر ممکن شود اعاده آن در ایام تشریق کند و الا در باقی ماه ذی حجه اعاده نماید و اگر ممکن نشد استنابه نماید علی الاحوط، و اگر می‌داند مورد چهارم که در تمام ماه ممکن نمی‌شود پس بی اشکال تقدیم واجب است و احوط جمع بین تقدیم و استنابه است.

۴- آیه الله بهجت: ... طواف نساء و نماز آن علی المشهور الأظهر....

آیه الله خویی: تقدیم طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می‌توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند. و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند. و اولی و بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی‌الحجه کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد می‌تواند طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین مقدم بدارد بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود.

آیه الله تبریزی: کسی که از رفتن به مکه یا از مباشرت به اعمال بعد از رجوع از منی بر جان خود می‌ترسد او فقط می‌تواند طواف نساء و نمازش را نیز مقدم بدارد و بقیه طوائف معذورین طواف حج و نماز آن را مقدم می‌کنند و بنا بر احتیاط مستحب سعی را هم مقدم کنند و بعد در وقت خودش اعاده کنند و چنانچه سعی را مقدم کردند احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

آیه الله گلپایگانی: احوط برای این چند طائفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاءاً، سپس اعاده بعد از مناسک منی در صورت تمکن و الا باید نائب بگیرد.

ص: ۲۷۹

قبل از رفتن به عرفات بجا آورند، «(۱)» و عمل آنها مجزی است:

اول- زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم- پیرمردها یا پیر زنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت «(۲)» یا عاجز از برگشتن به مکه باشند. «(۳)»

۱- - آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله زنجانی: بر کسانی که خوف آن دارند که به دلیلی نتوانند به مکه مراجعت کنند واجب است تمام اعمال مکه- طواف حج، سعی، طواف نساء و نمازهای طواف- را بر وقوفین مقدم کنند و عمل آنها مجزی است هر چند کشف خلاف شود، اما سایر طوایفی که ذکر می‌شوند نمی‌توانند طواف نساء و نمازش را مقدم بدانند و آنها عبارتند از: ۱- کسانی که به جهتی مانند حیض یا پیری زیاد یا بیماری نمی‌توانند یا می‌ترسند که نتوانند اعمال مکه را بعد از برگشتن از منی انجام دهند، بر اینها واجب است طواف حج و نماز آن و سعی- بدون طواف نساء- را بر وقوفین مقدم بدانند و مجزی است. ۲- کسانی که انجام طواف و سعی در زمان خودش بر آنها حرجی باشد مانند گروهی از کهنسالان و بیماران، بر این گروه جایز است طواف حج و نماز آن و سعی را بر وقوفین مقدم بدانند و مجزی است. ۳- کسانی که خوف آن دارند که اعمال مکه در زمان خودش برای آنها ایجاد حرج کند این گروه می‌توانند طواف حج و نماز آن و سعی را به نیت رجاء مقدم کنند که اگر بعداً معلوم شد واقعاً حرجی بوده است می‌تواند به آن اکتفا کند و این سه طایفه کسانی هستند که مطمئن هستند که می‌توانند به مکه مراجعت کنند.

۲- - آیه الله فاضل: و نتواند صبر کند تا ازدحام تمام شود.

۳- - آیه الله خوئی: کلمه مریض در مناسکی که متن معتمدالعروه است ذکر شده: «إِنَّمَا يَجُوزُ تَقْدِيمُ الطَّوَّافِ لِلْعَاجِزِ كَالشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْمَرِيضِ وَالْمَرْأَةِ الَّتِي تَخَافُ الْحَيْضَ».

آیه الله سیستانی: مناط عسر است نه عجز.

ص: ۲۸۰

سوم- اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن. «(۱)» چهارم- کسانی که می‌دانند «(۲)» تا آخر ماه ذی الحججه به جهتی برای آنها ممکن نمی‌شود طواف و سعی. «(۳)»

(م ۱۱۷۶)

۴۴۲- سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط «(۴)» است.

(م ۱۱۷۷)

۴۴۳- شخص محرم که بواسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام شد که در سابق بتفصیل ذکر شد در سه موقع و بعد از سه عمل بتدریج آنها بر او حلال می‌شود «(۵)»:

اول- بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن همه چیز

۱- آیه الله سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیه الله فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکه بمانند.

۲- آیه الله سیستانی: کسانی که می‌ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

۳- آیه الله خویی، متعرض این فرع نشده‌اند.

۴- آیه الله مکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

آیه الله بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: احتیاط آنست که بعد از برگشتن از منی اگر ممکن شود در ایام تشریق و گرنه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورند.

۵- آیه الله زنجانی: در چهار مرحله حلال می‌شود: مرحله اول بعد از ذبح است که انجام حلق یا تقصیر که از مناسک حج است حلال می‌گردد و اگر حلق مستلزم بیرون آوردن خون باشد آن هم حلال می‌شود.

ص: ۲۸۱

حلال می‌شود مگر بوی خوش و زن. «(۱)» دوم- بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بینصفا و مروه به تفصیلی که گذشت، حلال می‌شود بر او بوی خوش، «(۲)» ولی زن بر او حرام است. «(۳)» سوم- بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می‌شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می‌شود، و اماصید کردن «(۴)» در حرم حرام است برای همه کس چه محرم و چه محلّ. «(۵)» (م ۱۱۷۹)

- ۱- آیه الله سیستانی: همه استمتاعات جنسی بر حرمت خود باقی است ولی عقد کردن چه برای خود چه برای دیگران و همچنین شهادت بر عقد پس از حلق یا تقصیر جایز است.
آیه الله زنجانی: یعنی استمتاعات از زن.
آیه الله مکارم: احتیاط در ترک صید است هر چند در خارج حرم باشد.
- ۲- آیه الله بهجت: و این احوط است امّا اقوی بودن آن در قبال قول به حلّیت بعد از نماز طواف و قبل از سعی محتاج به تأمل است.
- ۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: صید و زن بر او حرام است و احوط در حج تمتّع آنست که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب نماید.
- ۴- آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی: فقط چیزی که از حرامها باقی می‌ماند شکار است که تاظهر روز سیزدهم حرام است بنا بر احتیاط واجب.
- آیه الله بهجت: امّا کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم ندارد و شامل غیر محرم نیز است، ولی حلّیت صید احرامی به مجرد تمامیت مناسک منی بی وجه نیست.
- ۵- آیه الله زنجانی، آیه الله فاضل: و همچنین سایر محرمات حرم مانند کندن گیاه آن بر حرمت خود باقی است.

ص: ۲۸۲

۴۴۴- کسانی که بواسطه عذر مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء «(۱)» را مقدّم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود، و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

(م ۱۱۸۰)

۴۴۵- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بیچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولیّی، او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب «(۲)» طواف نساء بدهد «(۳)» تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

«(۴)»

(م ۱۱۸۱)

۱- - آیه الله زنجانی: در مسأله ۴۴۱ گذشت که تقدیم طواف نساء مخصوص کسانی است که می‌ترسند برای آنها مشکلی پیش آید که نتوانند به مکه باز گردند.

۲- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: واجب است

آیه الله خامنه‌ای، نظر ایشان نسبت به این فرع یافت نشد.

۳- - آیه الله زنجانی: بر ولی یا کسی که به اذن او صبی را احجاج کرده است واجب است او را طواف نساء بدهد و ثمره آن این است که بعد از بلوغ همسر بر او حلال می‌شود.

۴- - آیه الله سیستانی: همانگونه که گذشت با حلق یا تقصیر عقد حلال می‌شود و اما حلیت استمتاع در صبی ممیز متوقف است بر اتمام اعمال و در مورد غیر ممیز نظر ایشان در دست نیست.

آیه الله فاضل: مجنون و مغمی علیه رانیز اگر محرم کرده‌اند طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.

آیه الله خویی: حکم صبی ممیز مانند حکم مرد است. ولی راجع به صبی غیر ممیز که او را به حج می‌برند فتوای ایشان در دست نیست.

آیه الله تبریزی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولیکن بنا بر احتیاط استمتاع جایز نمی‌شود، گرچه اظهار اختصاص حرمت به جماع است.

آیه الله گلپایگانی: متعرض خصی و خنثی نشده‌اند ولیکن در مورد مجنونی که ولیّش او را محرم کرده طواف نساء را لازم می‌دانند.

ص: ۲۸۳

۴۴۶- طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را بجا آورد، «(۱)» و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنا بر احتیاط واجب. «(۲)»

(م ۱۱۸۲)

۴۴۷- نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد می‌تواند «(۳)» اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد. «(۴)»

(س ۱۱۹۱)

۴۴۸- تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز است ولی واجب نیست. «(۵)»

(س ۱۱۹۳)

۱- - آیه الله بهجت: با مباشرت خودش با امکان، و با استنابه با عدم امکان مباشرت علی الاحوط.

۲- - آیه الله بهجت: تا آنرا بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود حتی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی الاحوط.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و به احتیاط واجب اداء شهادت هم ننماید.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنا بر احتیاط، اگرچه اظهر جواز غیر از جماع است.

آیه الله سیستانی: پس از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنا بر اقوی جایز است زن عقد کند، و شاهد عقد باشد.

آیه الله زنجانی: رعایت این احتیاط مستحب است.

۳- - آیه الله خویی، فتوای ایشان در این مورد در دست نیست بلی حکم نایب معذور به عذر طاری قبل‌آدر بحث نیابت گذشت.

۴- - آیه الله زنجانی: اگر هنگام محرم شدن گمان به عدم عذر داشته باشد حج و نیابتش صحیح است هر چند بعداً برایش عذری پیش آمده و اعمال مکه را مقدم بدارد.

۵- - آیه الله تبریزی: مگر اینکه بدانند یا اطمینان داشته باشند چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند، بعد امکان انجام آن را ندارند، که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند، و بنا بر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: مگر برای کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی و تا آخر ذیحجه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم، واجب است.

آیه الله خویی: کسی که خوف این را دارد که نتواند طواف صحیح تام بعد از وقوفین انجام دهد لازم است طواف را قبل از وقوف انجام دهد بلی ظاهر مناسک راجع به زنی که صرفاً می‌ترسد حائض بشود ولی اطمینان به آن ندارد جواز تقدیم و عدم لزوم آن است.

آیه الله زنجانی: به حاشیه مسأله ۴۴۱ مراجعه شود.

ص: ۲۸۴

۴۴۹- تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می‌دارند بر عهده خود مکلف است. «(۱)»

(س ۱۱۹۵)

۴۵۰- کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده «(۲)» احتیاطاً طواف مستحبی بجا نیاورد. «(۳)»

(س ۱۲۰۱)

۴۵۱- اگر شخص، چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها

کفایت می‌کند. «(۴)»

(م ۱۲۰۳)

۱- - آیه الله زنجانی: یعنی مکلف باید ببیند که معمول مردم حالت وی را عذر می‌دانند یا خیر، و علم و سواس و علم کسی که بر خلاف متعارف کمترین دشواری را عذر می‌داند ملاک نیست و باید به متعارف رجوع گردد.

۲- - آیه الله زنجانی: جایز نیست طواف مستحبی بجا آورد.

۳- - آیه الله فاضل، آیه الله سیستانی: می‌تواند، ولی متمتع پس از احرام حج و قبل از خروج به عرفات به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند هر چند طواف حج را مقدم داشته باشد.

۴- - آیات عظام خویی، صافی، زنجانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد.

آیه الله تبریزی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نداده محرم به احرام جدید نشود.

آیه الله بهجت: احتیاط در تعدد است.

آیه الله سیستانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله خامنه‌ای: علی الظاهر واجب است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء بجا آورد اگرچه تحلل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهند.

ص: ۲۸۵

۴۵۲- پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است «(۱)» و اختصاص به جماع ندارد.

(س ۱۲۰۵)

۴۵۳- تأخیر طواف نساء از سعی ولوتاچند روز مانع ندارد. «(۲)»

(س ۱۲۰۶)

۴۵۴- ترک طواف نساء حج را باطل نمی‌کند و کفاره ندارد ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد. «(۳)»

(س ۱۲۱۲)

۴۵۵- اگر نائب طواف نساء را بجانی‌آورد علاوه بر اینکه زن بر او حرام است ذمه‌اش هم مشغول است ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد. «(۴)»

(س ۱۲۱۵)

۱- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

مراجعه شود به مسأله ۴۴۴ و ۴۴۵

۲- آیه الله زنجانی: ولی انجام طواف نساء همچون دیگر واجبات حج نباید از ذی حجه به تأخیر بیفتد.

۳- آیات عظام خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، بهجت، تبریزی، زنجانی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

۴- آیه الله بهجت: و چنانچه قبل از تدارک فوت نماید احتیاط این است که از ترکه‌اش قضای آن بجا آورده شود.

آیه الله خویی، آیه الله فاضل: در صورت عدم تدارک در زمان زنده بودنش بنا بر احتیاط باید قضای آن از ترکه او بجا آورده شود.

آیه الله زنجانی: و اگر در زمان حیاتش تدارک نکرد واجب است وصیت کند و در هر صورت- خواه وصیت کند یا نکند- ولی او باید برای انجام طواف نساء او نایب بگیرد و- در صورت نبودن متبرع- هزینه آن از اصل ترکه خارج می‌شود مگر وصیت کرده باشد که از ثلث حساب کنند، و در این صورت نیز اگر ثلث کفایت نکرد از اصل خارج می‌شود.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

«(۱)»

۴۵۶- آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَيِّئَاتِي لَهُ، وَ سَيِّئَاتِي لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبِيدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُّ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُسْتَطِرِّ إِلَيْكَ، الْمَطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس بنزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

(م ۱۲۱۹)

۱- - آیه الله مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

ص: ۲۸۷

بیتوته در منی

۴۵۷- واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب «(۱)» تا نصف شب. «(۲)»

(م ۱۲۲۰)

۴۵۸- چند طایفه‌اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و سیزدهم در منی بمانند «(۳)»:

اول- بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که ماندن در منی برای

۱- آیه الله نوری: از غروب شرعی.

۲- آیات عظام خویی، خامنه‌ای، مکارم، تبریزی، سیستانی: می‌تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند.

آیه الله فاضل: و بعید نیست که بتوان به نیمه دوم شب اکتفاء کرد.

آیه الله زنجانی: در شب یازدهم حاجی مخیر است که تمام نیمه اول شب یا هنگام طلوع فجر در منی باشد و در شب دوازدهم- و همچنین شب سیزدهم بر کسانی که بیتوته آن شب بر آنها واجب است- باید از غروب تا طلوع خورشید در منی بمانند.

۳- آیه الله زنجانی: اول: کسانی که نتوانند بیتوته کنند. دوم: کسانی که بیتوته بر آنها مشقت شدید داشته باشد. سوم: کسانی که شرعاً موظفند آن شب را در خارج منی به سر ببرند مانند طیب یا پرستاری که باید در بیمارستان مکه باشد و مأمورینی که باید در خارج منی به تأمین نیازهای حجاج پردازند. چهارم: کسانی که شب یازدهم برای اعمال واجب مکه بیتوته را ترک می‌کنند- و اشتغال به عبادات دیگر مجوز ترک بیتوته نیست- پس اگر انجام اعمال مکه و مقدمات آن تمام شب را فرا گیرد بیتوته را ترک می‌کنند والا باید هنگام طلوع فجر در منی حضور یابند مگر کسانی که بعد از غروب از منی خارج شده و پس از اعمال مکه به سوی منی باز گشته‌اند چنین افرادی پس از این که از مکه قدیم خارج شدند می‌توانند- ولو اختیاراً- در بین راه بخوابند. این چهار طایفه می‌توانند بیتوته را ترک کنند و کفاره ندارد.

ص: ۲۸۸

آنها مشقت داشته باشد به هر عذری که باشد. «(۱)» دوّم- کسانی که شب را در مکه بیدار «(۲)» باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن بقدر احتیاج و تجدید وضو. «(۳)»

(م ۱۲۲۲)

۴۵۹- مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول شب است تا نصف آن، «(۴)» پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و احتیاط آنست که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر غیر بیماری و پرستار بودن ترک کرد یک گوسفند ذبح نماید هر چند گناه نکرده.

۲- آیه الله سیستانی: کسی که از منی اول شب یا پیش از آن بیرون رفته و در مکه در تمام مدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر بجز اندک زمانی که برای حوائج ضروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن او را از برگشتن به منی بازداشته است.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: کسی که در مکه تمام شب و یا باقیمانده از شب اگر بعد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده بجز حاجت ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیه الله بهجت: به نسک حج از قبیل طواف و سعی علی الاحوط و الأ رجوع به منی نماید و مشغول به سایر عبادات نشود مگر در صورت خروج از منی بعد از نصف شب علی الاحوط، و از امور ضروریّه مذکوره نوم غالب است.

۳- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: این طایفه را نیز از وجوب بیتوته استثناء کرده‌اند و آن این است: کسی که طواف خانه خدا را نموده و به عبادت خود باقی مانده و سپس از مکه خارج شده و از عقبه مدینین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته کند و به منی نیاید.

آیه الله سیستانی: طایفه دیگر کسی است که از مکه به قصد منی خارج شده و از عقبه مدینین گذشته باشد که در اینصورت می‌تواند در راه پیش از رسیدن به منی بخوابد. ولی اگر منزل او بعد از عقبه مدینین باشد نمی‌تواند در منزلش بخوابد.

۴- آیه الله فاضل: و اکتفاء کردن به نیمه دوّم شب هم بعید به نظر نمی‌رسد.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۴۵۷ گذشت.

ص: ۲۸۹

شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

(م ۱۲۲۴)

۴۶۰- کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود «(۱)» احتیاط واجب «(۲)» آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

«(۳)»

(م ۱۲۲۵)

۴۶۱- نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند بنا بر احتیاط «(۴)» واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی

حساب کنند. «(۵)»

(م ۱۲۲۶)

۱- - آیه الله زنجانی: باید به منی برگردد و تا طلوع آفتاب در منی بماند بلی در مورد شب یازدهم کافی است که طلوع فجر را در منی درک کند.

۲- - آیه الله فاضل: واجب است.

آیه الله سیستانی: ترک نیمه اول چه با عذر باشد چه بی عذر بیتوته نیمه دوم را باید درک کند.

آیه الله بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفاره ندارد و احتیاطاً قسمت دوم را در منی بماند.

۳- - به مسأله ۴۵۷ مراجعه شود.

آیه الله فاضل: بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اول یا دوم شب واجب تخییری است لذا اگر از روی عذر هم نیمه اول شب در منی نباشد باید نیمه دوم را در منی بیتوته کند.

۴- - آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند.

آیه الله سیستانی: نیمه شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می شود.

آیه الله فاضل: نیمه شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می شود، ولی اگر بخواهد نیمه دوم شب را بیتوته کند، اولی آن است که آن را تا طلوع آفتاب حساب کند.

آیه الله مکارم: نیمه شب از اول غروب آفتاب تا طلوع صبح حساب می شود.

آیه الله تبریزی: نصف شب در مسأله مبیت در منی، نصف از غروب تا طلوع فجر است، گرچه احتیاط برای کسی که نصف اول شب را بیتوته می کند آن است که نصف از غروب تا طلوع آفتاب را در منی بماند.

۵- - آیه الله بهجت، متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیه الله خوئی: معیار در بیتوته از غروب آفتاب تا طلوع فجر است و نیمه شب، مابین غروب آفتاب و طلوع فجر می باشد.

ص: ۲۹۰

۴۶۲- بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند بجا آورد. «(۱)»

(م ۱۲۲۷)

۴۶۳- کسی که ترک کند بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی «(۲)» کند.

(م ۱۲۲۹)

۴۶۴- اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، «(۳)» احتیاط

واجب «(۴)» آن است که

۱- آیه الله سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

۲- آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: برای شبی که بیتوته کند برای غیر عبادت در مکه یا در راه قبل از تجاوز از حدود مکه که آخرش عقبه المدینین باشد علی الاظهر.

آیه الله زنجانی: کسی که بیتوته و صبح کردن در منی را ترک می کند باید یک گوسفند قربانی کند هر چند از روی جهل یا نسیان باشد. بلی در چند مورد کفاره ندارد: ۱- کسانی که برای اعمال مکه بیتوته واجب را ترک می کنند هر چند شب دوازدهم یا سیزدهم باشد. ۲- کسانی که از بیتوته در منی عاجزند. ۳- کسانی که شرعاً موظفند خارج منی باشند. ۴- کسانی که در منی بوده لکن در این ماندن قصد قربت یا قصد انجام مناسک حج نداشته‌اند.

۳- آیه الله فاضل: چنانکه بیتوته در منی را در نیمه دوم شب هم ترک کند.

آیه الله زنجانی: چنانچه از مواردی باشند که در حاشیه مسأله ۴۶۳ گفته شد یا اگر شب یازدهم است طلوع فجر را در منی درک کرده‌اند، کفاره ندارد.

۴- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت عذر، کفاره واجب نیست و بدون عذر، احتیاط ترک نشود و بقیه شب را تا طلوع فجر در منی بماند، اگر چه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد.

نظر سایر آیات عظام نسبت به حکم این مسأله از مسأله ۴۵۷ بدست می آید که درک نیمه دوم بیتوته هم کافی است و کفاره ندارد. آیه الله خامنه‌ای: مگر آنکه نیمه دوم شب را کاملاً در منی باشد.

ص: ۲۹۱

یک گوسفند قربانی کنند «(۱)» و فرقی بینصورت عذر و عدم عذر نیست.

(م ۱۲۳۵)

۴۶۵- اگر حاجیصبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست «(۲)» برای نفر، بعدازظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر

جایز نیست. «(۳)»

(م ۱۲۳۷)

۴۶۶- در کوچ کردن بعدازظهر روز دوازدهم زنها هم حکم مردان را دارند بنابراین اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی

کردند نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا

۱- آیه الله مکارم: کافی است نصف اول یا نصف دوم شب را بماند.

۲- آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط برگردد.

آیه الله مکارم: بنا بر احتیاط اگر گرفتار عسر و حرج نمی‌شود برگردد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورتی که عمداً خارج شده، واجب است برگردد و در صورت جهل یا نسیان، چیزی بر او نیست.

آیه الله تبریزی: باید برگردد برای تحقق نفر بعدازظهر.

آیه الله خوئی: اگر می‌تواند قبل از ظهر به منی بیاید تا بعد از ظهر برگردد واجب است و گرنه بر او چیزی نیست.

آیه الله فاضل: بنا بر احتیاط واجب باید برای نفر

۳- آیه الله سیستانی: اگر در منی متعلقاتی از قبیل رحل و اثاث بجا گذارد که مستلزم برگشتن باشد می‌تواند پس از رمی و پیش از ظهر از منی بیرون رود و در این صورت باید به منی برگردد چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر و قبل از غروب یا روز بعد کوچ کند، و اگر متعلقاتی ندارد بنا بر احتیاط جایز نیست پیش از ظهر خارج شود گرچه نیت برگشتن داشته باشد و اگر خارج شد به احتیاط واجب باید برای نفر باز گردد چه پیش از ظهر چه بعد از آن.

آیه الله زنجانی: حاجی می‌تواند اثاثیه و متعلقات خود را در منی گذاشته قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج شود لکن باید به منی برگردد تا قبل از غروب یا روز بعد کوچ کند و جایز نیست بدون عذر اثاثیه خود را جمع کرده پیش از ظهر از منی کوچ کند هر چند اگر کوچ کرد واجب نیست برگردد.

ص: ۲۹۲

بعد از ظهر معذور باشند.

(م ۱۲۳۸)

۴۶۷- کسانی که در زمینهای متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

«(۱)»

(م ۱۲۳۹)

۴۶۸- اگر بیتوته در غیر منی انجام شود باید قربانی کند و فرقی بین عالم و جاهل نیست. «(۲)»

(م ۱۲۴۱)

۴۶۹- کسانی که عذر دارند از رمی و ماندن در روز می توانند بعد از میت واجب از منی کوچ کنند. «(۳)»

(م ۱۲۴۷)

۱- آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، بهجت: بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام خویی، سیستانی، تبریزی، فاضل: در ناسی و جاهل و معذور وجوب کفاره مبنی بر احتیاط است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره مبنی بر احتیاط است.

آیه الله زنجانی: بلی اگر منی گنجایش حجاج را نداشته باشد، می توانند در وادی محسر بیتوته کنند و کفاره نیز ندارد.

۲- مراجعه شود به مسأله ۴۶۶ و ۴۶۳

۳- آیه الله زنجانی: ولی باید در شب قبل رمی نمایند و اگر نمی توانند برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیه الله مکارم: احتیاط واجب آن است که صبر کنند.

ص: ۲۹۳

رمی جمرات سه‌گانه

۴۷۰- شبهایی که واجب است «(۱)» در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه‌گانه کند، یعنی سنگریزه بزند به سه محل که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند به حج او ضرر نمی‌رساند «(۲)» و صحیح است گرچه در صورت عمد معصیت کار است.

(م ۱۲۵۳)

۴۷۱- عدد سنگریزه که باید به جمره بزند برای هریک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

(م ۱۲۵۵)

۴۷۲- وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جایز نیست بجا آورد.

(م ۱۲۵۶)

۴۷۳- اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز بجا آورد مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت،

۱- آیه الله زنجانی: لکن رمی جمرات روز سیزدهم در صورتی واجب است که شب قبل را در منی بیتوته کرده باشد پس بر کسی که بیتوته شب سیزدهم واجب بوده لکن بیتوته را ترک کرده، رمی جمرات روز سیزدهم واجب نیست.

۲- آیه الله بهجت: علی الاشهر الاقوی.

آیه الله تبریزی: با ترک رمی اگرچه عمدی باشد، حج باطل نمی‌شود، و بنابر احتیاط باید قضای آنرا در سال آینده خود یا نایش انجام دهد.

ص: ۲۹۴

جایز است شب آن روز یا شب بعد «(۱)» انجام دهد.

(م ۱۲۵۷)

۴۷۴- واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینکه اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

(م ۱۲۵۸)

۴۷۵- اگر بترتیبی که گفته شد بجا نیآورد باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده بجا آورد بطوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می‌کند که جمره وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

(م ۱۲۵۹)

۴۷۶- چنانچه قضاء رمی جمرات سه‌گانه واجب است قضاء رمی بعض از آنها هم اگر ترک شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده

۱- آیه الله گلپایگانی: برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز یا شب بعد انجام دهند، و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

آیات عظام خوبی، تبریزی، زنجانی: برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند، و این بر نیابت مقدم است. آیه الله بهجت: صاحب عذر در شب رمی می‌کند یعنی شب مقدم با علم به عدم تمکن از رمی در روز، و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضایی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب.

آیه الله سیستانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد، و از این حکم چوپانان، و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثناء می‌شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند. و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند. و اما زنان، ضعفا، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی‌توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

ص: ۲۹۵

اتیان کند و بعد تکلیف این روز را بجا آورد. «(۱)»

(م ۱۲۶۴)

۴۷۷- اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آنصحیح بوده یا نه «(۲)» اعتناء نکند.

(م ۱۲۷۵)

۴۷۸- اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه «(۳)» اعتنا نکند.

(م ۱۲۷۶)

۴۷۹- اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر قبل از آنکه داخل شود در رمی جمره بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده «(۴)» هر چند منصرف «(۵)» از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب. «(۶)»

(م ۱۲۷۷)

۱- آیه الله سیستانی: حکم آن شبیه مسأله سابق است.

آیه الله خویی، متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: و باید بین رمی قضایی و رمی ادایی لااقل به مقدار یک ساعت یعنی ۱۱۲ آن روز فاصله بیندازد.

۲- آیه الله زنجانی: اگر هنوز از رمی فارغ نشده، دوباره بزند و اگر بعد از آن که از رمی فارغ گشت یا بعد از آن که خود را فارغ شده یافت و محل رمی را ترک نمود، در این دو صورت چنانچه احتمال بدهد هنگام رمی شرایط آن را احراز کرده است اعتنا به شکش نکند.

۳- آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال دهد هنگام منصرف شدن از جمره قبلی یا هنگام شروع این جمره، ترتیب را احراز کرده است، اعتنا به شکش نکند.

۴- آیه الله زنجانی: ولی اگر بعد از انصراف شک کرده چنانچه احتمال می‌دهد هنگام منصرف شدن از آن جمره، کامل بودن آن را احراز کرده، اعتنا به شکش نکند.

۵- آیه الله بهجت، متعرض صورت انصراف نشده‌اند.

۶- به مسأله ۳۸۴ مراجعه شود.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلکه بنا بر اظهر.

آیه الله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

آیه الله سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً به آن اعتنا نکند.

ص: ۲۹۶

۴۸۰- زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند شب رمی کنند بلکه زنها مطلقاً مجازند «(۱)» همان شب رمی نمایند. «(۲)»

(م ۱۲۸۳)

۴۸۱- در طبقه دوم «(۳)» جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه

۱- آیات عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی: زنهامی‌توانند رمی‌روزدهم را در شب آن‌انجام دهند، هرچند متمکن از رمی در روز دهم باشند، ولی در رمی روز یازدهم و دوازدهم چنانچه از رمی در روز معذور باشند می‌توانند رمی هر روز را در شب آن انجام دهند، و چنانچه معذور نباشند باید در روز رمی کنند.

آیه‌الله خویی: بیماران و پیرها و ضعیف‌ها و کسانی که از دشمن می‌ترسند هم می‌توانند در شب عید رمی کنند.
آیه‌الله بهجت: زنان و کسانی که کوچ از مشعر در شب برایشان جایز است می‌توانند شب عید رمی جمره نمایند بنا بر اظهر. و نیز به ذیل مسأله ۳۹۰ مراجعه شود.

آیه‌الله سیستانی: این حکم اختصاص به رمی روز عید دارد.

۲- آیه‌الله زنجانی: در مورد رمی جمره عقبه به حاشیه مسأله ۳۹۱ مراجعه شود. اما نسبت به رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم، بانوان و افراد ضعیف در صورتی که نتوانند در روز رمی کنند یا رمی در روز بر آنها مشقت شدید یا ضرر اساسی داشته باشد می‌توانند رمی هر روز را شب قبل آن انجام دهند و تأخیر آن به شب بعد جایز نیست.

۳- آیه‌الله گلپایگانی، آیه‌الله صافی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

آیه‌الله بهجت: رمی در هر دو طبقه جایز و مکفی است، میزان صدق رمی جمره است ولو از طبقه دوم باشد حتی اختیاراتاً کفایت می‌کند.

آیه‌الله خویی، آیه‌الله سیستانی: کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است واحوط آن‌است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق، و فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست و مقداری که در عصر پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بوده است از جهت عرض ظاهراً فرقی با جمره فعلی ندارد و از جهت طول ظاهراً به مقدار یک قامت انسان یا مقدار کمی بیشتر بالاتراز سکوی فعلی است.

آیه‌الله سیستانی راجع به توسعه اخیر جمرات فرموده‌اند اگر محل قدیم شناسایی شود، همان‌جا را رمی کنند و اگر شناسایی نشود احتیاطاً رمی را در محل‌هایی که احتمال می‌دهد محل قدیم بوده تکرار نماید تا وقتی که مستلزم حرج نشود و آیه‌الله تبریزی فرموده‌اند اگر محل قدیم شناسایی نشود، وسط جمرات فعلی را رمی کنند.

آیه‌الله مکارم: در هنگام ازدحام جمعیت جایز است.

آیه‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط مجزی نیست.

آیه‌الله خامنه‌ای: اگرچه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است.

ص: ۲۹۷

اول رمی نمایند.

(م ۱۲۸۴)

۴۸۲- کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رمی کنند می‌توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می‌توانند بعد از رمی بجای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند. «(۱)»

(م ۱۲۸۵)

۴۸۳- کسانی که با عذر از رمی در روز می‌توانند شب رمی کنند «(۲)» می‌تواند همان روز هم نایب بگیرند. «(۳)»

(س ۱۲۸۶)

۱- - به مسأله ۴۷۳ مراجعه شود.

آیه الله سیستانی: رمی روز عید در شب بعد کافی نیست مگر برای کسانی که از ماندن روز در منی معذورند و در مورد رمی شب یازدهم و دوازدهم به حاشیه مسأله ۴۷۳ مراجعه شود.

آیه الله زنجانی: به مسأله ۴۸۰ مراجعه شود.

۲- - آیه الله زنجانی: باید شب قبل رمی نمایند و چنانچه از رمی در شب قبل هم معذور بودند می‌توانند برای رمی در روز نایب بگیرند.

۳- - آیه الله خامنه‌ای: اگر از قبیل عذرهایی است که مجوز رمی در شب قبل است مانند خوف و شغل و امثال آن موردی برای استتبابه نیست ولی اگر از عذرهایی است که در روز حادث شده است می‌تواند نایب بگیرد ولی اگر در شب بعد رفع شد احتیاط واجب آن است که عمل را اعاده کند.

آیه الله فاضل: نمی‌توانند نایب بگیرند.

آیات عظام گلپایگانی، تبریزی، صافی: باید شب رمی نماید.

آیه الله سیستانی: چنانچه گذشت کسی که معذور از رمی در روز است باید نایب بگیرد و نمی‌تواند در شب رمی نماید، مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذور باشند.

آیه الله مکارم: تا در شب بتواند رمی کند نایب گرفتن مشکل است.

آیه الله بهجت: اگر می‌توانند در شب رمی کنند استتبابه در روز جایز نیست.

ص: ۲۹۸

۴۸۴- اگر صبح روز دهم مثلاً از رمی کردن معذور باشند ولی بعد از ظهر قادر به رمی هستند «(۱)» نمی‌توانند نایب بگیرند باید صبر کنند و بعد از ظهر خودشان رمی کنند.

(س ۱۲۸۷)

۴۸۵- زن با اینکه درک و قوف شب مشعر و رمی در شب دهم برای او جایز است می‌تواند نایب باشد.

(س ۱۲۹۳)

۴۸۶- اگر سنگ ریزه در مشعر موجود است «(۲)» ولی معلوم است که از خارج مشعر آورده‌اند و معلوم نیست که آیا از حرم است «(۳)» یا خارج حرم «(۴)» نباید در رمی از آن استفاده شود مگر اینکه طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

(س ۱۳۰۰)

۴۸۷- کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است

۱- - آیه الله بهجت: رمی جمرات بایستی به مباشرت خود شخص انجام شود و نایب گرفتن در حال اختیار جایز نیست.

۲- - آیه الله زنجانی: می‌توانند بردارند و از آن در رمی استفاده کنند هر چند بدانند آنها را از خارج حرم آورده‌اند.

۳- - آیه الله فاضل: اگر جزء مشعر محسوب می‌شود مانعی ندارد.

۴- - آیه الله خویی و آیه الله تبریزی: یعنی از خارج حرم.

ص: ۲۹۹

روز یازدهم می‌تواند رمی آن روز را انجام دهد.

(س ۱۳۰۳)

۴۸۸- زنی که احتمال بدهد رمی باعث قاعدگی او می‌شود [\(۱\)](#) اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد عذر محسوب می‌شود و میتواند نایب بگیرد. [\(۲\)](#)

(س ۱۳۰۴)

۴۸۹- برای زنها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب‌صحیح است که از رمی روز معذور باشند. [\(۳\)](#)

(س ۱۳۰۵)

۱- آیه الله زنجانی: اگر در اثر آن به مشقت شدید می‌افتد عذر محسوب می‌شود که حکم آن در مسأله ۴۸۴ گذشت.

۲- آیه الله تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست، باید خودش انجام دهد، و اگر قبل از وقوف به عرفه می‌ترسد که رمی باعث قاعدگی بشود و نتواند طواف کند باید طواف و نماز آن را مقدم کند، و بنابر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم کند و در وقت خودش اعاده کند.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی، متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- نظر آیه الله سیستانی در حاشیه مسأله ۴۷۳ گذشت که رمی در شب برای کسانی جایز است که از ماندن در روز معذورند.

آیه الله مکارم: این کار اشکال ندارد.

آیه الله تبریزی: اگر از رمی در روز یازدهم و دوازدهم خائف بر نفس خود باشند، می‌توانند رمی روز یازدهم را در شب یازدهم، و رمی روز دوازدهم را در شب دوازدهم انجام دهند. و یک شب نمی‌توانند برای دو روز رمی کنند.

ص: ۳۰۰

مستحبات منی

(۱)

۴۹۰- بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است کهصد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه

«سُبْحَانَ اللَّهِ»

بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»

بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

(م ۱۳۰۹)

۱- - آیه الله مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده بقصد رجاء انجام گیرد.

مستحبات دیگر مکه معظمه

۴۹۱- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن «(۱)»؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخولصبح دو طواف، و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه بعدد ایام سال یعنی ۳۶۰ مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد ۵۲ مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود «(۲)» خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ»

۱- آیه الله مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است بهتر است طوافهای مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

۲- آیه الله مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولاً امکان ندارد و هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

ص: ۳۰۲

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ، وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي، وَ تُفِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي، وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ، أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

بگویند پس بگویند:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا، رَبَّنَا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الصَّارُ النَّافِعُ.»

ص: ۳۰۳

بعد پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.
(م ۱۳۱۰)

استحباب عمره مفرده

۴۹۲- بدان که بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد مستحب است عمره مفرده بجا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق خلاف «(۱)» است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یکماه بقصد رجاء بجا بیاورد «(۲)» و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد. «(۳)»
(م ۱۳۱۱)

طواف وداع

۴۹۳- بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعد حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر

- ۱- آیه الله فاضل: میزان تبدل عنوان ماه در فاصله دو عمره است ولی بین عمره مفرده و عمره تمتع فاصله اعتبار ندارد.
- آیه الله مکارم: در هر ماه قمری یک عمره مشروع است و زاید بر آن باید بقصد رجاء بجا آورده شود.
- ۲- آیه الله زنجانی: فاصله مطلقاً معتبر نمی‌باشد ولی در ایام تشریق نمی‌تواند عمره مفرده بجا آورد.
- ۳- نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۷۲ و ۶۱ گذشت.

ص: ۳۰۴

حَجْر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَجَاهِدَكَ فِي سَبِيلِكَ وَصَيَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَأَوْذَى فِيكَ وَفِي جَنْبِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَزْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

(م ۱۳۱۲)

ص: ۳۰۵

مسائل متفرقه

۴۹۴- در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند. (۱)

(م ۱۳۱۳)

۱- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: بلی نماز مجزی است در صورتی که قرائت حمد و سوره را خود برای خود آهسته انجام دهد، و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن با آنها نماز ظهر را اعاده کند.

آیه الله سیستانی: جایز است که نماز پشت سر آنها خوانده شود ولی باید اگر مأوم می تواند بصورت آهسته برای خود قرائت کند و الا در ذهن و نفس خود بخواند و اگر نماز جمعه باشد بعد از آن ظهر را بخواند.

آیه الله گلپایگانی: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است لکن با تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.

آیه الله صافی: نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعات آنان اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد خوب است و اعاده آن لازم نیست اگر چه موافق با احتیاط است و خروج از مسجد در هنگام اقامه جماعات و یا ایستادن و شرکت نکردن شایسته نیست بلی اگر ضرورتی ایجاب کند مانع ندارد.

آیه الله بهجت: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند.

آیه الله زنجانی: حجاج محترم باید از هر کاری که سبب وهن شیعه می باشد جداً خودداری کنند و بسیار مناسب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند ولی در شرایط کنونی می بایست آن را اعاده کنند.

ص: ۳۰۶

۴۹۵- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود جایز است. «(۱)» و سنگهایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در «مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله».

(م ۱۳۱۴)

۴۹۶- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید «(۲)» نماز را به جماعت بخوانند «(۳)» و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند. «(۴)»

(م ۱۳۱۵)

۴۹۷- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص «(۵)» به

۱- آیات عظام خامنه‌ای، بهجت، فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد. آیه الله سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.

۲- آیه الله فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند.

۳- آیه الله گلپایگانی و آیه الله صافی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیه الله مکارم: نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

آیه الله بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتلها و مسافرخانه‌ها در مکه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیه الله سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد ولی شرکت در جماعت مسلمین بهتر است.

۴- آیه الله زنجانی: برگزار کردن نماز جماعت در هتلها در مکه و مدینه مانعی ندارد مگر باعث مفسده‌ای مانند وهن شیعه گردد و حکم شرکت در نماز جماعت عامه در مسأله ۴۹۴ گذشت.

۵- آیه الله سیستانی: در تمامی دو شهر مکه و مدینه با توسعه‌ای که پیدا شده است تخییر جاری است.

آیات عظام گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، صافی، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

آیه الله تبریزی: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند.

آیه الله خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. [قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است].

آیه الله بهجت: مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند و احتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اول جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

ص: ۳۰۷

مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می‌تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می‌تواند شکسته بخواند. [\(۱\)](#)

(م ۱۳۱۶)

۴۹۸- عمره تمتع و حج تمتع باید در یکسال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع بجا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.

(م ۱۳۲۱)

۴۹۹- در هر یک از اعمال عمره و حج اگر شك کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتناء نکند، چه شك کند که آورده یا نه، یا شك کند که صحیح آورده یا فاسد. [\(۲\)](#)

(م ۱۳۲۴)

۵۰۰- باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج واقع شود، و

۱- آیه الله زنجانی: بنابر اقوی تخییر در هیچ یک در اماکن اربعه ثابت نیست و نسبت به این اماکن تنها سفارش اکید به قصد اقامه کردن شده است، همچنان که مشهور اصحاب ائمه علیهم السلام نیز بر این نظر بوده‌اند پس اگر شرایط قصد اقامه محقق نباشد حتی در قسمت قدیمی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله لازم است نماز شکسته خوانده شود.

۲- آیه الله زنجانی: چنانچه احتمال می‌دهد در هنگام عمل به شرایط صحت آن توجه داشته و آنها را رعایت کرده است، به شك خود اعتنا نکند، و همچنین است حکم کسی که بعد از پایان یافتن عمل شك کند که صحیح به جا آورده یا فاسد.

ص: ۳۰۸

ماه‌های حج؛ شوال و ذی‌القعدة و ذی‌الحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی‌القعدة عمره تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بجا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع بجا آورد صحیح نیست اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه‌های حج.

(م ۱۳۲۵)

۵۰۱- اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط «(۱)» در برداشتن است. «(۲)»

(م ۱۳۳۰)

۵۰۲- در مسجد النبی صلی الله علیه و آله سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد «(۳)»

۱- آیه الله فاضل و آیه الله مکارم: این احتیاط ترک نشود.

۲- برای شناخت نظر آیات عظام نسبت به حکم لقطه در حرم به توضیح المسائل آنان مراجعه شود.

آیه الله خوئی: بنا بر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: سجده روی فرشهای مسجد در صورت تقیه مانع ندارد.

آیه الله خوئی: اگر در آن مکان تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد سجده صحیح است.

آیه الله فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلی که بتواند پیشانی او در محل سجده بر سنگهای مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیه الله بهجت: در صورت امکان سجده بر مایصح السجود علیه، اکتفا بغیر آن خلاف احتیاط است. و در پرسشهای جدید حج، می‌فرماید: اعتبار عدم مندوحه در حال عمل، یقینی است و اما مندوحه مکانی و یا زمانی پس اعتبار عدم آن موافق با احتیاط است. و در مورد سجده بر مهر و یا حصیر و بادبزن در مساجد مکه و مدینه در صورتیکه موجب وهن و انگشت‌نما شدن باشد و نیز در پرسشهای جدید حج می‌فرماید: در فرض سؤال جایز نیست و حکم در صورت وجود مندوحه در مسأله قبل بیان شد.

آیه الله سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصح السجود علیه نباشد سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیه الله زنجانی: سجده کردن بر روی فرشهای مسجد مجزی نیست و اگر ضرورتی اقتضا کرد بر روی فرشهای مسجد نماز بخواند ولی به آن نماز اکتفا نکند.

ص: ۳۰۹

و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست «(۱)» در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.

(م ۱۳۳۴)

۵۰۳- در مسجد النبیصلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت هم می‌توانند روی فرشها سجده کنند و لازم نیست بجای دیگر که سنگ مفروش است بروند. «(۲)»

(م ۱۳۳۵)

۵۰۴- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است به طوری که رودر روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد. «(۳)»

(م ۱۳۳۶)

۱- آیه الله تبریزی: در صورت تمکن لازم است

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر فردی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند، و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردیکه بخاطر تقیه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن گذشت.

۲- مراجعه شود به مسأله قبل.

آیه الله خامنه‌ای: در فرض مذکور اگر با فریضه تقیه منافات ندارد.

آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: با وجود مکان سنگ فرش، باید به آنجا برود.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد، و همچنین بنا بر احتیاط با مراعات قید قبلی نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد.

آیه الله بهجت: با انحفاظ نسبت در صف مأمومین با امام با انحفاظ نسبت امام به کعبه اگر محفوظ باشد تا تمام دور حتی اطراف حجر اسمعیل علیه السلام و عدم حائل بین هر مأموم و آنکه به او متصل است، دور نیست تصحیح نماز جماعت بطور استداره در اطراف کعبه یا مسجد.

آیه الله فاضل: اگر به جهت تقیه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست و اگر کسی نمی‌دانسته است و به این صورت خوانده نمازش صحیح و قضا ندارد.

آیه الله خویی: جایز نیست، ولی بهر حال چون اقتدا صوری است باید قرائت را ولو آهسته و یا اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و این نماز مجزی است.

آیه الله تبریزی: در هر صورت باید قرائت را خود- ولو به نحو حدیث نفس- بخواند.

آیه الله مکارم: احتیاط آن است که امام به حسب دایره و از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

آیه الله زنجانی: نماز در مسجد الحرام به نحو استداره مانعی ندارد ولی در حال حاضر که نمازهای جماعت آنها شرایط لازم را ندارد، باید نماز را اعاده کرد هر چند بسیار مناسب است که شیعیان در نماز جماعت عامه حاضر گردند.

ص: ۳۱۰

۵۰۵- حائض و جنب نمی‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله عبور کنند. «(۱)»
(س ۱۳۴۰)

۵۰۶- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت «(۲)» نماز عشاء را بخوانند ولی اگر وقت نشده باید صبر کنند. «(۳)»
(س ۱۳۴۱)

۱- آیه الله تبریزی: بنا بر احتیاط باید عبور ترک شود.

۲- آیه الله زنجانی: نماز مغرب را اعاده کرده و نماز عشا را ...

۳- آیه الله مکارم: وقت وارد شده است.

آیه الله خویی: اگر نماز مغرب قبل از زوال حمره مشرقیه باشد فتوای ایشان به صحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.

آیه الله بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آنکه استتار قرص کافی است.

آیه الله سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.

ص: ۳۱۱

۵۰۷- برداشتن قرآنهایی که در مسجد الحرام است بدون اینکه از متصدی ذی ربط بگیرند جایز نیست و باید برگردانده شود. (س ۱۳۴۱)

۵۰۸- برداشتن و با خود آوردن مقداری از سنگصفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد. «(۱)» (م ۱۳۴۷)

۵۰۹- اگر از طرف قاضی مکه حکم شود فلان روز عید است «(۲)» باید تبعیت کنند ولو با علم به خلاف. «(۳)» (س ۱۳۵۲)

۱- آیه الله تبریزی: بنابر احتیاط.

آیه الله خویی، آیه الله سیستانی: نظر ایشان راجع به برداشتن سنگ از صفا و مروه بدست نیامد.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است.

آیه الله بهجت: برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه جایز نیست، و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست.

۲- آیه الله زنجانی: در غیر صورت علم به خلاف باید تبعیت کنند.

۳- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: هرگاه نزد قاضی عامه، اول ماه ذیحجه ثابت شود، و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذیحجه در نزد آنها روز هشتم به نظر شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که نزد شیعه نهم است انجام دهد، و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درک کند، و به مشعر رفته، و وقوف در آنجا را نیز درک نماید، و اعمال روز عید را در منی به عمل آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است، و حجش صحیح است، و بنابر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت می‌کند، و اگر درک هیچ یک از این مواقع میسر نشود، حکم آن در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

هرگاه هلال نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد لکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل بوظیفه خود خائف باشند اقوی صحّت و کفایت همین حج است از حجه الاسلام هرچند عالم بخلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل بوظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجاء متابعت کند و بعد واجب است عمل بوظیفه خود نمایند حتی با عدم علم بخلاف.

آیه الله خویی: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه نهم است، واقعاً روز ترویه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حجش بدل به عمره مفرده شده و حجبی نخواهد داشت. و چنانچه استطاعتش از همین سال بوده و برای سالهای بعد باقی نخواهد ماند، و جوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر این که استطاعت تازه‌ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می‌نماید.

آیه الله تبریزی: نظر ایشان عیناً نظر آیه الله خویی است اما با این اضافه:

و ممکن است در صورت دوم چاره کند به اینکه در روز عید آنها روز نهم واقعاً از طریق منی به مکه برگردد و بعد از راه عرفات و مشعر به منی برود بنحوی که قبل از غروب وقوف در عرفات بنماید ولو آن‌ما ولو یک لحظه و در حال حرکت، و به همین نحو وقوف در مشعر را در شب درک کند و بعد برای اعمال به منی برود.

آیه الله بهجت: آنکه علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضی روز عرفه نهم است، واقعاً روز ترویه و هشتم باشد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهد بود بلی با عدم علم بخلاف و عدم قیام صحت شرعیه برخلاف و با صدق تقیه بر نحو معهود متعارف، اقوی کفایت موافقت با عامه است چنانچه سیره قطعیه غیر مردوعه بر آن دلالت دارد و عدم مانعیت علم به خلاف از صحت عمل با ناچاری و تقیه، خالی از وجه نیست و عمل به واقع در جمیع صور، ظاهراً مجزی است و با عدم شرایط تقیه صحت عمل مورد تأمل است با موافقت عامه، ولو علم بخلاف عمل ایشان بر حسب حکم حاکم ایشان نباشد، واللّه العالم.

آیه الله سیستانی: اگر برای مکلف ممکن شود که اعمال حج را در اوقات مخصوص خود برطبق ضوابط شرعی در باب ثبوت هلال بجا آورد، و آنها را بهمین صورت بجا آورد حجش در هر صورت صحیح است، و اگر آنها را به صورت یاد شده بجا نیاورد اگرچه به علت عذری باشد پس اگر از نظر و حکم قاضی عامه نیز در وقوف در عرفات و مشعر پیروی نکرد، شکی در بطلان حج او نیست ولی اگر از او پیروی کند صحت حج او مورد اشکال است.

ص: ۳۱۲

۵۱۰- حجاجی که در مکه معظمه قصد اقامت کرده‌اند در عرفات و منی و مشعر در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود نمازشان

ص: ۳۱۳

تمام است. «(۱)»

(س ۱۳۵۹)

۵۱۱- حجاجی که در مکه معظمه قصد اقامت کرده‌اند در صورت عدم مسافت شرعی بین مکه و عرفات یا شک در آن که در نماز باقی بر تمام هستند اگر از عرفات به مکه برمی‌گردند از جهت اینکه محلّ اقامت است می‌روند و بعد از مکه قصد مسافرت می‌کنند در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است. «(۲)»

(س ۱۳۵۹)

۵۱۲- مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارج که در بازارهای مسلمین به فروش می‌رسد اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد

۱- - آیه الله گلپایگانی: در فرض مذکور اگر قصد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام بخواند و اگر قصد مراجعت به وطن قبل از ده روز داشته باشد [در عرفات نماز تمام است] و در برگشت از محلی که رفته و در محلّ اقامه [در مشعر و منی و در مکه پس از مراجعت از عرفات] باید نماز را شکسته بخواند البته در مکه مخیر بین قصر و اتمام است. آیه الله خویی: در مفروض سؤال در مکه معظمه بدون قصد عشره هم اداء نماز بنحو تمام صحیح و مجزی است، و با قصد عشره متعین می‌شود، و با خارج شدن به عرفات حکم سفر برایش تجدید می‌شود که باید در آن ایام نماز رباعی را شکسته بخواند با احراز مسافت شرعی در عرفات و منی، و چون به مکه برمی‌گردد باز مخیر بین قصر و تمام است، در مکه مکرمه قدیم. آیه الله بهجت: باید نماز را شکسته بخواند. استفتائات ویژه حج. و در پرسشهای جدید حج: در مواردیکه نماز در مکه تمام است در عرفات و مشعر و منی هم تمام است و گرنه قصر است.

آیه الله سیستانی: اگر مجموع مسافت از مکه به عرفات و از آنجا به مشعر و منی تا مکه ۴۴ کیلومتر یا بیشتر باشد نماز شکسته است و اگر کمتر باشد نماز تمام است و در این صورت اگر از عرفات قصد بازگشت به وطن را داشته باشد و آمدنش به مکه نه از این جهت باشد که محلّ اقامت او است بلکه از این جهت که در راه واقع است نمازش در مشعر و منی شکسته است و در مکه مخیر است.

۲- - آیه الله مکارم، آیه الله فاضل: فاصله مکه تا عرفات فعلاً مسافت شرعی نیست و اگر قبلاً در مکه قصد اقامت کرده‌اند نمازشان در مکه و عرفات و در بازگشت تمام است.

ص: ۳۱۴

مسلمین است مانع ندارد «(۱)» و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد «(۲)» و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است. «(۳)»
(س ۱۳۶۹)

۱- آیه الله سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

۲- آیه الله سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس از صید در تور ماهی گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس دار باشد حلال است. آیه الله زنجانی: اگر از دست مسلمان هم گرفته شده و احتمال عقلائی بدهد که تذکیه آن را احراز کرده، کفایت می‌کند.
۳- آیه الله خویی، آیه الله زنجانی: اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد خوردن آن جایز نیست.

ص: ۳۱۵

محصور و مصدود

۵۱۳- مصدود عبارت است از کسی که دشمن [\(۱\)](#) او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می‌آید. و محصور آن است که بواسطه مرض [\(۲\)](#) ممنوع شود از عمره یا حج.

(م ۱۳۷۰)

۵۱۴- کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است

۱- - آیه الله زنجانی: یا غیر دشمن او را منع کند بلکه ظاهراً تمام کسانی که به علتی به جز بیماری نمی‌توانند اعمال حج یا عمره را به پایان برسانند مصدود می‌باشند و اگر مانع آنها بیماری باشد محصور می‌باشند مراد از بیماری معنای گسترده‌ای است که شامل شکستگی استخوان و مجروح شدن نیز می‌شود، صد و حصر در موارد ذیل تحقق می‌یابد:

۱- کسی که احرام عمره مفرده بسته، در صورتی که تا یک سال نتواند عمره را تمام کند. ۲- کسی که احرام عمره تمتع بسته اگر به گونه‌ای از انجام عمره تمتع ممنوع گشته که نمی‌تواند هیچ مقداری از وقوف اختیاری عرفه را درک کند. ۳- در عمره مفرده یا عمره تمتع اگر در مدتی از انجام کامل اعمال باز داشته شده که در احرام ماندن برای شخص وی یا نوع مردم حرجی است. ۴- کسی که در حج از وقوف در عرفات و مشعر یا خصوص وقوف در مشعر منع شده است. ۵- کسی که در حج از رمی جمره عقبه روز عید قربان یا طواف حج یا سعی باز داشته شود و نتواند برای اینها نایب بگیرد.

۲- - آیه الله مکارم: یا شکستگی اعضاء یا مجروح شدن و مانند آن.

آیه الله سیستانی: مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

ص: ۳۱۶

عمره و حج را تمام کند و اگر نکند «(۱)» به احرام باقی خواهد ماند. «(۲)» ۵۱۵- اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند «(۳)» و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، «(۴)»

۱- آیه الله زنجانی: گناه کرده است و تا کارهایی که در مسائل آینده گفته می‌شود انجام ندهد از احرام بیرون نمی‌آید.

۲- آیه الله تبریزی: بقاء احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیه الله خویی: بقای احرام در بعض صور محل منع است.

آیه الله سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می‌شود.

۳- آیه الله سیستانی: به احتیاط واجب بدون آن محل نمی‌شود و اگر نتواند قربانی تهیه کند به احتیاط واجب ده روز روزه بگیرد.

آیه الله مکارم: ... اگر قربانی میسر نشد نیت خروج از احرام می‌کند و احتیاطاً بجای قربانی ۱۰ روز روزه می‌گیرد مطابق آنچه در قربانی در مناسک آورده‌ایم عمل کند.

آیه الله زنجانی: قربانی کردن تکلیفاً نیز واجب است و این قربانی تنها برای خروج از احرام نمی‌باشد و ظاهراً مراد روایاتی که دستور داده مصدود در محلی که منع شده قربانی کند، آن است که لازم نیست قربانی را به محل قربانی / مکه یا منی بفرستد و محلی که منع شده خصوصیت ندارد بنابراین می‌تواند در مکان دیگری- در مکه یا منی یا محلی که به آن محلها نزدیکتر است یا دورتر- قربانی کند.

۴- آیات عظام خویی، تبریزی، سیستانی، متعرض قید نیت تحلیل نشده‌اند.

آیه الله زنجانی: نیت تحلیل لازم نیست ولی پس از قربانی کردن با حلق یا تقصیر از موی سر محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود، خواه در عمره مصدود شده باشد یا در حج، و کوتاه کردن ریش و شارب یا ناخن گرفتن کفایت نمی‌کند و چنانچه نتواند قربانی کند ظاهراً در عمره مفرده با حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌گردد و در غیر عمره مفرده باید صبر کند تا حج فوت شود و با عمره مفرده و اگر از انجام آن هم مصدود است با حلق یا تقصیر از احرام خارج گردد. احکامی که در این مسأله در مورد مصدود گفته شد در صورتی است که مصدود هنگام احرام بستن شرط تحلل نکرده باشد ولی اگر در هنگام احرام با خداوند متعال قرار گذاشته باشد که اگر مانعی پیش آمد، از احرام بیرون آید، به مجرد مصدود شدن از احرام خارج می‌گردد و قربانی و حلق یا تقصیر لازم نیست.

و در هر حال بر کسی که در عمره تمتع یا مطلق حج- تمتع یا غیر آن- مصدود شده است تکلیفاً واجب است در سال آینده همان قسم از حج را مجدداً بجا آورد هر چند عمره یا حجی که در آن مصدود شده بود استحبابی باشد یا حج واجب بوده ولی استطاعت او تا سال بعد باقی نمانده باشد یا هنگام احرام شرط تحلل کرده باشد. بلی اگر انجام حج آینده غیر مقدور یا حرجی باشد و جوب آن ساقط می‌گردد و نیازی به نایب گرفتن هم نیست، و همین تفصیل در وجوب حج سال بعد در مورد محصور نیز جاری است و ظاهراً بر کسی که در عمره مفرده مصدود شده و از احرام بیرون آمده، واجب نیست دوباره عمره مفرده بجا آورد.

ص: ۳۱۷

و به احتیاط واجب «(۱)» قدری از مو یا ناخن «(۲)» خود را بگیرد، و در اینصورت بر او همه چیز حلال می‌شود حتی زن. «(۳)»
(م ۱۳۷۲)

- ۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید، و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر، و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند. آیه الله فاضل: ... و یا بجای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد. آیه الله بهجت: و احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدی موافق احتیاط است. آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: احتیاط این است که حلق یا تقصیر را به آن قربانی ضمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده.
- ۲- آیه الله مکارم: ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند. آیه الله سیستانی: گرفتن ناخن بنابر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.
- ۳- آیه الله سیستانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می‌شود.

ص: ۳۱۸

۵۱۶- کسی که احرام عمره بست «(۱)» و بواسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد مُحَلَّ شود باید هدی کند، «(۲)» و به احتیاط واجب «(۳)» هدی یا

۱- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد بجا می‌آورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محلّ گرداند، بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محلّ می‌شود- حتی نسبت به زن- و شخص محصوری که حج قرآن بجا می‌آورد به مجرد فرستادن قربانی به منی محلّ می‌شود، و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست.

۲- آیه الله زنجانی: اگر هنگام احرام با خداوند متعال شرط تحلل کرده باشد به مجرد محصور شدن تمام محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود و اگر شرط نکرده قربانی کردن بر او واجب می‌شود و ذبح قربانی نه تنها برای بیرون آوردن از احرام که تکلیفاً نیز واجب می‌باشد، و آن را به دو شکل می‌توان انجام داد. ۱- قربانی یا پول آن را توسط فرد امینی به محل ذبح- اگر عمره مفرده باشد، مکه و اگر عمره تمتع یا حج باشد، منی- بفرستد و با او قرار بگذارد که در وقت معین قربانی کند و در آن وقت با تقصیر همه محرمات احرام- حتی زن- بر او حلال می‌شود. ۲- در غیر محل ذبح محل بیماری باشد یا جای دیگر قربانی کند، پس از این قربانی محرمات احرام- به جز زن- حلال می‌گردد و در این صورت تقصیر لازم نیست و برای حلال شدن زن باید شخصاً عمره یا حج بجا آورد و هر نوع حج یا عمره کفایت می‌کند و فرقی نیست که احرامی که در آن محصور شده عمره باشد یا حج، مستحب باشد یا واجب بلی در صورتی که انجام عمره یا حج یا اجتناب از زن تا زمانی که بتواند شخصاً حج یا عمره بجا آورد، حرجی باشد می‌تواند برای آن نایب بگیرد.

و محصوری که نمی‌تواند قربانی کند باید به جای قربانی سه روز روزه بگیرد هرچند این روزه گرفتن دخالتی در بیرون آمدن از احرام ندارد و ظاهراً باید روزه را در وطن یا جایی که قصد اقامه کرده بگیرد.

و در هر حال بر کسی که در احرام عمره تمتع یا حج- تمتع یا غیر آن- محصور گشته و از احرام خارج شده واجب است در سال آینده همان قسم از حج را بجا آورد- به همان تفصیل و خصوصیتی که در ذیل مسأله ۵۱۵ در مورد مصدود گذشت- با این فرق که بر کسی که در عمره مفرده محصور شده و از احرام بیرون آمده واجب است دوباره عمره مفرده بجا آورد- بر خلاف مصدود در عمره مفرده-

۳- آیه الله فاضل: اما در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محلّ حصر. و در عمره تمتع به احتیاط واجب

آیه الله خویی: وظیفه چنین کسی این است که مخیر است بین فرستادن قربانی و یا قیمت آن توسط فردی به مکه و یا بین اینکه در محلّ خودش قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید. با این فرق که اگر این شخص که محصور از عمره مفرده بوده با قربانی کردن، تمامی محرمات احرام بجز زن بر او حلال خواهد شد و اگر محصور در عمره تمتع باشد زن هم بر او حلال خواهد شد.

آیه الله تبریزی: اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه‌اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین با تقصیر از احرام خارج می‌شود، و برای چنین شخصی بخصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید، و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می‌شود بجز زن و زن بر او حلال نمی‌شود مگر بعد از آنکه خوب شد و عمره مفرده را بجا آورد و این در صورتی است که محصور در مکان خودش

ذبح یا نحر نماید، و اما اگر هدی را بفرستد پس برای خروجش از احرام وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد، و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که فرستادن قربانی براو تعیین دارد و چنانچه آنچه گفته شد عمل کند زن هم بر این شخص حلال می‌شود.

آیة الله بهجت: اگر در عمره مفرده محصور شده بنا بر احتیاط باید قربانی بفرستد که در وقت معینی قربانی نمایند ... و بعد از این کار تمامی محرمات احرام بر او بجز زن حلال می‌شود و اگر محصور در عمره تمتع باشد حکمش حکم سابق است با این تفاوت که زن هم بر او حلال می‌شود.

آیة الله سیستانی: اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند تا از احرام بیرون آید و اگر نتواند قربانی یا قیمت آن را بفرستد جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روزه بگیرد و در این دو موارد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن.

ص: ۳۱۹

پول آن را بفرستد «(۱)» بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید

۱- - آیه الله خویی: اگر عمره مفرده باشد فرستادن تعیین ندارد بلکه می‌تواند در مکان خودش هدی را ذبح کرده و محلّ شود.

ص: ۳۲۰

تقصیر کند، پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر «(۱)» زن و احتیاط آن است که «(۲)» در ذبح، قصد تحلیل منوب‌عنه کند. «(۳)»

(م ۱۳۸۱)

۵۱۷- کسی که حج واجب «(۴)» به عهده او است و بواسطه مرض، محصور شد زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را بجا «(۵)» بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. «(۶)» و اما کسی که حج او استحبابی

- ۱- آیه الله مکارم: زن هم بر او حلال می‌شود.
- آیه الله بهجت: قبلاً گذشت که در عمره تمتع از زن هم محلّ می‌شود.
- ۲- آیه الله فاضل: و احتیاط مستحب آن است که نایب.
- ۳- آیه الله سیستانی، متعرض این احتیاط نشده‌اند.
- ۴- آیه الله خویی: بین حج واجب و مستحب تفصیل نیست.
- ۵- آیه الله خویی، آیه الله تبریزی: وقتی طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج و یا عمره مفرده بجا آورد آن وقت زن بر او حلال می‌شود. احتیاط این است که قبل از آن با زن نزدیکی نکند.
- آیه الله سیستانی: هر گاه طواف و سعی را در حجی یا عمره‌ای بجا آورد زن بر او حلال خواهد شد.
- آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی: اگر از انجام مناسک روز عید، و یا بعد از روز عید محصور شود باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد، و خودش حلق نماید، و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، و گرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند، و گرنه بنا بر احتیاط باید خودش نماز بگذارد و نایب هم بگیرد، و در صورت امکان در منی بیتوته کند، و در این صورت حجش صحیح است، و در غیر این صورت برای اینکه بیتوته نکرده، بنا بر احتیاط کفاره بدهد. و در اینکه استنابه جهت طواف نساء برای حلّیت زن کافی باشد اشکال است، اگرچه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنابه است.
- آیه الله زنجانی: مسأله از حواشی گذشته روشن شد.
- ۶- در کفایت عمل نایب از آیه الله سیستانی مطلبی در دست نیست.
- آیه الله مکارم: بعد از انجام دستور سابق.

ص: ۳۲۱

بوده بعید نیست «(۱)» کفایت طواف نایب از او، ولکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود. «(۲)»
(۱۳۸۳)

۵۱۸- در احکام حصر و صد فرقی بین عمره و حج استجابی و غیر آن و بین نیابی و غیر آن هر چند نیابت از معصومین علیهم السلام یا شهدا باشد نیست.

۱- - آیه الله سیستانی: حکم محصور که گفته شد اختصاص به حج واجب ندارد.

آیه الله مکارم: در صورتی که قادر بر حج نباشد یا عسر و حرج داشته باشد بنا بر احتیاط واجب.

آیه الله بهجت: در تطوع، حلیت نساء متوقف است بر خصوص طواف نساء به نیابت از او.

آیه الله فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابتی تبرعی یا استیجاری بوده یا حج او واجب بوده و سال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد. و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

۲- - آیه الله فاضل: این احتیاط ترک نشود.

ص: ۳۲۲

گزیده‌ای از سخنان امام خمینی قدس سره

وظیفه مهم آموزش

یکی دیگر از وظایف مهم هم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج.

آموزش مناسک

* علمای اعلام کاروان‌ها از زوّار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند.

بیان محرمات و واجبات

باید آقایان برای مردم جلسه درس قرار بدهند و به مردم، آداب حج، واجبات حج و محرمات حج را بگویند، آدابش هم نشد، نشد،

اما محرمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند.

امر مهم حج

از امور مهمه‌ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروان‌ها وقت شریفشان را صرف آن کنند، یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج

است.

ص: ۳۲۳

بیان مطالب با علم و یقین

مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن، بیان فرمایند.

بیان احکام قبل از عمل

... قبل از اینکه هرکاری را می‌خواهند بکنند، در هر جا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان به قاعده گوشزد کنید

و بگویید، همین طور واجباتش را و محرماتش را.

راهنمایی در وقت عمل

... در وقت اعمال آنان (زائران) نیز مواظب آنها باشید و آنان را هدایت فرمایید.

پرهیز از اعمال نظر

از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود.

نتیجه بیان ناقص

در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا- فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل موجب بطلان عمل و

گرفتاری حجاج محترم و عُسر و حُرَج می‌گردد.

ص: ۳۲۴

آثار زیان‌بار وسواس

وسواس در برنامه‌ها و مراسم و عبادت‌ها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات می‌شود.

بکارگیری تمام توان

حجاج محترم و روحانیون معظم کاروان‌ها، تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند.

حج مطلوب

حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند تا صورت حج، مطابق شرع مطهر

انجام گیرد.

مسئولیت خطیر

روحانیون ... محترم کاروان‌های حج ... تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند.

برنامه‌ریزی متناسب

روحانیون ... محترم کاروان‌ها ... متناسب با حضور قشرهای مختلف؛ اعم از بی‌سواد و باسواد، برای آنان برنامه‌ریزی کنند.

لزوم جدیت روحانیون

باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیاری‌شان مسائل

ص: ۳۲۵

حج را خوب نمی‌دانند مسائل حج را برای اینها بگویید.

استمرار آموزش

باید آقایان ... این جلسات را هر روز داشته باشند.

سادگی در بیان

به روحانیون محترم عرض می‌کنم ... مسائل را به‌طور وضوح که همه کس بفهمد ... به گروه خود یاد دهید.

دقت در بیان مسائل

روحانیون عزیز ... مسائل را به‌طور واضح و دقیق بیان ... کنند.

آموزش با سعه‌صدر

روحانیون ... با سعه‌صدر ... زائران محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی کنند.

برنامه‌ریزی

باید روحانیون به هر کس که در کاروان هست بگویند که روی‌میزان و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد نه اینکه هرج و مرج

باشد و هر که هر طور دلش می‌خواهد عمل بکند.

تأثیر ماندنی حج

... از تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند.

ص: ۳۲۶

آمادگی دلها

... در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است.

سفر الی الله

توجه داشته باشید که سفر حج ... سفر الی الله است.

سفر مبارک

من امیدوارم که ان شاء الله آقایان موفق بشوند با سلامت و پیروزی این سفر مبارک را طی کنند.

تجارت و حج

مباد این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجاری در این سفر مطرح باشد.

سفر تحصیل دنیا

توجه داشته باشید که سفر حج ... سفر تحصیل دنیا نیست.

حج، سفر الی الله

سفر، سفر الی الله است نه سفر به سوی دنیا، آلوده به دنیا نکنید.

احتمال سقوط

بدانید با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش

ص: ۳۲۷

خدای تبارک و تعالی پیدا کنید و ممکن است که خدای نخواستہ سقوط پیدا کنید.

مراقبت از خویش

از خودتان بسیار پاسبانی بکنید.

باید به شدت مواظب حرکات خود بود.

خدایی بودن امور

* شما دارید به طرف خانه خدا می‌روید تمام اموری که دارید انجام می‌دهید به طور الوهیت باید انجام دهید.

رجم شیطان

این سفر الهی را شما می‌روید و رجم شیطان می‌کنید، اگر چنانچه خدای نخواستہ خودتان از جنود شیطان باشید خودتان را هم رجم می‌کنید.

رجم رحمانی

شما باید رحمانی بشوید تا رجمتان رجم جنود رحمان به شیطان باشد.

تلبیه و پذیرش خدا

شما در ... میقات که می‌روید، لبیک به خدا می‌گویید؛ یعنی تو دعوت کردی و ما اجابت، مبدا یک عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر شما را من قبول ندارم، برای اینکه شما اسلامی نیستید.

ص: ۳۲۸

دوری از آلودگی

مواقف کریمه مبادا آلوده بشود به یک معصیتی، به یک خلافی.

بردن آبروی اسلام

این مواقف کریمه مبادا آلوده بشود ... به یک چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود پیش اهل دنیا آبروی اسلام از دست برود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۳۰۴۵-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

